۳۴۸

...ۀ مجلس شورای اسلامی

...تر الوشیک

...آلبو — ترجمه دکتر خلیل ثقفی از فرانسه

۱۶۶۲۰

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۷۸۵

۶

۲۴۸

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب ۲۵۷۷۸۵

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب ترجمه تراکوینت

مؤلف دکتر آلبوت — ترجمه دکتر خلیل ثقفی اعزاز

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۶۶۲۵

۶

۱۴

ناصری

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۶۶۲۰

شماره ثبت کتاب ۲۵۷۷۸۵

شیرزاد قسمت ۱۸

؟ نقشی ۳۱۱

؟ پیروزی ۳۲۴

؟ علفه ۵۷۹

۱۶۶۲۰
―――
۲۰۷۷۸۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

۲

۱۶۶۲۰
۲۰۷۷۸۵

بسم الله الرحمن الرحیم

در کلیات طراپوطیک

فصل اول — در مطالب کلیه

کلمه طراپوطیک از زبان یونانی اخذ شده معنی آن پیش بینی در وتسکین و معالجه امراض است ولی در این عصر اولی را که پیش بینی از امراض است از طراپوطیک جدا کرده و علم جدیدی قرار داده اند و عبارتست از علم حفظ صحت —

Prophylaxis

طراپوطیک مقصد و علت غائی تمام شعب علوم طبیه است علم فیزیک و شیمی و دلگاه شناسی و تشریح در حالت صحت و نیز فیزیولوژی صحی و مرضی و تشریح مرضی و کلینیک مبنای علم طراپوطیک اند و بدون تحصیل این علوم علم طراپوطیک فقط تجربی و بدون دلیل مانده ولی در صورتیکه معرفت باحوال انسان سالم و مریض حاصل شود علم

طراپوطیک اشرف و بهترین تمام علوم میشود، غایت آن طبیب میتواند خدمت دستی در مرض داده یا اثر معالجه را پیش بینی مطالبی را که قبل از وقت باید در طراپوطیک تحصیل کرده و مسلم داشت تعیین سبب مرض و معرفت بعلامات و تشخیص و مقدمة المعرفة امراض است —

قدما اطبا را گاهی بر وفق طرز کشف و معالجه امراض باسامی مخصوصه موسوم مینمودند مثلاً بعضی اطبای معالج از جلدی میتدینه زیرا که انبساطیه امراض را بواسطه اقسام دلک و اطلیه و مروخات معالجه مینمودند یعنی فقط تدابیری بکار میبردند که اهمیت از جلد نفوذ داده و طایفه دیگر اطبای معالج بریاضات مینمودند وقتی ملیهدان ولی بعد اطبا به پنج فرقه منقسم میشوند (۱) اطبای قانونی که رئیس ایشان بقراط بود و مخصوصاً این اطبا در باب معرفت علامات مرض و اسباب ظاهر آن و دلایل دیگر مخصوصه دلگشوهای معتقد بخیالات و عقاید ایشان آنها را بتحصیل تشریح کشانیده و از جمله اصول عقاید این پیروان

موسوم بمدرسهٔ کمّی بود فرض اخلاط اربعه (خون صفرا سودا و بلغم) و تحقیق طبایع
آنها و نیز استحاله و نضج است و باعث حرارت غریزیه اخلاط مبدل
بیکدیگر شده و نیز باعث حرارت غریبه اخلاط فاسده به نضج رسیده
و دیگر بحران است و اخلاط فاسدِ نضج یافته را دفع می‌نماید — بالاخره از جملهٔ
اصول مسلمهٔ این مدرسه معرفت اوضاع مرضیه است و مبنای آن بر فرض اخلاط
و نضج و بحران و معرفت رفتار تمام امراض یا اقلاً معرفت رفتار امراض حادّه است

(۲) فرقهٔ دوم — اطبای تجربی بودند و رئیس ایشان سرافیون است انطاکیه
مخصوصاً تمام مطالب را راجع بعلاج و نتایج تجربی میگفتند و ما عجب که این مدرسه
دانست این بود مطلقاً از تشریح و فیزیولوژی کناره کرده و میگفتند معرفت
این علوم جز ازدیاد دلایل و تکمیلات فایده دیگری ندارد —

(۳) فرقهٔ سیم — اطبای اصولیه یا مدرسهٔ اسکلپیاد و مخترع قانون آنها
شده بود و تمیزن از اطبای مشهور لادسه بود و در اواخر قرن اول مسیحی

حیات داشت باعث شیوع این عقیده شد ایشان تمام امراض را از انقباض
یا از استرخا و یا از حالت مرکبه و متوسطه از این دو حاصل دانند —

(۴) فرقهٔ چهارم — اطبای هوائیه بودند و رئیس آن اثنه از شهر اتالیا
در همان قرن اول مسیحی بود ایشان سبب حمیات و بسیاری قسم اسباب
تمام امراض سه را از اثر جوهر هوائی میدانسته و آنرا در تمام اجزای جامده و مایعهٔ
بدن عاملی و منتشر می‌پنداشتند —

(۵) بالاخره فرقهٔ پنجم اطبای انتخابیه اند و متقدمین ایشان اگاتینوس
اسپارتی و ارشیژن اپامه بودند ایشان مطالب علمیه و تجربیات و اصول
را باهم سنجیده قواعد کثیره منتخب نمودند —

سه چهار قرن پس از عصر حضرت مسیح علیه السلام طب جالینوس منتشر شد
و اصول آن فرض اخلاط و استحاله و نضج و سایر قواعد منتخبه از مدرسه‌های قدیمه است
جالینوس در اواخر قرن دوم مسیحی در شهر رم حیات داشت و معرفت بسایل

تشریح و فیزیولوژی و پاتولوژی داشته متقن قانونی شده و قرن‌ها عدهٔ
مقبول و معمول بوده مخصوصاً اعراب بتألیف این حکیم بسیار خوب ضبط نموده
(علی‌الخصوص شیخ ابوعلی سینا شخص بزرگ طب جالینوسی را تکمیل نموده) این
طب اکنون نیز در مشرق زمین متداول و در مغرب زمین هم تا قرن
شانزدهم مسیحی شیوع داشت ولی از آن زمان ببعد تتبع و اعمال شیمیائیه
و از اعمال دیگر بر علم کیمیا منکشف شده باعث بر آن گشت که
طب جالینوسی کم کم در اروپا روی بنقصان گذارد (پاراکلسوس و هلمینت
تا در این اوان که علم طب بکلی علم جدیدی شده و ترقیات تامه در آن
دست داده است) ولی در ایران هنوز طب قدیم باقی و مسائل اصلیه
جالینوسی در این مملکت منتشر و معمول است زیرا که مبنای طب ایرانی‌ها بر
فرض تغییرات اخلاط اربعه و امثال آنهاست) در این عصر علم طب
جدید در فرنگستان بدرجه رسیده است که پراتیک نیز مانند سایر شعب

طبیه از جمله علومی شده است که بسبب آن تتبع از اعمال مخصوصه تمام
بدقت جاری شده و مادی بقوانین کلیه شده‌اند و بکلی این علم از اسباب
فرضیه و اعمال عجیبه مربوط بکمالات واهیه نجومی و سحری کهنه و دور
از گفتمان ادعیه و طلسمات و اعمال سحریه و نیز عقاید و تشریفات
مذهبیه و زیارات بکلی رها داده لکن مشرفه و امثال آنها را بهیچ وجه
در معالجه امراض مؤثر نمی‌دانند و فقط علاج امراض را منوط به آثار
طبیعی می‌دانند و اثر ادویه‌جات در بدن انسان و حیوانات تجربه
کرده می‌باشند و اکثر مسائل علم علاج مربوط و مبتنی بر معلومات و
مسائل علوم طبیعیه است که عبارت است از فیزیک و شیمی و تشریح
و فیزیولوژی و امثال آنها ولی نه بهره در معالجات تمام آثار و خواص
در هر موقعی حتمی و محقق دانست بلکه خصوصیات مزاج را نیز نباید
از دست داده و همیشه در تحت نظر داشته باشند و آنها عبارت است از

از درجه شدت و خفت مرض و کثرت و قلت سن و اختلاف
نژاد و مزاج و حالات بدنیه و تذکیر و تأنیث و سوء مزاجهای معین
قسم و وضع تربیت و مشاعر و عادات و اخلاق و حسن و نواقص
و معایب و صفات خانواده و مسقط الرأس و شغل و قرن و مقاومت
شخص در برابر مؤثرات طبیعیه و مرضیه و بالاخره درجه قوت طبیعت
شخص و مطلق لزوم امتیازاتی که باعث امتیاز افراد یک نوع و عدم
شباهت هر دو نفری بیکدیگر است و چون طبیب خوب ملتفت این
مسائل باشد میداند که علم العلاج مانند علوم ریاضیه نیست که اصول
و مسائل آنها همیشه تغییر ناپذیر و متحد است —

در علم العلاج باید ملتفت آن بود که علاج را نباید مجری داشت
مگر در حدودی که اطمینان بآن داشته باشند و این در صورتی است
که طرق مخصوصه را متابعت و پیروی نمایند و این طرق از روی تحقیق

باعث هدایت طبیب شوند با استعمال وسایط حفظ صحی و تدابیر علاجیه
که مربوط بمرض و مریض است و نباید مانند اطبائی که فقط تجربی‌اند رفتار
نموده و این اطبا بمحض تجربت غیر کامله و مثلا همین که در یک موقع دوائی
فلان چیز را باعث اثر مخصوصی شد بهمان اکتفا نموده و دلیلی و حکمی در
استعمال آن لازم ندانند بلکه علاج موافق قانون آنست که از
روی تتبع و استقراء باعانت قواعد علمیه و وسایط مخصوصه و معالجه
استعمال شود که مطابق با علم و عمل باشند و وسایطی که عموما در علاج
معمول است عبارت است از وسایط طبیعیه و تأثیرات نفسانیه و قواعد
حفظ صحی و دوائی و جراحی و راهی که طبیب باید پیش گرفته و در معالجات
بمقصد خود رسد همان سه چیز است که از اصول طبیعت اتخاذ
و مسائل بدست میاید اولین کاری که طبیب جهت معرفت طرق معالجه
و طریقه علاج باید مجری دارد امتحان مریض است و مقصود از امتحان

مریض استعلام مطالب ذیل است تعیین معرفت صحیح در حالت غیر
طبیعی مریض و تعیین حالات سابقه و فعلیه مریض و تشخیص و تقدمة المعرفه
را پس از معلوم شدن آنها در مقام معالجه توان برآمد —

اشارات و مواقع عمومیه علاج — پس از آن که امتحان مریض
مجری شد، به کلیه سه نوع معالجه ذیل را مجری داشت اول علاج سببی
دوم علاج اصلی، علاج مرض سیم علاج علامات و عوارض —

(۱) معالجه سببی — مقصود از این معالجه آن است که در صورت
امکان تمام اسباب مرضیه مریض و مخصوصاً اسباب واصله و دائمیه را
برطرف نماید طبیب ماهر و حاذق اغلب بصیرت علیه مخصوص
اسباب مرضیه پیدا میکند و مخصوصاً تفرقه و اضمحلال عوامل مؤثره
از جمله مساعی و مشغولیات است که هیچوقت نباید طبیب از آنها غفلت

(۲) معالجه اصلیه، علاج مرض — در این نوع طبیب مخصوصاً کلیه هم خود را رفع

نموده دیگر به اسباب واصله مرض و خود مرض مصروف داشته و در این قسم معالجه
همیشه باید این نکته را منظور دارند که هیچوقت با قوه مدبره طبیعت مخالفت
ننموده بلکه با آن مرافقت و موافقت کنند و در ترتیب و استیلای آن
بکوشند و نیز شرایط و اسباب رجوع صحت سالم فراهم آورند و در مقام
منع اسباب و شرایط مضره و غیر حمیده برآیند و وسایطی که در این
نوع معالجه بکار میبرند همان طرق و اقسام استعلاجیه است که سابقاً
ذکر نمودیم —

(۳) معالجه علامتی، عوارض — مخصوصاً این قسم علاج جهت رفع عوارض
بسیار مشخص و سودمند مرض است که گاهی مانع حصول شفای خود مرض
میگردند و مقصود از استعمال علاج علامتی گاهی تخفیف و گاهی اضمحلال
علامات و عوارض است و بعضی اوقات مقصود ظهور و تعیین و حصول آنهاست
شهرت بهترین وسایط علاجیه و اکثر ادویه جات محض همین است اراده

رفع عوارض و علامات مفید واقع شود چنانکه بعضی خاصیت است که
افیونیات در اوجاع و قی و بیخوابی داشته و استعمال آنها معمول است اگرچه معالجه علامات
بسیار مستعمل و مفید است ولی اغلب جهت اجرای آن موانع کثیره بهم میرسد
چنانکه هرگاه علاج اصل مرض ممکن الاجرا باشد ترجیح دادن علاج عوارض
مذموم بلکه گاهی مضر است مثلاً در مریض مرض سل اوجاع صدریه باشد
و کمی ضعیف است و نتواند سرفه و اخراج نفث کند تجویز تریاک
خبط و مذموم است و مخصوصاً گاهی بدی و مذمت این قانون وقتی بیشتر خواهد بود
که طبیب اثر قانون دائمی و شیوه همیشگی خود این نوع سلیقه علاجیه
مانع تحقیقات تامه در امتحان مریض شد و طبیب فقط اعتنا بظاهر
امراض و عوارض آنها نموده در صدد رفع خود مرض نیست —
بالجمله مقصود از علاج چنانکه در گذشته فقرات ذکر است اولاً
پیش بینی از مرض و حفظ صحت ثانیاً استعلاج و استخلاص مریض است

یعنی طرق مخصوصه که در جهت استدامه و بقای حیات لازم است مجری
دارند ثالثاً تخفیف در مرض دهند یعنی مشقت‌ها و الم‌های مریض که
بتوسط تدابیر دقیقه ساکن نمایند و تسلیتها دهند و دانستن که اطبا محکوم
باین حکم است معالجه کنند اگر ممکن است خفت دهند در اغلب
اوقات و تسلی دهند همیشه و نیز اگر لازم باشد مرگ که آسان
و ملایم نمایند —

فصل چهارم — در مطالب مخصوصه از طرائق طبیه عمومی

گفتگو در وسائط معموله در طرائق طبیه عمومی

در میان طبیعت علاجیه — از جمله مطالبی که طبیب نباید هیچوقت غفلت
و فراموش نماید این است که یک قسمت از امراض قدر آن است که فقط
بمحض اثر طبیعت و بدون معالجه شفا توانند یافت چنانکه قدمای
یونان نیز بدین مطلب معترف شده گفته‌اند الطبیعة تعالج الامراض

واین از جمله مطالب محققه ومسائل غیر مشکوک است وهمان طبیعت است
که اولین طبیب است ومقصود از علم معالجهٔ طبی جراءت وموفق
نمودن طبیعت وتقلید آن ورویهٔ نمودن اعمال علاجیه طبیعیه چیز دیگر
نیست ومقصود از علم معالجهٔ طبیعیه البته که معرفت برفتار
طبیعیهٔ مرض ویا بجام آن درصورتیکه فقط بطبیعت واگذارده شده باشد
ونیز تعیین نوع وضعف مرض وسن مریض ومطلقاً تمام حالات
متعلقه بآن حاصل شود است درصورتیکه طبیب عارف بطرز رفتار
قوه مدبره طبیعی باشد می تواند برحسب موقع اقدام باستعمال تدبیر علاجی نموده
یا از آن احتراز جوید درصورتیکه تدابیر علاجیه را بکار برده که خواهند
مرض سیر راجع ویا یک رابطه مستقیمی نموده وبالعکس از تدبیر علاجی قطع
نموده باشد نمود شفا ننموده یا برخلاف حاصل گردد ویا آنکه هیچوقت رجوع
بسلامت دست نه دهد پس چون این قانون کلیه را که موافقت با طبیعت

وعدم ایذای آن است ملحوظ داشته باشیم ملتفت این مسئله که علم علاج
جهت اجرای تدابیر ما که لازمه اتفاقیه ومخالفه با طبیعت وضع شده است
وطبیب وقتی ماهر وحاذق خواهد بود که این ملاحظه را همیشه در پیش چشم
داشته باشد پس طرز وطریق در حقیقت عبارت از علم بمواقع
دانستن آن است در باب احتراز یا اقدام بتدابیری که موافق ومعین
قوه مدبره او ویا به ملتفت آن بوده که تمام امراض بدون مداخله
وسایط طبیه بتبدیل شفا نتوانند شد وآن مسئله که تمام امراض را
واگذارده بطبیعت نماید خبط محض واغراق بالفطرت ومشکل
نیست که طبیعت محتاج بوسایطی است که امور معین آنها وتکلیف
طبیب بمعرفت وتعیین آن وسایط است که باید دانست که
طبیعت از چه مسلک وچه طرز امراض را معالجه می نماید پس میگویم
وسایطی که در رفع امراض بکار میبرند همان اعمال مخصوصه حیاتیه اند

از تقادم و ضعف اسباب و موجبات موت اند و نیز همان قواعد
فیزیولوژی از باعث بقا و قوام بدن و همان قوای از موجب انتظام
طبیعی بدن اند و در این مواقع بکار روند و چون بواسطه تأثرات غیرطبیعیه
اختلالی در انتظام طبیعی روی داده باشد طبیعت بتوسط همان اسباب
مذکوره آن را دفع مینماید چنانکه در فیزیولوژی ذکر نمودیم تمام اعمال
صحیه بدن در سلولها مجری میشود باید ملتفت آن بود که اجرای
اعمال مرضیه نیز در همان سلولهاست —

در بیان سلول — بملاحظهٔ فیزیولوژی سلولها عبارت اند از
آلات کوچکی که مطیع حیات مجموعی بدن اند ولی جزء بدن
و دارای قوهٔ حیواتیهٔ مخصوصه اند حرکت نموده تغذیه و ترشح کرده تغییر
شکل داده مرده و تولید شده مختصراً دارای تمام آثار حیواتیه اند
از مایعات غاذیه که احاطه بر آنها دارند مواد لازمه جهت نمو و اعمال

خود لازم دارند اخذ نموده و بهمین واسطه سلولها لاینقطع متحمل اعمال و ابنیه
تجزیه و ترکیب وقت بوقت مکلف اند علاوه بر این مواد جدیده تولید نموده
و ترشحات حقیقةً احداث کنند چنانکه اجزای صفرا و رطوبت معده
و آب دهان وغیرها از سلولها حاصل شده و مخصوصاً یک طبقه سلولهای
ترشحیه موجبه بر از بملاحظهٔ فیزیولوژی و پاطولوژی کمال اهمیت را دارند و بهمین
جهت است که از آنها تا که اصلیه مانند حصول ترشح آنها عموماً بدون شکل
مخصوصی است دار سلولهای قریب الوجود یا از سلولهای سابق الوجود بوجود
آمده ممکن است بحالت معین باقی بماند و در این صورت عبارت
از مایعات بین سلولهاست یا آنکه منجمد شده اغلب انساج بدن را
میسازند تبدلات عارضه در سلولها و تشکیلات مختلفه آنها
بسیار زیاد است و بواسطه همین تبدلات صوریه است که سلولها
ممتد یا مجوف شده بشکل الیاف یا مجاری درآمده یا منشعب گشته تولید

شبکه‌های منظم و یا قطعه قطعه گشته تولید الیاف و انسج لیفیه صغیره منظم
و یا نزد هم قرار گرفته ملتئم شده تولید اغشیه می‌نمایند و مختصراً بواسطه
همین تغیرات شکلی و تبدیلات که سلولها می‌توانند در نشو و نما
و در اعمال مفیده خود بکار برده شوند ولی باید دانست که آثار حیاتیه سلولها
برحسب موضعشان بسیار مختلف است چنانکه بعضی علامات حیاتی و اعمال و تغیرات
غذائیه و تحلیلیه بسر برده بالعکس بعضی دیگر علی الظاهر بدون حیات و زندگانی
اند مخفی و غیر مشهود است و وقتیکه اثر و تحریک مخصوص آنها را بیدار کرده
دوباره بکار وادارد و همین قسم از حیات و اعمال صحیحه در سلولها مجری میشود
همین طور اعمال و حیات غیر صحیحه یعنی مرض نیز از اختلالات عارضه
در اعمال سلولها تولید گردد ولی همین که سلولهای مریض شده لا انقطاع
سعی و دوران می‌کنند که بحالت صحیحه خود رجعت نمایند و قانون رجوع بصحت
و مرمت مرضی یعنی همان قانون اعمال و آثار اولیه است —

در بیان قوانین رجوع بصحت و مرمت مرض

رفع و مرمت اختلالات مرضیه بواسطه همان اعمال سلولها حاصل
میشود و شفای مرض عبارتست از رجوع عناصر تشریحیه و اعمال طبیعیه
بحالت صحیه اصلیه خود و بدین واسطه اختلالات عارضه در اعمال
بالمره رفع شده و انتظام طبیعی رجعت مینماید جهت تبیین این مطلب
چند مثال ذکر کنیم هرگاه در قسمتی از بدن بعضی از اجزاء منفصل و منقطع
شوند دوباره ملتئم شده و نیز در صورتیکه اجزای نسجیه منهدم و منقطع
شده باشند دوباره بعضی اجزای طبیعیه تولید شده بعینها همان اجزای
سابقه را نه بلکه ممکن است در بعضی مواقع عضوی بالتمام تولید شود چنانکه
هرگاه جلیدیه را از علاقه خود بیرون آورند دوباره تولید شده
و همین قسم عظام طویله را چون از ضریع جدا کرده خارج نمایند از نو تولید
کرده و نیز در صورتیکه جراحتی در جلد روی داده باعث انفتاح الیاف

عصبا نیز آن شده باشد چه هر گاه در آن الیاف تولید کیس نموده و نیز اگر
سبب و اثر مرض باعث حدوث ورم و انسداد عروق و ترشح شود
برفعی در آن مایه مترشحه عروق صغار جدیدة التولید ظاهر شده باعث
سهولت جذب آن مایه در سلسله آن ورم شود تا آنکه ورم زایل گردد
و از این زودی معلوم شود که عمل تحلیل بتوسط سلول ها حاصل گشته یعنی
بواسطه اعمال و آثار فیزیولوژیه و شیمیائیه جوف رطوبتی را (یا بلاسطما را) مابین عناصر
تشریحیه انساج متشرحه و مورث احتقان انها شده است جذب
مینماید —

(تبصره) — بلاسطم یا سیطو بلاسطم عبارتست از مایه رقیق
القوام دانه دانه دار که بدون شکل مخصوص آنکه در میان انساج
و اعوای متوره مترشح شده برفعی نسج جامد یا جامد کرده و سلولهای
صحیحه و مرضیه از بلاسطم صحی یا مرضی تولید شده زنده که نسج متراکم و منزایده

میشود و در صورت دیگر ترشح و رمی بقدری زیاد است که بواسطه عروق
شعریه قلیلة العدد جدیدة التولید مجذوب نتواند شد و در این وقت
مایه مترشحه مبدل بریم شده و بواسطه اثر و عمل جدیدی از انساج عبور کرده
یا بجلد یا یکی از تجاویف رسیده منفجر گردد —

و نیز اگر اتفاق افتد که جسم خارجی در انساج حیه داخل شده باشد
در این صورت یا بواسطه عمل طبیعی علاقی بر آن احاطه کرده و از ایمرور
مینماید و یا آنکه جسم خارجی باعث ورم و تقیح شده با ریم خارج شود
و نیز میدانیم که در جراحات بلاسطم مترشح یا بلافاصله باعث
التیام میگردد و یا آنکه التیام ثانوی باعث شفای انها میشود
و نیز هر گاه استخوانی منکسر گردد مایع مخصوص از ضریع در جروح مکور
ترشح نموده باعث تولید و تشدید متحکمه از طرف منکسره عظم شده
هم پیوسته در قطعه آن سه بیکدیگر مستحکم و سخت میکند —

بالجمله پس از ذکر این امثله چنین مستفاد میشود که قانون ازاله مرض
و مرمت آن بواسطه اعمال طبیعیه اصلیه کلیه و عمومیه حاصل که فایده
آنها تغییر شکل و انهدام و اخراج و انفراز محصولات و مولدات مرض در بدن
بواسطه اسباب مختلفه و کثیره مرضیه حاصل گردیده‌اند و همیشه در تمام
بدن نزاعی مابین اسباب حافظه و اسباب مخربه موجود است پس
باید در طبیعت آن قوت طبیعی و قدرت مدبره قوی شود که معالج
آفات موذیه و مخربه بدن است و این قانون اصلی است کلی و عمومی
که هر اثر دخلی بمرض باعث حدوث فعل و انفعالی در بدن میگردد که
طبیعت بضد آن اثر که هر دو در صدد دفع آن بر میآید و در اغلب
حالات بهمین نوع است که امراض بواسطه آثار طبیعیه شفا یابند
ولی اگر مرض شدید و یا آثار مرضیه زیاد خطیر باشند اغلب چنین اتفاق
افتد که فرصت و موقع فعل و انفعال طبیعت دست نداده و عمل طبیعت

را مصادم و ممانع است بمحض اینکه شروع نمود قوت مخربه مخالف مانع عمل
آن شده و باعث انقطاع اثر آن گردیده و در این وقت است که مرگ دست
میدهد پس مختصراً باید دانست که قوه مدبره طبیعی قاعده و بنیان
طراپوطیک جدید بر آن است و طبیب را معرفت بدان داشته و
ورنه نداند طبیب است عامی و جاهلی که فقط از روی تجربه کار کند —

در بیان آثار نفسانیه در معالجه امراض — اثر ترغیب و راحت نفس
در رفتار امراض و خصوصاً در رفتار امراض حاده از جمله مسائل است که
حکمای بزرگ نیز از قدیم الایام معرفت بدان داشته‌اند از جمله تکالیف
لازمه طبیب این است طوری رفتار نماید که مریض اعتماد تام و ثابت و مطلق با او
داشته باشد با او بکیفیت نیکو و تلطف رفتار کند و ویرا مانند برادر
بنماید اگرچه در حین تشخیص با او امتحانات لازمه و کافیه بعمل آورد
ولی باید همیشه ملاحظه حوصله و طاقت مریض را نموده از طب نفسانی ...

مانند اثرات تربیه عمده و عظیم شمرده و نباید از آن صرف نظر کرده در ورطه فراموشی
انداخت بلکه در معالجه باید آثار روحیه را در اعمال طبیه از قوت نفسانیه جاری
میشود منتظم و منظم داشت. تجربیات و عقاید و خیالات باعث آنست
که انسان دارای منابع و مبادی غیر متناهی هستند و در طول عمر شده و این نکته در معالجات
طبیه واسطه بسیار معالجات را از آن سال اثر قوت نفسانیه مانند معاونین
و دستیاران این قوت عبارت است از رجا و تلقینه و امید و اثر غیب
تخیل همان در باب حفظ صحت است بلکه در ظهور و خفای امراض نیز اثر
تامی دارد و چندین هزار اراشیه و تجارب صحیحه در تحقیق این مسئله در دست است
و سبب اغلب آثاری که عوام از جمله خوارق عادات و معجزات چشم بدید
و مسمی میدارند حقیقت سبب همان آثاری که نتیجه تخیلات و اوهام است —
تقلید هم مانند تخیل ممکن است باعث حصول امراض کثیره شود مخصوصا
امراض عصبانیه از تعدی ذنف ولی باید دانست که تقلید نیز وسیله از استعلاج

تواند شد و بدین ملاحظه آن را باید در علم علاج منظور داشته منتظم و مفید
و منتج داشت بالاخره حتی المقدور باید سعی کرد که مریض امید شفا دارد و جهت
حصول این مقصود باید تمام وسائل و وسائط بشود جهت حصول اعتماد
و اعتقاد کامل مریض لازم است ملحوظ داشته همه وقت ملتفت آن باشند
که بهیچوجه رفتار یا کلامی از ایشان شود که موجب دلتنگی و یأس
و اغتشاش حواس مریض گردد علاوه بر اینها باید پرستار مریض
بر وفق میل دستور العمل طبیب رفتار کرده هیچ وقت بدون تصدیق
در مأکولات و مشروبات و نظم و نسق فقط در عهده طبیب است که
دائما تصدیق و حالیه لازمه و مفیده را مجری دارد —

در بیان وسائط حفظ صحت و دیر پیری — در تمام قرون و اعصار
این وسائط را تمام اطبا کماهو حقه عمده و معظم شمرده و می‌شمرند بقراط
و جالینوس و تمام قدما بعضی از این وسائط را در اول درجه میدانستند

علاجی شود رفع میشود چنانکه این مطلب از مطالعه رسائل و کتب بقراط
و جالینوس و سفریوس و سینا و امثال ایشان واز تدقیق و تحقیق
در اعمال معالجین حاذقه این عصر نیکو مستفاد تواند شد —

همیشه مریض باید مطیع شروط و قوانین پرهیزی و حفظ صحت گشته منفعت
ببینند ولی باید دانست که این شروط و دستور کدامند پس میگوئیم
معرفت تغذیه در پرهیز مبنی و موکول به معرفت فیزیولوژی تغذیه
و تدبیر غذای صحی و نیز موقوف بر قوانین مشهوره حفظ صحت طبیعیه
یا طبیعت حافظ الصحه است —

در بیان مسائل حفظ صحت و پرهیز — از علوم حفظ صحت طبیعیست
بر افعال و آثار فیزیولوژیه و شیمیائیه و تغذیه و تنفس —

در بیان فوائد تغذیه — باید متذکر شد که عناصر و اجزای
اغذیه در دو موقع بکار میروند یکی در تنمیه و تبدیل یا تحلیل انساج و دیگر

در حفظ و استدامه حرارت بدنیه اما جهت تنمیه و تبدیل
انساج باید غذا دارای اجزائی باشد که بعینها همان اجزای داخلیه
در ترکیب انساج است یا بعبارت اخری باید دارای اجزای متموّیه باشند
که جهت تنمیه و تبدیل لازم است پس غذائی که جهت تنمیه و تبدیل
بکار میرود باید ترکیب آن بعینه همان ترکیب نسج باشد یا کمال
شباهت را با آن داشته باشد و هر قدر ترکیب طبیعی غذا نزدیک تر
بآن حد باشد تغذیه آن بیشتر خواهد بود حرارت بدنیه از
احتراق دو عنصر که جهت حدوث آن لازمند حاصل میشود یکی کاربن
و دیگری اکسیژن است که باعث احتراق کاربن میشود غذاهائی
دارای این شرط و خاصیت باشند یعنی هم در تنمیه و تبدیل و هم در
حدوث و بقای حرارت بدنیه بکار میروند موسومند بغذاهای تامه
و کامله و اغذیه که فقط جهت حصول کاربن یعنی در احتراق و تنفس

بکار برده شوند موسوم اند باغذیه تنفسیه و احتراقیه و بالعکس انهائیکه مخصوص
جهت تنمیه و تبدیل یا تجدید نسوج اند مسمّی باغذیه تنمیه یا تبدیلیه اند
هر قدر مایه آلبومینی این قسم اغذیه زیادتر باشد در تغذیه قوی
تر اند و در قسم اول هر قدر مواد ایدروژن کاربونه و سوختیات
بیشتر باشد بهتر است پس اغذیه وارده بدن بنسبت لاتغیر
محفوظ شده بتوانند در هر دو قسم تغذیه بکار روند و بنابراین
غذای صحیح و طبیعی غذائیست معین که دارای ترکیب مخصوص شیمیائی
و اغذیه طبیعیه که دارای خواص مختلفه معینه و حتی المقدور در ترکیب
انها نزدیک بترکیب غذای کامل بوده ولیکن از تبدیل کون دارای
آثار و خواص آن باشد پس غذاهائی با تعیین کرده جهت
هر نوع تغذیه مذکوره لازم و واجب اند انکه بدان واسطه سلامتی بدن
مستقر بوده و وجه تکمیلات و اتلافات اننیه غیر منقطعه مواد

جدیده بمقدار کافی و بصفات لایقه از اغذیه اخذ شده تعادل صحی برقرار
و تغییر ناپذیر باشد —

بدل ما یتحلل متوسط هر روز در اول باید مساوی با تکمیلات و اتلافات
حاصله در همان مدت باشد و چون حد وسط را اختیار کنیم میدانیم
که در مدت ۲۴ ساعت از بدن انسان شاب تقریباً ۴ مثقال
ازت تحلیل رفته و چهار سیر کاربن محترق میگردد پس هرگاه
انسان غذای خود را منحصر بنان کند یا اینکه فقط گوشت بخورد
تلافی این دو عنصر مذکوره بمقدار مسطور نتواند نمود مثلاً یک
مثقال نان تقریباً یک سیر کاربن و فقط پنج نخود ازت دارد پس
اگر بخواهیم انقدر نان بخوریم که چهار مثقال ازت وارد بدن شود
باید در یک شبانه روز نیم من و پنج سیر نان خورد ولی در این مقدار
نان هفت سیر و نیم کاربن موجود است یعنی سه سیر آن زیاد است

و همین قسم میگوئیم هفت مثقال گوشت دارای دو مثقال کاربن و ۱۵ نخود
ازت است پس بجهت اینکه چهار مثقال ازت از گوشت اخذ نمائیم
باید هشت سیر و ده ازدهم مثقال گوشت خورد و هرگاه بخواهیم مقدار کاربن
را که در مدت ۲۴ ساعت لازم است یعنی چهار سیر کاربن از خوردن
گوشت بدست آوریم باید در یک شبانه روز مقدار زیادی یعنی ۷۳۴ سیر و
نیم گوشت خورد —

هر یک از این دو نوع تغذیه موجب احداث اعمالی شده در معده
مریض ولی جمع گوشت و نان سیاه بمقدار معین بهم منضم کرده و از آن
تغذیه نمایند بطوری که کاربن و ازت لازمه بمقدار کافی وارد بدن
گردد میتوان نمونه و سرمشقی جهت تغذیه بدست آورد که باعث
افراط معده نگردد و شرط ممکن الاجرای لازمه نیز بعمل آمده باشد
یعنی باید ۱۳ سیر نان که دارای چهار سیر کاربن و دو مثقال ازت است

با چهار سیر گوشت که دارای شش مثقال کاربن و دو مثقال ازت است
در مدت ۲۴ ساعت بخورند که مجموع این غذا دارای چهار سیر و شش
مثقال کاربن و ۴ مثقال ازت است و میتوان بهمین قسم
سایر اغذیه را باهم ترکیب نمود و تدبیر غذائی را متعدد و گوناگون
کنند ولی همیشه باید شرط کلی را که عبارتست از وجود عنصر لازمه
تغذیه طبیعی بصفات و مقادیر واجبه منظور داشت —

تبصره — در بیان صفات اغذیه مختلفه — صفات اغذیه
مستفاد از ترکیب شیمیائی آنها است جهت تعیین مقدار تغذیه هر عدد
مجبور برآنیم که از قبیل تجزیه شیمیائی و غیر آن نتایج اتفاقی هائی که تجارب
که در تجزیه مواد غذائیه بکار رفته اند معین و معلوم در دست داشته
باشند ولی از اتفاقات نیک آن است که لازم نیست هر یک از
این اغذیه را باقصی درجه تجزیه نمود زیرا که هر غذای حیوانی یا نباتی الا احصر

مجزی بعضی عناصر معینه تشکیل شده قلیل العده و موسوم بعناصر بلاواسطه اند
و این اجزا بواسطه آخرین تجزیه مانند تمام انساج اجسام حیه منتهی
میشوند به ازت و کاربن و اکسیژن و ایدروژن، بشمار اصطلاح عناصر اولیه
و ابدا در انساج عناصر اولیه، دارای ازت اند (که آنها را
ترکیبات رباعیه نامند) و یا بدون ازت اند (ترکیبات
ثلاثیه) قسم اول از ترکیب چهار عنصر مزبور السابق الذکر
حاصل شوند و ترکیبات ثلاثیه دارای کاربن و اکسیژن و ایدروژن اند
اغذیه ازت دار (که عبارت اند از غذاهای سفیده البیض، البومین
در تغذیه نسج بکار میروند زیرا که باعث استمرار و نمو و مرمت انساج
شده بدل مایتحلل انها میشوند و این سلسله اغذیه (که عبارت اند
از البومین و فیبرین و کازئین و ژلاتین و امثال انها) در غذاهای
حیوانی الاصل غلبه دارند (که عبارت اند از لحوم شیر و تخم مرغ و امثال انها)

در غذاهای حیوانی الاصل غلبه دارند (که عبارت اند از لحوم و شیر و تخم مرغ
و امثال انها) ترکیبات ثلاثیه فقط در حصول مایه لازمه احتراق بکار رفته
و موجب استدامه و حصول حرارت بدن میشوند غذاهائی که دارای این
ترکیبات اند موسوم اند باغذیه تنفسیه و احتراقیه این مواد بی ازت در
نباتات بیشتر اند و خصوصا در اروینه ها و مواد نشاسته (از قبیل غلات
و حبوبات و سبزیات و آرد و نان) و صمغ و قند و در مواد دهنیه
(مانند دهنیات نباتیه و حیوانیه) بیشتر موجود اند —
خوبی غذا نه همان مربوط بکثرت مواد مغذیه آن است بلکه قابلیت
هضم نیز در جهت آن کمال مداخلت را دارد و قابلیت هضم غذا
گاهی مستند بسرعت و سهولت انهضام و دخول آن در خون وگاه
مستند است بتغذیه کثیر از شرایط معینه مانند سن حیوان و جزء
ماکول و خصوصا وضع تهیه که بغذا میدهند نیز مداخله تامی در انهضام

دارد حالت قابلیت تغذیه بعضی مواد را بترتیب از اعلی با دنی مذکور
میداریم لبنیات بستثنای پنیر تخم مرغ خام یا پخته ماهی تازه طیور سینه
یا سفید گوشت کبابی شکار و سایر حیوانات پستاندار الکول اللحم
نان میوه‌های رسیده اقسام سیب زمینی حبوبات سبزی الات
و نباتات اقسام کلوچه و شیرینی الات —

در بیان درجات تغذیه اغذیه در صورتیکه انضمام آنها را نیز ملاحظه
نمائیم — مذکور داشتیم که درجه تغذیه اغذیه منتسب است بمقدار
کمی از مواد البومین محتویه در آنها و نیز معلوم شد که اصل بنا و قوام بدن
حیوانی همین مواد البومین است و این مواد بهیچ طور در آن چه بدن
موجود است در مایعات آن نیز یافت میشوند در اقسام مختلفه
البومین اجزای بنیه آنها عبارت از ایدروژن و اکسیژن و ازوت
و کاربون است اغلب بمقدار قلیلی گوگرد مرکب شده اند و تقریبا

در تمام آنها عناصر مذکوره به نسبت واحده وجود دارند و در بدن یک
از انواع البومین بنوع دیگر مبدل توانند شد و در آن چه مختلفه بکار
توانند رفت و چون از مواد زائده و خاکستری قطع نظر کنیم ترکیبات
اقسام مختلفه البومین را بسیار نزدیک بهم دیده و حدود تقریبیه آن
ترکیبات از قرار ذیل است در صد جزء پنجاه تا پنجاه و چهار جزء
کاربون و ۶ تا ۷ جزء ایدروژن ۱۲ تا ۱۸ جزء ازت ۲۰ تا ۲۴ جزء
اکسیژن ۰٫۴ تا ۱٫۷ گوگرد مواد البومین خالصه بیطعم اند و بنا
بر این محرک ترشح رطوبات هاضمه نتوانند شد پس در این صورت
بصعوبت منهضم میگردند و بهمین جهت است که هیچوقت آن از
مواد البومین خالص تغذیه نمیشود بلکه آن مواد در جزء گوشت و شیر
و تخم مرغ و پنیر و خون و غیره خورده و وارد بدن میشوند و در این
صورت مواد مذکوره بمقادیر مختلفه املاح مخلوط اند که باعث

سهولت انهضام آنها کمک نموده علاوه براین آنها را بوسیله طبخ و اضافه نمودن
املاح و توابل بر سهولت انهضام آنها می افزایند مواد البومینی در معده بواسطه تأثیر
وجوهر هاضمه یعنی پپسین بتوسط شیره معده و حرارت بصورت پپطون درآمده
و جمع بدین شکل در آمده اند استعداد زیادی جهت هضم و جذب حاصل کرده
در آب بهتر حل شده و دیگر بواسطه اثر حرارت منجمد نشده بسهولت از غشاء
حیوانیه عبور کرده داخل عروق میشوند ولی از روی قواعد تجربیه معلوم شده است
که ترکیب طبعی مواد البومینی و پپطون ها متحد و فقط صورت و خواص ظاهری
آنها است که با هم تغییر یافته لکن مقداری از مایه البومینی در معده هضم نگردیده
جمع داخل در امعاء شده و در آنجا مخصوصاً بواسطه اثر شیره پانقراسیه منهضم میگردد
مواد البومینی بصورت پپطون داخل در خون میشوند و قبل از آنکه وارد
خون شوند بواسطه عمل عقده لیمفیه مبدل به ... میشوند و کلیه عناصر البومینی که در
سلولها بکار رفته اند قرار گرفته علاوه براین تجزیه جدیدی پیدا میکنند

ها ابتدا مبدل به لوسین و طروزین و اندکی بعد بواسطه اثر عمل حیوانی
سلولها مبدل به اوره میشوند چنین مقدار اوره که ۳۰ الی ۴۰ در یک شبانه روز
از بدن شخص جوان خارج میشود حساب کنیم معین کرده ایم البومینی
لازمه بدل ما یتحلل آن عبارت از یک سیر و نیم است و این مسئله علمیه مطابق
امتحانات و تجربه است چنانکه موسیو فویت در اشخاص عدیده
امتحانات خود را مجری داشته و معین نموده است که حد وسط آن مقدار
البومینی که یک شخص در شبانه روزی میخورد یک سیر و ده مثقال است —
مقادیر البومینی که از کلیات خود از بدن خارج میشود بسیار کم است و عبارتند
از البومین هائی که از سقوط شعر و ناخن و فلس های بشره و مخاط و منی
دفع شده و نیز در حالات مرضیه ما برهم دیدیم ... وجود بیاض البیض و ترشحات
و محصولات استسقائیه و امثال آنها خارج میکنند ولی مقدار کثیری
دیگر از البومین در لاکتین و اسمازوم که عطر و مزه ابگوشت از این ماده

اخیره حاصل شده است در حین طبخ آلبومین در آبگوشت بصورت کف
درآمده مواد مذکوره که در آبگوشت موجودند عبارت است از اسید پارا
لاکتیک و اسید طیک و بوطیک و اینوزیت و دکسترین جهت آبگوشت
دارای طعم خوشی است لهذا از اغذیه تقویتی محسوب داشته بسیار محرک
و محرک معده و ازجمله ماکولات لازمه است و در اغلب امراض بسیار مفید
و نافع است عناصر ازت داری که بالفعل در آبگوشت موجودند مواد
نسجیه نیستند و فقط اجسامی است که از بدن عبوری نمایند و باعث قوت
هضم و جذب گردیده بالاخره بهمان صورت اولیه خود در بول یافت
شونده و این مسئله خطای عظیمی است که بخواهند از خوردن آبگوشت زیاد
یا غلیظ بدل ما یتحلل من الانسج و تقویت بدن را حاصل نمایند و اگر
چه آبگوشت دارای مقدار بسیار قلیلی از مواد البومنیه است از حیثیت
سایر ملاحظات ماکول بسیار نفیس است زیرا که بتنهائی و بدون مداخلت

شیره معدی را در اغلب امراض نقصان یافته است جذب شده و نیز موجب
تحریک اشتها و ترشح و حصول عصیر معدی گشته بنابراین باعث سهولت
هضم و انجذاب گردد —

شیر — مرطب لازم است مقدار تغذیه و محل استعمالات طبیه
شیر گاو و الاغ و بز و میش است نسبت بشیر نسوان بمانند ترکیب طبیعی شیر
از قرار لوحه ذیل است —

پس شیر مانند گوشت از مواد البومینی طبیعیه است و بقدر کفایت دارای آب
نیز هست در اطعمه اقتصار بدان و در تغذیه و تقویه کافی است ولی در بزرگان
همیشه سهل الانهضام نیست شیر نسوان بهتر از تمام اقسام دیگر هضم گردد زیرا که
کازئین آن بشکل دانه های بزرگ منجمد نگردد بلکه مانند ژلاطین بیک
نواخت منعقد شده و بهمین جهت زودتر هضم گردد شیر الاغ سهل تر
از شیر گاو هضم شود زیرا که کازئین و چربی آن کمتر و قندان بیشتر است
بهترین بدل های شیر نسوان جهت اطفال شیر الاغ است شیر گاو بعلت
بشکل دانه های بزرگ بسته شده باعث اذیت معده و ثقل بران گردد
هرگاه ماده جبنیت خوب هضم نشود از معده منتهی بقی گردیده باعث
اسهال شود و تدبیری که بواسطه آن بتوان شیر را سهل الانهضام نمود
این است که قدری نمک متعارفی بران بیفزایند یا در صورتیکه در معده
ترش گردد می توان از اضافه نمودن آب آهک (۱۵ در ۱۰۰۰) یا بی

کاربونات دوسود (۵ در ۱۰۰۰) اثر او رفع نمود —

کره — سهل تر از روغن هضم شود و خود بنفسه مائیه است در سهولت تامه
قابل انهضام است نان کره اندود ترکیبی است که بمنزله جامع مواد ازته
و نشاسته و دسومت است و غذای شریف گوارا در سالم سهل الانهضام است
کره چنین با سبزی آلات و گوشت جمع آید باعث سهولت طبخ و کثرت
تغذیه آنها شده فی الحقیقه مانند توابلی است که موجب سهولت انهضام
آنها تواند شد —

خواص اقسام مختلفه پنیر بر حسب تعداد رسته شیر و کازئین محتویه در آنها و نیز
از حیثیت وضع ساختن آنها اختلاف پذیرد و لکن تازه آنها تغذیه
تر از مائیه جبنیت پنیرهای عتیقه است و پنیرهای خالص متعارفی نیز کثیر التغذیه
تر از پنیرهای چرب و شکفته است ولی آنها جهت تحریک اشتهاء هضم بکار
روند پنیر عتیق فاسد که محتوی نمکها در بسیاری از محلولات تجزیه است

بصعوبت هضم شده و هرگاه زیاد کهنه و مانده باشد ممکن است که فاسد
شده باشد و خوردن آن موجب ظهور عوارض ردیه مانند عوارض ردیه
حاصله از خوردن گوشت مانده باشد یعنی باعث مسمومیت شود —

تخم مرغ — یکی از اغذیه بسیار شریفه وافره آن است دارای مواد
بیاض البیض و دسومت و املاح و از گوشت هم سهل الانهضام تر است
زیرا که بیاض البیض آن سهلتر از فیبرین گوشت در شیره معدی حل تواند
شد سفیده تخم مرغ در صد جزء دارای دوازده سیزده جزء آلبومین محلول است
زرده تخم مرغ مانند لعوق است و از محلول مائی ویطلین (ماده آزوته تخم
البیض) و روغنی که دارای کولین و فسفر و املاح دیگر است بوجه ابده است
جمیع تخم مرغ را تنهائی در آب زنند یا خام و یا نیم پز آن را بخورند بسیار
سهل الانهضام است ولی سفیده تخم مرغ بواسطه طبخ سخت شده باشد قدری
کمتر سهل الانهضام است صحاح البیض نیز بسیار بسهولت هضم شود و چون

با قند و آب مخلوط جمع آید لعوق مغذی و مسکن حاصل شود که موسوم بشیر مرغ
و در امراض مشروب بسیار نیکو است —

در بیان مواد ژلاتینی

انساج رشتی (غضاریف و اوتار و رباطات اغشیه مفصلیه و جلد) و جوش آن
فقط منفرد در ابدان حیوانیه است در آب سرد و گرم لا ینحل ولی اگر از غلیان
مدتی بکاهد ژلاتینی در آید ژلاتین را یا از استخوان گیرند (گلوتین)
و یا از غضاریف اخذ نمایند (کندرین) و هر دو قسم از اجسام
آلبومینیه حاصل شده و فرقی که با آنها دارند این است که مقدار ازت
و کاربون شان کمتر است غضاریف و اوتار در معده دائماً بسیار کم
هضم شوند و بالعکس اغشیه سروزیه بمقدار زیادی در آنها حل توانند شد
ژلاتین منطبخ است و در معده بجسم مائعی که موسوم به پپتون ژلاتین است
متبدل شده در جریان دم داخل و در بدن تجزیه و باعث ازدیاد مقدار

اوره مدفوعه بول گردد و مقدار قلیله ژلاطین کلیتهً از جدار نمی دارد

و مقدار کثیره موجب اختلال اعمال هضم گردد مقدار تغذیه ژلاطین

چندان معتنی به نیست و بهیچوجه نتواند در حصول آلبومین اعضا

در تغذیه انسان و تولید عضلات بکار رود ولی بنا بر عقیده

موسیو فویت جمع ژلاطین بجای آلبومین محتویه در خون تجزیه شود

لهذا آلبومین جهة تغذیه و بدل ما یتحلل بکار رفته تواند شد

در بیان اجسام دسمه

اجسام دسمه در طبیعت موجودند بعضی جامدند (پیه) و برخی

نیم جامد (روغن و کره و روغن خوک) و بعضی دیگر مایع (دهنیات

سیاله) ولی تمام دسومات بواسطه ارتفاع درجه حرارت سیلان

پذیرند دسومات اخف از آب و غیر محلول در آب مایع اند

ولی تمام آنها در اتر و بعضی قلیل در الکل حل توانند شد و هیچکدام

قرار نمی شوند تمام اجسام دسمه از ترکیب گلیسرین با اسیدهای دسمه

د اسید اولئیک و مخصوصاً از اسیدهای پالمیتیک و استئاریک و غیرها

حاصل شوند وقتیکه اجسام دسمه را در مجاورت قلیائیات یا اکسیدات

بازیک اند گرم کنند تجزیه می شوند به املاح دسمه بازیک محلول یعنی صابون.

و به گلیسرین ازینرو وقتیکه اجسام دسمه را در مجاورت اکسید

سرب گرم کنند تولید املاح دسمه سرب غیر محلول (مشمع سرب)

و گلیسرین محلول در آب گردد و همچنین اجسام دسمه محض در مجاورت

هوا ممکن است تجزیه شوند بگلیسرین و اسیدهای دسمه و خصوصاً آنها نیز

ثانیاً تجزیه می شوند و باین جهت است که املاح دسمه بازخورده متغیر

و متعفن می شوند —

اعمال فیزیولوژیه اجسام دسمه — در دهان و حلق و معده اجسام دسمه

بهیچوجه تغییر شکلی پیدا نکنند و بالعکس در امعاء مخصوصاً در مجاورت با صفرا و عصاره

ازانجا که الکل لعوقی در اینجا یعنی مبدل بقطرات و رشته‌های بسیار خرد گشته

جزء دیگر یعنی گلیسرین و اسیدهای دسمه تجزیه شده و بعد از ان هم اسیدهای

دسمه ازاد شده‌اند با قلیائیات مولده مترشحه امعاء مرکب شده تولید صابون

محلول کنند مواد دسمه نیز که هنوز تغییر شکل پیدا نکرده‌اند که الکل لعوق

درآمده و کلیهٔ لعوق و گلیسرین و صابون داخل جریان خون میشوند

و ممکن نیست که مواد دسمه تا جزء کلی امعاء رسیده باشد اینکه داخل بدن از

شوند مگر آنکه مقدار مقدار دسمه ماکوله خیلی زیاد باشد جزء زیادی

از مواد دسمه وارده خون در سلولهای دسومتی قرار گرفته گلیسرین

و اسیدهای دسمه مجدد به پس از اکسید شدن و احراق بصورت آب

و اسید کربونیک دفع میشوند و جزء کمی از مواد دسمه که الکل طبعی خود

باشد و دسومت کمی جلدی دفع میشود مواد دسمه در بول یافت

نشوند مگر در صورتیکه مقادیر ماکوله آن خیلی زیاد باشد غذائی که مقدار

زیاد دارای مواد دسمه باشد خوب نیست و بهمین جهت است که هرگاه

حیوانات مقدار زیادی از مواد دسمه صرف ننمایند اشتهای ایشان

معدوم شده ممکن است از بی غذائی تلف شوند —

دسومت بدن هیچ دارای مقدار کثیری کاربن و ایدرژن است

که وقت به اسید کاربونیک و آب مبدل میگردد و لهذا مقدار زیادی

اکسیژن بمصرف رسانیده لیکن اگر بدن کثیر الدسومه باشد اکثر اوقات از

تنفس وارد نشود جسم قابل الاشتعال بسیار زیادی باقیمانده و در احراق

آن یعنی در حصول اسید کاربونیک و آب باشند تمام احراقات و هم

تولید حرارت کرده و بهمین جهت است که در مناطق منجمده و زمستان

های سخت با کمال رغبت و میل طالب اغذیه دسمه‌اند و لی در محلهای

حاره و تابستانها کم شائق به چربی زیاد خوردن و ملاحظه دیگر اکسیژن

هیچ مقدار کافی از دسومت در بدن یافت البومینی را کمتر بمصرف

رسانده دار اینرو معلوم گشت که تغذیه کثیره الدسومه باعث قلت تحلیل

ازت گردد وبالعکس عدم کفایت مواد دسمه باعث کثرت تحلیل البومین

گردد پس چنین نتیجه میبرآید که مواد دسمه اغذیه وذخیره تدریجی همیشه از موجب

بطوء اتلاف البومین گشته وسبب آن شود که بدن کمتر محتاج باغذیه

البومین باشد مواد دسمه چنین بمقادیر قلیله خورده شوند باعث محکوبیه اذیتی

نشده واگر چنین بمقادیر کثیره صرف شوند موجب اختلال اشتها وسبب

هیجان تهوع وقی گشته الکل سبب نقصان وانهدام این آفات ردیه

تواند شد اگر مقدار دسومت ماکوله بسیار زیاد باشد مجذوب نشده وقدری

از آن با مواد برازیه از امعا منهدر گشته معین سهولت دفع ابراز گردد

واگر دسومت بمقدار زیاد متمادیاً داخل دوران شود عملکا سبب باعث

کثرت سمن گردد —

اجسام ایدروژن کاربونه

مواد ایدروکاربونه (قند ونشسته مصنوع ولی نباتات) کلیه از محصولات

نباتیه اند

(۱) قندها — باولین نظر شیمیائی قندها بسه منقسم بدو نوع تولان کوشته‌ها

الگوزی یا میوه — وقندهای نیشکری وشیری

اجمالی طبیعی یا آثار فیزیولوژیه قندها — آثار طبیعی اقسام مختلفه قندها تقریباً

یکسانست قند نیشکر وقند شیر در امعا مبدل بقند الگوزی شده آثارشان

همان آثار قند الگوزی میشود قند پس از آن که وارد معده وامعا شد قدری

از آن بواسطه اثر اجسام متخمر کننده مبدل میشود به اسید لاکتیک واسید

بوطریک واز این جهت است که پس از خوردن قند زیاد رطوبت ترشحیه امعا غلاظ

سبب تولید اجسام اسیدیه شود این قسم رطوبت ترشحیه اجزای فوقانی امعا

سبب تولید اسید لاکتیک ورطوبت اجزای تحتانی باعث تولید اسید

بوطریک گشته از ان اسیدها وقندیکه هنوز تغییر شکل نداده داخل در خون شده

و در آنجا محترق و مبدل به اسید کاربونیک و آب شوند قند پس از دو ربع در دهان

طعم شیرین آن سبب حمض الکلی شده و بدان جهت ترشح رطوبت براق

بیشتر شود خوردن قند زیاد سبب فساد و کرم زدن دندان شود مخصوصاً در صورتیکه

دندانها از مبادی خود عاری شده باشند خوردن مقدار معتدل آن سبب

ظهور امراض در آلات هضم نشده بلکه باعث اندکی سمن در بدن و جلب

سهولت خروج مواد برازی میشود بالعکس اکل مقدار زیادی از قند سبب

عدم اشتها و فساد آلات هضمیه شده تهوع و حس حامضی و اوجاع بطن

و بالاخره اسهال آورده و هر گاه غذای شخصی یا حیوانی منحصر بقند باشد پس از چند

هفته از عدم اشتها و بی غذائی درگذرد ——

(۲) در بیان نشاسته و مواد نشاسته — نشاسته بمقدار زیاد در سلسله نباتات

موجود است (مثلاً در غلات و حبوبات و شاه بلوط و سیب زمینی و غالب

ریشه‌ها و میوه‌ها) و از دانه‌های کوچکی حاصل شده است که از طبقات متحد المرکز

مختلف المحیط ترتیب یافته‌اند بالجمله نشاسته جسمی است بی بو بیطعم و غیر محلول

در آب سرد و الکل و اتر چون آن را با درجه حرارت دهند مبدل

به دکسترین شود تمام مواد نشاسته در دهان بواسطه اثر براق بسرعت مبدل

به دکسترین و قند انگوری شوند و این عمل تبدیل در معده نیز جاری گشته مگر

در صورتیکه مقدار ترشح معده زیاد باشد که در آن وقت معوق مانده شیره

معدی بدون براق حائل این عمل نیست ولی شیره پانکراس آن را براق

بطنی نیز مانند جهت تبدیل مذکور بکار رود قند حاصل از این قسم تولید شده

مثل قند انگوری جزئی از آن بالتمام جذب شده جزء دیگر به اسید

لاکتیک و اسید بوتیریک تجزیه شود اغذیه که دارای مواد نشاسته هستند اهمیت

تغذیه شان شبیه است بتغذیه قندها

(۳) در باب لعابیات و مواد صمغی — عبارت‌اند از محصولات

نباتیه که بالطبع کاملاً محلول‌اند آلی که اسیدهائی مانند اسید کلیک و بران با پطاس و آهک

و نیز است لعابیات مخصوصی که درست با آب منتفخ و حجیم شوند ممنوع در رابـ
و بشره سعدی که حل شده مقداری از آنها مبتدل تغذیه یا مستحیل به اسید شده و
بالاخره مجذوب میشوند مقدار تغذیه آنها بسیار کم است و در صورتیکه
بمقدار زیاد صرف شده باشند سبب اغتشاش اشتها و احساس
با امتلای معده شوند —

در بیان اغذیه ساده نباتی

(۱) در بیان غلات — تمام غلات بمقدار مختلف دارای مواد
ازته و گلوتنی (فیبرین نباتات) و مقدار زیادی عناصر بی‌ازت
و املاح اند و ما در لوحه ذیل مقدار ازت و کاربون و مواد دسمه
و خاکستر و آب محتوی در صد جزء را ذکر مینمائیم —

آردهای بسیار نرم را بدون سبوس اند تغذیه‌شان کمتر است چنانکه از صد
مثقال گندم تقریبا ۵۳ مثقال گوشت و ۱۸۵ استخوان و ۱۴۶ مثقال
مواد دسمه تولید میشود و حال آنکه از همین وزن آرد بسیار نرم شش
مثقال و نیم گوشت و ۳ مثقال استخوان و ده مثقال مواد دسمه تولید
کند پس قوه تغذیه نانهای سفید کمتر از نانهای سیاه است —

(۲) در بیان حبوبات — نخود و لوبیا و عدس و باقلا تقریبا
در صد جزء دارای ۲۵ جزء مواد آلبومینی اند آنها را گلوتنی نامند
و نیز دارای مقدار کافی و زیادی از مواد ایدروکاربونه اند .

(ده پانزده جزء در صد جزء) اجزای غذائیه که در حبوبات است غالباً محتوی در قشور آنهاست و بالنتیجه قابل هضم نمیشوند و بهمین جهت است که اغلب بدون تغییر از مجاری هاضمه گذشته و تنقیه میشوند ولی اگر آنها را تقشیر نمایند این عیب برداشته شود —

(۳) در باب سبزی آلات — جالینوس نیز معتقد بر این بوده که مقدار تغذیه سبزی آلات خیلی کم است ولی نه بقسمی که قابل تغذیه نباشند و محقق است که مانند گوشت تغذیه نمیکنند اما جمیع دارای قند، صمغ و مواد لعابیه و صمغیه و اسیدها و املاح و آب و مواد معطره الیه هستند فی الجمله اهمیتی در تغذیه دارند بنا بر این از آنها غفلت نکنند عموماً در صد جزء سبزی آلات دارای یک جزء و نیم تا دو جزء و نیم مواد البومینی و دو تا سه جزء مواد ایدروکاربونه اند —

(۴) فواکه — در میوه جات مقدار قلیلی البومین و ژلاطینی یافت

شود و جمع مقادیر این عناصر در آنها بسیار کم است لهذا خاصیت تغذیه شان چندان زیاد نیست ولی در معرفت اجمالی فیزیولوژیه میوه جات باید ملتفت مقدار کثیری قند و حموضات آنها شد طعم ترش و شیرین و عطر آنها را بواسطه وجود و خاصیات اتری فرار است ملحوظ داشت و آثار فیزیولوژیه میوه جات بواسطه مایهٔ اسیدهای آلیه و املاح نباتیه قلیائیه و مواد ایدروکاربونه است (اولی‌ها بعد از این ذکر خواهیم کرد) از جمله آثار میوه جات ازدیاد مقدار بول و قلیائی شدن آن است یعنی از خوردن آنها مواد برازیه رقیق شوند و چون بمقدار کثیره خورده شده باشند سبب دل درد و اسهال و غیرها که کثرت و قلت مقادیر حموضات و قند در میوه جات بحسب آب و خاک و هوا و سال و ترتیب و غیرها بسیار مختلف شده و ما در لوحه ذیل مقدار متوسط مواد محتویه در میوه جات را آورده‌ایم —

عموماً میوه‌های رسیده خوب سالم و بهتر و سهل‌الانهضام اند اما میوه‌های
سبز و نارس سبب اختلال و امراض آلات هاضمه می‌شوند از قبیل اسهال
و نفخ و سنطاریا و قولنج و غیرها چنانکه خربزه در صورتیکه رسیده باشد بسیار
خوب و در غیر این حالت سبب عسر هضم و تهوعها و حمیها فلفل و نمک
یا با قند بخورند نقصان کمتر و بسهولت هضم گردد اقسام انجیر
ملیّن خفیف هستند تخم انجیر در رطوبت معدی غیر محلول و اثر آنها تنها
اثر اجسام خارجی غیر محلوله است و ممکن است سبب تحریک ترشح
رطوبت امعا شود و بهمین جهت است که اطفال کوچک نباید زیاد
انجیر بخورند گردو و فندق و بادام از میوه‌جاتی اند که قابلیت
هضم آنها چندان زیاد نیست زیرا که اجزای آنها محتوی در اغشیه
هستند که بواسطه رطوبت مجاری هاضمه بمقدار کم یا بهیچوجه هضم نمی‌شوند
ولی قابلیت تغذیه‌شان کم نیست زیرا که گردو مثلاً در صد جزو

هم جزء مواد ازته و هم جزء مواد دسمه و هم جزء اغشیهٔ سلولی وارد
در ممالک حاره بالطبع میوه‌ها بر گوشت برتری و رافع عطش و قند دارد
بالنسبه زیاد باعث نمیشوند حرارت بدن را تخفیف میدهند —

ادویهٔ طعام یا توابل

اجسام حریف و معطری اند که هر چند داخل در غذاها میشوند باعث نیکو
کردن هضم و ازدیاد طعم است اصلاح ترشی‌ها قند اقسام روغن
و دسومات نیز ممکن است مانند توابل بکار رود ادویه‌جات
تند و معطر از قبیل سیر و پیاز و تره و امثال آنها و نیز خردل
و بولاق اودی و ریشهٔ خردل (ترب سیاه برای) و تره تیزک
و میوه کبر و فلفل و میخک جوز هندی زنجبیل دارچین و امثال زعفران
هیل خلال، ریخ و بالنگ و غیرها چون بمقدار معتدل خورده شوند
باعث سهولت هضم گشته خاصه ترشی ادویه‌دار تند و ترشی هم فقط

سرکه روانه و فلفل قرنفل از جمله توابل مجربه‌اند در خوب نمیشوند و ممکن است
باعث تحریکات شدیده هاضمه گردند معده در سالم و قوی باشد بهیچوجه
محتاج باین محرکات نیست زیرا که استعمال معتاد آنها باعث رفع هیج
اشتها شده فائده طبیعی گم کرده و از طرف دیگر هر قدر بیشتر خورده شوند طعمشان
مطبوع‌تر شده میل بخوردن آنها شدیدتر گردد —

مشروبات

مقصود از تغذیه فقط تدارک بدل ما یتحلل مواد جامده نیست بلکه بواسطه آن
باید تلافی ما یتحلل مواد سیاله را نیز نموده زیرا که لاینقطع بواسطه ترشحات و مدفوعی
و تبخیرات ریوی و جلدی خارج میشوند از بدن انسان تقریباً در شبانه روز
از طرق مختلفه مذکوره بطور متوسطه قریب سه و نیم سیر آب خارج میشود
و این مقدار بیش از آن مقداریست که فقط بواسطه اغذیه در بدن وارد
شده و اغذیه کفایت این کار نمیکنند بلکه چیزی از مقدار آب را نیز باید

و در آنها موجود است مثلاً گوشت گاو در صد جزء تقریباً هفتاد جزء
و ماهی‌ها از هفتاد تا نود و شیر ۸۶ و سبزی‌آلات ۸۰ جزء آب دارند
پس باید تلافی کمبود آب بشود و این عدم کفایت بواسطه احتیاج مخصوص که
منسوب بآلت تغذیه و عبارت از عطش است ظاهر گردد عطش در عقب
تمام تبخیرات اجزای مایعهٔ خون بواسطه حرارت داخلیه و خارجیه و ریاضات
شدیده و عرق‌های کثیره وغیرها حاصل میگردد نه شدت میزان داشته باید
رفع این احتیاج را بکنند ورنه هضم موجب التهابات عطش گردیده
قائم‌مقام آبی شود که از بدن خارج شده است —

آب — مشروب بسیار عمده و لازمی است که بهتر از همه عطش را تسکین
میدهد آب البته دهمین مشروب است که بصورت خفیف مجذوب شده بدل
رطوبتی که تراوش شده از طرق مختلفه مترشح و مدفوع یا تبخیر شده از آب
در بدن دارای علامت است که بسهولت ملتفت لزوم آن توانیم شد بدن انسان

در صد جزء دارای ۷۵ جزء آب است این مایع رقت و سیلان را جهت
دوران خون لازم است میدان داده شکل اعضای را بحالت خفیف نگاه داشته
باعث اعانت و اجرای اعمال بدنیه میگردد —

صفات آب مشروب — آب مشروب باید صاف و خنک و بیرنگ
باشد طعم آن نامحسوس و مطبوع ذائقه و دارای هوا باشد حبوبات باید در آن
خوب پخته و صابون بدون تولید دانه‌های کدر در آن خوب حل شده محلول
مواد حیوانی و نباتی نباشد —

درباب خنکی آب — درجه حرارت آب مشروب باید ثابت و از
ده تا دوازده درجه بالای صفر باشد آبهایی که آب منبع دارای این درجه
برودت نیست یا اینکه منظور نیست و با شعاعات و قطعات یخ باید آنها را بدین
درجه در آورد در حین عرق داشتن بدن باید از نوشیدن آب یخ احتراز
نمود چنانکه بسی چیز کمتری از بنظر رسیده‌ها دا اسهالات و نزلات صدری

از شرب مشروبات سردی حاصل میشود که در عرق داشتن نوشیده اند —

در باب صافی آب — معلوم است که آب نوشیدنی باید صاف باشد
ولی صافی آن دلالت بر خلوص کامل آن نمیکند آب که غلیظ و کدر باشد دارای
مواد مضره حیوانی و نباتی و معدنی است که یا بعلت اختلاط یا انحلال در آن
موجود و اجتناب از شرب این قبیل میاه نافع و لازم است چون
طعم آب ظاهر و غیر مطبوع باشد دال بر آن است که مقدار کثیری عناصر
عضویه الیه یا غیر الیه در آن موجود است —

آب هوادار — آبی که دارای هوا نباشد سنگین است از آب
هوادار در حین غلیان حباب های گاز خارج گردد در آب برف
هوا بسیار کم است آب مقطر هم دارای هوا نیست لکن قبل از شرب
هوا در آن داخل نکنند مشروب خوب نخواهد بود —

مقصود از هر تجربه سابق الذکر تعیین آن است که حبوبات در آب خوب پخته شود

و صابون بدون رسوب دانه های کثیف در آن حل کند این آب آب
دارای مقدار زیادی املاح آهکی نباشد زیرا که جمع آبها بیش از یک هزارم
املاح کلیه داشته باشد در حین طبخ از آن املاح و مواد البومینی لوبیا و نخود و غیرهما
ملح غیر محلولی تولید شده که طبقه روی حبوبات را پوشانده از انها سخت
و عسر الطبخ میسازد در حالت ثانی چون صابون را حل نمود املاح آهکی آب با اسید
های دهنیه صابون ترکیب شده تولید املاح غیر محلوله گردد آهک محلول در آب
ممکن است بعلت کاربونات دو سود یا سولفات دو شو باشد و بتوسط معرف های
شیمیائی بسهولت وجود این املاح مختلفه را توان فهمید —

محلول اگزالات دامونیاک (یک در ۲۴) باعث ترسیب آهک
بحالت اگزالات دو شو گردد در صورتیکه این رسوب کم و فقط برنگ
شیر ممزوج با آب باشد علامت این است که آن آب سبک است ولی اگر
مانند شیر خالص سفید باشد آب بدرجات ضعیفه یا شدیده سنگین

خواه بوسیله تحلیل ازطات کربنات (بیکربوناته) بهمین طریقه موجب
حصول رسوبات قلیله سفیدی که عبارت اند از سولفات
کربنات —

دربیان خواص آب — آب مشروب باید بهیچوجه محتوی مواد آلیه نباشد
زیراکه بواسطه مواد آلیه باعث فاسد شده خواص مضره ازان تولید گردد
و بهمین جهت است که آب مرداب ها و بعضی چاه ها و منابع را در قرب
مبالها و خزن عفونات واقع اند واستعمال آنها مورث امراض عدیده
از قبیل حمیات عفونیه و اسهال و دیفتریت وغیرها توانند شد این
امراض بطور تعیین بواسطه مواد آلیه متعفنه را در این مبتلا به اختلاط
با الکل موجوده خاص شوند یعنی یک لیتر آب مشروب را تبخیر نمایند
نباید بیش از دو یکصد ونیم عناصر مترسبه ازان باقی ماند آب سیاه که محبوس
بسهولت فساد پذیرست مواد محتویه دران باعث فساد و تعفن شده از

روییده که امکان تولد بستر گردد حرارت درکوه معین کمتر باعث تسرعت
حصول آن است در آب مشروب بهیچوجه اثری از مواد آلیه نباشد وجود
مواد مذکوره مخصوصا بواسطه ظهور امونیاک در سینه از طول واضح که وجود امونیاک
بدین طریق معلوم کنند که در اشتعال است مقصود آن دقتی ان جاری پنج قطره
معروف نیلر ریزند (نسخه آن — یدور دو پطاسیوم ده گرام آب مقطر یکصد و پنجاه
حل نموده محلول سولیمه گرم گرم و بتدریج می کوبید بدور دو مرکور بدان اضافه
کرده رسوب کنند وانقدر آب مقطر بران بیفزایند تا وزن تمام مایع
شصت انوقت شصت گرام محلول پطاس محرق بران اضافه نموده مایع صاف کنند
مایع را ازتصفیه بدست آمده باید تقطیع صاف باشد واگر رسوبی دهد مجدداً
تصفیه کنند) اگر آب زرد رنگ شود یا رسوب قرمز زرد رنگ ازان حاصل
گردد دلالت بران می کند که آب شرب نیست وامونیاک باعث حصول این
لون و رسوب شده است آب شکستن گچ با مقداری سبب نقصان شده دارای

آلبومینی نیست بواسطه معرف نیتر رسوب   تعیین اسید از طو بدین

نحو است که در سه قاشق آب یک پنج کف محلول یدور پطاسیوم (یک در ۲۰) مخلوط

کرده پس از آن پنج کف محلول سریشم نشاسته که دارای کلرور ... رنگ است در آن ریخته

بالاخره ۵ قطره محلول جوهر گوگرد (۳ در ۱۰) در آن ریزند چنانچه آب دارای

اسید از طو باشد رنگ بنفش و پس از چند دقیقه نیل گردد —

در بیان سایر اقسام مشروبات

کلیتةً از روی تجربت معلوم شده است بهترین آب قراح سالم داشتن

خوب و بیشتر عمر کنند ولی افسوس با وجود تمام شرایط ابتدای نقصان

قوای حیوانیه از قبیل سرعت نمو در جوانی و ضعف و نقاهت دائمی در

شهرهای بزرگ بسیار وافر است اغلب محتاج بمشروبات مقویه و محرکه شوند

که باعث حفظ و تحریک و تقویت قوای کوفته و بدین ملاحظه مشروبات مسطوره

و متخمره و الکلیه معمول اند که پس از این بتفصیل هر یک را در تحت ذکر خواهیم نمود

تعیین اغذیه بحسب اسنان و امزجه و اقالیم و غیرها

هر شخص مقتضی تغذیه ایست که مناسب و لایق آن باشد چنانکه غذای اطفال غیر از

غذای بالغین و تغذیه شبان غیر از تغذیه مشایخ است غذای طفل فقط

محض حفظ قوی و اعضای وی نیست بلکه باید از تغذیه مواد جدیده نیز جهت

نمو و رشد اعضای بدن لازم است خاصه که شیر جهت اطفال جدید الولاده

غذائیست کامل که جمیع ضروریات وی کافی است هر قدر زمانی

طفل بزرگ میتوان غذای دیگر بوی خورانید ولی قبل از این هنگام بهیچوجه

نباید غذای دیگری داد و هرگاه از این نکته دقیقه صرف نظر کنند در وی

یا همه طفل ممکن است ورم روده اسهال و امراض دیگری که از جهت شدت

و علامات شبیه آنها بوی عارض شود تا آنکه طفل شکم بزرگ و تغذیه

خوب حاصل شده اعضا تغییر شکل داده کج و معوج شوند و نیز آفات دیگر

شبیه آفات مذکوره روی تواند داد —

در پیری برخلاف تحلیل بیشتر از بدل ما یتحلل است هاضمه ایشان ضعیف شده
آلات تغذیه هم روزه تغییر پیدا کرده دندانها افتاده و عمل مضغ نقصان
یافته جریان بزاق کم شده و چون غذاهای وارده معده تهیئات لازمه
حاصله خوب نیافته اند لهذا اعمال این عضو فوق العاده مشکل میشود
بشیخ اغذیه بسیار تر و نرم و بسهولت خرد و منهضم شونده داده و امر
بگذاردن دندان مصنوعی بنمایند تعداد و ساعات و تنظیم وجبات غذا
اهمیت تامی در ایشان دارد غذای حقیقی ایشان باید دو وقت یکی
در وسط روز و دیگری یک ساعت قبل از خواب باشد تا آنکه فاصله
کافی مابین غذا و خواب بهم رسد و سایر تنقلات باید خیلی کم باشد
در سن رشد و شباب باید بدل ما یتحلل متناسب با مقدار تحلیل باشد
اثر تغذیه در مزاج بدنی محتاج ذکر نیست غذای غیر کافی و فقر و فاقه سبب
فساد مزاج نیک شده و برخلاف تنعم و غذای خوب باعث خوبی مزاج ضعیف است

برحسب اقالیم تغذیه باید تغییر داد اختلافات درجه حرارت را اغلب
علامات ظاهره اقالیم مختلفه اند باعث تغییرات اعمال حیوانیه و تحللات بدنیه
و احتیاج بدل ما یتحلل گردد ساکنین ممالک حاره میتوانند از میوه جات شیرین
رطب کنند هم تغذیه و تسکین عطش داده و هم سبب کم کردن حرارت حاره
تحمل پذیر شود —

در ممالک معتدله و بارده غذا بیشتر خورده شده و معمولا مواد دسمه و نشاسته
و لحوم حیوانات و ماهی زیادتر صرف میشود تتابع فصول هم از اختلاف
اقالیم است زمستان نمونه اقلیم سرد و تابستان شبیه اقلیم حاره است اختلاط
این دو فصل متوسط دو فصل متوسط است که عبارت اند از بهار و پاییز
برحسب اقتضای هر فصل غذای مناسب آن باید ترتیب داد و از روی تجربت معلوم شده است
که تدابیر معموله در اقالیم مختلفه و در فصول متغیره نیز باید بکار برده شود در تابستان
قوای هاضمه ضعیف است بنابراین بیشتر از مقدور از اغذیه منظور داشت در این فصل

سبزیجات و فواکه متبرده بسیار مطلوب و معمول است و در زمستان هم اشتهای شدید
و اعضای هضمیه قوی و مقاومت کافی و لایق جهت برودت خارجی لازم است
ابتدا باید اغذیه که غنیه است بهترین بدل ما یتحلل شده عناصر لازمه تولید حرارت
را نیز که باید بریزند همین قسم امزجه و مشاغل و اعمال بدنیه و ذهنیه
موجب مراعات احتیاطات بسیاری در طرق تغذیه و انتخاب
اغذیه می‌گردد —

در بیان شرایط حفظ هضم جید — معده نیز مانند سایر اعضا
جهت حرکت اعمال محتاج تبرید و سکون است تداخل اغذیه باعث
اعیای آن شده نفخ بده و مضر تکمیل عمل هضم است انتظام تغذیه مداخلت
تامی در هضم و صحت بدن دارد تغذیه در ساعات معینه صباحی و عصر
سلامتی و طرز معاشرت است قناعت از جمله شرایط اصلیه هضم جید است
تند و ناجاویده خوردن غذا باعث عسر هضم گشته و معده اغذیه را که

هضم نتواند مگر پس از آنکه بواسطه دندان نرم و خرد شده باشند علاوه
براین بعضی اغذیه را سابقاً دیگر معده هم محتاج بدان است که از بزاق متغیر
شده تا مستحیل و منهضم توانند گشت و ترشح لعاب دهان بحد کفایت
نرسد مگر پس از آنکه غذا مدت لازمی در این جوف مکث کنند و از این
رو معلوم میشود که چقدر حفظ صحت دهان جهت هضم ضروریست .
مواظبت دندان منحصر بنظافت و حفظ جزء و دقایق زینتی نیست بلکه
جمیع دندانها را باید همه روزه پس از غذا شست و مواظبت کنند که از ورقه فضلات
اینکه مواد رنگی پوشیده شوند که مضر مینای دندانها است و اگر ورقه
یک موضع از این ورقه حامیه دندان فاسد شود بر فوری تمام دندان
ضایع گردد و این فساد نه فقط باعث حصول عفونت و اوجاع دندان
بلکه سبب اختلال هضم و صحت نیز میشود قطع نظر از طبایع و صفات
و اوضاع تهیه اغذیه دیگر باید برودت و حرارت شده که پس از غذا

دارو که نیز باعث اختلال عمل هضم توانند شد و دخول در حمام بعد
از حالت خلا یعنی پس از اتمام عمل معدی باعث سوء هضم بسیار شدید و عوارض
را موجب مرگ اند توانند شد بالاخره حرکات تنفسیه شدیده
در یافت قویه دماغی اثنا اثر بسی بدی در هضم دارند حال پس از
اتمام این تفاصیل رجوع میکنیم بتعیین طرز تغذیه طبیعی و پرهیزی

در بیان تغذیه طبیعی

مقادیر مواد ازطه وایدرو کاربونه و دسومت دهنی و مشروبات راه جهت
تغذیه یک شخص لازم است معین نموده حال میگوییم از جمله شرایط
استدامه حیات وجود این عنصر است یعنی حرارت حیوانی بواسطه
احتراق کاربونی که از اغذیه داخل در بدن شده است محفوظ مانده
ولی جهت احتراق محتاج به اکسیژن هستیم بواسطه عمل تنفس در دقیقه
شانزده تا بیست دفعه هوای خوبی در ریتین داخل شده مقدار

هر دفعه سه قریب نیم لیتر تخمین کرده اند در دقیقه هشت لیتر و در شبانه روز
11520 لیتر هوا داخل در ریه میگردد از روی تجربه معلوم شده است که
ترکیب طبیعی هوای رفتنی و هوای شهیقی هم فرق دارد عنصر محترق هوا
یعنی اکسیژن به سبب سوختن کاربن کم میگردد در حین دخول نفس ۲۱ ولی
در حین خروج ۱۶ جزء از آن کاسته شده و ۱۸ جزء خارج گردد و بجای این
کسر معادله اکسیژن که صرف گردید هوای رفتنی زیاد کرده عبارت است از
اسید کاربونیک اگر غذا دارای مقدار کثیری مواد ازطه باشد کلیول و نیز
خون زیاد شده و بنابراین بدن کثیر الدم شده علاوه بر آن عناصر حاصله از
تجزیه چون بمقدار کافی جهت احتراق کامل مخلوط اکسیژن نمیشوند لهذا بنظر
بدن کم میشوند در حالت طبیعی این مواد کاملاً محترق میگردند بصورت
اوره واسطه از بدن خارج میشوند ولی در صورتیکه مقدار مواد ازطه زیاد
بدین واسطه کاملاً محترق نشده بصورت اسید اوریک از بدن خارج میشوند

اگر تغذیه بیش از حد احتیاج دارای عناصر غیر لازمه باشد مواد فاسده
متعفنه و سموعات در آن جمع و مترسب شده و بدین سبب بدن تخمیم گشته سمن
دست دهد و ممکن است کبدی ترقی کند که سمن مفرط غیر طبیعی حاصل
گردد و در عکس اینحالت بدن ضعیف و لاغر گردد و تغذیه که عناصر
آن بصفات و مقادیر و تناسباتی که مذکور داشته ایم نباشد غیر کافی
خواهد بود و از تغذیه غیر کافیه لاغری و نقصان وزن بدن و کم قوتی
و قلت مقاومت با اسباب امراض و ملازم آنست که نتیجه دست تنگی
خون ابه روی دهد —

در بیان پرهیز

وضع تغذیه مخصوص بمرض که پرهیز نامند موافق بیانات سابق
الذکر معلوم است که جمع غذائیکه بعد از خورده شدن بدن و مخصوصا مواد احتراقیه
آن روبه اضمحلال گذارد و آثار و نتیجه آن بسیار واضح است که قطع تغذیه

انتقاص وزن بدن است و باید دانست که جمع از وزن تام بدن خمس
کاسته شود موت ناگزیر و حیات غیر ممکن الاستدامه گردد —
پس از آن حجم خون بدن کم شده و این نقصان ممکن است
بحدی رسد که وزن خون بنصف رسد هر قدر مخارج بدنیه کم شود تنقیص
بطی گردد ولی در حدود موت بواسطه عدم تغذیه سریع گردد تغیرات
درجه حرارت نیز هر قدر عدم تغذیه ترقی کند متزاید گردد و بالاخره
حرارت نازل گردد پس از ذکر این مطالب واضح است که چقدر
پرهیز ممکن است در امراض مفید واقع شود و نیز در صورتیکه بموقع نباشد
یا بیش از حد مفیده ممتد شده باشد چقدر مضر است —

تدابیر ضروریه و پرهیزی در امراض حاده و مزمنه

تدبیر ضروری و پرهیزی یعنی نقشه جدیده و وضع استعداد و تغییرات
حفظ صحت در علاج امراض حاده و امراض مزمنه مختلف گردد و این تدابیر

ضروریات زندگانی و پرهیزی در هر موقعی غیر از موقع دیگر است و آن
اختلافات را لازم است بر حسب امراض حادّه و مزمنه و قریب بازمان الموت

در تدابیر امراض حادّه

در این عصر علاج اغلب امراض حادّه منتهی است باستعمالات صحیح و بسط
ضروری و تدابیر پرهیزی را بواسطه آنها در اغلب امراض حادّه حمّی خفّت یافته
صحت رجوع نماید تمام مشاهیر اطبای جمیع قرون و اعصار در اثر
و قدرت این وسایط طبیعیه متفق اند و در جزو جمیع همیشه بآن ملتفت
اسمعین بوده و از ملاحظه و مقاله رسائل ابقراط و جالینوس و شیخ الرئیس
و سیدنا نام و سیلزیوس و غیرهم با کتب عالمین و عاملین این عصر
ملتفت این اتفاق عمومی توان شد معلومات پرهیزی این زمان
منتهی اند بر مسائل معروفه از روی قاعده و قانون در باب عدم تغذیه
شناخته شده اند و در اینست که مطلق از بدن مقداری از موادّ که مناسب

با کم بود غذائیست تحلیل رود بدن بی موادّ را از غذا داده می شوند
موادّ مخصوصه خود را بمصارف موقّتیه میرساند و آن مصارف هم
بسبب بقای بنیان عمده اعضا و می دانیم را است که کم و زیاده باعث اتلاف میگردد
را خصوصاً در موادّ مولّدة الحراره بیشتر است و این اتلاف ممکن است
بواسطه کثرت و سمومات و شموم را قطع نظر از آنها توان کرد و نیز بواسطه
ترفه و استراحت و سایر امور مقارنه پرهیز کم کم ضعف اطفال
از پیران و اسیط بعضی از جوانان را در قوت سن انه کمتر تحمل است که
توانند کرد و آنچه عمده است که در روزهای اوائل و اواخر است در امراض
حادّه تقریباً در تمام حالات پرهیز منفعت حاصل کرده زیرا که عدم اشتها
از علامات و عوارض اولیه و ثانویه مرض است و این کثرت انتقاص
یا عدم اشتها مقارن با انقطاع یا قلّت ترشّح رطوبات منضمه است
حمّرا تنزاید درجه حرارت و سرعت و ارتفاع و صلابت نبض و آل

بر آن است بواسطه اینکه در پرهیز تنگ روی بانتقاص گذارد ولی جهت
پرهیز شرط عمده و اصح این مطلب است که شخص مجموس باید
امر بپرهیز نمود ولی اگر مدت است که زیاد بطول انجامد خطر خواهد بود
و خطر عدم تغذیه مانند خطر افراط تغذیه است افراط از بیشتر این
مطلب اصح حق است مذکور داشته و گفته است ضرر تغذیه بسیار کم بیشتر از
ضرر تغذیه زیاد است و نیز باید متذکر بود که از تغذیه بیموقع در امراض حاده
خطرهای عمده روی دهد در این صورت اغذیه چون در معده و امعا شیره های
هضمیه لازمه حل و تغییر صورت نمی یابند لهذا موجب اعیای آلات
هضمیه که از پیش مریض را بود می گشند و اعضای مذکوره جهت دفع آنها
قوت کم دارد بواسطه وجود این مواد غیر منهضمه که مانند اجسام خارجه
در آن عارض شده و نیز ترکیبات مرضیه معدی و امعائی روی دهد این
قوت های دفعیه اغلب باعث کثرت ترشح ملایم و مائیت شده و اینها

اسهالات و موجب سقوط قوای مریض گشته و در مجموع این آفات عصبانیه
و اعیاهای مهلکه روی تواند داد و مخصوصاً در اواخر مرض از پرهیز زیاد
اگر صورت حدوث این آفات تواند شد باید پرهیز را برداشت در امراض حاده
لازم است که طبیب ملتفت رفتار آنها بشود فرق ما بین علامات مرضیه
و عوارض حاصله از عدم تغذیه که با هم مشتبه می شوند بگذارد زیرا که اکثر
در صورتیکه واقع بباشد مضر است و اینچنین در عهده طبیب است که
آن علامات را تمیز داده و نیز ظهور شدید و خفیفه را از هم تشخیص دهد
زیرا که وضع پرهیز در حق او اختلاف پذیرد و باید عدم اشتهای را که از
آن است که زیاد حاصل شده است تشخیص داده و نیز قولنج های را که از مصادف
با اسهال و اغلب مختلط بعوارض اسهالهای خود باشند (که در اواخر عدم تغذیه
پیدا میشود) نباید علامت تحریک دانست و همچنین قسم عوارض
عصبانیه حاصله از عدم تغذیه را با ترکیبات و مواد عصبیه مشتبه نباید نمود

تدبیر غذائی در امراض حاده و مخصوصاً در امراض قریب بزمان این است
که هر قدر زودتر ممکن است بتدریج تغذیه نمایند و علامت موقع و هنگام
اجرای این تدبیر نزدیک شدن حرارت بدن است بدرجه طبیعی —
حال بعضی قواعد کلیه را در این تدبیر علاجی باید منظور داشت که اقراط
آنها را در کتاب نصایح طبیه خود بطور اختصار ذکر نموده است بیان
می کنیم —

نصیحت چهارم (از کتاب مذکور) — امساک بیموقع در امراض حاده بدبیر
خوب نیست و کثرت آن مضر است —

نصیحت پنجم — ضرر امساک زیاد بیشتر از خطر امساکی است که کمتر زیاد باشد —

نصیحت ششم — وقتی که مرض منتهی درجه شدت خود رسید باید
امساک بسیار شدیدی معمول داشت —

نصیحت نهم — باید ملتفت مریض بود که آیا می تواند تا منتهای بحران مرض

تحمل امساک شدید نماید و یا بیش از آن وقت اگر امساک معمول دارند
در می گذرد —

نصیحت دهم — هر وقت که مرض از اول شدید باشد فی القدر باید ام
ساک شدید نمود یا آنکه در حین شدت مرض این تدبیر را معمول دارند

نصیحت یازدهم — در حین نوبات اشتدادی امراض پرهیز مطلق لازم است
و خوردن غذا در این صورت بسیار مضر است —

نصیحت هفدهم — باید طبیب معرفت احوال و عادات مریض را داشته
و نیز خصوصیات مملکت و فصل و سن و سایر امور را در نظر داشته باشد —

بالجمله درجات پرهیز امساک عبارت است از حدود ذیل —

(۱) امساک مطلق — در این نوع پرهیز باید بمریض هیچ غذائی ندهند الا بعضی
و مشروبات مغذی سبک مانند فقط ماء الشعیر و آب خالص و شربت
شیرین یا ترش نیز و امثال آنها را می توان تجویز کرد —

(۲) پرهیز سوده — بمریض در ۲۴ ساعت نیم لیطر شیر با یک لیطر
آبگوشت در چهار دفعه بدهند —

(۳) پرهیز شوربائی — در یک شبانروز سه دفعه هر دفعه ربع لیطر آبگوشت
خوب و سه دفعه هر دفعه ربع لیطر شوربا و یکدفعه یک شیر سیلاب و یک شیر نان
بدهند —

(۴) اغذیه جامده — عبارت است از نان با شیر و آبگوشت و شوربا
و اقسام کبابها و تخم مرغ نیم برشت و شراب و غیرها —

(در بیان حالت ضعف)

(جهت معرفت خطر قریب الوقوع مرض با علامات ضعف
که از استقرار آنها دانسته جلد مریض پریده رنگ و مکدر شده و سرد و خشک
یا مستور از عرق های سرد شده صورت متغیر الشکل گشته برآمدگی های صورت
دگونه ها گود و اعضای تمام بدن رو به اضمحلال نهاده چنانچه عضلات بدن سست

×

و سقوط و اجزای رخوه سست و زبان لرزان و مرتعش و صدا خاموش
و سواد و تنفس غیر منتظم و سرشار اطراف منقبض طبیعی خود زایل و محکوم و رات
الیه آن ممکن نیست مریض به پشت بر تن مکان بستر خود خزیده ضعف
و اعمال عمومی و تمام آثار حیاتیه که مربوط بعمل اعصاب است رو به
انقباضات قلبیه ضعیف شده نبض صغیر و لین و متواتر و رشته شکل
شده تموجات آن سطحی و انبساطات آن ضعیف گشته در ظهر و نشیمن
گاه قروحات حاصل شده تب او تا روحرکات تشنجیه و برودت
اطراف و هذیانات ملائمه بدون قلق روی داده مدفوعات بی اختیار
بدنیه کریهه الرائحه شده و بالاخره سیمای بقراطی حاصل کند —

× Shape character

در بیان استعمال پرهیز و علاج و اغذیه الکحولیه

چنانچه مذکور داشتیم قدمای اطبا از امنه سالفه استعمال مواد کثیر الالکول بین
در حالت تب منع نموده اند ولی در این ایام مجددا بعقیده بقراط رجوع کرده

اما کم مطلق هم جایز نمی‌دانند و از روی تجربه معلوم شده است که می‌توان
در امراض حاد از یک هفته تبی و رژیم باشند اغذیه بیاض البیضیه را بکلی لاتعری
یعنی کالت میان تجویز نمود و این تدبیر باعث ازدیاد مرض نشده بلکه بالعکس
سبب شفای بدن بطور واضحی کالت طبیعی رجوع نماید و چون مریض ضعیف است
را از ۱۰ روز گذشته باشد روزی یک لیتر یا چهار الی شش زرده تخم مرغ
مخلوط به آبگوشت بدهند بهیچوجه باعث ارتفاع درجه حرارت نشده و مرض
شدید نگردد بلکه سبب شفای بدن دیرتر انجام شده و علاج زودتر
حاصل گردد در هر صورت که خواهند امداد بر تغذیه و تمیزه انواع نمایند
باید اغذیه داده مقدار مواد بیاض البیض آن ها زیاد باشد چنانچه این
تدبیر سه باید در سن نمو در همین امراض حاده معمول داشت و در
این مواقع تغذیه از شیر و تخم مرغ و گوشت تدبیری است که بر تدابیر دیگر
رجحان دارد ولی اغذیه آلبومینی هیچ وقت نباید در یک دفعه به مقدار

کثیره تجویز نمود و اصل آن است که بدفعات و مقادیر قلیله خورانیده شود
و نیز هر قدر خرد و ریزه تر خورده شود بهتر است مثلاً گوشت قیمه کرده
و گوشت خام رنده کرده و امثال آنها را تجویز کرده‌اند بالاخره باید وضع
تهیه و طبخ این اغذیه هم نیز ملحوظ داشت در علاج حالات مزمن
نیز همین قواعد مجری است و در این صورت اطبای جدیده هم نیز معین
توان نمود در علاج دیابیطس قندی تغذیه‌ها باید تقریباً منحصر بترکیبات
مواد آلبومینی و دسمه نمود و در این مرض‌ها باید از این مواد نیز در صورتیکه
دارای مقدار زیادی قند داشته باشند (مثل شیر و غلات) احتراز نمایند
در سمن مفرط تغذیه که بواسطه آن بتوان این حالت را جلوگیری نمود
از روی برهان استعمال اغذیه است که کلیتاً مرکب از مواد بیاض البیض و قدری
قلیلی دسومت باشد ولی از اندرو کاربورها و نشا لاطین باید هم پرهیز نمود
لیکن چون غذاها متصلاً منحصر بمواد آلبومینی نکنند ممکن است آفات

هضمیه روی دهد لهذا جهت احتراز از این ممکن نباشد باید گاهگاهی
اغذیه را تغییر دهند —

در بیان غذاهای ازوته آلبومینی که در معالجه معمول است

محلول گوشت — معده‌های مریضه ضعیفه این غذا را بهتر خوب تحمل
توانند نمود و سبب آن این است که این جسم لعوقی شکل است
و دیگر آنکه ماده گوشتیه در حالتی است که بسیار شبیه کیلوس است و در حین هضم
پیدا میکند این غذا خیلی کم محتاج بمداخله معده است و در آن عضو
یا در امعاء و حالتهای مسمومیت و التهابات مجروب که در آن جسم در قرحه
ساده معده و سرطان و دوج عصبانیت شدیده آن و نیز در سایر امراض مضعفه
قوه عملیه طبیعیه معده که محتاج بدان اغذیه آلبومینیه هستیم معمول و مفید است
همین قسم در امراض مذکوره اقسام پپتون‌های مصنوعی را میتوان در امام له
استعمال کرد و چون اشخاص و در آبگوشت با شیر حل کرده حقنه مینمایند

اغذیه بخشند —

شیره گوشت لیبیگ — بعد از تازه شدن این جسم را در آب
گرم حل کرده بمریض میدهند و منافع آن بالاصاله مانند فوائد است که از
آبگوشت خوب پرقوت بدست میآید و دیگر فائده اصلی این است که
میتوان اثر التهابات اسهال جالی و تقلیل نموده و نیز مدت مدیدی مدام به مریض داده
قوت غذائی آبگوشت چنانکه ذکر نمودیم خیلی کم است ولی این غذا بواسطه
ترکیبات املاح خود اعانت بر حصول شیره معدی نموده و کمک تحریک قوه
کنند آبگوشت بسیاری از مریضان ناتوان را که بواسطه امساک مطلق
بسیار ضعیف شده‌اند نجات میدهد پس آبگوشت غذائی است
تقویتی که استعمال آن در تمام مدت امراض مزمنه و در تب‌ها زمان ممدوح است
اگر در اول زمان امراض حاده استعمال آبگوشت لازم شود باید آبگوشت
بسیار ضعیف مثلاً آبگوشت جوجه و کبوتر و گوساله تجویز نمایند —

تبصره — چنین شیرهای مختلف را بوضع لایق در امراض حاده و هنگام نقاهت آنها
و نیز در امراض مزمنه تجویز نمایند نتایج جیده حاصل توانند شد تغذیه لبنی
در امراض مزمنه طولیه از قبیل طیفوس اهمیت تامه دارد و اگر در این حالات
اسهال نیز وجود داشته باشد شیر را باید با مواد ولیه خوب نمود در حالات
مذکوره مقصود از خوردن شیر علاج لبنی قانونی نیست و دیگر ملحوظ نیست
بلکه بمقادیر قلیله باید از آن تجویز نمود و اگر بخواهند تغذیه لبنی قانونی
تجویز نمایند لازم است که علاج لبنی تنها نمایند و در استعلاج اغلب
امراض استعمال آن لازم است باید در صورتی نباشد اولاً در صورتیکه
مریض بسیار تشنه و دائم باشد و ثانیاً وقتیکه مریض بسرعت متنفر از آن
گردد دیگر از شرایط که بدون آن علاج لبنی مذموم است این است
که اشتهای مریض مغشوش نباشد و این نکته را نه فقط باید در تربیت
که اغلب علاج لبنی در آن معمول است ملحوظ داشت بلکه در کلیه امراض مزمنه

دیگر نیز از آن غفلت ننمایند ولی اگر بالعکس شیر را بمقادیر قلیله
نه بمقادیر کثیره چنانچه در علاج لبنی معمول است تجویز نمایند آن وقت
ضرری ندارد و در حالتیکه نیز استعمال شود علاج لبنی را چون
با تدابیر لائقه دوائیه منضم نمایند در سوء القنیه هائی که پس از حمیات
دائره شده و تقیحات کثیره و اسهالات انها حاصل میشود نتایج جیده
بخشد و همین قسم در اشخاص کلوروزی فوائد عمده از آن حاصل شود و این
فوائد ما فوق منافعی است که از تغذیه نیک مرکب از گوشت بدست
آید علاج لبنی قطع نظر از استعمال ادویه در المان جهت استعلاج استسقا
و مخصوصاً در علاج ورم مزمن کلیه بسیار معمول و ممدوح است در علاج
قرحه معدی نیز باید علاج لبنی را مخصوصاً که نتایج نیک دهد و بدین واسطه
غذائی وارد معده میشود که در سطح قرحه احداث تحریک شدید نکرده و دوران
صورت قرحه ملتئم تواند شد و در این موقع خوب است شیر را سرد بخورند

تا قدری عارض نشود. بالاخره در علاج نزله های مزمن معده و امعاء چون مصاحب
با اسهال باشند علاج لبنی تنها نتایج جیده نبخشد ولی در این صورت اغلب
مجبوریم که شیر را با مقادیر قلیله دهیم —

طرز اجرای علاج لبنی را که با پرهیز لبنی نیز نامند — روز اول در هر دو
ساعت یک استکان شیر به مریض دهند و از فردای آن روز بعد اگر خوب
تحمل نماید آن را به تدریج زیاد کنند تا وقتیکه برحسب حاجت مریض روزی
به دو سه لیتر و بیشتر برسد و جمیع اغلب نتایج مقصوده از این تدبیر به دست
آید. می توان اذن داد که قدری نان هم با آن بخورند و بتدریج می توان مقدار
نان را زیاد کرد. بالاخره پس از آن که مدتی گذشت می توان اغذیه خفیفه
دیگر را نیز بدان اضافه نمود. مدت این تدبیر چهار الی هشت هفته است
شیر معمول با آن بسیار خوب و از حیوانات که اکثر مبتلا گرفته نباشند
شیر خام تازه دوشیده باشد یا شیری که زیاد جوش نیامده باشد اغلب بهتر هضم می شود

شد. بالاخره در بعضی مواقع استعمال شیر بسیار منفعت می کند و این
مواقع از روی تجربه و بدون مداخله ملاحظات علمیه بدست آمده است
مثلاً شیر گرم در اطفالی که به سرفه مبتلا و جمله خروسکی شده باشند مفید
و همچنین قسم در نزله های خفیفه شعب قصبه استعمال شیر گرم با قند
یا اغلب با آب سلتز مخلوط می کنند جایز است. بالاخره شیر را
در علاج مسمومیت های مختلفه حاصله از مواد محرقه معمول می دارند
و در این موقع بلا واسطه مانند تریاق اثر می کند علاوه بر این سطح
اغشیه مخاطیه و اجزای ماوفه مستور می کند و محافظت می نماید. شیر از خارج
مانند لطیفه گرم معمول است چنانکه در اوسام حاصله جوف حلق
و دهان و مجرای خارجی گوش معمول است. بالاخره اغلب قدری عسل
یا ترنجبین و شیر خشت یا روغن کرچک به شیر افزوده حقنه از آن
ترتیب می دهند حالت در اینجا بعضی از لبنیات را که در معالجه

معمول است ذکر می‌نمایم شیر بکره در امراض حموئیه مشروب نیکی است و لیکن آن را
نباید استعمال نمود مگر با احتیاطات تامه زیرا که بسهولت باعث
اختلالات هضمیه و اسهال تواند شد ـــ

شیر بریده یا ماء الجبن ـــ در فرنگستان آن را بدین نوع
می‌سازند که از این شیر باعانت پنیر مایه (در یک لیطر)
یا یکی از اسیدهای آلیه منجمد می‌کنند مایعی را باقی مانده عبارت از شیر
بریده و محتوی عناصری است که عمده‌ترین آنها عبارت است از قند
و املاح و دارای مقدار قلیلی آلبومین و کازئین نیز هست مایعی است
شفاف مایل بسبزی با طعم شور و شیرین درجه تغذیه آن بسیار کم است
سابق برای آن خاصیت علاجیه مخصوص در این مایع می‌پنداشتند و لیکن
در این ایام از آن عقیده برگشته‌اند زیرا که این مایع اثر دیگری جز خواص
اجزای محتویه در آن ندارد و اگر بمقدار قلیل (۲۰ مثقال) خورده شود

هیچ اثر مشهودی نمی‌نماید ولی اگر بمقدار کثیره (نیم تا یک لیطر) بیاشامند
باعث سهولت اخراج براز گشته گاهی نیز باعث تلیین و اسهال و جلب
کثرت اخراج بول شده و اگر آن را گرم گرم بنوشند عرق آور و از جمله
امراضی که در رفع آنها تدبیر قانونی شیر بریده معمول است در اول درجه
امراض مزمنه جهاز تنفس است چنانچه در نزله‌های مزمنه سالهٔ شعب
قصبه و نزله‌های مزمنه شعب حنجره و جنبتین در اول درجه سل اخراج
نفث هنوز قلیل و علامات موضعیه درست نمایان نشده است معمول
داشته‌اند ولی اشتها و هضم باید خوب بوده و اسهال موجود نباشد
و حمای دقی را در این درجه روی ندهد مانع از استعمال مقادیر قلیله
آن نیست ولی هرگاه آفات موضعیه پیش رفته حمی شدید و دقی
شده استعداد نمایانی جهت کثرت ترشح عرق داشته باشند استعمال
آن جایز نیست همین قسم مرضای امراض قلبیه مخصوصاً مبتلایان

امراض و سمهای پیش بطن و دهلیز و در هنگام تعدیل مرض منتهی به بیوت
مزاج مختلفة الدرجه شونده ماء الجبن است که قدری گرم هستند گویند با عفونت
بالاخره اینها نیز در مستعدین نقرس و مبتلایان با ستلای و مبتلای بطن
و در احتقان کبد و طحال و در بواسیر و سمن مفرط معمول میدارند —

قدر شربت و طرز استعمال آن — روز اول صبح سه فنجان آنرا
ناشتا خورده ربع ساعت گردش کنند دیگر شربت دیگر به کوزه
اگر هیچگونه آفت هضمیه مانع استعمال آن نشد مقدار آنرا میتوان مضاعف
و چهار برابر کرد (یک دیگر از مشروبات تبکیه از شیر بز ناقه کومیس است
و چون کومیس از جمله مشروبات مغذیه است لهذا آنرا در باب
الکلیات ذکر میکنیم) —

پپسین — شیر بریده را با پپسین هم میتوان ساخت پپسین
ماده مخمره البومینی معده است و آنرا از غشاء مخاطی معده اخذ میکنند

پپسین جمیع نسج الف است لهذا با سقای آنرا حفظ توان
کرد و اگر به پپسین دارچینی الاثقال را نه این حبس را لکه در شکوه هضم
حاد و مزمن و در عدم اشتها و امثال اینها بکار برند —

استعمال علاجی مواد زلالین

این مواد را در علاج امراض و در ریه مجاری هضم معمول میدارند مانند
لعابیات غشاء متورم را از تحریکات محفوظ مینماید این مواد
صورت دوائی مفید مخصوص دارند در امراض عمومیه زلالین را میتوان
مانند غذای مع الواسطه معمول داشت و نیز چنین معلوم شده است
در اطفال لاغر ضعیف خنازیری و مبتلای سل زرده و جاج غذا را هرگاه با شیر
و قدری انگوشت گوساله از تمام انگوشتها زلالین آن بیشتر است
غذا دهند بهتر نمو مینمایند از خارج زلالین را جهت استرداد جراحات
و امثال اینها معمول میدارند از زخمهای ازالت سیاه چند قسم

ماهی را سطوح زنان اخذ میشود متمعات ملتصقه می‌سازند را معروف هستند
بنافته الفلیج —

استعمال علاجی مواد دسمه

(۱) در بیان گلیسرین — گلیسرین (که یکی از الکلهاست)
مایعی است غلیظ بیرنگ و بی‌بو با طعمی شیرین که با سهولت در آب و الکل حل
میشود ولی در اثر و کلروفرم و ادهان و دسمه مایعه کمتر محلول است جاذب
الرطوبه است و هنگامیکه بمقدار زیاد بخورند با آنکه بلاواسطه وارد خون
نمیشود بسبب سرعت ادرار و زیادتر شدن ترشح بول میشود و شفافیت آن شبیه
بآب است ولی اگر ترشح بول باعلی درجه رسید رنگ آن کم کم زرد کاهی
و بالاخره قرمز خونی میشود سبب این رنگ وجود مواد ملونه خون
(ریموگلوبین) است در بول که از فساد گلبولهای قرمز خون حاصل شده است
باین جهت است که استعمال علاجی گلیسرین از داخل باید بکمال احتیاط

و بمقدار کم باشد در شبانروزی بیش از ده مثقال تجویز نکنند و باین مقدار
هم اثری در بول ندارد و از خارج گلیسرین را جهت پوشاندن خراشها
و جراحات صغیره استعمال مینمایند خاصیت دیگر این است
که بسیاری از ادویه قویه را (مانند قلیائیات و عصاره نباتات و بالاخره
املاح فلزی محلوله در آب نیستند) حل میتواند نمود —

(۲) مواد دسمه — مواد دسمه که اکنون مانند مواد غذائیه
در حالات مرضیه کثیره استعمال مینمایند خصوصاً در اختلالات مزمنه
جهاز تنفس و در حالات سل که مصاحب بلاغری و هزال شدید
شحم و نسج عضلات باشند تجویز مینمایند و در این حالات روغن ماهی سابقاً خصوصاً
بر سایر مواد دسمه ترجیح میدهند بهمین قسم شیرهای کثیر الدسومه و سایر
اجسام دسمه را در مملکت مرسوم باشند و در این حالات بکار برده شود
و چنانکه ذکر نمودیم خاصیت عمده اجسام دسمه این است که باعث

عدم سرعت تحلیل و دفع این مواد از طریق بدن میگردد و بهمین جهة است
که این مواد سمی در تمام عضوهای اکثر الات وافره مواد بدنیه موجب ضعف
و هزال میشوند تجویز نمیشود در امراض مزمنه طولانیه و اسهال های مزمنه
و امثال آنها استعمال مواد دسمه جایز نیست و مانع آن فقط این است
که حالت جهاز هضم مناسب با آنها نیست —

روغن ماهی — جسمی است مایع و دسم که آنرا از کبد ماهیهای موسوم
بکادوس دمرو اخذ مینمایند و این روغن سه قسم است (۱)
روغن سفید — دهنی است سفید یا خیلی کم مایل بزردی که بوی ماهی
بخوبی از آن استشمام میشود طعم آن خوش و ملایم است از حیثیت اثر
شیمیائی خنثی یا اندکی اسید است این قسم روغن را از جگرهای تازه که
اندکی گرم کرده باشند میگیرند (۲) روغن زرد — شفاف و بوی آن
آشکارتر است طعم آن تند و نامطبوع و اثر آن اسیدی است و آن را

از جگرهای ماهی که در ظرف بزرگ برروی هم آکنده میکنند و خود بخود خارج
گردد بدست آورده رنگ آن نباتی یا خرمائی است (۳) روغن قهوه
از جوشیدن جگرهای ماهی بدست میاید طعم آن بسیار تلخ و مکره و هر قدر
رنگ آن تیره تر باشد نامطبوع تر است اثر شیمیائی آن بقدر اسید است —
چیزی که سبب امتیاز روغن ماهی از اغلب ادهان دسمه شده این است
که علت آزادی مقداری از اسیدهای دسمه و ید و برم و غیرها دارد و علاوه
روغن ماهی دارای خاصیتی است که سهلتر از سایر ادهان دسمه از اغشاء
و امعاء که نزدیک و بواسطه این خاصیت است که زودتر از سایر ادهان دسمه
جذب میشود و باین جهت است که روغن ماهی را در مواقعی تجویز میکنیم
که معالجه با اجسام دسمه مقصود باشد و آن مواقع عبارت است از حالات مزمنه
و ضعف است اولاً در ادوار درجه امراض مزمنه کنجکاو و مخصوصاً آنهائیکه مقارن
با انهدام نسج اصلی ریه است روغن ماهی بلاواسطه معالجه تغییرات عضوی

ریه سرایت کند و منافع آن همه در این است اما مانند غذا زیاد علی الخصوص که
باعث بطوء ترقیات سریعه تکلیس میگردد و بدین واسطه وزن بدن ممکن است
زیاد شود و علاج حقیقی هم در حالاتی که آثار درنیه حاد منتفی شده و مرض
بسیار خفیف و وقتیکه مریض پریده رنگ و لاغر باشد از آن حاصل توان شد
ولی شرط اصلی آن است که مریض همیشه بتواند آن را خوب تحلیل کند
و هیچ استعداد باسهال موجود نباشد اگر شرایط مذکوره وجود داشته باشند
ملاحظه زمان مرض اهمیت چندانی ندارد و تجویز میکنند که علامات
طبیعیه مرض هنوز به شکل کامل نرسیده باشد که حفره بزرگی در ریه
پیدا شده باشد و در تمام این حالات خواص غذائی روغن ماهی ظاهر میشود
علاوه بر این روغن ماهی دارای تأثیرات عظمیه مقتضیة الطبیعه (از قبیل [illegible]
دغانقرایای عظام) معمول است و نیز در امراض جلدی خنازیری و نیز در
قروحات خنازیری اغلبه خارجی (زکام قرحه) و استعمال آنها معمول است

ولی این روغن در آفات خنازیری غدد و خصوصاً در صورتیکه مصاحب
با قروح نباشد چندان مفید نیست —

چند موقع است که استعمال روغن ماهی ممنوع است و ممکن است سایر
اجسام دسمه نیز در آن مواقع مضر باشند اولاً در حدیث الولادگان
تا اواخر ماه هفتم بنا به تجویز نمود بجهة آنکه معده کودک تحمل هضم ترکیب
آن اولی است ثانیاً در مرضائیکه مستعد بسمن مفرط اند استعمال آن
احتیاط دارد و این مرض غالباً اشخاصی هستند که مبتلا بکثار بطی الاحتراق
ثالثاً استعمال آن در وقتی که عمل طبیعی جلد بدن معدوم شده باشد (عرق
کمتر) علیه مضر است و آن وقتی است که سطح جلد سخت و خشک باشد
رابعاً وقتیکه امتلاء دموی عمومی باشد خاصه در صورتیکه اختلالات
هضمی از هر قسم که باشد یا استعداد باسهال موجود باشد که اینها است استعمال
آن مذموم است بالاخره از تجربه معلوم شده است هر گاه مریض از شدت آن

زیاد متنفر باشد یا آنکه پس از مدت روز شرب آشامیدن آن باعث تهوع
و قی گردد باید اصرار نکنند مبتلایان بفلج و اعوجاج عظام نیز ممکن است
مانند مبتلایان کمتر از شرب آن فائده برند ولی در صورتی نافع است
که در این حالت همان آثار عظیمه علامات عمده مرض بعضی امراض
مجرای هضم موجود نباشد و مخصوصاً استعمال آن در فلج حاد عظام ممنوع است
قدری نشده است — باید بمقدار قلیل شروع کرد و با قاشق بزرگ روزی
دو قاشق در هر دفعه و در اطفال بر حسب سن از نیم الی یک قاشق بدهند
ولی جهت حصول از حقیقت این روغن باید بمقدار آن را تا حد امکان
زیاد کنند اغلب مرضی خالص آن را بدون اینکه از آن لعوق و غیره
بسازند بهتر توانند نوشید جهت رفع طعم نامطبوع آن در ادای
هنوز معتاد بشرب آن نشده‌اند بلافاصله پس از خوردن قدری قهوه
سیاه یا یک جرعه شیر یا عطر نعناع و دارچین و لیمو تناول نمایند —

و جنبیات را اغلب در حملات سعال تلخ در جزء لعوق مخدر
بدان افزوده باشند بکار برند و غالباً برفع سالکت شود —

عمل اجسام دسمه در جلد

دسومات چون بر روی جلد مالیده شوند آن را نرم و لین و دسم الملمس کنند
و نیز مانع تبخیر جلدی و باعث انقطاع آن می‌گردند و هرگاه جلد بدن را
مدتی روغن مالیده گذارند آثاری شبیه بعوارض حاصله از اندودن تمام جلد
روی دهند از قرار تنقیص در درجه حرارت بدن نزول ترشح بول
زیاد دیگر بول البومینی شدت تنفس و انقباضات قلبیه بطی گشته
بالاخره مرگ روی دهد و این تدبیر را گاهی در تحلیل اطفال مجری
میدارند که سطح تمام بدن مریض را روغن اندود می‌کنند مواقع
استعمال اجسام دسمه از خارج بسیار است مثلاً گاهی مانند طبقه حامیه
معمول دکاه جهت نرمی و ملایمت بشره مستعمل‌اند و نیز در ادهان امّاج

خاصّه روغن‌ها مرسوم شده است در ذات الجنب و ورم صفاق هم این
تدبیر را بکار میبرند در این موقع بعضی از اجسام دسمه غذائیه و چون معروف شده‌اند
که از نباتات و حیوانات اخذ میشوند مذکور میداریم و آنها عبارتست از
از کره و روغن خوشکه و پیه و روغن خوک و مغز کله گوسفند روغن زیتون
روغن بادام و روغن خشخاش و روغن تخم هندوانه روغن نارگیل و نیز از جمله
اجسام دسمه پارافین است که آنرا از لین نیز میسازند و آن ماده
کاربوری است که از تقطیر ذغال سنگ چرب بدست میآید —

در بیان استعمال علاجی کاربو و هیدرات‌ها

(۱) قند — قندها بشربت مانند که معمول میسازند و در امراض
حمویه محلول آنها در آب تجویز مینمایند و علاوه بر اینکه این مشروب
مانند مشروبات ترش مزه رفع عطش را نمیکند عیب دیگر آن
این است که اگر مزاج مستعد اسهال باشد ضرر میرساند و در این صورت

بجهت اینها از استعمال دائمی مشروب مذکور مانند غذای حقیقی اجتناب میکنند
اغلب قندها مخصوصاً در اطفال جهت حصول تلیین مزاج تجویز میشوند
و نیز غالباً محلولات قندیها در علاج نزله‌های حاده خفیفه مجاری تنفس
جهت اعانت بر ترقیق محلولات ترشحیه بکار میبرند و در اطفال
جهت رفع طعم‌های نامطبوع بعضی دواها اغلب قند استعمال میشود از خارج قندهای عادیه
مردم زیاد بکار میبرند مثلاً آنها مانند محرکات خفیفه در علاج قروح
بطیئة الالتیام و نیز جهت رفع رائحه لحمیه رویه‌ها باعث التیام زخم لحمیه معمول
میدارند از جمله موانع استعمال قند اولاً آفات نزلیه حاده و مزمنه
معده‌ها مذکور میداریم زیرا که بکار بردن این آفات قندها چون
شدها بعضی تجزیه‌ها و استحالات غیر طبیعیه در آن روی دهد و موجب
ازدیاد اختلالات هضمیه میگردند تا حتی الامکان باید قند را در تشدید
و در مبتلایان باسهال معمول نداشت ثالثاً فرط سمن یکی از موانع استعمال قند

استعمال مواد قندی است را نگذارد و اعوجاج و فتح عظام تغذیه قندی را
بنابه معمول داشت مگر بعد از اینکه از مواد آلبومینی بدن بمقدار کافی
تغذیه مخصوصه باشد بالاخره خاصه استعمال قند در مبتلایان بدیابطس
قندی بکلی ممنوع است مواد قندی را در طب مستعمل است عبارت است از اجسام
ذیل —

(۱) شکر است در اکثر میوه جات و مخصوصاً در نیشکر و چغندر ریشه
انها بمقدار زیاد یافت میشود در آب بخوبی حل شده و در الکل بصعوبت
اثر اسید کند و باعث احیای مس قلیائی میشود و در امعاء مبدل بقند
انگوری میکند شیره شکر عبارت است از محلول ۹ جزء شکر در ۵ جزء
آب —

(۲) قند شیر — که فقط در شیر حیوانات ذی الثدی بحالت انحلال
موجود است و قابلیت حل آن در آب کمتر از شکر است و طعم آن مانند

شکر نیست در عمل قند مصرفی که عمده در می ورت هوا رطوبت جذب
نکند و بهمین جهت است که در ساختن سفوفات و ادویه میتوان قند
شیر را بر سایر قندها ترجیح داد ولی گاهی ایضاً فی الجمله باعث تلیین شود

(۳) قند من — که بمقدار کثیره (۷۰ درصد) در شیرخشت و ترنجبین
دیگر موجود است و از جمله مسهلات ملایمه است که جهت حصول
اسهال شش مثقال قند من یا ده مثقال شیرخشت یا ترنجبین
میدهند —

(۴) عسل — که نوعی است عسل موم یا مستعمل و عسل مصفی مقدار آن
مانند قند است و بمقدار ده مثقال باعث تلیین میشود آنرا خارج
خمیر ارشیه با آرد مروی و مثل های صغیره جلدی بکار میبرند و نیز
از مخلوط نمک آن با مطبوخ مریم گلی غرغره های ترتیب میدهند در علاج
خناق های سابقه زیاد معمول است استعمال عسل مخلوط با بوره یا قلم مورد

قلاع ارسالی دارد مخالف قانون و مضر است زیرا که وجود عسل در دهان
باعث حصول تعفن و فساد میشود حتی الامکان در این حالت باید
از آن احتراز جست و نیز از عسل اولاً شربت گل سرخ و ثانیاً مرهمیه
(۱۲ جزء عسل مصفی یک جزء مطبوخ گل سرخ) را که غرغره آن معمول است
ثانیاً سکنجبین عسلی (سرکه لیمو را با یک جزء عسل مصفی ۴۰ جزء) —

(۵) اصل السوس — اصل السوس بیشتر از سایر اجسام قندی دارای
خاصیت است در تعادل ترشح رطوبت غشاء مخاطی حلق و حلقوم بلکه ریه و
تحریک آنها — اصل السوس غالباً جهت تهیه حبوبات بکار رفته
و یکی از ادویه مصلحه لیمو مرغوب حبه‌های مخرج نفث از قبیل نشادر
و تنکار و بزرالبنج است و آب دهن و [illegible] از آن اخذ میشود
(۱) رب السوس مصفی که گردیست [illegible] ته یا مخلوط
با مطبوخات و حبوبات و غیرها استعمال مینمایند (۲) شربت اصل السوس

را از نقوع اصل السوس با قند و عسل ترتیب داده و برای حبه‌های اطفال
مصلح لیمو بسیار خوب است (۳) الاکسیر رب السوس را از رب السوس و آمونیاک
انیسونی از هر یک یک جزء در شش جزء عرق رازیانه ترتیب داده
در نزله‌های بی تب بشرب قاشق قهوه‌خوری بسیار خوب است روزی سه دفعه نیم
الی یک قاشق مخلوط با آب تجویز نمایند (۴) خمیر سوس است که برای
اطفال حبه‌های خوب است —

در این جا ریشه مرغ را نیز ذکر میکنیم که در فرانسه زیاد معمول ولی در آلمان
قلیل الاستعمال است ریشه مزبور و اقسام اکثر [illegible] نیز دارای قند است

در بیان استعمال علاجی مواد نشاسته

چند مرض است که در آنها مواد نشاسته مانند غذا یکی از معمولات اولاً
این مواد در تجویز فائده نبخشد ولی خصوصاً در مبتلایان بحمیات
قصیرة المده که استعمال آنها در تغذیه کفایت میکند مفید است اما اگر

بالعکس مضر طولی باشد و علامات عدم تغذیه در مریض ظاهر گردد باید
غذاهای سهل الهضم باشد که بآنها منضم نموده ثانیاً تغذیه بمواد نشاسته در امتلاء
و سوء هضم حقیقی و در التهاب مزمن معده منع از خون و شیره غذائیه مفید است در صورتیکه
مستعد بسمن مفرط باشند و نیز تغذیه نشاسته در مستعدین بسوء مزاج
اوره (نقرس) معمول است در علل حاصله غشاء مخاطی معده و امعاء
نیز تغذیه بمواد نشاسته بایستی منع است و کلیتاً تحمل استعمال مواد
نشاسته قلیل بلکه در آفات نزلی مزمنه معده خصوصاً در صورتیکه
معده کثیر الحموضه باشد ممنوع و همین قسم در استعداد واضح بسمن
مفرط استعمال جایز نیست مواد نشاسته در اول سال
حیات نیز نباید استعمال داشت و باید در مبتلایان باعوجاج و لین
عظام و خنازیر و بالاخره در مرضای مبتلا بدیابیطس بکمال
احتیاط و بمقدار قلیل تجویز نمود —

از خارج نشاسته را در اماله جهت رفع اسهال بکار میبرند بابت آن
منفعتی از آن اول در کمی آب سرد مخلوط کرده و بعد نیم تا یک لیتر آب جوش
اضافه کرده حقنه نمایند و نیز گرد نشاسته را در بعضی قروح جلدیه
معمول توان داشت و در ورم مزمن شعب قصبهٔ اطفال مستعد
بسل و در طوبرکول شدن عقدهای رئتین از دو جزء رب
با عصاره مالت تجویز است —

در بیان لعابیات و صموغات

استعمال علاجی آنها — مواد لعابیه اثر مخصوصی در سلسلهٔ غدد و عضویت
دارند و بمقدار زیاد در اقسام اسهالها که از هر سبب باشد تجویز
میشود خواه در اسهال ساده و خواه در اسهالی که سببش تغییرات
قرحه باشد و همچنین مشروبات لعابیه در اختلالات ورمی
مجاری بول و تنفس تجویز است —

مواد لعابیه و صمغیه معمولی عبارت از اجسام ذیل‌اند (۱) ثعلب
یا خصیة الثعلب در صد جزء دارای پنجاه جزء مواد لعابیه و سی جزء
مواد نشاسته و پنج جزء مواد بیاض البیض و یک جزء املاح است
از دواخل در مواقع سابق الذکر استعمال شده و بهتر این است
که از ثعلب آب یا شیر یا الکول مطبوخ ترتیب دهند
در دواخانه‌های آلمانی لعاب ثعلب به نسبت یک مثقال
در سی مثقال موجود است و طریقه ساختن آن این است
که ابتدا یک جزء ثعلب را با ۱۰ جزء آب مخلوط می‌نمایند
و بعد آن نود جزء آب جوش به آن اضافه می‌نمایند —
(۲) ریشه خطمی — این ریشه تقریباً به طور کلی دارای
مواد نشاسته و لعابیه است (سی درصد) و از آن مستحضرات
ذیل را ترتیب می‌دهند اولاً شربت خطمی که دارای [illegible]

مستعمل است که عموماً در اطفال استعمال می‌شود و به مجموع نقش با معین آن
استعمال می‌نمایند و هم خود ... است و آن از برگ خطمی و گل اقطی و گل ختمی بزرگ
به مقدار مساوی مطبوخ ترتیب می‌دهند و بعد از آن یک تا سه مثقال
از آن سه درهم به مثقال آب استعمال می‌کنند ثانیاً از گل خطمی و گل
ختمی و اکلیل و گل بابونه و برگ به مقدار مساوی ضماد یا که مطبوخ ترتیب
می‌دهند —
(۳) اشنه ایرلانده و لیخن ایسلاندیک است هر دو دارای مقدار زیادی
مواد لعابیه و کمی مواد نشاسته و یک قدری ید و برم‌اند بعضی اوقات
در مشق زیاد استعمال می‌نمایند —
(۴) بهدانه است — که در صد جزء ۲۰ جزء مواد لعابیه دارد
و آن مانده لعابیه هم به سهولت تجزیه می‌شود —
(۵) صمغ عربی است — شیره‌ای است سخت و از نباتات اشجار

میشود از جنس اقاقیا که جسمی است محلول در آب و غالباً از دو جزء
و خارج میشود و آن سبب رفع اثرات مهیجه که مخلوط با اجسام دسمه
که لعوق ترتیب میدهند و نیز از آن لعاب و شربت و مخلوطی
میسازند مانع انجماد پانزده جزء صمغ عربی و پانزده جزء قند در
۱۷۰ جزء آب حل کرده باشند حاصل شد گاهی عرق بهار نارنج هم بآن
اضافه می‌کنند —

(۶) کتیرا — و آن صمغ درختی است موسوم باستراگالوس که مرکب
از باسورین و صمغ است در آب بسیار کم حل تواند شد —

در بیان ملحقات پرهیز

اولین ملحقات تدبیر غذائی مرضی عبارتست از مشروبات ساده
و مشروبات غذائی یا جوشانده‌ها —
از مشروبات ساده در طبقه اول آب خالص است که ذکر نموده در تمام

امراض حادّه منظور است امّا باید تمام خواص سوء را در آب مشروب در نظر
داشته باشند بهتر آن است که بمقادیر قلیله و دفعات عدیده بکار برده شود
و در صورتیکه اختلالی در آلات غذائیه یا حالت قی موجود باشد
بلع قطعات کوچک یخ نتایج نیکو دهد —
جوشانده‌ها اهمیت تامی در امراض حاده دارند چنانکه افراط باعث التعریق
تجویز نمایند این نوع مستحضرات رفع عطش کنند املاح محلوله در نباتات
معموله منظور است جهت بدل ما یتحلّل مواد غیر آلیه بدن لازم و مناسب اند
بالاخره جوشانده‌های قنددار سهل الانهضام هستند و قوت تغذیه نمایند
متعارف شربت نارنج یا لیمو یا انار یا گیلاس یا تمشک و شربت صمغ
و ختمی در بسیاری‌شان را در دواخانه‌ها شیرابه حل مینمایند جوشانده‌های
مشروبی خوب بدست میآید امّا در خریداری این شربت‌ها باید کمال
دقت کرده بدون رنگهای مصنوعی باشند مشروبات باید هر دفعه

بمقدار کم استعمال نمود و در صورت لزوم تجدید نمایند و تنقیه دائماً متروک باشد
بمقدار زیاد استعمال نمایند غالباً سبب سنگینی معده و تهوع و وجع و نفخ
شده بالاخره مستعد احتقان دموی و تحریک امعا میشود —

در بیان سایر وسایط حفظ صحت مریض

قواعد کلیه — درصورتیکه مریض بخواب عمیق رفته باشد اگرچه وقت
خوردن دوا باشد او را بیدار نکنند مگر آنکه خواب بیربط بیثبات
و بیش از اندازه برسد وقتیکه مریض نتواند در بستر بخوبی حرکت کند
باید پرستاران همیشه وضع او را تغییر دهند تا آنکه وزن تمام بدن لاینقطع
در یک نقطه فشار نیاورد که سبب قرحه و خشکریشه‌ها غالباً بخصوص در امراض
شدیده و راحت تامه از شروط لازمه است وقتیکه قوای مریض کافی
باشد می‌تواند مدتی در بستر بنشیند و دوای تحویلی را باید بکمال دقت
حفظ نمایند و در تمام مدت مرض باید بکمال دقت سعی در تلیین مزاج نمایند

و اگر احتقان بطن روی دهد باید بزودی با تنقیه‌ها و وسایط ملینه رفع
نمایند هیچوقت از پاکیزه نگاهداشتن مریض نباید غفلت کنند و دهان
و موها و دستها را بشویند مریض را نگذارند مدتها یک لباس بپوشد
و با کمال احتیاط اثاثیه عوض نمایند و بعد ترشحات او را از اطاق رفع نمایند
و اطاق مریض باید وسیع باشد و همیشه بقدر کفایت هوای تازه و خالص داخل
شود هوای فاسد اغلب سبب ردائت احوال مریض و مخصوصاً مورث
امراض عفونیه کثیف و نیز باید سایر آثار و علایم خونیه را در مزاج مشوش
ملحوظ داشته عفونت مواد برازیه و ظروف اثاثیه باید با آب و اسید فنیک
پنج در صد یا با محلول سوبلیمه یک در هزار رفع عفونت و این تدبیر همیشه
در امراض عفونیه و مخصوصاً در طیفوس بطنی و وبا و طاعون و نزلات شدیده
داشتن آنها لازم است —
در حوالی مریض هیچوقت نباید صدا بلند کرده یا اخبار شدیده وارد کنند

همین قسم از عطوفت قوه را مخصوصاً تشویق و ترویج اند احتراز جسته

رعایت ملاطفت و موافقت با مریض قلیل المنفعه تر از تدابیر

نیست و جمع طبیب معرفت با حال مریض حاصل نمود و مرض را تشخیص داد

در صورتیکه خطرناک باشد باید بزبان مبهم خود کسان مریض را ملتفت

کند با اینکه بگوش مریض رسید سبب اندوه و نومیدی او گردد —

تدابیر لازمه در امراض مزمنه

بسیاری از امراض مزمنه است که علاج آنها منوط باستعمال دقیق تدابیر

حفظ صحت است و در این امراض بیش از حالت صحت لازم است

که تغذیه کامل و کافی و بطور لازم و لایق منظم باشد و لازم نیست که

مریض بقدر کثیره چیزهای مقوی بخورد بلکه باید بطوری غذا داد که نافع

و مفید باشد و مخصوصاً از جمله شرائط لازمه این است که غذا را لازم است هضم

و خوب بکند و این شرط از شرائط است که در صحت مفید و در ... قوهین

و مبتلایان با امراض مزمنه لازم و ناگزیر است و در بسیاری از امراض مزمنه

در رد و بدل با تحلیل امراض شخ نیست و جهة تغذیه کامل چنانکه ذکر نمودیم

باید غذا دارای ٣ قسم مواد مغذیه باشد یعنی مواد بدل ما یتحلل

واقع میشود در اول درجه شیر است باید ذکر نمود که در کثیری از امراض

مزمنه باید مداومت استعمال شیر است جهت تقویم تخم مرغ خام و نیمرشت است

نیم کباب گوشت ها و غیرها است از جمله موادی که جهت

استدامه و تولید حرارت لازم اند روغن ماهی است که لیشتر آن در

امراض مزمنه تکیلیه در اول درجه واقع است اگر با وجود تغذیه

کافیه و منتظمه مریض قوت نگیرد باید مطمئن شد که اجزای

غذائیه در مواد برازیه موجود و مفید واقع نشده اند علاوه

بر تغذیه تدبیری که در امراض مزمنه مفید واقع میشود تمکن در

ییلاقات است و تدبیر شیم جهت علاج این قسم امراض در بهار

نوشیدن شیرهٔ نباتات تازه و دورهٔ سبز علاج با انگور تازه است

بالاخره در فرنگستان جهت علاج این امراض آبهای معدنی زیاد

معمول است بعد از این بذکر آنها خواهیم پرداخت —

فصل چهارم — در بیان وسایط

دوائیه که در علاج امراض معمول اند —

وسایط دوائیه که در افاقه و اشتفای امراض بکار میبرند عبارت اند

از بعض مواد حیوانیه و نباتیه و معدنیه (جمادیه) که جامد یا مایع

و یا گازی شکل اند و مطلقاً آنها را که مانند تا این ایام مشهود الفعل

از روی خواص و مواد استعمالشان قریب بتعیین اند ادویه‌ٔ معمول

در مراتب قسمت نموده و اغلب تنوع و در سلوا اختیار کرده اند

(۱) مخدرات (۲) ادویهٔ ضد تشنجیه (۳) کزازیات

(۴) محرکات (۵) مخرجات نفث (۶) مهیجات (۷)

مدرات طمث (۸) مقیئات (۹) مسهلات (۱۰) معرقات (۱۱)

ضد محرکات (۱۲) ضد ورم یا ضد التهابیات (۱۳) ملینات

(۱۴) معدلات (۱۵) ادویهٔ مره و مقویات (۱۶) قابضات (۱۷)

مغیرات فاسدیه و مصلحات اشتها فیه (۱۸) معرفات (۱۹) قاتل

الحیوانات (۲۰) ادویهٔ مختلفة الآثار ولی عیب این قسم تقسیمات

این است که در تعیین خواص ادویه وسعت جنبه انها متغیر است بلکه اغلب

در تعیین خواص فیزیولوژیه و طرابوطیکه ممکن نیست اشتباهات کثیره

روی دهد زیرا که خواص ادویه بحسب مقادیر زیاد تغییر میکنند و اغلب

ممکن نیست مفید آنها را تشخیص داده باشند و در علم علاج مواد استعمالی

ادویه بسیار تغییر پذیرند ولی تو تغییرات ما قرار رسیده هم از روی علم شیمی است

و تشخیص خواهیم بود بر معلومات علمیه که از خواص ادویه تا حالی در دست داریم

زیرا که هنوز درجه ترقیات علم کیمیای نرسیده است که مسائل غیر معلومه

وحتی استعمالات مشکوکه و مجهوله از میان بکلی برداشته شده باشد در این
زمان اکثر تدابیر پرهیزی و حفظ الصحه در علاج امراض مقتضا به و مفید
افتاده و روز بروز بر اهمیت آنها می افزاید میتوان از ادویه غیر مجهوله
و مفیده و از مستعملات و موارد استعمالات مشکوکه قطع نظر نموده
ذکر آنها در طب جدید لایق نیست —

و ما مبحث شیمیائی ادویه را بده مقوله منقسم می کنیم از قرار ذیل —
(۱) ترکیبات قلیائیه و قلیائیات خاکی (۲) ترکیبات
آمونیاکی (۳) فلزات (۴) شبه فلزات (۵) اسیدهای آلیه
و غیر آلیه (۶) الکلیات و مشتقات آنها (۷) ترکیبات
سیانوژن دار (۸) ترکیبات معطره (۹) اختلاطات ترکیبات
معطره و اجسام نباتیه و حیوانیه (۱۰) شبه قلیائیات یا الکالوئیدها
و گلوکوزیدها و ترکیبات آلیه که اجزاء ترکیب شیمیائی آنها درست معلوم شده است

فصل اول — در بیان ترکیبات
قلیائیه و قلیائیات خاکی

ما بین ترکیبات قلیائیه پطاسیوم سودیم و لیتیوم و مابین قلیائیات
خاکی کالسیوم و ماینزیوم در طب معمول اند —

اهمیت فیزیولوژیکی یا لزوم استعمال آنها بطور عموم — بسیاری از ترکیبات
اجسام مزبوره جزء عناصر طبیعی و اصلی بدن اند کلرور و سولفات سودیوم
و در پطاسیوم و منیزیوم کاربونات ها و فسفات های پطاسیوم و سودیوم
و آهک کیند من ملاحظه در اثنای زندگانی بدن اهمیت های مخصوصه دارند
اولاً مواد البومینی خون بواسطه وجود قلیائیات محتویه در آن بسبب
آلکالیت اکمل در آمده اند ثانیاً وجود مواد قلیائیه در خون جهت
احتراق و حصول حرارت بدن و تغیرات غذائیه یکی از شرایط لازمه است
و بواسطه همین مواد قلیائیه است بسیاری از اجسام آلیه می توانند

مرکب با اکسیژن شده بمصرف احتراق و اجرای عمل خون در بدن برسند
و بهمین سبب معتبر نیست اما اگر مشتقه در بدن بظهور رسد بالاخره
مثلاً مالاتها و سیطراتها و اسیطاتها و غیرها را از میوه‌جات
مشتقه مجذوب بدن میگردند و در خون صرف احتراق شده و در بول بحالت
کاربوناتها ولی اگر بعوض این املاح قلیائیه اسید آزاد آنها را بخورند
در بول یافت شده و معلوم میشود احتراق آنها کامل نیست ثالثاً
مواد قلیائیه خون پس از تغیرات و تبدیلات غذائیه با اسیدهای حاصله
در انساج مثلاً با اسید کاربونیک مرکب میشوند رابعاً این مواد
اثر عمده در حیات سلولها دارند زیرا که محتوی سلولها همیشه القلوی است
را با این املاح مرکب شده است پس از مطالب مزبوره چنین مستفاد میشود
را احیای دائمی این ترکیبات مطلق لابد منه و مواد القلویه بدون
وجود آنها باعث استقرار حیات نتوانند شد و نیز معلوم شد

که چگونه هرگاه این مواد در تغذیه موجود نباشند زندگانی مختل میگردد —

اول — ترکیبات قلیائیه

عمل فیزیولوژیه آنها — مابین املاح پطاس و سود اختلافات کلیه
چندی موجود است مثلاً اثر طبیعی کلرور سدیوم با کلرور پطاسیوم و
کاربونات دو پطاس با کاربونات دو سود متمایز از یکدیگر اند —
املاح سود فقط در مایعات بدن (سرم لنف و صفرا) یافت میشوند
ولی جزء عمده مواد پطاسی در گلبولهای خون و انساج و سلولها موجود است
و این املاح خیلی سهلتر از املاح سود از ورای انساج نفوذ نموده و مجذوب
میگردند و بهمین سبب معتبر نیست را باعث احتیاج زراعین واقع و اول این مسئله
اجسام شده است بالاخره املاح سود بمقادیر معینه غیر مضر است ولی
انکه همان قسم املاح پطاس چون با مقادیر داخل در بدن گردند
باعث عوارض شدیده و هلاکت میشوند مثلاً اثر کلرور دو سدیوم بی زهر است

از کلورور پطاسیوم ضعیف تر است —

وقتی را بلاواسطه املاح سدیم داخل در خون کنند هیچ اثری در قلب
و درجه حرارت بظهور نمیرسد بلکه فقط نقصانی در سرعت انفعال
مراکز اعصاب و عصبهای محیطیه بظهور میرسد املاح پطاسی بر خلاف
اثر سمی در قلب و اعصاب و عضلات دارند و قلب را مفلوج نموده باعث
سبب مرگ شوند در صورتیکه کلورور سدیوم را بمقدار زیادی
بدهند شخص مدت مدیدی بحالت مرگ ظاهری باشد ولی قلب هنوز
حرکت میکند بر خلاف وقتیکه کلورور پطاسیوم را بمقدار زیاد
استعمال نمایند ممکن است اگر چه حرکت تنفس در دوام باشد
باشد و حال آنکه حرکات قلبیه بکلی مفقود شده اند اوضاع مختلفه املاح
پطاسی و سدی از مدفوعات اشخاص در شخص سالم و مریض نیز معلوم شده
چنانچه در حالت اول املاح پطاسی مخصوصاً بواسطه بول دفع میشود

و حال آنکه در حالت مرض مقدار زیادی از آن املاح در بزاق و رطوبت
قصبه و ترشحات امعاء دیده شده و علاوه در شخص سالم همیشه مقادیر
مدفوعه املاح سدی بیش از املاح پطاسی است و در محمومین بر خلاف
مقدار پطاسیوم مدفوع بیش از مقدار سدیوم است و باید چنانکه
دانست که در حالت حمیات حاره مقدار زیادی املاح پطاسی دارند
رفع تر فاسد و لذا ضعیف میشوند —

(۱) ترکیبات سدیم

املاح سدیم حتی بمقدار زیاد تجویز شوند بسبب سهل کم ضرر میشوند و بمقادیر
زیاد تر آثار ردیه سمیه دیده شود مثلاً بواسطه کلورور سدیم
جریان رطوبت فم و بینی و تهیج ریوی و بالاخره اخراج مقدار زیادی
از بول دست دهد —
از جمله ترکیبات مختلفه سدیم بر حسب غرض از نفوذ نمودن میتوان

جذوب شوند تغییر می‌کنند —

(۲) در بیان ترکیبات پطاس

بعضی از ترکیبات پطاس بوجوب اثار و خواص عضویه شبیه
در بدن دارند و بسبب ان بواسطه پطاسیوم اسید است نه بواسطه
اسید انها از سمیت ترکیبات پطاس در قلب است و این در
صورتیست که بمقدار زیاد خورده شوند استعمال علاجی متعارفی این ترکیبات
در انسان بالکلی باعث حصول حالت ضعف و انحطاط قلب
و اعصاب و عضلات و درجه حرارت گردد و کلیة این حالت
ظاهر نگردد مگر پس از استعمال طولانی این ترکیبات املاح
پطاس نیز باشند املاح سود بر حسب اختلاف اسیدها جزء ترکیب
انها است خواص و اثار مختلفه بخشند فقط سولفات و کاربونات
در سود و پطاس بترتیب بطی النفوذ تر اند پس از انها یدور

و کلورور و برومور و یدور پطاس و نترات از همه زودتر جذب گردند
در استعمال جهت قوت عمل قلبیه این املاح اخیره پطاس ۹، ۱۰ گرم
نمک سولفات های قلیائی این اثر را در قلب ندارند ولی چون این املاح اخیر
بمقدار زیاد در امعاء داخل شوند باعث سستی و هیجان اکثر نسوج خون بطیء
امعاء شده و بنا بر این اسهال آورند زیرا که مدت مدیدی بدون آن
هضم و جذب گردد در امعاء باقی میمانند و اگر انها را در خون داخل کنند
باعث عمل عکسی شده و بنا بر این اعتقال بطن عارض گردد چنانکه در
ورید و دواب سگ ده مثقال سولفات دو سود زرق نموده علاوه بر اینکه
سواد بیاریه رقیق شده اند از حالت طبیعی نیز اغلظ و اب یبس شده اند
و از روی این مسئله سبب این مطلب معلوم میشود چرا به مقادیر قلیله
این املاح باعث یبوست شده و نیز بعد از اسهالها هم از این ترکیبات
حاصل میشود اعتقادی روی داده زیرا که پس از گریه کردن اعصاب امعاء حرکات

دور انداخته باید شود و چون این تیزابها حرکات مدّوره بهر طرف کرده و اثر
مخالف حاصل شود در صورتیکه ترکیبات محرقه پطاسیوم و سدیم
باعث ظهور آثار مسمومیت گردند باید از آنها اجتناب نمود و جهت حصول
این مقصود اسیدهای غیر مشبعه از قبیل سرکه و اسید لیمو بکار برند و اگر
دسترس باسید یا نباشد باید مواد دسمه و دهنیه داد تا آنکه قلیا
مرکب با آنها شده صابون تولید نماید —

ترکیبات قلیائیه مستعمله در علاج عبارت اند از ترکیبات ذیل —

(۱) سود محرق مایع — عبارت است از محلول سه جزء سود محرق
در صد جزء آب این محلول مایعی است شفاف و بندرت مستعمل است
ولی در ورم حلق خناق کاذب بطور دلک تجویز است بدین نسخه
محلول سود محرق نیم تا یک گرم آب آهک ۵۰ تا صد گرام نسخه
نسخه دیگر سود محرق مایع ده گرام آب آهک ۲۵ گرام آب مقطر

دویست گرام مخلوط نموده استنشاق نمایند —

(۲) پطاس محرق (محلول یا قلمه است) — عمل فیزیولوژی آن —
پطاس غلیظ بشره را خیلی سوزاننده زیرا که آب انساج را
جذب میکند و تغییرات ضدی در آلبومینی وارد آورده و سومات را
مبدل بصابون کند وقتی که پطاس را بروی جلد استعمال نمایند بعد
زمانی از بشره سوزش و خارش که در دو شده ای احداث مینماید
و خشکریشه تولید نماید که ابتداء نرم و بعد سخت و بالاخره جدا شود
التیام روی دهد در صورتیکه پطاس را از داخل استعمال نمایند غثیان و قی هم
را حاصل شده که در اطراف ورم شدیدی احداث کند و اگر کوبیده
محلول شده باشد اثرش مانند اثر کاربونات دو پطاس است —
استعمال طرز استعمال آن — پطاس محرق فقط از خارج مستعمل است و در
صورتیکه بکار می رود مقصود محرق شده و عمیق باشد بدون اینکه

بخواهند بوقت تمه حرق محدود باشد مثلاً در جراحت حاصله از لدغ

سگ هار و دوشش مار و افعی و امثال آنها استعمال و همچنین جهت برطرف

کردن سختی کنارهای قروح و نواسیر و غیره و غالباً جهت اندفاع و ندبه‌های

کبیری و گوشت‌های جوانی جمع شده است باید در کلیه استعمال شده باشد

در رم التصاق قرنیه طبقه صفاق می‌کند —

محلول رقیق لاپیس (مثلاً ۵ گرام در پانصد تا هزار گرام) بطور

طلا و غسول در اکزمای خفیف و مزمن که بهیچ واسطه علاج پذیر نباشد

معمول و برای تسکین محلول غلیظ از لاپیس محرق استعمال می‌نمایند بنسخه

محلول لاپیس محرق روغن بادام یا زرنگ از هر کدام بمقدار متساوی

(مثلاً سه مثقال) مخلوط و استعمال می‌نمایند یا لاپیس محرق مذاب

مانند سنگ جهنم قلم ترتیب داده و بکار می‌برند یا آنکه ابتداء

بروی موضع مقصود قطعه از شمع و یا خلبون شقوب چسبانده

دور آن سوراخ قدری از لاپیس محرق گذارده روی آنرا بپنبه

نهاده با نواری ببندند —

اکثر اوقات عوض لاپیس محرق پات کردوین

(خمیر وین) بکار می‌برند و آن مخلوطی است از پنج شش جزء

لاپیس و شش جزء آهک محرق برتری و منفعت آن

این است که زودتر از کتفه و خشکریشه حاصله از آن محدود

ترتیب — پانزده تا ۲۵ بلکه تا سی دقیقه بر حسب

موضع مقصود آنرا محل میگذارند —

فقرهٔ ثانیه — در بیان کاربوناتهای قلیائی

(۱) کاربونات و بی‌کاربونات دوسود — کربنات

دوسود جسمی است متبلور بی‌رنگ شفاف بسهولت

در آب حل شود (یک در ۴) —

بیکاربونات دوسود عبارتست سفید رنگ با طعم قلیائی ضعیف و اندکی

بصُعوبت محلول در آب (یک در ۱۳) —

اعمال فیزیولوژیهٔ آنها — بیکاربونات دوسود بالطبع در خون

موجود و بواسطهٔ آن و فسفات دوسود از خون قلیائی است —

اثر آنها در جلد — بعلاوه این که چون موادّ دسمهٔ مبدّل بصابون

میشوند جالی جلد از محلولات غلیظه کاربونات قلیائی ممکن است سبب

سیلان الدم شدیدی در جلد گردند و جذب شدن آنها از جلد مشکوک است

اثر آنها در اغشیهٔ مخاطیه — اغشیهٔ مخاطی دهان و حلق و غیرها ممکن است

بواسطهٔ محلولات غلیظه محترق شوند استعمال محلولات رقیقه سبب

آن میشود که در سطح آنها اغشیهٔ مخاطیه که مخصوصاً غشاء مخاطی مجرای تنفس

مقدار بلغم مترشح زیاد شده و این موادّ لزجهٔ بلغمی اغشیهٔ مخاطی را

مایع و سیّال کنند و بهمین جهت است که خروج نفثها را آسان مینمایند

علاوه بر اینکه قلیائیات دارای این خاصیت اند از حرکات نزلاتهای
مزمنه را سهل مینمایند —

اثرات در معده — وقتی که محلول رقیق بیکاربونات دو سود بیاشامند
در معده تجزیه شده بواسطه اسید کلریدریک معدی تولید کلرور دو سدیوم و بواسطه
اسید لاکتیک آن تولید لاکتات دو سود گردد و اگر بمقدار زیاد خورده شده
باشد قدری از آن بی تغییر مجذوب جهاز شده و در اینصورت اسیدهای
آزاد معده بواسطه کاربونات دو سود خنثی و مقداری اسید کاربونیک متصاعد
گشته قدری هم مبدل به لاکتات دو سود میشود داخل در خون شده
الی حدودی مبدل به کاربونات دو سود میگردد بواسطه از کاربونات
های قلیائی ترشح شیره معدی همیشه زیاد میشود اما وقتیکه محلول معمول غلیظ
باشد بالعکس سبب نقصان ترشح مذکور شده و بهمین جهت است
که بعد از استعمال مقادیر قلیله اشتها زیاد و عمل هضم بواسطه افزایش شیره

معدی سریع میشود علاوه بر این کلرور دو سدیم تولید میشود از خصوص
در هضم مواد البومینی دارد و بی کاربونات و بی کاربونات دو سود
میتوان در امراض جهت خنثی نمودن اسیدهای محلوله در معده بطور رقیق
که آن بلغم لزج و غلیظ استعمال نمود و اگر مقادیر مستعمله زیاد باشند وارد
مجاری معائی شده و چون قوه نافذه آنها ضعیف است سبب اسهال
و نقصان ترشح صفرا میشود بعد از استعمال بیکاربونات دو سود اثر
بول قلیائی میشود اگر بمقدار ملح معمول زیاد و در خلاء معده استعمال شده
باشد قلیائیت مذکوره زودتر بظهور رسیده و در اینصورت اثرات آن
مانند اثرات ادویه مدره است املاح مذکوره در آلات دوران دم
و سلسله عصبانی و درجه حرارت بهیچوجه مؤثر نمیشند —

آثار طرابوطیک آنها — فائده طرابوطیک کاربوناتهای قلیائی مانند
املاح قلیائیت و همیشه در امراض مذکوره مستعمل اند —

در بیان قدر شربت و ترکیبات آنها — (۱) بیکاربونات دو سود
قدر شربت آن هر دفعه یک الی ده نخود و در مدت ۲۴ ساعت دو
مثقال است خواه بطور سفوف و خواه بطور محلول با یک فنجان شربت
قند یا مانند مصلح آن است تجویز نمایند (۲) ترکیبات کاربونات
دو سود غالباً استعمال نمایند مگر از خارج مثلاً جهت حمام صد الی دویست
مثقال و بجهت باشویه بیست الی چهل مثقال و بجهت تریاق یک الی دو
مثقال در بیست مثقال آب استعمال نمایند و جهت تدهین یک جزء
آن در ۹ جزء وازلین معمول است (۳) سفوف جوشان بدین
نسخه بیکاربونات دو سود ده جزء اسید طرطریک ۹ جزء قند ۱۹ جزء
ساییده مخلوط نموده سفوف سازند و در هر دفعه یک مثقال آن را
در روی زبان ریخته فی الفور عقب آن آب گوارا بنوشند (۴) سفوف جوشان
انگلیسی که مشهور به سیدلیتز پودر است بدین نسخه ده نخود بیکاربونات

دو سود و در نصف استکان شربت قند حل کرده پس از آن هشت نخود اسید
طارطریک اضافه نموده مرکب نمایند (۵) سفوف جوشان لیتین که مشهور
به سیرلیتین پودر است بدین نسخه بیکاربونات دو سود نیم مثقال طرطرات
دو سود یک مثقال و نیم اسید طرطریک ده نخود با همین مقدار یا ضعف
آن لیتین است —

کاربونات و بیکاربونات دو پطاس — معده کاربونات های پطاس
مشکل تر از کاربونات های سود تحمل توانند نمود و بدین ملاحظه کاربوناتهای
پطاس را اگر مدتی مدید استعمال کنند بسهولت مورث ورم معده شوند
خاصیت مدرهٔ این کاربوناتها را بیشتر از کاربوناتهای سود می دانند
و در نقرس کاربونات های پطاس را ترجیح میدهند —

کاربونات دو لیطین — از لیطین فقط همین ملح است که در طب
مستعمل است عبارت است از سفیدی بو با طعم زننده قلیائی و بسیار رقیق الانحلال

در آب مستعد قرحت و در آب اسید کاربونیک دار بهتر حل تواند شد —

اعمال فیزیولوژیه آن — چون بمقدار طبی استعمال دارد و معده کنند بسهولت جذب شده صورت هیچ عارضه در قلب نمیگردد و خاصیت مدره اش نیز از املاح پطاسی کمتر میدانند و بواسطه استعمال آن ترشح اسید اوریک زیاد میشود اسید اوریک نیز در کاربونات دو لیطین بهتر حل میشود تا در کاربوناتهای پطاس —

استعمالات علاجیه — کاربونات دو لیطین اغلب در نقرس معمول است باعث قلت حمله‌های نوبه آن شده و حالت عمومیه مریض بهتر میشود در حصات بول نیز از دیگار رمیده و استعمال این دوا در ورم مفصل مزمن را باعث شود شکل مفصل میگردد و در روماطیسم مزمن مختصر این است را باشتباه اغلبها این امراض با نقرس حقیقی فرق نمیگذارند و در این صورت استعمال آن فایده ندارد —

قدر شربت — دفعه یک تا ۵ گندم و در روز تا ۵ کف استعمال توان کرد و بهتر آن است که در آب اسید کاربونیک دار بدهند در آلمان محلول کاربونات دو لیطین ساخته اند که در هزار جزء دارای یکجزء کاربونات دو لیطین است یک تا سه لیطر آن را در یکشبانه روز تجویز توان کرد و در فرنگستان چندین چشمه طبیعی است که دارای این ملح اند مخصوصاً چشمه بادن و امثال آن —

فقره ششم — در املاح قلیائیه نباتی

اعمال فیزیولوژیه آنها — استاتها و سیطراتها و طرطراتهای قلیائیه و امثال آنها با چنین که خورده شد جزئی از آنها در همان امعاء هضم شده مبدل به بی‌کاربونات میشوند و اسید آنها کلیت از ادرار در خون نفوذ میکنند عمل فیزیولوژیه این املاح بعینه مانند بی‌کاربونات های قلیائیه است و اثرات آنها کمتر از کاربوناتهای دانند —

ترکیبات و قدر شربت — (۱) اسطات دو پطاس جسمی است
بسیار جاذب الرطوبه دفعهٔ دو نخود و نیم تا پانزده نخود در روز دو مثقال
تجویز توان نمود محلول با جب و امثال آنها که هم بکوبانند محلول اسطات
دو پطاس در یک جزء دارای یک ثلث اسطات دو پطاس است —

(۲) اسطات دو سود مانند اسطات دو پطاس است —

(۳) طرطرات و بی طرطرات دو پطاس یا طرطر پطاس دو قسم است
یکی خنثی است در سهولت در آب حل میشود و دیگری ملح اسیدیست در اشکال
در آب محلول است (یک در صد بیست) بی طرطرات دو پطاس را اکثر
بسیر طرطیر و طرطر مصفی نیز نامند هر دفعه دو تا ده نخود و شبانه روزی
یک مثقال و نیم میتوان داد و یکی دیگر از این ترکیبات طرطرات
دو پطاس و دو سود است —

در بیان استعمال علاجی کاربوناتها و املاح نباتی قلیائیه

گاهی بعضی از این اجسام را بر دیگری ترجیح میدهند ولی باید دانست که در
حقیقت خواص و محل استعمالات همهٔ این ترکیبات یکی است و تمام این
املاح را مخصوصاً در نزله مزمن اغشیهٔ مخاطیه معمول میدارند —

(۱) استعمال آنها در نزله معده و بعضی اوقات دیگر آنها است — اغلب
در نفخ کتمان آنها است و در حالتی که حرقهٔ آنهای معدهٔ قلیائیه (مثل شراب
ویشی و امس و غیرها) بکار میبرند و ترکیبات که از مستعمله آنها
بی کاربونات دو سود اسطات دو پطاس است در حالات بسیار مزمنه
با امداد تلمبهٔ معدی معده را شستشو میدهند و جهت اینکار
لوله را بکار میبرند که از کائوچو و نرم و قابل انعطاف است در قسمت
تحتانی آن چند سوراخ است آن را با گلیسیرین یا وازلین چرب نموده
و اگر قدری حجیم تر و قطر آن قریب یک سانتیمتر باشد بهتر داخل تواند
شد و جهت دخول آن در معده کافیست که سر لوله نقطهٔ آنرا در ... ثنهار

حلق گذارده مریض را امر بلع نماید تا بواسطه حرکات بلعیه انتهای لوله بمعده و در همان

حین طبیب نیز با دست خود آنرا پائین میبرد و از روی نقطه‌ای که در آن

لوله نشان کرده است معین میشود که سر آن در معده داخل شده است آن وقت

بواسطه قیفی که در سر لوله میگذارند معده را با مایعی که جهت شستشو

اختیار شده است پر میکنند (این مایع یا محلول بیکاربونات دو سود

و یا آب دیگر است که بسیار مناسب است) و بعد معده را بواسطه پائین

آوردن و سرازیر کردن فوری قیف خالی مینمایند لوله در اینحالت مانند

سیفون بسیط شده که مایع از آن جاری و خارج میگردد بعضی اوقات جهت

پر کردن معده با این سیفون با دسته لیطه مایع بکار میبرند ولی هیچوقت

معده را بکلی خالی نمیکنند که مبادا غشاء مخاطی در ثقب لوله آمده

مجروح گردد (در نزله مزمن معده که جدار آن ضخیم و متسع باشند و دیر

هضم شود برای این قسم معالجه بسیار مفید است و رفع شفا حاصل گردد

و در قی‌های تسکین ناپذیر که عارض مبتلایان به خناق رحم میگردد نیز

از این قسم علاج نتایج خوب بدست آمده و در سرطان معده نیز بواسطه شستشو

دادن معده حالت مریض بهتر میگردد) در تمام حالات مذکوره یک روز در میان

یا همه روزه میشویند در نزله مزمن معده که مقارن با یبوست شدید

باشد استعمال آب قلیائیه که کلرور دو سدیم و سولفات دو سدیم داشته باشد

اولی و انسب است و نیز اغلب قلیائیات در حالتی که اثرا حالت

معدی را منه از بسیار رفع میکنند (و حالات مذکوره عبارتست از جمیع

تمام علامات ذیل عدم اشتها تهوع گاهی قی احساسات غیر طبیعیه ذائقه

چنانچه احساس ابتلاء و فشار و تمدد موضع معده متورم شدن زبان

از باره مختلف) این حالت معدی اغلب بعضی اوقات مزمنه یا حاده

دیگر همراه است و یا آنکه مستقلاً و اصالتاً در اشخاص قلیل الریاضه که

و غذا خوب نمیخورند عارض میشود اما گاهی و بایی لت از قلیائیات فقط

بظهور رسد آنوقت آشامیدن کلر بدریک نتیجه خوبی بخشد و چون هم وقت از حیث
نمیتوان حکم کرد که کدام یک از این دو تدبیر مفیدتر است لهذا باید گاه یکی
وگاه دیگری را تجویز بنمایند اغلب در صورتیکه زبان دارای بارهٔ دائمی است
قلیائیات باید داد و نیز قلیائیات جهت رفع عوارض حالات سوء
هضم از مصاحبات جنب حامض و ترش شدن حلق و دهان باشد
و مواد متعفنه بقی و براز نیز آید باشند بکار رفته حالت مذکوره
غالباً در اطفال نیز بروز کند ولی نباید مدت استعمال قلیائیات
جهت رفع حموضت مدید و بدون انقطاع باشد زیرا که استدامه آن
باعث حصول اثر خلاف مقصود که عین سبب ازدیاد مقدار حموضت
شود و نیز در اینوقت باید قلیائیات را در حین غذا یا بلافاصله
قبل و بعد آن ندهند زیرا که مقدار زیادی از شیره معدی را خنثی و بی عمل
مینمایند —

در نزله های مزمنه معائی نیز منافع چندی بدست آید مشروط بر آن که
وضع تغذیه لایقه را هم منظور دارند و در این حالت مخصوصاً اگر
تعیین مزاج غیر منتظم باشد نمک معدنی کارلسباد را معمول دارند نسخه آن
سولفات دو سود خشک ۴۴ کلرور دو سدیوم ۱۸ سولفات دو پطاس
۲ بیکاربونات دو سود ۳۶ سفوف نموده روزی یک الی دو مثقال
آن را در یک چارک آب نیم گرم ریخته صبح بتدریج بنوشند این علاج در نزله
مزمن (که عبارت از نزله مزمن مجاری صفراست) و در حصاة
ادعیه صفرا نیز مستعمل است —

کاربوناتهای قلیائی را در فرنگستان جزو آبهای معدنی امس و سلتز
بردن بکار میبرند بسیار مشهور و در نزله های مزمنه غشای مخاطی حنجره
و شعب آن مفیدند ولی مشروط بر اینکه این نزله ساده و اولیه
باشد نه آنکه ثانوی و تبع مرض دیگر عارض شده باشد در این مواقع آن

میباشد بطور تدابیر انتشث قیئه نیز بکار می‌برند و در نزلهٔ مزمن مثانه
نیز این آبها نافع در حصات و نقرس نیز مستعمل اند اغلب بکاربوناتها
و املاح قلیائی نباتی بجهت ادرار تجویز می‌شوند خصوصاً اسطات
و بطرطرات دو پطاس استعمال این مواد در دیابیطس قندی و نیز
در سمن مفرط اغلب مفید فایده نکرده طرطراتهای پطاسی مانند
مسهل نیز بکار می‌برند —

فقره چهارم — در فسفاتهای قلیائی

این اجسام در خون داخل بدن از حیثیت خواص فیزیولوژیه اهمیت تامه
دارند و این املاح در خون کیفیت خنثی و یا زنگ و در بول های [illegible] بصورت
فسفاتهای اسیده موجودند و فقط فسفات دو سود است که مانند مسهل
در طب معمول است فرق آن با سایر مسهلات مایعه دارد و این است
که طعم آن نامکروه و قیمت آن گران نیست جهت حصول اسهال

ت تا شش مثقال از آن را به کودک تجویز نمود —

فقره پنجم — سولفاتهای قلیائی

خواص فیزیولوژیه آنها — سولفات دو پطاس و سولفات دو سود جزء
مواد طبیعیه بدن اند که عناصر اولیه آنها بواسطه تغذیه داخل در بدن شده
و از اکسیده شدن گوگرد مواد البومینی این املاح تولید می‌گردند جزء
عمده این مواد از طریق کلیتین خارج می‌گردد و در امعاء قدری از این املاح
مبدل به سولفوری گردد و اثر مسهل عمده سولفاتهای قلیائی خصوصاً در امعاء است
در طب از این املاح فقط سولفات دو سود (که آن را نمک گلبر نیز نامند)
و گاهی سولفات دو پطاس معمول است سولفات دو سود بشکل کریستالهای
شفاف است که در مجاورت هوا مبدل بغبار سفیدی شده طعم آن
شور و تلخ و بسهولت در آب حل شود —

اعمال فیزیولوژیه آن — (۱) در مجرای هضم — مقدار قلیلی از آن

شفقات آن هیچ اثری ندارد لکن چه بهمان مقدار قلیل سولفاتها دفعه های زیاد
مثلاً پس از هر ساعت مکرر بخورند ولی بالعکس اگر فاصله قلیلی و مثلاً یک
ساعت باشد مانند مقادیر کثیره باعث اسهال شود سولفات دو سود
بمقدار زیاد (۶ تا ده مثقال) پس از چند ساعت اول باعث اخراج
مواد برازیه رقیقه که مصادف با تولید نفخ والجزه و قراقر و ریاح
منتشره است شده و چند دفعه براز بدین قسم عمل میکنند غلظت و رقت
محلول آن تفاوتی در حصول این آثار نمیدهند و بسیار بندرت تهوع و قی دست
داده قولنج نیز خیلی کمتر حادث کند استعمال متمادی آن باعث تقلیل تدریجی
اشتها و اسهال دائمی شده بدن قلیل الدسومه و لاغر گردد —

(۲) در ترشح بول و تبدلات غذائیه — مقادیر قلیله آن هیچ اثر
در مقدار بول نمیدهد ولی مخصوصاً پس از استعمال مقادیر قلیله که دفع
مکرر شود بول بیشتر دارای جوهر گوگرد شده و بعد از استعمال دائم این علاج

بالاخره بول قلیائی گردد —

استعمالات علاجیه — سولفاتهای قلیائیه مانند تمام مسهلات ملحیه غالباً در
مواقع ذیل مستعمل اند —

(۱) در یبوست مزمنه که در اشخاص قلیل الحرکه و وافرة التغذیه حادث شود
معمول است گاهی املاح مسهله در یبوستهائی که بواسطه نزله مزمنه امعاء دقاق حادث
شده باشد بسیار مفید اتفاق افتد ولی اگر اعتقادات مذکوره از قلت
و ضعف حرکات دودیه امعاء غلاظ باشد آن درجه فایده نکنند —

(۲) در سمن مفرط — استعمال سولفاتها یا آبهای مسهله طبیعیه که منضم بوضع
تغذیه لائقه شود نتایج جیده بخشد ولی در انتخاب مسهلات ملحیه طبیعیه باید
مراعات حالت مریض سمین را نمود اگر قوی و عضلانی است و چهره صحت داشته
باشد آبهای کارلسباد و ماریین باد را استعمال کنند بالعکس اگر عضلات
و قلب آنها نمو و رنگ صورت پریده باشد آبهای فرانزنس باد را انتخاب کنند

(۳) در صورتیکه بخواهند از طریق اسهال مایع در رطوبت بدن را خارج کنند
چنانچه در اغلب استسقاها وقتیکه اخراج بول غیر کافی است استعمال میشود و همچنین
در استسقاهائیکه نتیجه امراض قلبیه و انفیزم ریه و ورم مزمن کلیه اند مفیداند —

(۴) این مواد در علل ورمیه مخیه از عوارض اغشیه مغزیه شده باشند جهت
اخراج مواد ورمیه استعمال میشود ولی اثر آنها در مجذوب شدن ترشحات دقیقه
مدیه شده باشند مشکوک فیه است مخصوصاً در اورسوم حاکه اغشیه دماغیه
و در سیلان الدم دماغی مسهلات ملحیه چون رطوبت بدن را دفع میکنند از مبلک
بخشند و در این مواقع مسطوره مسهلات ملحیه بر سایر مسهلات ترجیح دارند
دائماً استعمال آنها مضر نیست و یکی از موانع عمومیه استعمال مسهلات ملحیه
این است که اشخاص ضعیف و نحیف باشند اشخاص قوی و عضلانی متحمل
آنها میتوانند شد علاوه براین جهت استعمال مسهلات ملحیه باید
دائماً یکی از حالات درسیه و قرحه معتبر باشند و در این صورت مثلاً

در طفولیت بطئی و فوق سنطاریا و غیرهما آبهای بابله و روغن کرچک و کلمل
استعمالات حبّیت و فقط استثنائی از این قاعده دارد و این است در
علاج قرحه معده نمک کارلسباد است جهت خنثی نمودن کیموس تجویز
میشوند —

در بیان آبهای معدنیه دارای املاح قلیائیه اند

عناصر عامله عمده این میاه عبارت اند از سولفات و کاربونات
دو سود و نمک طعام و اسید کاربونیک و بعضی نیز سولفات دو منیزی دارند
و بواسطه ترکیب طبیعی این میاه آنها را میتوان باستعمالات عدیده بکار
برد بدون آنکه باعث اذیت بشوند در هضم کیفیت وجه امتیاز این
چشمه‌ها از جهت درجه حرارت مختلف است تا از حیث ترکیبات طبیعیه
آنها مثلاً چشمه‌های کارلسباد دارای ۵۶ تا ۷۴ حرارت و در یک لیتر
تقریباً دو گرم و نیم سولفات دو سود و غیره دارند در حالیکه آبهای فراتن

زنس بارد از این ترکیبات بالطبیعه کلسیم و درجه حرارت آن ده است و مقدار

کاربونات دو فر نیز دارند —

تبصره — در ایران بعضی از انهار چشمه های زیر که تجزیه شده در مازندران

پای کوه دماوند نزدیک بار فروش این چشمه های یافت شوند (۱) آب

بلوک طالقان که چشمه است و رایحه گوگردی دارد (۲) چشمه لاکوبک

چشمه است (۳) آب معدنی که در قریه ارادو یک فرسخی بابلکنار است

چشمه ایست بسیار مشهور و مفید حرارت آن سی تا سی و پنج است در هزار

قدر آن چشمه سردی است که دارای ترکیبات قلیائیه و حدیدیه است

(۴) انهار چهار دانگه که در قریه زورد و چهار چشمه است (۵) در ارار

قلعه کوه دماوند عده کثیری چشمه های آب معدنی که بعضی دارای کاربونات

دو فر و اسید کاربونیک باشند یافت شود و موافق گفته پولاک در دره

لار چشمه ایست که مانند اسپه و دل (که از چشمه های کارلسباد و سیتا معروف است)

دارای املاح قلیائیه تر شمرده است علاوه بر اینها چندین چشمه گوگردی در

در ایران موجود است —

فقره ششم — قلیائیات کلری

این ترکیبات عبارت اند از کلرات و کلرورهای سدیم و پتاسیم و فقط

و فقط کلرات دو پتاس است که در طب معمول است ولی سایر املاح دیگر هم

کلرور دو سدیم در بدن انسان فراوان یافت شوند —

(۱) کلرور دو سدیم (نمک طعام)

اهمیت دوا رفیزیولوژیه آن — بالطبع زیاد داخل در جزء بسیار نسج است

حیوانات است و عنصر ملحی عمده مایعات حیوانیه (ماء الدم و لنف و چرک

و ترشحات دیگر) عبارت از همین جسم است ولی در نسوج الیاف

بمقدار قلیلی یافت شود از املاح اصلیه کلرور دو سدیم محسوب و چون

این است که باعث اجرای اعمال جذبیه مایعی کثیف که در خارج نسوج در جوهر

تبصره — اگر در ظرفی که آب خالص در آن باشد لوله مجوفی که سر در آن
محلول نمک طعام ریخته و طرف تحتانی آنرا با غشائی ببندند آب البته بشیشه داخل شده
بر مقدارش میفزاید که سطح مایع جوف لوله بر خلاف قواعد ثقل قدری مرتفع
میشود و نیز معلوم میشود که همان وقت آب ظرف تحتانی ملحی میشود سایر املاح
نیز مانند نمک طعام دارای این خاصیت هستند ولی چون نمک طعام در
مایعات حیوانیه بیشتر است لهذا اثر مذکور در بدن از آن بیشتر بتوسط
آن حاصل شود اگر مایع قلیائی و مایع خارجی قدری اسیده باشد نمک جذب شده
زیادتر میگردد و این شرط در ابدان حیوانیه موجود است و فقط بواسطه همین
نمک قلیائی که مایعات هضمیه را قدری اسیده نماید مجذوب در سیان و دم میشود
و این جذب بواسطه سرعت حرکت دوران سهل تر میگردد و نیز بواسطه
همین عمل است که محصولات تجزیه و دفعی سلولهای جسم خارج شده در آنها
بعضی محصولات اسیدی حاصل شده که از دوران غشای سلولها بخون که

برون سلول که احاطه دارد مجذوب شده خارج میکنند —
مقدار کلی نمک طعام در تمام ترشحات و مدفوعات بدنیه از قبیل بول
و عرق و مخاط معده و مواد برازیه و غیرها یافت شود مثلاً حد وسط
نمک طعام را در مدت ۲۴ ساعت در بول یافت میشود که الی هشت و
نیم و معلوم است به نسبت مقداری که خورده و وارد بدن میشود زیاد میگردد
در مدت سکون و تریض و خواب مقدار آن کمتر و در امراض مقدار
آن از دفع میشود زیاد تغییر پذیر است در تبها امراض مقدار نمک که دفع
صد برابر کمتر از حالت طبیعی میگردد و هرگاه در مرض حادی کلرور دو سدیم
زیاد گردد دال بر این است که مرض رو بخفت گذاشته است —
آثار کلرور دو سدیم عبارت است از آثار ذیل —
(۱) در جلد — پس از غسول ملحی تمام بدن مثلاً بعد از استحمام حمام کلرور
دو سدیم (یعنی حمام های بحریه) تحریک شده و در اعمال احتراقیه بدن حاصل

شده و تغییرات و تبدلات غذائیه بعد از آن زیاد شوند و مقدار اوره
و اسید کاربونیک مدفوعه بیشتر گردد —

(۲) در جهاز هضم و هضم — کلرور دو سدیم در اغشیه مخاطیه و مخصوصاً
در غشاء مخاطی دهان باعث احساس نمک شده بنابراین عطش حاصل گردد
و پس از آن شربت مقدار کثیر آب باعث ترقیق مواد غذائیه گشته و بدین
جهت سهل‌تر محلول شده از دیوار اعضاء بهتر عبور و سیلان توانند
نمود و همچنین تحریک دهان و معده نیز بواسطه عمل انعکاسی باعث کثرت
ترشح بزاق و شیره معدی شده بدین سبب موجب سرعت هضم اغذیه
نشاسته‌ئی و البومینی گردد مقدار کثیر کلرور دو سدیم مورث ورم شدید
معده و امعاء شده خوردن صد مثقال آن سبب مرگ تواند شد —

استعمالات علاجیه کلرور دو سدیم — در هندوستان ما بین مردم رسم است
که آنرا جهت سد نفث الدم و نزف الدم معدی بکار میبرند که

هم خالی از فایده نیست یک الی ۳ مثقال آنرا حل کرده بخورند
ولی اغلب این نوع معالجه سبب حدوث تهوع و قی در صورتیکه قطعه
سنگ هضم داخل معده شده باشد جهت رفع ضرر آن باید کلرور دو سدیم
خورد و نیز هرگاه(?) زالو بلعیده شده باشد کلرور دو سدیم بمقدار زیاد
از آن توان گشت و نیز در علاج کرم قبل از تجویز مخصوص(?) دوای کرم
خوب است کلرور دو سدیم بدهند در هندوستان در عسر هضم مزمن
و نزله مزمنه معده و در استسقای دموی(?) طحال(?) و در نزله شعب قصبه و در اول
درجه سل و در تورم و عظم کبد و طحال و همچنین قسم در تقریح(?) مینا معده
کلرور دو سدیم با قلیامات و نمک دارند(?) استعمال میکنند و حقنه
حمامهای ملحیه است که در آفات خنازیری معمول است و در این حالت
میاه طبیعیه که دارای اسید کاربونیک نیز هستند ترجیح میدهند
از قبیل آب کرزناخ —

آب غنک (دهمین چشمه‌های شور طبیعی) را جهت حصول تحریک خفیف
جلدی معمول میدارند (آنها شویه و غسول کنند) در روماتیسم مزمن
عضلات و مفاصل جهت رفع قابلیت تأثر غیر طبیعی جلد و در آفات
عصبانیه معمول است و نیز از این قسم علاج است در اوایل مرض اطاکزی
لکوموطریس مستعمله و بعد از آنکه کهنه شده است در امالهٔ و نیز جهت
شست و شوی جراحات زهری که تحریق بهتری حاصل نباشد بکار
میبرند و نیز جهت شستن ملتحمه بعد از ارمد چشم مستعمل است
بالاخره اغلب کهنه شده بود است بعد ابتداء التهاب قیه جهت نزله‌های
مزمنهٔ حلق و حنجره بکار برند بتناوب چیده برند —

قدر شربت — جهت تدابیر التهاب قیه محلول نیم تا دو در صد
و جهت غسولات محرکه محلولات بسیار غلیظ آن است معمول میدارند
برای شویه نیز تا صد مثقال و برای حمام بدن دوازده تا چهل سیر آن است

بکار برند —

(۳) کلرات دو پطاس

این جسم بشکل کریستالهای ورقهٔ منعقد شده و بسهولت در آب حل
گردد (یک جزء در ۱۶ اجزاء آب سرد و ۳ جزء آبجوش) و با اجسام
قابل الاحتراق تولید مخلوطات قابل الاشتعال نماید —

اعمال فیزیولوژیهٔ آن — وقتیکه کلرات دو پطاس بمقدار زیاد
داخل در خون گردد مانند سایر املاح پطاس سبب بروز عوارض
سمیهٔ در قلب گردد ولی اگر بمقدار علاجی استعمال شود بسهولت جذب
شود بی آنکه تغییری ظاهر برساند نیز از آن در تمام ترشحات بدنی
دیده میشود استعمال طولانی بمقدار زیادی از آن (دو مثقال در ۲۴ ساعت)
سبب ازدیاد ترشح بزاق و اخراج مقدار کثیر بول است و بعض
اوقات مصحوب بجمع کلیوی میشود —

استعمال علاج آن — این جسم مخصوصاً در آفات جوف دهان
استعمال شده و برای رفع ورم دهان زیبقی، قرحه یا بدون آن بهترین
ادویه جات است و اثر آن مانند اثر ادویهٔ سیاه است از جهت پیش
بینی ورم دهان زیبقی استعمال میشود و جهت اینطلب به بعضی اوام
عوض آنها همیشه دهان را پاکیزه نگاه داشت و وقتی که جریان بزاق شروع
بزیاد شدن نمود و غیره فی الفور دهان غرغره باید کرد با کلرات دوپطاس
استعمال نمایند و همچنین این جسم در ورم دهان ساده و علاج ورم
حلق و نقطه اثر نیک دارد در ورم نزله حلق استعمال آن بکلی
بیفایده است و نیز بالک اثر مانند ادویه ضد کرم دندان
مستعمل است مخصوصاً هرگاه ورمی در مغز دندان ظاهر شده و بواسطه
کرم خوردگی عارض شده باشد سابق براین از جهت رفع عصبانی
زواج بخصوص اعصاب دماغ (طبیب و ضعیف) استعمال که در غرغره نیز

معمول است —

قدر شربت آن — از داخله سه دفعه ۵ گندم الی نیم
در مدت ۲۴ ساعت تا ۳۰ حبه نخود آنرا تجویز مینمایند و باید
همیشه بصورت محلول داد از خارج جهت غرغره یک الی مثقال
در ... مثقال آب —

فقره هفتم — در بیان ازطات قلیائی

ازوطاتهای قلیائی عبارت اند از ازطات دوپطاس و ازطات دوسود

(۱) ازطات دوپطاس — اثر آن نیز مانند ملح قلیائی است ...
لون ... منعقد شده طعم آن خنک و شور است در ... جزء آب ... شود
و یک جزء آب جوش حل شده سابق براین زیاد استعمال میشد
ولی اکنون ملاحظه میکنیم استعمال آن بکلی بیفایده است آن را
مانند ادویه ضد ورم و التهاب در قلمونیای حاده و همچنین مانند

اوریه مدرّه استعمال میشود ولی اگرچه مقدار آن را ابتدائاً زیاد کنند تقریباً هیچ اثری نه در سلسلهٔ عصبانیه و نه در رسوبات خون و نه در درجه حرارت دارد

قدر شربت — هر دفعه نیم الی دو گرام و شبانه روزی یک الی دو و چهار مثقال میدهند —

(۲) ازطات پطاس — (سوره) بشکل جسم سابق منعقد میگردد طعم و قابلیت انحلال آن نیز بهمان طور است —

اثر فیزیولوژیکی آن — این جسم دارای تمام خواص عامه املاح پطاس است دفعتاً بمقدار زیاد داخل خون کنند مورث آثار سستی قلب میشود — مقدار قلیل آن (دو گرام و نیم) هیچ اثر نمایانی در اشخاص صحیح نبخشد ولی اگر هر دو ساعت فاصله تجدید شود باعث نقصان اشتها و یبوست مزاج و کمی عطش و ازدیاد بول میشود بالاخره بسرعت با بول دفع میشود و اگر مقدار زیاد آن شود (هر دفعه یک مثقال) کمالیت

صرف با محلول غلیظ کوره سبب خشکی غشاء مخاطی دهان و حلق و عطش شده و احساس سوزش معده و بالاخره باعث حبس بول میشود اما اگر محلول رقیق باشد آثار اختلالات موضعیت مشهود میشود فقط بر مقدار بول افزوده شده و رنگ مخصوص آن زیاد و بعضی اوقات یبوست مزاج دست میدهد و اگر بخواهند بواسطه ازطات پطاس ضربات نبض و درجه حرارت را کم کنند باید بمقدار کثیر استعمال نمایند ولی آن وقت مریض مبتلای بورم شدید معده و درد شکم شده قی و اسهال و ضعف زیاد روی دهد بالاخره عمل دوران خون ضعیف شده مرگ در رسد و کلیتاً اعتقاد اشخاص بر اینکه اثر آن از ادویهٔ ضد حمی دانسته و در حمیات ورمیه استعمال میکنند باطل است —

سابق براین گمان میکردند در امراض که درجه حرارت خیلی شده است موت بواسطه انجماد فیبرین خون روی میدهد و جهت احتراز از آن

مطلب شوره‌ای جهت ترقیق خون تجویز میشد ولی این فرض صحیح نیست
بجهت اینکه بعد از موت در امراضی که درجه حرارت شدید دارند تغییر
خون انجماد نیافته بحالت طبیعی و لکه های خونی هم مانند سایر حالات است
اما در باب مدر بودن شوره عقیده دو فرضیه را بیان است مثلاً گوبلر
میگوید که شوره بسرعت در بول داخل میشود و بدین واسطه تحریک در کلیتین
میکند و ابتعث سبب اصلی کثرت ادرار است پس اگر قول محقق
مذکور محقق باشد میبایست تقریباً املاح قلیائیه و قلیائیات خاصیت قسم
باعث تحریک کلیتین شوند و نیز حکیم مذکور میگوید سبب بالا کثرت
ادرار پس از شرب شوره محقق است از دیاد انبساط عروق باشد و حال آنکه
اینفقره ثابت نشده است دارای رابطه در حیوانات تجربه نموده معلوم شده است
تمام شوره را در معده وارد مینمودند داخل در خون میشد ولی نه بطوری که ادرار
هیچ اثری در امعاء و مواد برازیه از آن باقی نماند و بعد دانستند که تمام شوره

را خورده شده با لیتر از دو روز بفاصله بتوسط بول از بدن خارج میکند —

استعمال عملی آن — سابق براین شوره را زیاد استعمال مینمودند ولی
اکنون متروک شده است وقتیکه از داخل بمقدار قلیلی متوسط تجویز نمایند
نه ضد تب و نه ضد ورم است و اگر بمقدار زیاد تجویز نمایند سبب بعضی
عوارض ردیه شده و در تمام مواقع میتوان بجای آن دواهای دیگر مانند کینه
و سالیسیلات را بعوض استعمال نمود —

این جسم مخصوصاً در اختلالات مزمنه معده و امعاء و مخصوصاً در بیمار
امراض دموی از قبیل روماتیسم حاد مفاصل در صورتیکه مصاحب تحریکات
معدی با سقوط اشتها نباشد استعمال میشود جهت ادرار نیز بکار
میبرند ولی در صورتیکه میتوان تجویز نمود که تمام حالات مزمنه اعضاء
اصلیه کلیه معدوم باشد اثر مدر بودن آن در استسقاهائی که سبب آنها
اختلالات قلبیه یا نزله مزمن ریوی یا انفیزم است تا نوعی مؤثر است.

و در این مواقع بواسطه ورنیطات پوست کنده که میتوان همین اثر را اخذ کرد
در استسقاهائیکه نتیجه کثرت رطوبت خون باشد شوره باعث ادرار شده
و ایضاً در صورتیکه آب برای آن تجویز در مرض اصلی مفید خواهد بود در غشاهای
جهت تسریع خروج بول و جذب کردن ترشحات مرضیه (در ذات الجنب
و ورم غشاء خارجی قلب) اگر زمان حدت مرض گذشته باشد مفید است
در نفث الدم نیز استعمال شوره ممنوع است —

قدر شربت آن — از داخل هر دفعه نیم و نیم ۱/۲ ۵ گرم که با آب محلول
یا سفوف معمول است جهت ادرار شبانه روزی ۲۰ تا ۳۰ گرم اثرا.
ماءالشعیر میدهند بعد از حالات غصه و اضطراب اثرا مانند ادویه
مبرده و مسکنه تجویز نمایند سفوفی از آن بدین نسخه ترتیب میدهند شوره
یکجزء طرطرات دو پطاس ۳ جزء قند شش جزء هر دفعه ۵ تا ده گرم
اثرا میدهند کاغذ آغشته بشوره سوخته در ضیق النفس عصبانی استعمال مینمایند

بدین طریق که قطعهٔ از آنرا مشتعل نموده بخار آنرا استنشاق کنند —

فقرهٔ هشتم — در بیان املاح دسمهٔ قلیائیه (صابونها)

وقتیکه جسم دسمی را با محلول پطاس و سود گرم کنند گلیسرین جسم دسم
جای خود را به باز قلیائی (پطاس و سود) داده تولید ملح دسم قلیائی شود
که عبارت است از صابون دو قسم صابون میتوان بدست آورد یکی نرم دیگر
سخت و این بسبب آنستکه با پطاس یا سود آنرا ترتیب دهند —

اعمال و آثار صابون — (۱) اثر آن در جلد — اقسام صابون در مقدار
زیادی اسید چرب یا اسید غیر محلول و ملح ترکیب محلول کرده و این املاح
ترکیب مجدد را بواسطه مواد دسمی در حفره نشتیت و شستن بدن از جلد بیرون
نمیاید ممکن است مقدار جدیدی صابون با تولید نمایند و بهمین جهت
میتوان بواسطه شستشو با صابون بدن را از دسومت و چرک پاک نمود و این
ملاحظه صابونهای پطاس ترجیح دارند —

(۲) اثرات در معده — وقتیکه اقسام صابون را از داخل استعمال نمایند

مانند کردن تمام قلیائی تجزیه میشوند یعنی اسید جسم و جسم ازاد ماده

و بزاق با اسید های معده مرکب میگردد آنکه جزء از صابون

تجزیه شده داخل در خون و در آن تحت تحقیق [illegible] مبدل به کاربونات

های قلیائی میشوند کلیه هر وقت صابون از داخل استعمال شد آثار آن

بظهور میرسند مرکب از آثار قلیائی و آثار اجسام و شحمها در بدن

اکسید شده مستحیل به گلیسیرین و اسید کاربونیک و الکل دسومت در بدن

مترسب میشود ولی شرب مقدار زیاد صابون سبب تهوع و قی

و اسهال و بالاخره باعث قلت اشتها میشود —

استعمال علاجی صابون — از داخل محل استعمال آن اندک است که

مانند اجسام غیر منشوره در ساختن بعض حب ها بکار میبرند و جهت

انگار [illegible] از اخلاط با قدری الکل مانند و نیز [illegible]

اثرا مانند تریاق اسیدها استعمال میشود زیرا که عشیه موجود و حاضر ترتیب

از خارج اکثرا جهت تحریک علاج جلد در بعضی امراض مزمنه جلدی مانند

اگزمای مزمن که عموما وقتیکه با آب یا الکل از قبیل [illegible] و نرم و مانند

مرکب که مالیده استعمال مینمایند صابون نمای پطاسی در علاج

جرب زیاد [illegible] که حیوانات آنرا منتشر میکنند و ولک و استعمال

با انضمام [illegible] نرم مخصوص و سبب تأثیر و نفوذ مرکبات

در معبر حیوانات وجود [illegible] صابون ها ضد عفونی اسید

فنیک و ید و فرم و صعتر و غیره ها زیاد معمول است بالاخره صابون

را جهت تنقیه زیاد استعمال میکنند خواه بطور اماله (آب صابون

جهت کشتن کرم های مستقیم مستعمل است) و خواه بطور شیاف

در اطفال [illegible] صابون سبز نرم و در اول [illegible]

[illegible] رطوبت [illegible] خارج

قلب و خفقان و تهیجی در او سعم مزمنه مفاصل مالیدن شده است بهمراه هر روز
دو تا چهار دفعه بقدر یک فندق تا یک گردو از آن سه برداشته بموضع درد
مالیده تا در آن محل مجری تا جذب شود در تعفین نسخه ذیل هم استعمال مینمایند
صابون پطاس سیزده مثقال عطر اسطوخودوس نیم نخود مخلوط کرده بطریق
معمول مرهم سازند و هر روز دو تا چهار مرتبه بقدر فندقی که برداشته بموضع
درد مالند —

مستحضرات صابون — (۱) صابون طبی عبارت است از روغن بادام
شیرین و سود مانند الکلی غیر مشبوره حبوبات استعمال میشود (۲)
صابون پطاس سبز است که از اجسام دسمه معمولی تهیه مینمایند و جهت
درد مجرب است و گاهی بعوض آن میتوان رقایق‌های مسلوله بجسم ذیل
استعمال کرد (۳) تعفین صابون نسخه آن — روغن زیتون محترق ده مثقال
محلول پطاس محرق چهارده مثقال الکل خالص شصت مثقال آب سی و چهار مثقال

مخلوط منضم تعفین سازند —

ضمایم قلیائیات

ما بین ترکیبات قلیائی فقط چند جسم است که غالباً در مطب معمول ولی
هنوز آثار رفع یوریه آنها کوچ معلوم نشده است و عبارت از اجسام ذیل اند
(۱) نترات دو پطاس است که برای جلب سوء مزاج اوره مستعمل و در اینها
تازه که مانند در اثر ضد عفونی در و نقطه‌ی و هفته روی الطفل —
بدین نسخه معمول است نترات دو پطاس سه تا پنج گرام کومک دو تا پنج گرام
آب مقطر ۲۰۰ مثقال مخلوط منضم هر دو ساعت یک قاشق کوچک بدهند —
(۲) بیکربنات دو پطاس (بوره ارمنی) — جهت تسهیل جریان طمث
و غالباً در قلاع با قرحه و بدون آن مجرب است ولی بدون مطبوخ اکل ذرت
بالاخره غسولاً در حلقه قرح و در خوف الکنور نسخه ذیل معمول است بیکربنات دو پطاس
ده گرام مطبوخ برگ بزرالبنج هشت گرام الکل در پنج ساعت یا هشتاد گرام آب

طبخ کرده باشند مخلوط نموده با ریشه بدان معمول که هر روزی دو دفعه هر مرتبه
یک ساعت آرامی دارند —

(۳) لاکتات دو سود — در این ایام نیز مانند ادویهٔ مسکنه و منومه
بخصوص بطور اماله بیخ تا بیست گرام تجویز است —

(۴) طرطرات پطاس است — از جهت رفع اوجاع ظلمت چهار یا
شش مثقال از آن در ۲۴ ساعت استعمال مینمایند سایر ترکیبات قلیائی
در طب بیفایده است —

در بیان ترکیبات قلیائیات خاکی

اسیدهای قلیائی خاکی نسبت با اسیدهای قلیائی تولید برهای ضعیفه و کم قوتتر هستند
از قوت داروی شان کمتر است این اسیدها بصورت محلول یا بهیچ وجه
حل نمی شوند فقط با منیزیوم کالسیوم در طب معمول است کاربونات ها
و فسفاتهای آهک و منیزی بالطبع جزء بدن حیوانی و اهمیت مخصوص

در ترکیب عظام و دندان دارند —

املاح منیزی چون خورده شوند آثار مسهله با آن را املاح قلیائی از انفعالات شدید
از آن آثار را املاح آهکی کوبی تمام ندارند و وقتیکه املاح قلیائی خاکی را بعد از سطح
در خون داخل نمایند آثار سمی بطور عموم ظاهر نشود قویتر از همه املاح
باریوم پس از آن منیزیوم و کالسیوم و بالاخره املاح استرانسیوم است
لیکن بتجربه معلوم شده است از ترکیبات کالسیوم و منیزیوم چون بطریق
شرب استعمال شده باشند آثار سمی عمومی ظاهر نشود —

فقرهٔ اولی — آهک و کاربونات کالسیوم

(۱) آهک یا اکسید دو کالسیوم از تکلیس کربونات دو کالسیوم حاصل و محرق
جلد است اما نه مثل پطاس و سود از خارج مخلوطات با پطاس محرق
استعمال میشود وقتیکه آهک با مجاور آب کنند مبدل به ایدرات اکسید دو کالسیوم
گردد در شش صد جزء آب سرد حل کنند این محلول بی رنگ و بی بو و قلیائی

و عبارت از آب آهک متعارف است —

اثر فیزیولوژی آن — وقتی که آب آهک را از داخل استعمال نمایند اسیدهای معده و امعاء را جذب نموده تولید املاح آهکی کنند مقدار زیاد آن هم برای دفع ملیّنه و استعمال مدید آن سبب نقصان ترشح رطوبات معدی شده بدین واسطه عدم اشتها و یبوست مزاج و ست و همه آهک با اسیدهای دسمه تولید صابونهای غیر محلوله در آب مینماید این صابونها در سطح قروح ها طبقهٔ ملاصق شده التیام حاصل میشود در زخمها مانند التیام در تحت یک قطعه شمع است —

استعمالات علاجیه — آب آهک مانند اغلب ضد اسیدها مستعمل است مثلاً در حب حامض و در اسهال اطفال که سبب آن فساد ترشح معده و امعاء است در استفراغ اطفال با شیر ممزوج نمایند و در اسهالهای مزمن که سبب آن قرحه باشد در اسهال رئیسه است و با محلولات ترشحی قرحه تولید

ترکیبات غیر محلولی ایجاد نموده قرحه را از هوا و سایر ترشحات مایعات معوی محفوظ میدارد —

آب آهک در مبتلایان که غذا بوده و در مرض راشیت نیز تجویز شده است جمع خاصیت آن این است که مواد البومینی را مجتمع مینماید لهذا در مرض راشیتیس ممکن است استخوانهای سست و شکسته را سخت کند و آهک غالباً سبب تحریک حد کلیه و بول الدم شده پس در این موقع باید با کمال احتیاط تجویز شود —

آب آهک محض خاصیت قابض مختصری در رفع اغشیهٔ کاذبه مخصوصاً در کروپ و دیفتری یک فایده دارد —

تنبیه — علاوه بر آب آهک جهت حل نمودن غشاء کاذب بعض ادویهٔ دیگر نیز از قبیل کاربونات دو پطاس و اسید لاکتیک و یا گلیسرین تجویز شده است و در این باره گاهی پاپائین لوسیون را از رب یا پاپائین نیز

تجویز شده یکجزء آنرا در هیجده جزء آب حل کرده و با قلم موئی کمی

دلک نمایند —

از خارج آب آهک سادی مخلوط و روغن سوختگی درجه اول و دوم استعمال

مینمایند و از آب آهک و روغن مانند روغن بزرک یا زیت

مخلوط ترتیب داده طلا مینمایند آب آهک سادی مانند ادویه قابضه

در قروحات کثیر الترشح و در سوزاک مزمن و همچنین در ترشحات

جلدی مزمنه (اگزما و امپتیگو) استعمال مینمایند —

قدر استعمال آن — در اطفال از داخلا بمقدار زیاد تجویز مینمایند از

۵ تا ۲۰ مثقال خالص یا مخلوط از با شیر روزی چند دفعه بخورند بعوض

و از خارج خالص یا رقیق آن جهت غرغره تجویز است —

(۴) کاربونات دوشو یا طباشیر فراوان (گرد سفید و طاهر)

جسمیست غیر محلول در آب ولی در آبهای دارای اسید کاربونیک است

حل میشود و در اینها فقط کاربونات دوشو خالص مستعمل است و سابق

برای عده زیادی از ترکیبات آن از قبیل گرد سفید و اقسام صدف

را معمول میداشتند —

اثرات فیزیولوژیه آن — کاربونات دوشو بمقدار قلیل

در عظام و اسنان یافت میشود ولی در بول انسان وجود ندارد

در بعضی از تحولات منعقده مرضی مثلاً در حصاة های بولی و در تمامهای

کبدی نیز یافت میشود وقتیکه از داخل استعمال شود بواسطه اسید های

هضمی تجزیه میشود ولی قدری از آن بدون جذب شدن تا اثنا عشر و امعاء

رفته و در آنجا مانده مانند آهک بورت نقصان ترشح را میکند

استعمالات علاجیه آن — کاربونات دوشو مانند آهک چند

اسید و رفع حموضت مستعمل است حالت مذکوره عبارت از آن است

که مقدار زیادی اسید در معده جمع میشود اغلب از آنکه اینها اسید های

از ترشح خود معده یا از رستی که غیر طبیعی اغذیه حاصل شده علاج مذکور اثر
خصوصی در تسکین اسهال دارد و در صورتیکه اسهال و نفخ با هم موجود باشند
بر سایر ادویه رافعة الحموضه ترجیح دارد ولی هیچ قسم دیگر در کاربونات
دو شو متعذر گردیده کاربونات دو شو نیز بنا به مدت طولی با مقدار
زیاد استعمال نمود زیرا که سبب خنثی شدن مقدار زیادی از حموضات
معدی گردد —

این جسم اغلب در معالجه ردی اطفال خصوصاً در اطفال شیرخوار
که قی و اسهال دارند از وجه مقدار زیادی اسید در مجرای هضم باشد
(در مواد قی شده بوی ترشی و براز نیز ترش و سبز رنگ و مخلوط
با لخته های شیری غیر منهضم است) داده و سابق بر این از برای امراض
یکه از نقصان املاح آهکی در بدن پیدا میشوند مثلاً در فتح و نرمی عظام ×
استعمال میشد در حرکات ارتعاشیه (کنوولسیون) اطفال

در نتیجه نزله معده و امعاء باشد از نیترات مخصوص ممکن است اسهال رفع نماید —
از خارج کاربونات دو شو مخلوط با اسید سالیسیلیک که هم مقوی تر است
میدهند اغلب جهت رفع انقطاع نکرواقها اگزما و برای شستن زخمها
استعمال میکنند —

قدر استعمال آن — کاربونات دو شو هر دفعه یک گرم تا پنج گرم
و در مدت ۲۴ ساعت تا سه مثقال بطور سفوف یا مخلوط با آب

فقره ثانیه — در املاح منیزی

(۱) کربنات دو منیزی و منیزی و املاح نباتی آن

اعمال فیزیولوژیه — این ترکیبات چون داخل معده شود مبدل
به بی کربونات دو منیزی شده و بدین سبب مقادیر کثیره آن اسهال
آورد ولی چون عمل تبدیلی به بی کاربونات درست انجام نیابد بلکه
در اثنای فعل امعاء لهذا اثر اسهالی به بطور ظاهر شود مقادیر قلیله

باعث ازدیاد بول شده و مقادیر مسهله سبب اوسور نگردد —

استعمالات علاجیه — املاح نباتی منیزی از قبیل سطرات و طرطرات
و لاکتات بقدرت معمول در علاج انه مواقع استعمال منیزی و بیکاربونات
دوسود و آب آهک استعمال میکنند و این ترکیبات منیزی چون بمقادیر
کافیه خورده شوند باعث اسهال میشوند لیکن علی الترجیح این ترکیبات
باید در صورتیکه یبوست مزاج باشد استعمال عوض و نیز حموضات را لطفی
وقتیکه اسهال هم موجود باشد سبب یا مقارن حالت اسیدی مجرا
هضم باشد مفید اند منیزی یکی از تریاقات بسیار خوب ارسنیک و در
مسمومیت حاصله از اسیدها نیز مفید است ولی در این مسمومیت
شرط این است که آنرا بمقادیر کثیره بکار برند منیزی بسیار جاذب
اسید کاربونیک و بهمین جهت است که استعمال آن در انتفاخ بطن
جهت جذب قدری از گاز معویه مفید و بقاعده است بعد از استعمال

مدیه منیزی داده شده است که در امعاء غلاظ رسوبات حجریه تولید شده

(۱) اکسید منیزیوم یا منیزی کالسینه (مکلس) — غیر محلول در آب است
و غباریست سفید لیکن رسیک که اسید کاربونیک هوا را جذب
نمیکند و کمی تجزیه میشود در رفع حموضت دفعه یک تا پنج نخود و شبانه روز
یک تا سه دفعه میدهند بقدرت جهت حصول اسهال دفعه
ده نخود تا یکمثقال و نیم آنرا بیکبار میدهند اگر مانند تریاق استعمال
شود باید برحسب مواقع مقدار آنرا زیاد کنند از منیزی اقراص
نیز ترتیب داده‌اند که هر یک نیم نخود منیزی دارد —

(۲) کاربونات منیزی یا منیزی سفید — سهلتر از حجم
سابق حل شده و در آبی که حامل اسید کاربونیک باشد بالتمام محلول است
غباریست سفید و بسیار حجیم قدر شربت آن مانند منیزی مکلس است
گاهی سطرات دو منیزی (نمک خانم) را جهت حصول اسهال تجویز

می‌باشد (تحقیقات و ...) طعم آن مطبوع و قیمت آن قدری گران است

فقرهٔ ثالثه — سولفات دو منیزی

اسم آن نمک   و نمک سیدلیطز هم می‌نامند بعد از سهل

الاکلال است —

اهمیت فیزیولوژیهٔ آن — سولفات دو منیزی تلخ مزه ولی از سولفات دو سود

خوشخوراک‌تر است منافع المسهلیهٔ آن مانند سولفات دو سود است

استعمالات علاجیهٔ آن — مواقع استعمال و منافع و قدر خوراک

آن مثل سولفات دو سود است —

فقرهٔ رابعه — در فسفاتهای آهک و منیزی

اهمیت فیزیولوژیهٔ آنها — فسفات دو شو و فسفات دو منیزی

در بدن انسان موجود ولی اولی بیشتر از دومی است و هر دو در غالب

وانساج یافت شده ولی مقدار زیاد آنها در عظام و اسنان است

مثلاً در صد جزء استخوان انسان پنجاه و هفت فسفات دو شو و هشت

جزء کاربونات دو شو است پس فسفات دو شو یکی از عناصر است سبب

استحکام و صلابت عظام میشود و هم چنین از مخصوص در غضروف سلولهای

حیوانات دارد و زلالیه که ترکیب معینی با جسم البومین سلولها و فسفات

دو شو موجود است بواسطهٔ آن ترکیب جدار سلولها متشکل شده

و همچنین بواسطهٔ آنست که در اطراف اجسام خارجی غشاء ستبری تولید میشود

فسفات دو شو و فسفات دو منیزی بدن مخصوصاً از بعض اغذیه مانند

که دارای این ترکیبات است بوجود آمده بنابراین از اغذیهٔ

متعارفی فسفاتهای خاکی بمقدار کافی داخل در بدن و قائم مقام مقدار

توانند شد که هر روز از آن خارج می‌گردد مقدار مدفوع در بزرگان

تقریباً شبانه‌روزی ۵ گرم است اسیدیتهٔ بول طبیعی انسان نیز محض

وجود فسفاتهای حامضه است —

اعمال فیزیولوژیه — فسفات دو سود چون وارد معده شود جذب
نگردد مگر بمقدار قلیلی و جزء کثیر آن با براز دفع شود ولی از خوردن مقادیر
کثیره فسفات دو سود براز خشک و سخت شود —

استعمالات علاجیه — نظر بملاحظات علمیه فسفات دو سود
در بعضی آفات عظمیه خصوصاً در بین اعوجاج عظام زیاد تجویز نموده‌اند
ولی تجربه نتایج این ملاحظات علمیه اخذ نشده و در آفات
مذکوره از خوردن آن بهبودی روی نداده به همان طور استعمال آن
در کسر عظام جهت حصول و تشبد غیر مفید و در علل طوبرکولی و
خنازیر بسیار مفید است و بدون شک در تمام این حالات
بدن فسفات دو سود لازم خود را از اغذیه بهتر اخذ تواند نمود و
اولیتر این است که وضع تغذیه را منتظم کرده اسباب عللی که مورث
اختلال عمل جذب و تغذیه می‌شود برطرف نمایند —

قدر شربت — فسفات دو سود باطفال مخلوط با غذا کم کم روزی
سه دفعه پنج نخود بیشتر نه و در بزرگان ده نخود تا یک مثقال توان داد —

فصل دوّم

در ترکیبات آمونیاکی

منبع جزء عمده ترکیبات آمونیاکی جسمی است موسوم به آمونیوم
که اثر آن مانند فلزات است ولکن حالت آزاد او موجود نیست فقط
ترکیبی از زیبق با این جسم معروف است که عبارت از ملغمه آمونیوم است
در صورتیکه آمونیوم سد   بمانند فوراً تجزیه شود به آمونیاک
و ایدروژن —

آمونیاک که از فساد و تعفن مواد آلیه آزوته (گوشت خون بول)
تولید میشود جسمی است گازی بیرنگ با بوی منکره و زننده اثر آن
بشدت قلیائی و بواسطه برودت و فشار قوی مبدل بمایع تواند شد

و این مایع بی رنگ است و در حرارت متعارفی از ششصد برابر حجم خود

از این گاز را جذب نموده و همین محلول مائی است که از آن امونیاک

مایع یا قلیائی فرار یا مطلق امونیاک نامند —

امونیاک یکی از چیزهای بسیار قوی است با تمام اسیدها ترکیب شده تولید

املاح امونیاکی کند —

آثار فیزیولوژیه تمام املاح امونیاکی — این املاح بالطبع در بدن موجود

ترکیبات امونیاکی دارای آثار و خواص عمومی بسیار ثابتی هستند و فرقی

مابین آنها نیست جز از حیثیت شدت و ضعف آثار مثلاً اثر

سولفات دامونیاک ضعیف‌تر دیگر از آن کاربونات و کلریدرات است

و بالاخره خفیف امونیاک است —

آثار موضعی آنها موافق فراریت آن ترکیبات مختلف است ترکیبات

فراره از ورای جلد و اغشیهٔ مخاطیه مجذوب خون شده سبب تحریک

که بقدری از آن مخلوط با گلاب رطوبت نوعی است ترکیبات

امونیاکی غیر فراره فقط از اغشیهٔ مخاطی جذب شوند —

وقتیکه ترکیبات امونیاکی را بمقدار کم منشور باستعمال کنند تحریک

در مراکز عصبانی نموده و لیکن بمقدار زیاد خورده شود سبب ازدیاد

حس و ارتعاش و بالاخره مورث ضعف میشوند هرگاه محلول

رقیق امونیاک بلاواسطه در خون تزریق کنند حرکات تنفسیه

بشدت قوی میشوند و همچنین سبب سکون قلب شده بالاخره شرائین

محیطیه تنگ شوند —

فقرهٔ اولی — امونیاک مایع

وزن مخصوص آن ۰۹۶ ره مایعیست صاف بوی امونیاکی بسیار

واضح و با اثر شدت قلیائی —

آثار فیزیولوژیه آن — آثار موضعیه امونیاک در جلد و اغشیهٔ مخاطیه

شدت آثار احتراس و سوزش ولی مانند اثنا تغییر در ارتساج دهد بعض جلد که مواد البومینی ترکیب و با هم قرار به شده منتفخ امونیاک ضخیم قرار دهد استنشاق آن بدرجات مختلفه در تمام بدن اثر کرده و مخصوصاً ممکن است در اعصاب نفس اثر نماید در این صورت مانند قلیائیات سبب خروج زبان و سیلان خلط و بلاغم تواند شد —

اما آثار در جلد — احساس حرارت و سوزش و وجع شدید جلد متورم و منتفخ شده بلکه عمیق طبقات غائره نیز تواند رسید —

در مخاط مجاری هضم — محلول بسیار رقیق امونیاک هیچ اثر مشهودی نکند فقط بتدریج مانند قلیائیات شیره معدی را خنثی تواند نمود ولی محلول بسیار غلیظ باعث ورم و التهاب شده مخاط بیشتر بلند گشته اوجاع شدیده و نزف الدم روی داده اسهال عارض شده مواد برازیه خون آلود دفع شود —

در مخاط مجاری تنفس — اگر امونیاک در عصب شمی و عصب توائم ثلث (زوج پنجم از اعصاب دماغی) اثر کرده موجب ظهور اوجاع و سیلان دمعه و عطسه‌های شدیده و کف بالا فوراً سرفه بسیار سخت و تشنج مزمار الصوت و اختناق روی دهد و نیز اگر امونیاک را نزدیک بینی اطفال بدارند که چندین دفعه بشدت ادخال نفس کنند ممکن است اختناق عارض شود یا آنکه ورم شدیدی در شعب قصبه حادث شده پس از آن ذات الریه و تهیج ریوی روی دهد —

استعمالات علاجیه امونیاک — مدت مدیدی است امونیاک را در دفع لسع حیوانات زهردار مثل عقرب و مار زیاد استعمال میکنند و در این حالت از محلول امونیاک (یک در چهار) تذریق تحت جلدی کنند و چون عوارض عصبانیه خطیره ظاهر گردد نیز یک دفعه دیگر محلول رقیق را معمول دارند و در همان وقت محلول بسیار رقیق را از داخل نیز بخورند

نمایند و نیز امونیاک مایع را هم چند قطره با مقدار زیادی آب مخلوط
کنند جهت رفع آثار اولیه صرع خصوصاً در صورتیکه شروع این مرض
به آثار مرضی باشد معمول داشته جهت رفع مستی نیز مستعمل است ولی مطلقاً
استعمالات خارجه امونیاک بیش از استعمالات داخلیه آن است و گذشته
جهت حصول تحریک خفیف جلدی معمول است خصوصاً اگر بخواهند
تحریک مدت مدیدی ثابت بماند مثلاً در حالات خفیفه روماتیسم
(عضلانی یا مفصلی) و در ضغطه مفاصل و فلج و استرخاء و در ابتدای سیاتیک
و کوری ضعیف و سر مار زده گی اعضا و غیرها معمول است (امونیاک را
جهت کی و تنفیط بکار نمی برند) امونیاک چون تحریک شدیدی در
در اغشیه مخاطیه انفیه می کند لهذا جهت ظهور و اشتداد حرکات
تنفسیه در تمام حالات بیهوشی وقتی که حس تنفس کند شود (مثلاً در
اغما و غشی و در مستی الکل و بیهوشیهای حاصله از مخدرات و غیرها)

مفید است ولی باید در ابتدا و استنشاق آن محتاط بود زیرا که ممکن است
گاهی تشنج مزمار روی دهد اغلب امونیاک را در مسمومیت با اسید
کاربونیک و اسید کاربونیک نیز بکار میبرند ولی در این حالات بهترین
تریاقات هوای تر و تازه است —
مقدار شربت و ترکیبات امونیاک — (۱) امونیاک مایع — از دو الی پنج
دفعه در کنند تا در کف (۵ تا ده قطره) در مقدار زیاد آب یا در شربت
لعابیه رقیقه روزی چند دفعه بدهند از خارج اثر الکالیت خلوص در لدغ
و لسع حیوانات زهردار بکار برند و جهت استنشاق باید قدری از
خالص سوا استعمال کنند و در زکام حاد نشخه و غیرها تجویز می کنند امونیاک
مایع اسید فنیک یک مثقال الکل رقیق ۵ مثقال در شیشه ای
حفظ نمایند استنشاق نمایند جهت تحریکات جلدیه بعضی ترکیبات
معمول است که امونیاک جزء آنها است و عبارت اند از ترکیبات ذیل

(۲) طلا یا روغن آمونیاکی یا روغن فرار — صفت آن — آمونیاک
مایع یک جزء روغن خشخاش یک جزء روغن زیتون سه جزء —

(۳) طلا یا روغن فرار کافوری — آمونیاک یک جزء روغن کافور
چهار جزء —

(۴) طلا یا روغن صابونی آمونیاک — صابون متعارفی یک جزء آب
سی الکل ده آمونیاک مایع پانزده —

(۵) طلا یا روغن آمونیاک صابونی کافوری یا روغن و بنا اپودلدک
صابون متعارفی سفت کافور بیست گلیسرین پنج عطر صعتر چهار
عطر اکلیل الجبل شش آمونیاک پانزده الکل ۸۱۰ —

(۶) طلا یا روغن آمونیاک صابونی و کافوری مایع — الکل کافور
۱۲۰ الکل صابونی ۵۵۰ آمونیاک مایع ۲۴۰ عطر صعتر ۳ عطر
اکلیل الجبل ۴ جزء —

پنج روغن مذکور جهت تحریک جلد بکار رفته ولی در ضعف مفاصل
استعمال آنها خوب نیست —

(۷) الکل آمونیاکی انیسونی — عطر انیسون یک الکل ۲۴
آمونیاک مایع ۵ هر دفعه یک تا ده نقطه و در شبانروزی ۳۰ نقطه
تا نتیجه اثر آن را توان داد —

این دوا مفرد یا مخلوط با مشروب لعابی یا سایر مواد محرکه نفث
زیاد مستعمل است و در محل استعمالات سینگی آن به تفصیل ذکر خواهد شد
معمول است در حالاتیکه ترشح شعب قصبه زیاد و سیال و مجتمع
در شعب باشد و مریض قوت دفع از آنها نداشته باشد مفید است —

فقره ثانیه — کلرور دامونیوم یا کلریدرات دامونیاک (نوشادر)
این نمک را از ایام سالفه می شناختند از اختلاط بخار آمونیاک
با بخار اسید کلریدریک تولید شده غبار سفیدی متبلور است او در بول

فاسد نشده و بسهولت محلول در آب است —

اثار فیزیولوژیه آن — اثار موضعی آن کمتر از اثار امونیاک مایع است

و اگر تند رقیق و داخل در خون شود مورث اثار سمی میگردد اما اگر مقدار

کم و طبی استعمال شود طعم آن زیاد شور و تند و اثار آن در اغشیه مخاطیه

بخصوص در اغشیه ریتین است استعمال مدید آن بتدریج سبب اختلالات

هاضمه شده ولی هیچوقت باعث اسهال نشود و بنا بر این چون

مدت مدیدی خورده شود سبب لاغری بدن گشته و نیز تجربه شده است

که پس از شرب آن ترشح بول زیادتر گشته —

استعمالات علاجیه — نوشادر بامکان فائده در صورتیکه با شرایط

مناسبه تجویز شود در هر نوع نزله بکار برند موقع اول عبارت

از نزله معدی است در صورتیکه مصاحب با نزله بدون تب

شعب قصبه یا مصادف نزله حاد شعب باشد و در زمان انحطاط

و در [illegible] قصبیه است در این مواقع استعمال نوشادر ترجیح دارد

گاهی که کاربونات [illegible] تجویز نمایند و این در صورتیست که اجزای

تنفس زیاد قابل تحریک یا استعداد و شده در جهت سرفه های عصبانی

ولی موجود باشد موقع دیگر هم را استعمال نوشادر در تمامی نزدیم دارد

نزله شعبیه مزمن است که اخراج نفث در آن مشکل باشد در اشخاص

قوی بنیه در زمان اول نزله حاد شعبیه این جسم مخلوط با نطرون

استعمال شود و هم چنین در ذات الریه وقتی که تب قطع شد و از

تنفس سوال کرد بیطان کمتر از رال های صغیری و نفیری مسموع شود

و اخراج نفث نیز مشکل باشد استعمال آن مفید است در نزله

شعب قصبه مزمن را اخراج نفث فراوان و سهل باشد استعمال

کلریدرات و امونیاک در صورتی جایز است که نفث متوقف

شود در مسلولین بخصوص وقتیکه زیاد سرفه کنند از استعمال آن

باید احتراز جست در اوجاع عضلانی و عصبانی نیز نوشادر و سایر مخلوطها استعمال مینمایند

از خارج گاهی جهت تحلیل بردن طومرها و جهت نرم نمودن پستان اگر در

حالت شیر دادن سخت شده باشد معمول است —

قدر شربت و ترکیبات آن — (۱) نوشادر از دو حبه دفعه از یک دانگ و نیم

تا ۵ نخود و شبانه روزی تا دو مثقال همه وقت بحالت محلول استعمال و بهترین

مصلحات آن رب السوس است بهتر از آن شیرینی را زیاد نیست و از این

ترکیبات قرص ها یا قلمهای کوچک ترتیب میدهند و همچنین آب نشادر

محلول کلریدرات دامونیاک در نزله مزمن شعب و انفیزم مستعمل است —

(۲) کلرور دامونیاک آهنی — اینهم در نزله های شعب ریه مثل کلرور

مستعمل است —

قدر شربت آن — هر دفعه یک نخود و نیم تا دو نخود و شبانه روزی تا

یک مثقال بحالت محلول میدهند —

فقره ثالثه — کاربونات دامونیاک

این جسم از تقطیر یک جزء نوشادر با دو جزء گل سفید بدست میآید بوی آن

آمونیاکی بسیار شدید و در مجاور هوا سرد محلول و در الکول بیش بسبب

تصعید و فرار آن کم —

اثرات فیزیولوژیه آن — مانند گاز امونیاک ولی ضعیف تر از آن است

پس باید بمقدار کثیره اثر داد تا خواص امونیاکی بظهور رسد —

استعمالات علاجیه آن — جهت تحریک و حصول عرق بکار میبرند

خواص محرکه آن مانند شراب یا قهوه مخلوط با رم شده نیست ولی

چون در ایران اغلب از الکلیات اجتناب میکنند لهذا میتوان با استعمال

کاربونات دامونیاک در ضعف و تعطیل قوی که از آفات مختلفه حاصل

کند جهت تحریک استعمال کرد و بیش از آن باید باستعانت تزریق

تحت جلدی روغن کافوری یاری جست —

قدر شربت و ترکیبات آن — دفعهٔ نیم تا یک کف و در روز تا ده کف
اثر او از واحد بشکل محلول توان داد و در استعمالات خارجیه نیز وقت
بای آمونیاک مایع را ترجیح میدهند و آنرا میتوان مخلوط نشا بکار برد
از کاربونات دامونیاک با طاس یا آهک حاصل میشود یکی از آمونیاک
از آن قسمهای مرکبه کاربونات دامونیاک همان نمک فرار
الکلی است را اغلب شیشه از آن در جیب گذارده استشمام میکنند
در سابق نمک فرار شاخ گوزن را عبارت از کاربونات
دامونیاک ناپاک میدانستند که بسوختگی میدهد و نیز محلول این نمک و مخلوطی
مایع که از شاخ گوزن و غیرها و در کتنو لسیون اطفال بالانفراد
یا منضم با مشک بکار میبرند —

فقره چهارم — استات دامونیاک مایع

این جسم جهت حصول عرق بیشتر از کاربونات دامونیاک استعمال میشود

دا اثرا جوهر نشادر را هم میدانند از واحد دفعه ده قطره تا یک قاشق نیم
شب در روز چهار پنج دفعه در آب یا در مشروب معرق میدهند —

فقرهٔ پنجم — روغن شاخ گوزن

جسم این دهن بواسطهٔ چند تقطیر مصفی کنند عبارت خواهد بود
از روغن حیوانی که پنج تا بیست قطره آنرا در کابسولهای ژلاتینی
جهت رفع دیدان تجویز مینمایند این دهن بواسطهٔ تقطیر تولید بعض
ترکیبات آمونیاکی میکند را در آنها عنصر اصلی الکلی قائممقام یک یا چندین
اتم ایدروژن شده است و عبارت است از الکالوئیدهای فرار
را از قبیل اطیلامین و مطیلامین و طری مطیلامین را از آن
پر بیلا طمین نیز باشند و این اجسام در خناق رحم بکار میبرند

فصل سیم در بیان فلزات

فلزات منقسم بسه طایفه میشوند اول فلزات خاکیه دوم فلزات عا

ششم طایفهٔ پنجم عبارت است از انطیموان و بیسموت با انضمام شبه فلزات که عبارت از فسفر و ارسنیک —

(۱) فلزات خاکی — از شش فلز خاکی که عبارت‌اند از الومینیوم داریوم و زیرکونیوم و ایطریوم در طب فقط بعضی ترکیبات آلومینیوم معمول است —

در بیان آلومینیوم

جزء عمدهٔ مواد گلی رسی عبارت از این جسم است و مابین ترکیبات عدیدهٔ این فلز خصوصاً زاج سفید مشهور که در طب کثیر الاستعمال است —

(۱) زاج پطاسی (سولفات دالومین اِ دُ پطاس) که از زاج سفید دالومین نیز می‌نامند بسهولت محلول در آب است (یک در ده) که جوش در الکل کم طعم آن ملایم و عفص و بواسطهٔ تکلیس آب تبلور خود را از دست داده مبدل بغبار سفیدی که

مسدود است قلیل الانحلال و موسوم بزاج مکلّس است —

آثار فیزیولوژیهٔ آن — زاج پطاس البومین را منجمد کرده و زاج مکلّس بشدت جاذب آب است زاج در جلد سالم اثری نکرده ولی در اغشیهٔ مخاطیه بسبب احساس تنگی که اگرچه بابت محلول رقیق باشد در دهان سبب احساس بطعم عفص شده اگر بروی اغشیهٔ مخاطیهٔ مورّمه و قرحات ارسال شود عمل ترشح را کم نماید —

هرگاه چندین روز از داخل بمقدار کثیر بدهند بسبب نقصان اشتها و اغتشاش هضم و یبوست شده بمقدار زیاد مورث آثار سمیه است

استعمالات علاجیهٔ آن — این جسم مخصوصاً محلول آثار موضعیهٔ مخصوصه معمول است و در اسهال‌های مزمن بسبب اغتشاش هضم است ممنوع و در جریان مزمن طمث سفید محلول آن را تزریق کنند و بهتر است که در التهاب‌های مزمنهٔ حلق محلول آن را غرغره و در جهت قرحه نمایند و در

عفونه از آنها ترشح کنند زیاد تجربه نموده اند در لوزتین مزمن محلول یک درصد

و جهت شست و شوی نواصیر عرق متعفن می کنند تجویز شده است —

(۴) فلزات عالیه

اجسامی را از این طایفه در طب بکار می برند عبارت اند از سرب و مس و روی

و نقره (طبقه اول) و آهن (طبقه دوم) و منگنز و زیبق (طبقه سیم)

تمام ترکیبات محلوله این فلزات مگر ترکیبات آهن دارای خواص و اثرات قابضه و دارای

سمیه شدیده دارند با مواد آلبومینی ترکیب شده و اگر محلول غلیظ از آنها داخل در

با جلد کنند سبب التهاب عرق کف و چنین داخل در بدن شوند در اثنای جذب تهییجات

قدری از آنها بتدریج و از اسهال خارج شده باقی که در کم متراکم و مجتمع گشته مورث

بروز آثار سمیه کهف —

فقره اول — در بیان سرب و ترکیبات آن

سرب و اکثری از ترکیبات آن غیر محلول در آب اند و جهت آنکه در معده نفوذ

عوض مطبوخ زاج و از شربت سود و ورم سابقهٔ حلق را قریب بازمان یا

ترش باشد غرغره نیز نمایند —

قدر شربت — هر دفعه نیم تا یک قاشق و نیم و در مدت دو چهار ساعت

یا زده کف اثر الکل سفوف یا حب با مطبوخ داده از خارج برود

متورم را برای تسکین درد حلق دلکو نضوج می پاشند زاج مکلس

از خارج در روی براعیم لحمیه و نزف الدم های صغیره استعمال می شود —

(۲) کلرورتس یا سیلیکات والومین (ارژیلا) — این جسم

در آب و اسیدهای معدنی غیر محلول و بنابراین غیر قابل الاکلاب و اثرات

فقط اثر امانشه مواد غیر منتشره در ساختن حبوب بکار برند

مثلاً بعضی املاح فلزیه را بسهولت تجزیه می شود از قبیل سنگ جهنم

چون لکل حب بخواهند تجویز کنند با این جسم ممزوج نمایند —

(۳) اسطات والومین — جهت ازالهٔ بوی قروح منتنه از طوبت

در بدن کنند یا در اثر انقلاب مبدل بترکیبات محلوله که در کلوروس حامض
معدی مبدّل به البومینات می‌شود قدری از این البومینات جذب
و بسرعت در تمام اسباع پراکنده شده و بهمین حالت می‌توان در نسوج پیدا
نمود و این ملح خارج نمی‌شود بکلی بطوریکه راه خروج آن بتوسط بول و مفرزات است
مسمومیت مزمنه شده باسبب بروز علامات و عوارض ذیل است که عبارت از آنه
از احساس طعم فلزی نامطبوع دائمی و ورم لثه و کبودی اطراف آن جریان
بزاق و افراط [illegible] هوای [illegible] عدم اشتها یبوست مزاج هزال
تدریجی خشکی جلد پریدگی رنگ و منظر سوء القنیه و تدریج حمله‌های قولنجی که
معروف است بقولنج [illegible] و عبارت است از اوجاع معدیه شدیده که
تمام شکم را فرا گرفته در اطراف ناف متمرکز است در هنگام بروز حمله
جدار شکم متمدد و سخت و بداخل کشیده شده گاهی مواد سبز رنگ قی نموده
بعد از چند روزی حبس شده نبض غالباً بطئی و سخت می‌شود و از آنها بعد اوجاع

عصبانی مخصوصه در مفاصل و عظام و عضلات و غیرها (وجع عصبانی) شده و دوره
[illegible] غالباً شبیه است که رگ کت وارده از ضرع الماس بروز نموده بالاخره ارتعاش
عضلانی و فلج شده و مدت [illegible] نمیکند [illegible] اشتداد عضلات باسطه اطراف
مبتلی شده عضلات قابضه آنها منقبض می‌شوند و بالاخره کم کم عضلات [illegible]
التهابیه نخاعی روی دهد —

جهت علاج مسمومیت حاله [illegible] استعمال مشروبات لعابیه البومین [illegible]
شیر [illegible] نمک محلول آب [illegible] در زیر جلد تزریق [illegible] کنند [illegible]
کرده و دفعه [illegible] حلق مریض قی کنند و در صورت امکان [illegible]
[illegible] سولفات قلیائی [illegible]
[illegible] تولید سولفات [illegible] شده و این جسم غیر محلول است و تشکیل
بواسطه سولفات قلیائی [illegible] خارج شد [illegible] بتوسط [illegible] روغن کرچک
آن را اخراج نمود و در قولنج [illegible] از [illegible] ضرع الماس

بکار نخورد و رفع سده الکاظ البسیطه و بدو رد رباط سوم و مسهل استعمال بنمایند

و جهت رفع سوء القنیه شربت ایدروژن سولفوره میدهند —

(۱) التهابات در بلعوم اغلب از اسکرلاتین بینند — این جسم و رنگ برابر

و نیم ورزن خفاش حلق شده ولکن منبسط شده مربع القاعده متورم

التهاب غیر نیوزئیران — دارای خواص موضعی و عمومی است وقتیکه

حلول از آماج در جلد که شد از شهود ظاهر نزد و بعد از آن

از مامع حلقه کی رشته ها سده مانند یک طبقه سفیدی بروز شده

ملاصق شود حلول املاح سده در روی اغشیه مخاطیه سبب تولید

البومنات هم و نقصان ترشح و انجماد البومین محتویه در

سطحهای سطحیه وقف راه سوراخها میشود ولیکن از آن تغییرات

خشک حلق و دهان و اختلال هضم و نقصان ترشح و حرکت

کردن امعاء و بالاخره اجتماع بعضی روده و به حلول غلیظ آن سبب

موت تام طبقه سطحی غشاء مخاطی شده و لکه سفیدی تولید میشود

ولیکن از آنکه زمانی مبدل بقرحه میشود اگر التهابات هم باز در

سطح متفرق ارتباط دارند تولید یک طبقه ضخیم البومنات هم شده

ولی بواسطه ان ریم و ترشح حک شده و قرحه بسهولت شفا می یابد و

سطحیه اغشیه مخاطیه و سطوح متقرحه انقباض تامی پیدا نموده این

انقباض و نقصان ترشح از آثار موضعی و عمده حلولات سده است —

اما در خواص عمومیه بعد یک که از اوقات جذب شدن از اغشیه مخاطیه

سطح قروح ظاهر شده و در اشخاص عامل سرب و املاح سده

بعد از آن که در مدت زیاد تعدادی از آنها واضح میشد

مسمومیت مزمنه حاصل میگردد اسم التسمم علاج آن در چند روز

سبب بروز جمیع علائم مسمومیت و ضعف دارند مسمومیت

عمومی روی دهد —

در استعمالات علاجیه — اسطات دُ پلمب باشد از آنچه ضد نزف الدم
در نزف الدم های داخله بخصوص در نفث الدم مجرّبست این مرض غالباً
در صورت خفّت را اندک نفث خون اتفاقی خارج شود بعد
دقایق پرهیز و وضع پارچه های مبلوله با آب سرد در روی سینه علاج شود
بدون آنکه دوای داخله استعمال نمایند و برای آنکه در همین وقت سرفه
تسکین گیرد تزریق تحت جلدی مرفین را از برای تجدید منع آنچه در نفث
الدم های شدیده بخصوص در صورتیکه طولانی باشند اگر صاحب
ضعف باشند اسطات دُ پلمب تجویز شده و اگر تب باشد استعمال
آن بیشتر تجدید شده است هرگاه سرفه سبب بروز جدید نفث الدم
کهف اثر را با مرفین ترکیب کنم و در اینصورت باید اسطات دُ پلمب
بمقدار زیاد بدهند مثلاً در هر ساعت یک گندم بلکه بیشتر اگر هاضمه
مختل باشد استعمال آن ممنوع است و در اینصورت ارگوتین و طنین

در ترکیبات آهن بخصوص پرکلرور دو فر مفید است و جهت علاج مخصوص
نزف اسهالی دارند —
اسطات دُ پلمب در اسهال های کهنه فایده بسیار دارد ولی چون در این حالت
لابد اختلالات هاضمه نیز موجودست لهذا بهتر آنکه فقط از او در اسهال
های صعب العلاج و مخصوصاً در اسهالها از سبب آن قرحه مزمنه باشد مثلاً
در اسهال طوبرکولی استعمال نمایند —
شکم روب مانند ادویه قابضه در نزله مزمن شعب قصبه (نزله
بلغمی با اتّساع شعب یا بدون آن) بخصوص حالت اختناق مجرّبست
و همچنین در غانقرایای ریوی و دارای یک یا دو حفره باشد بدون آنکه
محصولات مرضیه در دو قطعه ریه منتشر شده باشند فایده بخشد
و همچنین اسطات دُ پلمب بمقدار زیاد (هر ساعت یک گندم)
در تبیع ریوی حاد و در همان هنگامی که تشمع منتظر بزرگ بروز صدر

را با سیدا را هم تجویز می‌کنند و مخصوصاً در تهیج ریوی را عوض ازوریه کلیه
مزمن و مصاحب با استسقای لحمی باشد و در ذات‌الریه شاربین و در
اشخاصی که وقت شدت تب مبتلا بعرق شده‌اند معمول است
سابق بر این استات سرب را جهت رفع عرق‌های شدید امراض
محلله و مضعفه که مخصوصاً در سل ریوی استعمال می‌کرده‌اند ولی در این ازمنه
معلوم شده است که اطروپین مفیدتر و خطر آن کمتر است و بجای
استعمال آن جهت رفع اورام مختلفه حالیه متروک است —
در مرضائی که معتاد باستعمال سرب و املاح آن اند باید کمال احتیاط را
از مسمومیت عمومی نمود و از جمله موانع استعمال آنها اولاً هر گونه
اختلال هضم و ثانیاً وقتی است که شرائین صلب و سخت شده باشند
اگر بخواهند مدت زیاد استعمال کنند جهت احتراز از مسمومیت
با مقدار کمی تریاک تجویز باید از خارج در مواقع استعمال سولفات

سولفات دوزنگ معمول ولی فایده‌اش کمتر از آن است —
قدر شربت — از دو الی شش سانتیگرم و شبانه‌روزی تا دو دسیگرم و نیم
بصورت سفوف یا حب یا محلول دو دسیگرم و نیم تا ده دسیگرم در صد گرم آب
برای استنشاق و تلقیح تا سه سانتیگرم در بیست گرم آب برای تزریق
در مجرای بول با لافره بیست تا ده سانتیگرم در ۵ گرم بجهت شستن مجرای
گوش مستعمل است —
(۳) استات تریبازیک سرب (عصاره سرب و سرکه سرب) این
جسم از جوش دادن محلول استات خنثی سرب با شش عشر از یک جزء پروتوکسید
سرب بدست می‌آید جسمی است مایع بی‌رنگ و بسهولت از هوا اخذ
اسید کربونیک کرده مبدل به کاربونات سرب شده غیر محلول و
اسباب کدورت مایع گشته خواص موضعی و عمومی آن بعینه مانند استات
سرب است استعمال علاجی آن منحصر بخارج و جزء ادویه مسمیه عموم

آن را در فرنگستان جهت رفع ترشحات غیر طبیعیهٔ اغشیهٔ مخاطیه و اختلالات
در نسج جلد و اجزای تحتانیهٔ آن (ضربه و سقطه با ترشح خون یا بدون آن
تهیج جلدی بعد از جراحت‌ها سرماخوردگی سوختگی درجهٔ اول اگزما
و حمره و غیرها) در ترشحات رسمی جلد (از قبیل قروحات قطنی و خنازیر
و بواسیرها) تجویز می‌کنند —

قدر استعمالی و ترکیبات آن — عصارهٔ سرب غالباً بصورت محلول رقیق
مستعمل است و ترکیبات دواخانه‌ئی آن عبارت است از آب سربی
(که مخلوط است از یک جزء عصارهٔ سرب با چهل و نه جزء آب) و آب سربهای
الکحل‌دار و آب گولار نیز می‌باشند (عصارهٔ سرب یک جزء الکحل
رقیق ۴ آب ۴۵ جزء) —

مرهم سربها — عصارهٔ سرب هشت جزء وازلین ۹۲ جزء —

(۳) سفیداب قلعی که بفرانسه سیروز می‌نامند — عبارت است سفیدهٔ غیر

غیر محلول در آب که بصورت مرهم یا مشمع مستعمل است و در دواخانه مرهم
سفیداب کافوری و مشمع سفیداب ترتیب داده میشود و در التیام قروح
جلدیه معمول است —

(۴) مردار سنگ که بفرانسه لیتارژ می‌نامند — این جسم در ساختن
مشمع‌ها که بعضی از آنها بروی جلد تولید طبقهٔ حائلهٔ مخصوص و آنرا از خارج و رطوبت
هوا محفوظ کرده تولید حرارت و رطوبت می‌نماید که در علاج مطلوب
بکار برده و اگر شقوق این نوع مشمع‌ها بنظر آمده خاصیت تحریک‌کننده
از آنها بظهور رسیده باعث نضج ریم است مشمع‌ها که در دواخانه
موجود عبارت است از (۱) مشمع سرب ساده و دیاخلیون ساده
بدون سقز است (۲) مشمع سرب مرکب و دیاخلیون مرکب با سقز
(۳) مشمع ملصق (۴) مشمع صابونی که جهت رفع منضجه‌ها مستعمل است
بالاخره (۵) مرهم دیاخلیون و آن ترکیبی است از مشمع و دیاخلیون ساده

و روغن بزرک بمقدار بیست درم و این جسم بعوض ضماد ملیّن روغن خوب است —

(۵) یدور دو پلمب — این جسم جزء شمع و ضماد و مرهم معمول است

فقره دویم — نقره

ورق نقره جهت پوشانیدن حبوب جهت ضمن فتیله بکار رفته و از

ترکیبات نقره فقط سنگ جهنم در طب معمول است —

سنگ جهنم یا نیطرات دارژان میل ترکیبیه تامی با مواد البومینی دارد

اگر محلول رقیق آن بروی جلد عاری از بشره یا در سطح قرحه و اغشیه مخاطیه

سالمه و متقرحه بسبب ضیق عروق شده و بهمین جهت است از سطوح

متورّمه و متهیجه بریده رنگ و کم حجم می‌شوند و در روی اغشیه مخاطیه

بواسطه ترتیب مواد البومینی مخاطی تولید یک طبقه حاجبه سفیدی

میشود که بواسطه آن علاج بسرعت و سبب منع میشود اگر با محلول غلیظ

سنگ جهنم یا قلم آن بسبب حرق و تقرح شده سوزش بسیار رسد اگر به روی

داغ معمولی که حدوث همان نقاط ارسال و سریع الالتیام است بدون آنکه

عوضاً یا عمقاً منبسط گردد —

خفیفی بواسطه اثر سنگ جهنم انجماد شهودی پیدا کند چنانکه نزف الدم

های عروق شعریه بواسطه ارسال موضعی آن برطرف میشود —

وقتیکه سنگ جهنم را از داخل استعمال کنند در دهان احساس

طعم فلزی قابضی غیر مطبوعی کند و در معده بواسطه حموضت با مقدار

زیادی از البومین تولید البومیناتها میکند و بواسطه وجود کلرور در

معده هم (نمک طعام) کلرور دارژان بوجود آمده بهمان جهت است

که محلول غلیظ نیطرات دارژان با وجود آنکه در جلد سوزش آور است

در معده اثر مشهودی ظاهر نمیسازد اما بمقدار زیاد ممکن است سبب

حرق و ورم معده را مصاحب با اوجاع شدیده و قی‌های خونی الوده است

شده بالاخره مرگ روی دهد —

پس از آنکه نیترات دارژان را بطریق شرب استعمال کنند از معده
و امعاء عبور کرده داخل در خون شده و در سلولهای نسوج مدتی می‌ماند
و هرگاه مدتی طولانی این علاج را استعمال کنند و مداومت کنند از آن
مجذوب شده بسبب رنگین شدن نسوج کبود قسمی در مدت عمر آن
اثر معلوم است هرچه نشود مگر در جلد صورت که گویا پذیرفته است
داخل اغلب بواسطه دانه‌های نقره کوچک رنگ آسمانی پیدا می‌نمایند
و این را مسمومیت حاصله از نقره می‌نامند و در آلات بدنیه غیر از این
تغییر دیگری روی نمیدهد و اعضا را غالباً مبتلا بمسمومیت می‌شوند عبارت از آنکه
از جلد و کلافه‌های کلیوی و تارهای طبقه مشیمیه چشم و مانند آنها —
اگر اغشیه مخاطیه بخصوص غشاء مخاطی معده از اثر مجاورت نمک مزبور
محترق شود باید محلول غلیظ از نمک طعام تجویز نمایند تا تولید
کلرور دارژان شود که غیر محلول است —

استعمالات علاجیه — نیترات دارژان از خارج زیاد مستعمل است و از
داخل اطبای فرنگستان بندرت آنرا در امراض عصبانی تشنج و در صرع استعمال
نموده زیاد تمجید می‌کردند و معلوم شده است که بیفایده است اما اگر
از سایر ادویه اثر بدست نیاید می‌توان نیترات دارژان را
امتحاناً تجویز کرد —

در این تازگی نیترات دارژان را جهت رفع صلابت نخاع زیاد
تمجید کرده‌اند و بعضی اوقات فایده بخشیده سبب معالجه شده با آنکه قطعیه و
سبب این مرض کوفت نباشد باید مقدار کم و مدت زیاد سه الی چهار
ماه آنرا امتحان نمایند —

در اسهالهای مزمنه نیترات دارژان را بیش از قابضات
دیگر استعمال می‌نمایند اما در طور هرکول امعاء اثر آن ثابت تر
از قابضات دیگر است در اسهالهای حاده بخصوص در اسهال

اطفال فائده آن غیر محقق است —

قطرات دار زران را در قرحه سائله معده بملاحظه خاصیت زیاد
استعمال مینمایند یکی اینکه بر ضد سبب التهاب قرحه شده دوم
اینکه کفغی در اوجاع معده مینمایند و در این هنگام پرهیز غذائی
نیز بسیار لازم است —

از خارج قطرات دار زران را در نزله های سائله و در آثار روده
ورود بناقص گذاشته باشند یا کالت تر ملتهبه درآمده باشند
استعمال مینمایند (در زکام و رمد و سوزاک و ورم لوزتین و حلق
و حنجره و مثانه و مهبل و غیرها)

محلولات غلیظه سنگ جهنم را مانند تدبیر سقط العلقه جهت قطع
ادرار حائله اگر تکیه جدید الحدوث باشد استعمال میکرده‌اند قانون
در ابتدای مرض مفید است اما اگر دیر استعمال شود نتایج آن خوب نخواهند بود

در علاج غشاء کاذب استعمال سنگ جهنم جهت رفع ریشه کاذبه بسیار معمول بود
و این قاعده سالهای متروک داشته‌اند زیرا که بشره اعراض جراحی وره
سالم را به واسطه که برداشته شد و بعضی باعث سهولت انتشار علت
گردد (و مطلقاً که حلق سه در خناق با غشاء کاذب به متروک داشت)
سنگ جهنم را گاهی جهت در علاج قروح اغشیه مخاطیه و جهت داغ نمودن داخل اندام بعضی
زوائد غیر طبیعیه (از قبیل مراعیم و خراشهای ثقبه خارجی مهبل و کندیلوما
یا زوائدهای گوشتی و غیرها) بکار برده و در سوختن گاهیکه صاحب اندام
بشره باشند معمول میدارند (در این حالت استعمال طبقه ضخیم از پنبه اشبیه
سالیسیلیک دار بسیار مستعمل است) در علاج قروح ارباب سنگ جهنم بسیار
شایع و موافق قواعد علمیه است مخصوصاً در قروح ضعیفه اسباب التیام
ندارند باعث اعانت بر التیام است —

در علاج شکم صلب و قروح شبیه سنگ جهنم کافی نیست و در آن

حالات قیلیانات مجرقه خوب اثری نباشد ورشتکی نرم ممکن است
بواسطهٔ آن در ابتدای مرض خاصیت مسریه آنرا برطرف کنیم قرحه را
مبدل بقرحه ساده نمایند —

سنگ جهنم جهت سد نزف الدم در سطوح صغیره خصوصاً در جراحات دهان
زلو بسیار نافع است جراحات صغیره را با سنگ خشک کم کم برف[?] داده
و بسرعت نوک قلم سنگ را اربابی[?] دارند —

بعضی از مجربین سنگ جهنم را در رفع و انهدام طومرها بلکه در علاج
سرطان استعمال نموده‌اند در طومرها ابتدا زود کمت[?] جلدی مکرر زرق[?]
با محلول ضعیف سنگ جهنم (یک در دو هزار تا سه هزار) تزریق کنیم
و چند دقیقه بعد با محلول نمک طعام (یک در ۱۵۰۰ تا دو هزار)
تزریق می‌نمایند —

قدر شربت و ترکیبات — از داخل هر دفعه عشر تا نصف گندم

و شبانه‌روزی تا یک نخود میتوان داد محلول آنرا به دراب[?] مقطر و شیشه
سیاهی حفظ نمود و فقط کلیسیرین بسیار خالص میتوان ممزوج بدان کرد
مثلاً موافق این نسخه سنگ جهنم یک گندم آب مقطر ۳۰ مثقال کلیسیرین
خالص ۱۰ مثقال در شیشهٔ سیاهی ریخته هر دو ساعت یک مثقال آنرا
در اسهالهای مزمنهٔ اطفال تجویز نمایند حب سنگ جهنم را باید
با گل رس ساخت مثلاً سنگ جهنم پنج گندم گل رس یک مثقال
مخلوط نموده صد حب کنند و روزی دو دانه بدهند از خارج قلمه سنگ جهنم
یا محلول مختلفة الغلظه آنرا استعمال مینمایند اگر مقصود از استعمال
آن حصول کی باشد باید محلول دو در صد را استعمال کنند محلول کاوی[?]
آن نیم الی دو درصد است مرهم با روغن سنگ جهنم را باید با وازلین
ساخت دو عشر تا نیم جزو در ده جزو وازلین داخل کنند —
در دواخانه‌های آلمان ترکیب دیگری از سنگ جهنم مهیا است که عبارت

از ترکیب نیطرات دارژان با نیطرات دو پطاس است حجر است لیدر
سخت‌تر و اثر آن از جنس کمتر از سنگ جهنم است —

فقره سیم — در باب مس و روی

این دو فلز کلیةً از حیث اعمال فیزیولوژیه و محل استعمالات علاجیه شبیه
بهم اند و اکثر خواص و آثار مس بشدت روی نیست —
ترکیبات انها مانند ترکیبات سرب این خاصیت را دارند که عروق
منقبض و ترشحات را کم کنند بدون آنکه باعث مسمومیت مزمنه
گردند و بالسهولت سبب قی میشوند —
اول مس — عمل فیزیولوژیکی تمام ترکیبات محلوله مس شبیه و عبارت
از این است که با مواد البومینی مرکب شده تولید البومینات دو کویور
مینمایند در صورتیکه کالبت محلولات رقیقه باشند باعث انقباض
سطوح و جدار عروق شده و بواسطه منع ترشحات

کم کنند سبب انقباض اما در رتبه کعفد بصورت محلولات غلیظه سبب
شوند املاح مس بمقادیر قلیله (تا نیم گندم) و کالبت محلولات
رقیقه چون وارد معده شوند باعث احساس طعم فلزی و سبب تقلیل
اشتهاء و سیوبت مزاج کعفد بمقادیر زیاد تر (بطور متوسط یک گندم)
باعث تهوع و قی و اسهال شوند بمقادیر بسیار زیاد (۵ گندم) سبب
ورم شدید کعفد املاح مس چون کالبت جمود بردن سطوح قرحه
را دارند باعث قلت ترشح شده سطوح قرحه خشک تر شده
و شفا حاصل کعفد — ولی این آثار خیلی ضعیف تر از آثار سرب است
نمو و بروز باکطری بواسطه املاح مس را یکمرتبه در صد و سی جزء
حل شده باشند منقطع کعفد —
(تبصره — موجبات ورم عینی که حصول امراض مسریه را باعث
میشوند منقسم بسه نوع شده اند اول میکروکوک است که شکل دراثنا

کرورست قدیم بالکل‌ها دارای شکل اسطوانهٔ شیشم با سیدها مانند رشته

یا عصا شکل است چهارم وسیب ریون موی شکل پنج اسپری هیلکوئید شکل

منبع پیچ ششم اسپیر در شکل مارپیچ است تمام این موجودات عبارت اند

از قارچهای ذره بینی در گیاه شناسی متعلق بطایفه شیزومیست اند —

از املاح مس فقط سولفات دو کویور مستعمل است —

سولفات دو کویور (کات کبود)

بشکل کریستالهای آبی منعقد شده یک جزء آن در دو جزء و نیم آب سرد و نیم جزء

آبجوش حل میشود این ملح در مجاورت هوا شکفته میشود —

استعمالات علاجیهٔ آن — از دواهای خیلی محدود و جهت اثر دادن قی کویور نیز

اثرات بیش از تنقیهٔ حالیه است مثلاً در مواقعی که اپیکا و انتیمون

با اثر است تجویز میکنند علاوه بر این چون انتیمون باعث ضعف شده

و مانند اپیکا باعث تهوع زیاد شده و همچنین در مسمومیت مخدره از ادویه

مخدره وورم خنجره کروپ وقتیکه قوای دماغی مریض ضعیف شده و ضعف

انتیمون باعث احتراز است استعمال آن ترجیح دارد اثر قی عمومی در سفلیات مزمنه

و نسوج کروپ نیز دارد استعمال آن بمقدار سنتیگرم در مدت مدید و در این مواقع

مفید است استعمال سولفات دو کویور در بعض امراض عصبانیه که معمول

بوده حالی متروک است —

از خارج مواقع استعمال آن زیاد و مانند سولفات دو زنگ معمول است

و کویور این ملح از خارج هیچ اختلافی در اثر علاجیه ندارد بلکه منوط

بعادات و تجویز طبیب است از ایکسو برودیها ترجیح داده در ورم

مزمن دانه دانه ملتحمه سولفات دو کویور است ترجیح میدهند زیرا که

دانه‌های متورم دارای سطوح دیگر و در روی اجزای باو فرادی

توانند شد —

قدر شرب — از دو اخذ خمس الی در گندم و جهت قی در اطفال

یک الی دو گندم باید داد و بدین نسخه کات کبود ده الی پانزده گندم

آب مقطر ده مثقال مخلوط نموده هر ده دقیقه یک مثقال بطفل بدهند

از خارج جهت تدنیق دو گندم و نیم الی پنج گندم در بیست مثقال آب و جهت

قطور نیم الی یک گندم در بیست مثقال آب و جهت روغن نیم تا

دو گندم در دو مثقال وازلین و جهت ارسال آن بروی ملتحمه باید

یک قطعه عوض و صاف آنرا انتخاب نمود —

تسمم با املاح مس — چون مقدار زیادی که آثار علامتش آن فرق با کات

کبود ندارد و آنها عبارت اند از استات دو کوبور (زنگار)

و سولفات دو کوبور آمونیاکال سابق برای قسمتی ترک کردند

در امراض عصبانی تشنجی خصوصاً در صرع زیاد بکار میبردند و دو کوبر دیگر

مسی است (حجر الرحمی یا حجر الچشم) آنرا در روی اغشیه مخاطیه

و سطوح وان دان بخصوص در ورم جهت بطور تدنیق ۵ گندم در

در ضعف الاعصاب مثقال آب استعمال میشد اما زاکسید و کاربونات

و نیترات و کلرور و یدور دو کوبور و کلیه نمک کات کبود است —

تسمم روی — اغلب ترکیبات محلوله روی بعینه مانند ترکیبات مس است

و اما اثر ضعیف برای تمام از ترکیبات روی مثل سولفور غیر محلول در آب است

در معالجات طبیه مستعمل و اشتهر و آن عبارت از اکسید دو زنک است —

اثنی عشر دو الی سه روز و مدت زیادی در ساختن اکسید روی مشغول بکار اند

حالت مسمومیت ظاهر میشود و علامات آن از این قرار است صداع شدید

قشعریره تشنج اطراف مخصوص در عضلات ساق تهوع و قی شدید

اسهال و بالاخره قولنج بسیار سخت —

(۱) اکسید دو زنک (پینه روی)

غبار یست سفید سبک غیر محلول در آب ولی در ترشحات معده حل شده

پس بنابراین از جمله ترکیبات محلوله است —

استعمالات علاجیهٔ آن — غالباً در امراض عصبانی تشنجی مستعمل است اولاً در صرع

کبیر و صغیر و در صرع اطفال و صرع‌های مزمنه که برومور دو پطاسیوم فائده نکرده است

ثانیاً در داء الرقص و سیاه سرفه گاهی با فائده استعمال شده است و جهت

ثالثاً جهت جنون نیست — از خارج جهت بستن قروحاتی که ترشح زیاد دارند و همچنین

در مواضعی که مواد سطحی جلد منهدم شده باشند (از قبیل انتطریگو و جراحات

شقوق و زخم‌ها) خیلی مستعمل است —

قدر شربت — از داخل خمس تا پنج گندم دو مرتبه در بیست و چهار ساعت ده گندم

بحالت سفوف یا حب به تنهائی از خارج جهت ضماد روغن یک در ده

وازلین —

(۲) سولفات دو زنگ

بلورهای منشوری بی‌رنگ است از واجزاء آن را بندرت در میان امراض خفیفه

اکسید دو زنگ معمول است بکار رفته جهت قی سولفات دو کویور بر آن ترجیح

دارند از خارج سولفات دو زنگ بسیار معمول در ورزله‌های ملتهبه و جراحات

بول استعمال آن ترجیح دارد در سولفات زنگ خصوص ملتهبه فائده آن کمتر از سولفات دو کویور است

قدر شربت — از داخل هر دفعه خمس تا نیم گندم و شبانه روزی تا یک گندم و

نیم و جهت قی دفعه یک تا ۳ بلکه تا پنج گندم و جهت استعمال خارجی

۳ گندم تا ۵ گندم در ۳۰ مثقال آب برای تزریق و قطور —

ترکیب دیگری معمول است موسوم به سولفوفنات دو زنگ (زنکوم سولفوفنولیکوم

کاربولیکوم) که در حرقة البول تزریق آن (دو گندم تا پنج گندم در بیست مثقال

آب) دو تا ۳ بار در روز بسیار مستعمل و مفید است —

(۳) کلورور دو زنگ

جسمی است سفید بسیار جاذب رطوبت و محلول و قلیائی که بمقدار قلیل

و بصورت محلول رقیق استعمال شود اثرش مثل سایر ترکیبات

زنگ است ولی از خارج معمول و مانند کوستیک بکار میرود استعمال آن

سبب کم خونی شده و اثرش در همان تغییرات را ارسالی سید دارند ولی

در شیر هم شباهت شدیدتر است او جائی را در این حالت دست سید میدهد

خیلی شدید و خطرناکتر حاصله اقلاً کمتر از هشت روز سقط احداث جلاحیت

نمیکند که بسرعت ملتئم میکند موافقی سل را استعمال کلرور در رنگ ترجیح

دارد که عنقریب در فصل ارسنیک ذکر خواهیم کرد —

قدر شربت — از دو اعشر عشر تا سه عشر گندم و سه بار روزی در سه دفعه

بحالت محلول رقیق سید میشود و در شبانه روز تا نیم نخود توان داد از خارج

همیشه خمیر آن معمول است بعضی اوقات بطور غسول که تا پنج در هزار مانند

اکثر ادویه مانند عفونت مستعمل است —

تبصره — اسیدات وکلاکات ودو الریانات در رنگ وغیرها از ترکیبات

زائده اند —

فقره چهارم — در بیان آهن

باین فلزات عالیه فقط آهن را جهت سلامتی مریض نیست و همچنین تنها

فلزیست در اجسام الفم همه روزه کمی مجذوب میشود بدون آنکه باعث

مسمومیت مزمنه کند و نیز تنها فلزیست از اجزاء بدن شده و در

حیاتی از خصوصی دارد لازم و ناگزیر است —

اهمیت و آثار فیزیولوژیه آن — آهن یکی از عناصر اصلیه حیوانات

و نباتات زنده است بدن شخص را ۲۴ جرم تبریز وزن داشته باشد

دارای پانزده نخود آهن است و این مقدار آهن متوسط اغذیه داخل

در آبدان شده و مقدار آهن در عناصر عمده غذاهای انسانی یافت میشود

از قرار تفصیل ذیل است —

در صد شقفی گوشت تازه گاو ۴۸/۵۰ گندم آهن موجود است

گوشت گوساله ۲۷/۵۰

ماهی ۱۵ تا ۴۲/۵۰

شیر گاو	$\frac{۱۸}{۵۰}$ گندم
تخم مرغ	$\frac{۷۵}{۵۰}$
نان گندم سفید	$\frac{۴۸}{۵۰}$
گندم کمه	$\frac{۳۶}{۵۰}$
برنج	$\frac{۱۵}{۵۰}$
باقلا	$\frac{۷۴}{۵۰}$
عدس	$\frac{۸۵}{۵۰}$
آوان	$\frac{۲/۳۱}{۵۰}$
اسفناج	$\frac{۴۵}{۵۰}$
شراب قرمز فرانسه	$\frac{۱۶}{۵۰۰}$
شراب سفید	$\frac{۷۵}{۵۰۰۰}$
آب جو	$\frac{۴۵}{۵۰۰۰}$

حد وسط مقدار آهنی را که در یک شبانه روز بتوسط اغذیه وارد بدن شخص سالم شود مالیک کنند است آنرا که مخصوص آهن در خون است و بدون آهن خون ساخته نمیشود و در ماء الدم یافت نشد بلکه در گلبول های موجود است و با هموگلوبین (مادهٔ ملونهٔ خون) ترکیب شیمیائی پیدا کرده دور است از روی تحقیق معلوم نیست که وضع آهن با ذرات هموگلوبین مرکب میشود و آیا مجتمع است که ترکیب آن بوضع اجسام آلیه باشد در هیچ گونه هموگلوبین $\frac{۳۴۲}{۵۰}$ گندم آهن وجود دارد و مقدار اکسیژن خون مرکب با آهن هموگلوبین است و درجه اشباع خون از اکسیژن متناسب با مقدار آهن و هموگلوبین محتویه در خون است در حسب ازدیاد و نقصان آهن و هموگلوبین مجذوب شدن اکسیژن بهمان نسبت . کم و زیاد میشود مقدار هموگلوبین و آهن خون و درجه اشباع خون از اکسیژن در شخص واحد بسیار تغییر پذیر است پس بطریق اولی

در اشخاص مختلفه و گاهی در شخص واحد اختلافات عدیده بر حسب
اختلاف مواضع عرقیه در جنب تغذیه و گرسنگی و سیری و اختلاف امزجه
و سن و نوع و در زمان حمل و امراض و پس از اتلافات دمویه و غیرها
حاصل میگردد و شکی نیست که مطلقاً جهت حصول هموگلوبین و گلبولهای
خون وجود آهن لازم و لابدّ منه است زیرا که ذرّه از هموگلوبین یا گلبول
قرمز بدون آهن یافت نشود و نیز تعدد گلبول سفید و گلبول قرمز
باعث آهن حاصل شود مثلاً در دختری که مبتلا بکلروز بوده آهن
(روزی یک گندم) وارد بدن وی کردیم (با ثبت گلبول شمار) معلوم
نمودیم که عدّه گلبولهای قرمز موافق تفصیل ذیل روز بروز زیاد و بیشتر
شده است قبل از شروع بعلاج در یک میلیمتر مکعب خون آن دختر
۲۱۹۰۰۰ عدد گلبول قرمز شمرده میشد روز نهم علاج
۳۴۸۶۰۰۰ عدد در روز هشتم ۳۴۹۶۰۰۰ در روز عشتم

۴۵۷۸۰۰۰ عدد شمرده اند یعنی بطور متوسط در یک میلیمتر مکعب
(۵ مکعب) خون شبانه روزی ۸۲۹۵ عدد گلبول سرخ زیاد شده است
و در روز آخر آن دختر سالم توان دانست زیرا که موافق تجربه
جدیده در حالت طبیعی عدد گلبولهای قرمز خون در یک میلیمتر مکعب
۵۵۰۰۰۰۰ است (ولی در زنان و در مقدار مذکور کمتر است)
قطع نظر از این عدد گلبولهای قرمز خون بواسطه آهن زیاد میشود
شکّی در این نیست که هموگلوبین گلبولها بواسطه آهن افزوده شده و خاصیت
عمده آهن در خون این است که هموگلوبین دارای آهن شده میتواند که
در ریتین اکسیژن هوا جذب کرده پس از آن آزاد در سلولها داخل
پراکنده نماید مقدار اکسیژن مجذوب متناسب مصرف آن است
در انجام این عمل هموگلوبین دارای آهن و در تمام انساج الیاف های بدن و در تمام
اعمال حیاتیه دخالت تامّه دارد و در کار اغلب اعضا بطور لایق

و طبیعی اعمال وظایف انجام دهند باید مقدار آهن محتوی در خون بنسبت طبیعی باشد
هرگاه مقدار آهن خون بواسطه امراض مثلاً بواسطه کلروز نقصان یابد اختلالات
عمیقه در تمام اعضا روی دهند از عوارض ذهنی نفرت از کار
و حرکات و غمگینی و ضعف عضلات و ضعف حرکات انقباضیه قلب
و عدم اشتها و آفات هضم و تمام ترشحات و صداع و دوار و خواب نا راحت
شدن بلکه بهر و غیره عارض میگردد تمام این آفات از نقصان آهن خون
حاصل میگردد زیرا که بواسطه استعلاج حدیدی تمام آنها برطرف میشود —

تبصرة — ترکیب طبی همو گلوبین موافق فورمول ذیل است —

آثار فیزیولوژیه آهن — مخصوصاً آثار موضعیه آن در مجاری هضمیه از اینقرار است
تمام ترکیبات محلوله حدیدیه در دهان باعث احساس بطعم قابض فلزی
میشود اگرچه کاملاً محلولات بسیار رقیقه باشند پس از استعمال مدید
املاح محلوله آهن دندانها سیاه رنگ شوند و در معده قدری از ترکیبات

غیر محلوله آهن در اسیدهای عصیر معدی حل شوند آهن فلزی متبدل به پروتو
اکسید و سبز گونه اکسید دو فری شود املاح با اسیدهای معدنیه مرکب گردند
املاح محلوله پراکسیدن آن کمتر است محلولات آلبومینی تولید
آلبومینات های زرد رنگ و املاح پراکسیدن آن بیشتر است در همین
محلولات سبب تولید آلبومیناتهائی شوند زرد و مایل بقرمز
بسهولت در اسیدهای رقیقه و عصیر معدی حل شوند و در معده تقریباً نصف
آن مقدار آهنی را خورده شده است مجذوب میشوند لیکن از آن مقدار
کثیره بواسطه ترشحات معویه دوباره خارج شوند لیکن بنا بر این آهن
در بدن بسهولت و سرعت داخل و از آن خارج میگردد آهن چون
در اسفل امعاء رسید کاملاً سولفور دو فر میگردد مواد برازیه را
سیاه رنگ میکند —

استعمالات علاجیه — آهن از بسیار زمانی در تمام حالاتیکه گلبولها

قرمز خون کم شده باشد وارد و همچنین ملاحظه است در ترکیبات
حدیدیه در علاج کلرز مثلاً در کلرز دختران در اغلب در زمان بلوغ
حاصل می‌شود خالی از مفید است و در این حالات با اغذیه مقویه (گوشت
تخم مرغ شیر شراب و امثال آنها) ورزش در هوای خالص و غیره
منضم شود از تجربه ثابت شده است که آهن تنها باعث شفای کلرز
تواند شد و اگر بعضی مرضی دو ماه بی علاج شده‌اند باید دقت کرد که چه سبب و اجزای
توالد ایشان را تفتیش نمود نزله معدی گشته مانع استعمال آهن است پس باید
قبل از تجویز آن دقت کرد که هر وقت عارضات و وسایط مناسبه (چون جوهر نمک لاحقه
معطره و مره) اختلالات هضمیه رفع نمایند و اگر نزله معدی بلاواسطه
از حالت کلرز حاصل شده باشد (چنانکه این حالت بسیار اتفاق افتد
در آن حال از دو مثقال خیت) بهتر آن است که ابتدا از روز اول
اسید کلریدریک داده پس از دو روز معتاد ترقیبه ترکیبات خفیفه آهن

را بسهولت هضم شود با مواد مره و معطره تجویز نمایند هرگاه کلرز مصاحب
اسهال باشد پس از علاج آن باید ترکیبات حدیدی تجویز شود و اگر با یبوست باشد
باید آهن را با عصاره ریوند یا صبر زرد ترکیب کرده بدهند و غالب جهت
کلرز باید مدت زیادی ترکیبات آهن را تجویز نموده و هر چند وقت یکدفعه
ترک کنند —

ترکیبات آهن در سایر حالات قلت خون نیز مستعمل است مثلاً در هنگام
نقاهت امراض در زمان ایام نفاس و در اشخاصی که بواسطه افراطات و احتلامات
دائمیه و اتلاف مقدار زیاد خون (باستثنای نفث الدم) و بواسطه اسهال
طولانی ضعیف شده باشند و در نزله مزمن شعب قصبه الریه بدون ورم دقّی باشد
مستعمل است — در سوء القنیه در نتیجه نوبه‌های طولانی باشد آهن را با گنه
مرکب کرده تجویز می‌کنند ولی در همین وقت باید مریض را از اماکن
مرطوب دور نمایند —

در استسقاهای سوء القنیه که از سبب قلت دم باشد نه علل قلب و ریه

(استسقای بطنی که در اثر امراض حاده شده و جریان زمان امراضش طولانی باشد)

استعمال ترکیبات آهن فایده نیکو داده اما در استسقاهائی که از مصاحب ورم مزمن

کلیه باشد ترکیبات آهن را می توان داد مشروط بر آنکه علتش قلت دم و تعدد از التهاب

شرایین شده نباشد در استسقائی که نتیجه فشار سنگ کلیه یا سایر اعضا باشد

آهن را با مرکب کتینه داده و در این ضمن تدابیر حفظ صحت مناسبه را نیز باید

منظور داشت اگرچه این استعلاجات فشار سنگ را نمی توانند رفع نمود

ولی رفتار متغیرات سنگ را بطی کنند در هنگام مرکب قلت خون نیز باشد

ترکیبات جدیده به جهت سایر ادویه مصلح و معاون بسیار خوب است —

در سوء القنیه سفلیسی نیز در صورتیکه تمام علامات آن برطرف شده باشد

می توان ترکیبات جدیده به سبب استعمال کرد آهن در سل معمول نیست زیرا که

غالباً به سبب نفث الدم شده مخصوصاً در وقتی که مریض با استعداد به نفث الدم باشد

باید از آن صرف نظر کرد در اختلالات طمث اغلب آهن فایده بخشد

در افراط طمث بلاواسطه اثرش باشد اما نه فقط بلکه در حبس طمث

که نتیجه قلت خون باشد شفا نیست مفید است —

بالاخره آفات دماغی سلسله عصبانی را که سبب آنها قلت دم عمومی باشد

از استعمال آهن رفع توان کرد در بعضی مواقع استعمال ترکیبات آهن بکلی

ممنوع یا آنکه باید بکمال احتیاط بکار برده شود چنانکه ذیلاً مذکور میداریم —

مواقع ممنوعه عبارت است اولاً از وجود حمی ولی در صورتیکه حمی نتیجه

قلت خون باشد و مصاحب تب نباشد استعمال آن ممنوع نیست ثانیاً

در اشخاص دموی مزاج که خوف احتقان خون در سر و ریه باشد ثالثاً

در اشخاص سفید پوستی که رنگشان بواسطه کثرت خون باشد و غالباً

مبتلا برعاف اند باید قبل از استعمال آهن بکمال دقت و ملاحظه

تفتیش و امتحان نمود که اغلب وجود دانه های سل معین کشف و ختم از آن

صورت ترکیبات آهن و هیچ رنگ و اشتهای مریض مشوش شد بلکه قوای مریض
عموماً اما طولانی شده از نفث الدم و سل ظاهر گردد و بعضی ملاحظه مراعات
مذکوره در تمام سل‌های جدید الحدوث لازم است —

اختلال و سامات قلبیه نیز مطلقاً سبب منع استعمال آهن شده و جمعی خصوصاً
وقتیکه مصاحب با سیانوز یا توقف دوران صغیر باشند باید با کمال
احتیاط را مرعی داشت استعمال آهن در اختلالات هضمیه نیز در صورتیکه
نتیجه قلت دم باشد ممنوع است در زنانیکه خون حیضشان غالباً
زیاد است اندکی قبل از موعد طمث باید آهن را متروک داشت بهترین
اوقات جهت خوردن ترکیبات حدیدیه وقتی است که ترشح عصیر
معدی وافرتر باشد یعنی در حین غذا یا بلافاصله بعد از آن —

ترکیبات حدیدیه را دفعهٔ یک تا چهار گندم و شبانه روزی سه دفعه
باید داد استعمال مقادیر کثیره آن ترجیحی ندارد —

ترکیبات آهن — مستحضرات حدیدیه در دواخانه‌ها زیاد است ولی
این زیادتی دو فوریت نیفزوده است زیرا که اگر موافق قاعده کوشش شود آثار
عمومیه تمام آن یکی است و ما در اینجا ترکیبات ذیل را ذکر می‌کنیم اولاً ترکیبات
خفیف الوزن و خالصه را استعمال مقدار قلیل آنها سبب حصول فواید مذکوره
شده و غالباً مواد معطره و مره از قبیل دارچین و خلال و زنجبیل و حنظل را
داخل آنها نموده بدان‌ها منضم میشود و این مستحضرات از قرار تفصیل ذیل است

(۱) آهن مسحوق — غباری است نرم خاکستری رنگ در معده سبب احتیاج
مقدار زیادی اسید را نمی‌شود —

(۲) غبار اید رژنه آهن — نرم‌تر از غبار اول و کلیتاً بلا طعم و دارای
سولفور دوفر هم نیست و در فرنگستان خیلی معمول است —

(۳) پراکسید دوفر اید راته — غباری قرمز تیره رنگ —

(۴) سنجارات پراکسید دوفر معمول حسب است بسهولت قابل الاکل

در آب دو در صد جزء یعنی از سه جزء آهن دارد و قدر شربت آن از دو نخود و نیم تا ده نخود است —

(۵) شربت یدور کیدور فر محلول مایعی است با طعم خوش و شیرین در صد جزء یکجزء آهن دارد جهت اطفالی دارای خوناب روزی دو سه دفعه هر دفعه یک مثقال بدهند —

(۶) کاربونات دو پرتو اکسید دو فر — این جسم عنصر اصلی اغلب چشمه‌های معدنی آهن دار است —

(۷) کاربونات دو فر قند دار — دارای اثر کاربونات دو سود نیز هست حالیه بسیار مشهور نیست —

(۸) پرتو کلرور دو فر — کمتر مستعمل است —

(۹) لاکتات دو پرتو اکسید دو فر — زیاد مستعمل است —

(۱۰) سیترات دو پرتو اکسید دو فر —

(۱۱) نیترو فسفات دو فر —

(۱۲) پیروفسفات دو فر — که اکنون خیلی مستعمل است —

(تبصره — در فرنگستان آبهای معدنی حدیدیه بسیاری یافت شود که خیلی معمول است و جمع این چشمه در کوهستانها میشه لهذا بسبب ریاضیات تا مرض در هوای جاری تحقیق میشود اغلب عبث شفای امراض است اولاً چشمه‌های آهنی خالص است از قبیل سوال باخ در روس و اسپا که در بلژیک و فراین والده که در نزدیکی برلن است ثانیاً چشمه‌های حدیدیه که دارای املاح قلیائیه نیز هستند از قبیل فرانسه باد و مارین باد و تاراسب در اطریش است)

(۱۳) تعفین های صمغ های حدیدیه — عبارت از ترکیبات آهن است که در الکل یا اطر یا شراب حل شده باشند و استعمال آنها در ناخوشی ضعف الدم ترجیح دارد —

(۱) تعفین عصاره حدیدیه سیب — مخلوط است از یک جزء عصاره

آهنی سبب بانه جزء الکل مدبّر باو از چهار روز الی شش دفعه هر دفعه بیست تا
پنجاه قطره —

(دوم) تعفین اسطات دو فراطری و آن مخلوطیست از نه جزء اسطات
دو فر مایع دو جزء الکل و یک جزء اطر اسطیک ده الی سی قطره آن پس
از اتلاف خون بسیار مستعمل است —

(سیم) تعفین پرکلرور دو فر — و آن مخلوطیست از یک جزء پرکلرور دو فر
و چهار جزء الکل قدر شربت آن ده بیست قطره است در صورتیکه
بخواهند شراب آهن دار استعمال نمایند بهتر آنست که ابتدا یکی از این
تعفین ها آهن را داده بعد شراب بدهند —

چهارم — ترکیبات حدیدیه ضد نزف الدم یا قابضه — از محلولات
رقیقه این ترکیبات مانند از طبقه اوّل و از محلولات غلیظه آن
عبارتست از انجماد خون و گاه این ترکیبات از قرار ذیل اند —

(۱) پرکلرور دو فر متبلور که در دوا خانه های آلمان خیلی بسیار جاذب الرطوبت است
معمول نیست و فقط پرکلرور دو فر مایع یافت میشود که عبارتست صاف زرد
تیره و در صد جزء آن چهل و سه جزء و نیم پرکلرور دو فر متبلور واحد است
(در دوا خانه های فرانسه در صد جزء ۲۶ جزء است)—

آثار فیزیولوژیه آن — محلول رقیق آهن که در داخل معده مبدل به
پرتوکلورور دو فر شده و اغلب اثر میدهد محلول غلیظ آن دارای طعم
قابض و بسیار غلیظ آن (پنجاه در صد) سبب انقباض عروق میگردد
و اثر دیگرش این است که در همان حین که عروق را منقبض میکند
خون محتوی آنها را منجمد و رنگ آنرا زایل میکند از خاصیت
انجماد ممکن است که در زیاد باشد که هر گاه این مایع را بر روی جراحت
خون فشان گذارند سبب بروز آمبولی و ناخوشیها محلول رقیق
آن اگر چه بلا واسطه هم بر روی وارد نمایند باعث انقباض عروق نمیشود و اگر

دارای این اثر باشد علاوه بر انجماد خون ها به سبب ظروف مسدوده آمبولی گردد —

استعمالات علاجیه آن — چنان که ما گفته ایم اگر پرکلورور فر

مایع را اغلب با استعمال کنند و داخل جریان دم شود سبب انقباض عروق

و توقف نزف الدم های واقعیه از قبیل نفث الدم و بول الدم و سیلان

طمث می‌شود ولی از روی آثار فیزیولوژیه معلوم شده است این عقیده

صحیح نیست پرکلورور فر مایع را مانند اکثر ادویه ضد نزف الدم استعمال

نمی کنند مگر در صورتی که بتوان بلاواسطه اثر او را بر محل نزف الدم

معلوم و امعاء می توان آنرا تجویز کرد ولی در این مواقع باید ملتفت

آن بود که ممکن است سبب آمبولی مهلک گردد پرکلورور فر با دواهم

در الکوره و طومورهای فیبروم بطریق تزریق استعمال کنند و خیلی تجدید نموده اند

اما خطرهای حاصله از آن بمقداری شده است که این قسم معالجه را در این ایام

بکلی متروک داشته اند و اگر بخواهند ممکن است در عروق و در فوق و تحت

طومورها زرداده منقبض نمایند پرکلورور دو فر از جمله ادویه ضد عفونی التهاب

نیز هست —

قدر شربت — از دو تا ده دفعه ۳۰ تا پنج قطره در شبانه روز تا مدتی که می توان

داد جهت استعمال خارج آن بکار رفته نزف الدم جلدیه مثل بریدن ران را تا شانه

با فتیله کهنه کتان و پنبه آغشته محلول از آن زرداده بروی سطوح نزف

الدم از ساکن می دارند و اگر بخواهند از آن در جوف عروق زرق کنند باید

آنرا زیر پوست جلدی محلول مخصوص و لیکن تا چهار قطره بیشتر استعمال نکنند —

(۲) سولفات دو پرتو اکسید دو فر خالص (زاج سبز) — جسمی است متبلور

سبز رنگ دانه که جاذب الرطوبه و بسهولت قابل انحلال است و قلیله

مرطوب شده از هوا جذب اکسیژن کند و بواسطه تبدیل بسولفات دو پر اکسید

دو فر رنگ تیره پیدا کند —

اثر فیزیولوژی آن — محلول رقیق آن دارای مقداری از آن باشد باعث اثر رسوب

شبیه باثار ترکیبات جدیدهٔ طبقهٔ اول اما در اندک وقتی همه مغشوش شد
و یبوست و ست و به محلول غلیظ آن اثرش اندکی ضعیف‌تر از اثر برم
کلرور دو فر است این ملح دارای خواص ضد عفونی ضعیف نیز هست —

استعمالات علاجیهٔ آن — اگر چه تجربیات ایران کم است و لکن در
معالجه بافایده است سولفات دو پرتو اکسید دو فر را غالباً مانند املاح
قابضه در نزلهٔ مزمن امعاء مصاحب قلت دم باشد تجویز می‌نمایند و لیکن
فقط در اسهالهائی که تابع تغییرات قرحی باشد باید استعمال نمود
ضد عفونی بودن آن هنوز مشکوک فیه است —

قدر شربت — دفعهٔ نیم تا یک گندم و نیم و شبانه روزی ۵ گندم
و چون ضد عفونت باید سولفات دو فر غیر خالص را استعمال کرد
اغلب در زنان قلیل الدم که مبتلا بنزلهٔ مزمن ریوی هستند سولفات دو
پراکسید دو فر را با امونیاک و بهمین مقدار فوق تجویز می‌نمایند —

(۳) اسطات دو فر مایع — مایعی قرمز تیره است بوئی شبیه بوی سرکه و طعمش گس است
تیم — مخلوطات و ترکیبات آهن باب روز است — این ترکیبات (یدور
دو فر سیطرات دو فر ای کینین و کلرور دو فر و امونیوم و غیرها) کلیتهً
بیفایده‌اند و بهتر این است که جداگانه استعمال نمایند مثلاً بجای یدور دو فر
بهتر آنکه یدور دو پطاسیوم و آهن تجویز نمایند —

(۱) یرتو یدور دو فر — جسمی است در قوام شکل خاکستری رنگ غالباً
تجزیه میشود اثر آن در بدن مانند ید و آهن است و آن را در مواقعی که
مقصود استعمال قوای ید و آهن باشد تجویز نمایند مثلاً در اشخاص خنازیری
و سیفیلیسی مزاج پریده رنگ و لاغر و مخصوصاً در استحاله نسج لثه
و ورم کبد و طحال مجوز است و برای آنکه تجزیه یدور دو فر زود
حاصل شود آن را با قند شیر مخلوط می‌نمایند (ساخارو دو یدور
دو فر) این مخلوط در صد جزء هست جزء یدور دو فر دارد و قدر شربت

آن هر دفعه نیم تا یک نخود و نیم در شبانه روز دو سه دفعه بطور حب یا سفوف
یا قرص یا بصورت محلول می‌توان داد شربت یدور دو فر را نیز استعمال می‌نمایند
و آن ترکیبیست ثابت و تجزیه ناپذیر ابتدا بی رنگ و مایل بزرد است که
زمانها سبز رنگ میشود در صد جزء پنج جزء یدور دو فر دارد (در حساب وزن
در انس صد جزء آن نیم جزء یدور دو فر دارد) قدر شربت آن دفعه یک تا پنج
نخود و شبانه روز یک مثقال است سایر مخلوطات این طبقه تقریباً در علم
علاج بیفایده اند —

فقرهٔ پنجم — در باب منگنز

ما بین ترکیبات منگنز فقط پرمنگنات دو پطاس در طب استعمال شده
جسمیست متبلور با رنگ قرمز ارغوانی درشت نزدیک بسیاهی و در آب خوب
حل گشته تولید مایع قرمز بنفش میکند —
آثار فیزیولوژیهٔ آن — اثر آن مانند اثر اجسام اکسید کننده است بعض

اکسیژن خود را از دست داده و آن اکسیژن مواد اجسام خورده را که
برطرف میکند و هم چنین بوی بد دهان سوار را زایل نماید —
استعمال علاجی آن — این جسم معمول نیست مگر جهت رفع بو مثلاً در بوی
شستن دهان و کرم دندان و در جراحاتی که ریم متعفن ترشح میکنند و از مثانه
آن تجویز است بعضی اوقات بسبب اصلاح سطوح قروح و منع علاج
پرمنگنات دو پطاس بهترین وسایط است برای رفع کننده قرحه‌های
سرطانیه لکن در رحم و آلات و وقتیکه محلول غلیظ آنرا بر روی جراحات ارسال دارند
سبب وجع و خون جهانیدن آن میشود —
قدر شربت — برای شستن دهان محلول دو جزء و نیم تا پنج در صد جزء آب
غسل جراحات سه تا پنج در صد است —

فقرهٔ ششم — در بیان زیبق

آثار فیزیولوژیهٔ آن — تمام ترکیبات زیبق چه محلوله و چه غیر محلوله چون

بمقدار قلیل و مدّت طویل استعمال شود باعث بروز علامات مسمومیّت
مزمنه گردد ـ املاح غیر محلوله را باعث بروز این علامات می‌شود لابد باید
در امعاء مبدّل بترکیبات محلوله شده باشند تا جذب توانند گشت ـ

موافق بعضی تجارب و تحقیقات تمام مستحضرات زیبقی چون داخل بدن
شده تحقیقاً مبدّل بدارالسّکنه می‌شوند (بائکلورید مرکوری) و این
تبدیل در معده و امعاء یا در خون بواسطهٔ وجود کلورید سدیوم (نمک
طعام) و البومین بعمل می‌آید ـ

بائکلورید مرکوری محض مجاورت مواد بیاض البیض یا البومین مرکّب شده
تولید البومنیات مرکوری نماید و این البومنیات بواسطهٔ وجود
مقدار زیاد از البومین و نمک طعام محلول شده در خون متوقّف می‌شوند

پس از استعمال علاج مدّت زیبق وجودش از ادرار و عرق بدنها تعیین توان
کرد و گاهی تا طول چند هفته بلکه چند ماه با مدفوعات بدنی است

زیبق فلزی خیلی صغیر خارج می‌شود و در اشخاص که از زیبق استعمال نموده‌اند بول
البومنی شده و لیکن پس از قطع زیبق رفع می‌شود ـ

زیبق غیر مجذوب با مواد برازیه دفع می‌شود و اغلب این زیبق مدفوع بواسطه
سولفورت هیدروژن امعاء بحالت سولفور در آمده است ـ

شدّت آثار عمومی حاصله از زیبق و سرعت بروز شان نسبت باشخاص
و بملاحظهٔ ترکیبات مستعمله و طریقهٔ دخول آنها در بدن تغییر می‌کند مثلاً

در اشخاص جوان ضعیف و نحیف عوارضات مشهوده شدید تر و بعد
از استنشاق ابخرهٔ زیبقیه نیز بمدّت طولی عوارض بسیار خطرناک روی می‌دهد

در صورتیکه یکی از ترکیبات محلوله زیبق را بمقدار زیاد استعمال کنند
سبب بروز عوارض موضعیه شدیده در امعاء و اغلب باعث حالت
اغتشاش سختی در اعصاب می‌شود و اگر بمقدار متوسط استعمال نمایند
باعث بروز علامات مسمومیّت حادّهٔ زیبقی می‌گردد و تمام عوارض شدید

این آثار در مجاری غذائیست و عبارتست از ورم دهان و جریان براق
و نزله معدی و اسهال و اختلالات هضمیه و حمی و بندرت عوارضات
عصبانیه وقتی که استعمال زیبق را ترک کنند بزودی رفع و سلامتی عود
نماید استعمال زیبق بمقدار قلیل و مدت طولانی سبب بروز مسمومیت
مزمنه زیبقی که علامات آن غالبا عبارتست از اختلال
اعصاب و ارتعاش مجاری هضم و استشمام سیلان براق را ورود
ثانیه واقع است سلسله عصبانیه شدت تا وقف میشود اقتصار قابلیت
تحریک شده و عارض آن شد ارتعاش مختلفة الدرجه حاصل کنند
واگر زیبق را ترک نکنند سلسله عصبانیه بکلی مغشوش شده و مریض
کم کم بهلاکت میرسد جریان براق باعلی درجه رسیده لثه و غشاء مخاطی
دهان و حلق قرمز و متهیج میشوند و در لثه بسهولت نزف الدم ظاهر شده
دندانها جدا میشوند و در فاصله بین آنها مواد زرد رنگ مجتمع میشوند

علاوه بر این خود دندانها دردناک و متحرک میشوند براق علی الاتصال از
دهان جاری شده بوی متعفن و تهوع آن ظاهر کرده بیرون داران در روی غشای مخاطی
قرحه بروز کند که بیرون از التیام و شفا نمیپذیرد و بعدها سفیده بر الشعه در مکان
انفصال دندانها دیده شود با کثیره لکه ها مانند اشتن دهان و کرم خورده دندان
و انقطاع عرق و اعتقال بطن و حالت حمی و سر با تعیین کثرت سیلان
براق است —
بعد از مسمومیت مزمنه ممکن است علامات چندی ظاهر شود که عبارتست
از انهدام دندانها و صغر و هزال لثه و ضیق مجاری غشاء مخاطی مجرای
غذا و تصلب غدد براقیه وگاه التهاب های عمیق و کثرت قابلیت
تحریک سلسله عصبانیه و رعشه اطراف و سهر و دوار و استعداد به غشی
و غش و امثال آنها ممکن است حاصل کنند —
طرز عمل و کیفیت تاثیر املاح زیبق در بدن مجهول است و عقاید کثیره

در این باب هست که قابل قبول نیستند فقط بعضی خواص و اثار زیبق را
درست داریم که بهمان اکتفا میکنیم —

و نیز این مسئله که کدام یک از ترکیبات زیبق بر دیگری ترجیح دارد
زیاد مختلف فیهاست موافق بعضی عقاید جدیده در اول درجه کلرور
دو مرکوری است بجهة ذکر شده که اثر او بصورت حب نبات به تجویز کم زیاد که
در نقطه محدودی از غشاء مخاطی سبب تحریک شدیدی نمیشود بلکه محلولات
بسیار رقیقه اثر او (یک نخود گندم دار اشکنه دریک مثقال آب)
باید استعمال کرد بعقیده محققین دیگر استعمال البومینات یا پپطونات
دو مرکور از داخل بصورت تزریق تحت جلدی بر سایر مستحضرات
زیبقیه ترجیح دارد و طرز اخیر یعنی استعمال زیبقیات بطریق تزریق
در مرض کوفت شایع تمام فرنگستان و بر سایر طرق ترجیح پیدا کرده است
چنانکه در این مدت سالهای اخیر در تمام مریضخانهای مریضخانه بزرگ وین پاریس تحت

دولت اطریش البومینات و پپطونات دو مرکوری را استعمال کرده هیچ سیلان
براق در انها دست نداده است بوجه انکه بهیچوجه مراعات دقایق
تقدمیه کحفظ در انها نشده بهتر است و این مرضی دربین استعلاج تا اما
قرینه و جاق شده —

استعمالات علاجیه زیبق — ترکیبات جیوه خصوصا در حالت
مرضیه مستعمل اند و انها عبارت اند از اختلالات درمیه حاده و مزمن سفلیس
اول — کلیة در همین قرن اخر مسجل است که ترکیبات زیبقیه را جهت
رفع اختلالات حاده درمیه بکار میبرند و خصوصا اطبای انگلیس زیاد
استعمال میکنند ولی در فرانسه و آلمان چندان معمول نیست شهرت
تاثیر زیبقیات در علاج اورام حاده شدت نقصان یافته است سابق
رابع زیبق را بدون ترجیح و اعتبار در تمام اقسام اورام مانند اورام
نضح خون و مرقق و محلل استعمال میکردند ولی این خواص و اثار جعلی است

اما از قبیل تجویزیه ترکیبات زیبق در رفع اورام حاده هنوز مکشوف نشده
بلکه بواسطهٔ تجربه هم معلوم نیست و باین جهت است که فقط استعمال آنها
در اورام اغشیهٔ مصلیه متعاهد شده اند که بعد در المان معلوم گردید که
ذات الریه و ورم شغاف و ورم صفاق و ورم اغشیهٔ دماغ و اورام
مفصلیه بدون استعمال مستحضرات زیبقیه بهتر علاج توانند شد اگرچه
این ترکیبات را تجویز نمایند لیکن کلیهٔ عقیدهٔ محققین براین شد که فقط
زیبقیات را در این قسم اورام هرگاه بسیار سریع السیر باشند استعمال نمایند
ولی عقیده هم بر آن است که حالات بسیار شدیده اورام دماغیه و ورم
صفاق و غیرها باوجود استعمال زیبقیات باز منتهی بمرگ توانند شد
بلی در صورتیکه سایر تدابیر و وسایط اقوی در دست نباشند میتوان
زیبق تجویز نمود ولی نباید اعتماد چندانی بآن نمود امید شفا داشته باشند
زیرا که اغلب نا امیدی از آن دیده شده است —

سابق براین زیبقیات را بدون احتیاط در تمام آفات چشم بکار میبردند
و انها را ضد التهاب و ضد ورمی مخصوص چشم می پنداشتند ولی در این عصر
در المان فقط انها را در ورم عنبیه استعمال میکنند و اغلب اطبا فقط
در ورم کوفتی عنبیه تجویز می نمایند و نیز در کروپ دو نقطه استعمال زیبقیات
بدون فایده است بلکه بر عکس از روی تجربت ثابت شده است که استعمال
مدید زیبقیات در اطفال کوچک ممکن است موجب حصول نتایج ردیه شود
بالاخره زیبقیات را با استعمالات موضعیه در اورام حاده مختلفه از بحرانها
تحت جلد باشد از قبیل فلغمونی حاد و ورم پستان و ورم غدهٔ پاروطیه و ورم
بیضه و غیرها استعمال مینمایند از ابتدای علت قبل از آن که تقیح شروع
نموده باشد با روغن خاکستری موضع را آغشته می نمایند و چنین می پندارند
ازین تدبیر میتوان محصولات ورمیه را بتحلیل برده و برطرف نمود
و مخصوصا مانع تقیح شوند ولی جراحان بزرگ المان این قاعده را روز

روز بروز متروک تر می دارند —

(۳) مدّت دو قرن بلکه بیشتر است که زیبقیات را در سیفلیس استعمال کرده

و در علاج آن شهرت تامّه دارد و اثر دوای مخصوص این مرض پیدا نموده

در اغلب حالات سیفلیس همان زیبقیات اگر خوب استعمال شده باشند

جهت ازاله علامات کوفتی و حصول شفای تامّ کافی‌اند و بعض مشتبهات

نیز هست زیرا که این مرض ممکن است یک یا چندین دفعه عود نماید و همچنین

جهت است که بعضی استعمال زیبقیات را در سیفلیس جایز نمی دانند

و چنین می گویند که سیفلیس را می توان بدون وساطت زیبق علاج نمود

و زیبق سبب این می شود که علامات مرض بحالت اختفا درآورده

و باعث حصول آفات مخربه درجه ثالثه می شود اما باید دانست که

آفات درجه ثالثه چه زیبق استعمال کنند و چه نکنند ظاهر توانند شد

علاوه بر این از دو جهتیکه افراط در استعمال زیبق نمی کنند آفات حاصله

از مسمومیت زیبقیه بسیار نادر شده است خاصه مواقع و موانع استعمال

زیبق را در آفات کوفتی شرح میدهیم —

سوزنک و نتایج آن (که عبارت است از سوزنک مزمن و کندیلوماهای

حادّه) چون فقط مرض موضعی است علاج عمومی لازم ندارد نه سیفلیس و نه حالت

زیبقیات را فایده است و نیز در علاج شانکر نرم و نتایج آن (خیارک

متقیّح) فایده ندارند اما در باب کوفت مخصوص اولاً در باب شانکر

سخت شکّی نیست که در صورتیکه بسیار تازه باشد می توان اثر قطع و قلع

نمود که بسی از آن بیماران خوب شده بدون علامات ثانویه

علاج شدند ثانیاً بعضی وسایط هست که باعث آنها ترکیبات

طبیعیه اقتصار شده و رفتار سیفلیس خوش عاقبت گردد اما چه

در این حالات بی فایده نیستند که اگر زیبقیات استعمال شوند اثر فایده

را دارند که علامات سیفلیتیه بسیار سریع تر رفع شوند تا آنکه آن

وسایط را بکار برند و فی‌الفور علامات ثانویه خفیف‌تر و زودتر برطرف می‌گردد
زیبق جهت رفع عوارض درجهٔ ثالثه تقریباً بدون فایده و ضعف اثر آن ثابت
تر از یدور است ولی در صورتیکه متوقع باشد که اینها به سرعت عمل نمایند مثلاً
در صورتیکه اعضای عمده مبتلا باشند مثل آنکه ورم عنبیه حادث شده باشد
یا آثار شدیدهٔ سفلیه در حنجره یا دماغ بروز نموده باشد باید از زیبقیات
استمداد جست و در این حالات زیبق را با ید مرکب نمایند در بعضی مواقع
زیبقیات را باید استعمال ننمود یا بکمال احتیاط باید بکار برد مثلاً در صورتیکه
شانکر عاقرایی شده باشد یا کمال استعداد بعاقرایی شدن داشته باشد
و نیز در صورتیکه اختلالات هضمیه بسیار شدید باشد یا حالت آنمی یا سوء القنیه
موجود باشد یا لاغر شده باشد و تابع خود سفلیس نباشد بلکه بواسطه سل
یا اسکربوت یا مسمومیت مزمنه الکلی یا از مسمومیت آهکی و غیرها
حاصل شده باشد در هنگام عمل باید در استعمال زیبقیات بسیار محتاط بود.

طرز عمل زیبق در سفلیس بکلی مجهول است می‌گویند زیبق منفعل یا مخلل
و ضد سم است ولی اینها بکلی محض فرض است و مبنای صحیحی ندارند سابق بر این
چنین گمان می‌کردند که اثر زیبق در سفلیس ظاهر نگردد تا کسی از آنکه
بقدری استعمال شود که موجب عروض علامات مسمومیت و فی‌الفور سبب
سیلان بزاق گردد ولی در این ایام برخلاف حتی المقدور سعی می‌کنند
که از علامات مسمومیت احتراز جویند —

در بیان ترکیبات زیبقیه

(۱) بیکلرور دو مرکور — سوبلیمهٔ آکال — وارد شده

جسم غیر متبلور شفاف بیرنگ است مدور طعم آن فلزی و بشدت مکوی است
در ۱۵ جزء آب سرد و ۲ جزء آب جوش حل شده و در الکل بسهولت
و ضمیمه محلول است در دواخانه آلمانی آلبومینات و پپتونات آن
موجود است این جسم با کثیری از کلرورهای فلزی مرکب شده تولید کلرورهای

توام نموده و از جمله این ترکیبات کلرور توام زیبق و سدیم است که معمول است

اثار ضد سیفلیسیه ان — بیکلرور یا مرکور دو سیان تام اثر ضد تعفنیه

خواصش قوی تر است و محلول بسیار رقیق ان (یک در پنج هزار الکه تا ده هزار)

جهت شستن موضعات زخمها بس کافی است لیکن اثر این دارو ده برابر اثر

طیمول و نیترات د سدیم و بیست برابر اثر کرئوزت و عطر طیم

و عطر زنیان و اسید بنزوئیک و شش برابر اثر اسید لیمیک

والکالیپت ملح و ۵۰ برابر اثر اسید فنیک و صد برابر اثر کلنه است

دار اشکنه را چون از داخل بمقدار بسیار قلیله (عشر تا خمس گندم)

و یا بات محلول بسیار رقیق یا یلبت کلرور توام یا البومینات یا

پیپتونات استعمال نمایند بسیار خوب بدن تحمل ان تواند شد

چون این مقدار قلیل سه روزی دو سه دفعه مکرر کنند اغلب سبب

تحریک اشتها شده و هیچ وقت باعث اختلال ان نگردد از ریه بعضی

همین دار اشکنه است که کمتر سبب حصول عسر دهان و سیلان بزاق

گشته و بطریق بسیار روزی سبب ظهور اثار رعوفیه و علاجیه زیبق شود

چون بصورت ترکیبات مذکوره اثر دوا در زیر جلد عمیقا تلقیح نمودند

حقنه گاه در سرین زرق نمایند بندرت سبب تحریک و ورم

موضعی گشته ولی باید محلول را با دقت صاف نموده آنگاه تلقیح نمایند

و ابره زرق بسیار پاک باشد حقنه دار اشکنه (یک تا ده گرام در اب)

هیچ سبب تحریک نشده و اثار رعوفیه زیبق ازان ظاهر گشته والخ

تدبیر در المان در اطفال جدید الولاده سیفلیتیک خیلی معمول است

محلول متوسط ان (سه عشر تا سه خمس گندم) گاهی سبب تحریک

معده گردد و اگر همان مقدار را سه روزی دو سه دفعه تکرار کنند

یا انکه غلیظتر باشد سبب قی شده و اثار ان در غشاء مخاطی معلوم است

نگردد باشد و با اثار حاصله از مسمومیت اسید ارسنیو با جمله و یا .

کرود —

استعمالات علاجیه — دار اشکنه را در این ایام از داخل فقط جهة
سیفلیس بکار میبرند اگر بعد از قلیله وهله بدن خوب متحمل آن
شده عوارض مسمومیت زیبقی و خصوصاً سیلان براق کمتر دست
دهند از خارج دار اشکنه بسیار معمول است محلول بسیار رقیق
انرا در افلید وکمدون و پیطرپاریس بکار میبرند ونیز
استعمال ان جهت رفع حکه مخصوصاً جهت رفع حکه مهبل ترجیح
دارد ولی اگر در این حالات در جلد بواسطه خاراندن تحریک
حاصل شده باشد انرا نباید استعمال کرد در سوزنک چشم ونیز
تزریق ان در مهبل در صورتیکه حمای نفاسیه وجود داشته باشد
انرا تجویز توان نمود و در این ایام انرا جهت ضد عفونت نیز
بکار میبرند —

قدر شربت — از داخل دفعة عشر تا خمس گندم و در روز تا ۳ خمس
گندم میتوان داد نه بیشتر بصورت محلول ها بسیار رقیق تجویز نمایند
ومیتوان بان محلول یک سفیده تخم مرغ اضافه نمود در حالت خوردن
دار اشکنه ممنوع است جهت تزریق تحت جلدی همان مقدار را در آب
حل کرده نمک طعام اضافه نموده یا پیطونات مرکور را بکار برند جهت
استعمال خارجی در گرم و نیم تا ۵ گرم بصورت محلول ها جهت غسول
و قطور آن در گرم و نیم تا ۵ گرم در ۳۰۰ مثقال آب است جهت
لکه های سیفلیسی همان در گرم تا ۵ گرم در ۵ مثقال آب و جهت
حمام تمام بدن در اطفال ۲ تا ۸ گرم ان را بکار برند (مدت
استحمام از ۵ دقیقه تا یک ربع ساعت) ونیز ترکیب دیگری از دار
اشکنه موجود است که محلول یک جزء دار اشکنه است در سه صد جزء
آب اهک (و موسوم است باب آلکال) و در جراحات بدی و علل

کوفتن جلد مستعمل است —

(۲) پروتوکلرور دو مرکور — کلمل

جسمی است ابیض سنگین شفاف بدون طعم و بو بکلی غیر محلول در آب و الکل و اسیدهای رقیقه این جسم بواسطه اثر نور کم کم رنگ شده قدری زیبق فلزی از آن جدا میشود پس باید آنرا در شیشه‌های آبی یا سیاه محفوظ نمود چون بخارات این جسم با بخار آب مجاور کنیم برودت و فشار بر آنها وارد آورند کلمل بخاری تولید شده که مثل غبار بسیار نرم است و در امراض چشم معمول است —

اعمال فیزیولوژیه — تحقیق در این مسئله که کلمل چون وارد بدن شد در اول بچه جسمی مبدل میشود اختلاف نموده اند اغلب بر آن اند که در مجاری هضم باعث تولید زیبق فلزی و دار الشفه میشود علی ای حال این مسئله محقق است که یک جزء از کلمل چون وارد بدن شد

با وجود آنکه غیر قابل الانحلال است در مجاری هضم کم کم محلول و قابل الجذب مبدل میشود پس از آن اغلب علامات مسمومیت حاده زیبقیه حادث میگردد (مگر در اطفال که ورم دهان در ایشان نادر دیده اند) و این ظهور علامات مسمومیت چند روز پس از خوردن آن است اگرچه بمقادیر بسیار قلیله هم استعمال شده باشد محقق است که کلمل از تمام ترکیبات زیبقیه زودتر باعث ورم دهان و سیلان بزاق گردد با وجود آن که مقدار زیادی از کلمل با مواد برازیه با کمال سرعت دفع میشود پس از خوردن دو گندم آن بمقدار منقسم هم دیده شده است که سیلان بزاق عارض شده است چون زیادتر خورده شود (یک مثقال که بفاصله‌های قلیله تکرار کنند بدون آنکه مجذوب شود باعث حصول اسهال گشته صفرا با مواد برازیه دفع گردد و این اسهال بدون وجع و فقط گاه مصاحب با تهوع و قی است مواد برازیه رقیق

دوا را مقدار زیادی از محصولات هضمیه اند (از قبیل پپطون و لوسین و طِرزین) و مخصوصاً در اطفال مواد برازیه سبز رنگ یا اقلاً بسیار تیره رنگ اند بعضی را عقیده بر آن است که کلمل باعث افزایش ترشح صفرا میشود ولی در رنگ معلوم نموده اند که رجوع با صفرا و ثقبه در اثنا عشر آنها حادث کرده و با رها کلمل خورانیده اند به هیچوجه ترشح صفرا افزوده نشده است گاهی پس از شرب مقادیر کثیره کلمل ورم معده و امعای بسیار شدید روی داده و بدین جهت باید مقادیر کثیره آن را استعمال ننمود —

استعمالات علاجیه — کلمل بسیار معمول و در انگلیس در استعمال آن اسراف میکنند و مخصوصاً از او در آفات ورمیه حاده و سفلیس تجویز میکنند ولی محض استعمال آن را باید منحصر بخاصیت مسهله آن دور در ضد کوفت جدیده الولاده‌ها و انت و مانند روغن کرچک

این خاصیت را دارد و میتوان آن را در صورتیکه امعا متبع بوده باشد مستقیم باشند تجویز نمود بعضی چنین می پنداشتند که کلمل علاوه بر این مسهل است بعضی آثار مخصوصه نیز در ورم دارد ولی چنانکه در مطالب عمومیه بیان نمودیم این مطلب غیر محقق است و نیز از حیثیت زیاد نمودن ترشح صفرا که هیچ ربطی به مسهلات ندارد ورمیکه از مخصوص در یرقان و سایر آفات عملیه که از آن مشاهده شده در صورت متعارفه کلمل را در آلمان تجویز نمی کنند ولی در انگلیس بسیار مستعمل است کلمل را مانند مسهل بمقادیر قلیله مکرره در مرض المعدی که حبک تجویز میکنند —

سابقاً در طیفوس بطنی کلمل را بجهت سقوط مرض و دامنه آن تجویز و تمجید نموده اند و نیز معلوم شده است که اثر دیسنطاری ( ) از انضمام کلمل به مقادیر قلیله افزوده نشده از خارج کلمل را دار دارد است

قرنیه و در صورتیکه آنها هنوز تازه و مصادف با طاول اند و هنوز
آثار جراحت عضو بر طرف نشده اند استعمال نمی نمایند انفیه آن
در زکام با کبر سیفیلیس و نفوخ آن در قروح کوفتی حلق و حنجره مستعمل است
آنرا در قروح مزمنه و در کندیلوم های عفونیه و امثال آنها استعمال میکنند
و قبل از استعمال آن باید مواضع ابتلای آنرا با آب نیمگرم تر کرد —
در اکزمای حاده و سایر قروحات جلدیه ابتلای غشاء آن معمول است
قدر شربت — جهت اسهال ۱ گندم تا ۵ گندم از آن سفوف
یا حب کرده می دهند در سیفیلیس آنرا با افیون مرکب کرده
می دهند ۱ یک گندم کلمل با ۱/۴ عشر گندم افیون روزی سه دفعه میدهند
جهت چشم کلمل کازی خالص ۴ مید میدهند و در زکام و سایر آفات
مذکوره نیز آنرا بدهند ترکیب دیگری از کلمل هست که موسوم است
باب الکال سیاه که یک جزء کلمل است در ۶۰ جزء آب آهک و جهت

استعمال به شیشه آنرا اطفال دهند —

(۲) روغن زنبق (روغن سفید)

و دهن رمادی

شش جزء زنبق خالص و یک جزء روغن خاکستری کهنه را آنقدر بهم
سحق نمایند که دیگر ذرات زنبق در آن دیده نشود پس از آن
دوازده جزء پیه مذاب یا وازلین یا لانولین بدان افزایند که یک
روغن یکنواخت خاکستری رنگ باشد —
اعمال فیزیولوژیه — روغن خاکستری در صورتیکه تازه ساخته شده باشد
فقط مخلوطی است از روغن و زنبق ولی در دهن رمادی کهنه پروتوکسید جیوه
نیز یافت شود و در اشخاصی که جلد بدنشان مدت مدیدی در
روغن خاکستری باشد آثار مسمومیت زنبق حاده یا مزمنه حاصل شود
و جزئی از این آثار بواسطه ابخره زیبقیه حاصل میشود که مریض استنشاق

نماید —

استعمال علاجی — روغن خاکستری همیشه جهت حصول آثار زیبقیه از
تراکیب بسیار معموله در سیفلیس و آفات زیبقیه حالیه استعمال شده است
و نیز آنرا جهت قتل بعض حیوانات صغیره مثلاً در قتل شپش در زهار مستعمل
می‌باشد و جهت این مقصود بقدر یک نخود و جهت قدری زیاده کمتر
تا درمنتهای اثر از روزی چند یک دفعه بمالند اگر اتفاق افتد که
علاج زیبقی بسیار سریع و مؤثری مثلاً در ورم صفاق معمول دارند باید
بنوبت در هر ساعتی یک گندم کلمل تجویز نمایند و هفت نخود روغن خاکستری را
بمالند و جهت این امر مبادرت و در عرض آن التهاب بثوری حادث
گردد (اگر حاصل شود) باید موافق استعمال آنرا تغییر دهند طرز علاج
کوفت ازین قرار است اولاً باید ۵ تا ده روز فرصت داده تهیه معالجه
دیده شود و در این مدت مریض را باید پرهیز داده و با آب گرم استحمام کنند

پس از آن هر شب باده بیست نخود روغن خاکستری بدن همین نحو در مواضع بدن
با پارچه پشمی مستور که صبح بشویند غذا شیر و گوشت و تخم مرغ و امثال آنها بدهند
و دهان ویرا نیز با قلیلی از مواد محرکه باید اجتناب کنند الحاق مرض سیفلیس تهوعیه
اثر آن بسیار زود و زود عوض کنند و جمیع بدن همین سان تا آنکه تمام علامات رفع شوند
مستدام دارند جهت احتراز از سیلان بزاق و دندانها و دهان را بنظیف
نگاهداشته با محلول طنین و کلرات دو پطاس بشویند —

تبصره — در خبازکهای حلبه اغلب مشمع زیبق را استعمال می‌نمایند و از زیبق
و طرطیر و تلطین و مشمع شوکران ساخته می‌سازند —

---

(۴) زیبق فلزی —

زیبق چنین معتقد بودند که چون وارد معده شد بواسطه وزن خود بسبب سرعت
حرکات دوریه شده و به سرعت با مواد برازیه دفع شود و جمعی ملاحظه
اثرات او را در ایلاوس (از جهت ثانی منقبض) جهت رجوع اجزاء

معوّیه را و تحقیق و بررو یا هیچ خورده اند که علت اصلی استعمال علمیانه را هم

تدبیر با خطر نیست و آن را نباید بکار برداشت مگر در حالاتیکه بکلی مأیوس

شده باشند و در صورتیکه رقعه متورم یا قیق عارض شده باشد باید از این

وسیلهٔ اجتناب جست —

ترکیبات زیبقیه را مانند دارالشفا اثری باشند عبارت اند از

ترکیبات ذیل —

(۱) یدور دو مرکور — در الکل محلول ولی در آب غیر محلول است ولی

در آب هم با یانت یدور دو پطاسیوم حل توان نمود قدر شربت آن

دفعه یک عشر تا سه عشر گندم و شبانه روزی تا یک گندم توان داد —

(۲) با اکسید دو مرکور — مرکور رود — در آب کم حل شود ولی در اسیدها

محلول تر است این جسم مخصوصاً در کحّالی بکار برده (در ورم اطراف جفن

ها مزمن شده باشد قبل از خوابیدن معمول دارند) در ترکیبات هم از آن

جسم می سازند عبارت اند از مواد ذیل —

اول — روغن قرمز زیبق — یک در ۹ جزء وازلین —

دوم — روغن عنبر (یک جزء با اکسید دو مرکور در سه جزء روغن بادام ۱۹۶ جزء موم زرد)

سیم — روغن عنبر مرکب مخلوطی است از با اکسید دو مرکور و وازلین و موم زرد

و کافور در روغن بادام و پنبه رود —

(۳) با کلورور دو مرکور امونیاکال یا رسوب ابیض زیبق است که در کحّالی

در همان مواقع استعمال با اکسید دو مرکور مانند آن مستعمل است این جسم

در علاج امراض جلدیه را از جنس قروحات خبیثه و جربیه و اگزمه

نیز بکار می برند در روغن ازا یک در ۹ می سازند —

ترکیبات زیبقیه را از شان مانند کلمل است عبارت اند از اجسام ذیل

(۱) پروتویدور دو مرکور — ریکور طبیب در انسنی می گوشی خنازیری زیاد

از آن بحث نموده است در دفتر دواخانه فرانسه حب پروتویدور دو مرکور

ثبت است که هر حبی یک گندم پروتیدور مرکور و نیم گندم افیون دارد
از این حب روزی دو دانه میدهند —

(۲) پروتواکسید مرکور یا املاح پروتواکسید مرکور —

(۳) سولفورهای زیبق است که عبارت است از سولفور مرکور سیاه که
آن را اطبا پیس معدنی نیز نامند و سولفور مرکور قرمز که عبارت است
از شنجرف —

یکی از ترکیبات تازه زیبق عبارت است از فرمامیدات مرکور
که فقط آنرا بطریق آبزدک تحت جلدی یعنی عضلانی بکار میبرند
جهت این مقصود محلول یک درصد آن روزی نیم تا یک آبزدک
زرق کنند و بهمه جهت بیست سی دفعه باید آبزدک زد —

سیم — فسفر آرسنیک انطیموان بیسموت
و ترکیبات آنها

این چهار جسم بملاحظه شیمیائی یک دسته متحدی را صورت میدهند و نیز
از حیث اعمال فیزیولوژیه بعضی شباهتهای بسیار عمده دارند خصوصاً
سه جسم اول این اجسام مانند فلزات عالیه با البومین بهیچ وجه
مرکب نمیشوند یعنی باعث ورم انساج نگردد ولی در اغلب اعضاء باطنه
باعث تولید استحاله شحمی شوند و نیز سبب انهدام و اتلاف عنصر
گرده ای در کبد است و تولید قند مینمایند علاوه بر این فسفر و ارسنیک
در تولید تشنج مولد العظم بهمین نوع اثر مینمایند ترکیبات ایدرژنی
فسفر و ارسنیک و انطیموان مورث انتقاص خاصیت خون گردد
(عدم انتقاص و احیاء در خون میرسانند) و ایدرژن سولفوره هم
این اثر را دارد و تمام ترکیبات محلوله آرسنیک و انطیموان در بدن
حیوانی باعث حصول آثار مشابهه که در فسفر شبه فلزی و ترکیب
ایدرژنی آن نیز همان قسم است ولی در ترکیبات فسفر خصوصاً

اسید فسفرو و اسید فسفریک از این خاصیت تهیه میشود —

فقرهٔ اول — فسفر

در قسمت اول فسفر متعارفی یا سفید را شناخته است و سمیّت قوّی دارد فسفر قرمز یا بیشکل سمّی نیست و غیر محلول است فسفر متعارفی جسمی است سفید زرد رنگ نیم شفاف را در حرارت معتاد مانند موم نرم ولی در حرارت پست سخت است در هوای تاریک سفیدی از آن پراکنده میشود یعنی نور سبزی میدهد و در ظلمت میدرخشند این جسم در ۶۰ درجه حرارت آتش گیرد و قابلیت انحلال آن در آب بسیار کم است ولی در الکل و اتر و در اغلب دهنیات اطردار و دوسهٔ حل تواند شد —

آثار فیزیولوژی — آثار فسفر در بدن بر حسب مقادیر کثیره یا مقادیر قلیله آن است مدتی مکرّر شود زیاد مختلف است در حالت اولی

باعث تحریک بسیار شده در بعضی انساج کرده خصوصاً در سلولهای کبد و کلیتین و معده و عضلات اثر نموده و در مدت قلیلی بواسطه آن استحاله شحمی حادث کرده در حالت ثانی انساج سالم میمانند و عمل فسفر بر عکس خصوصاً در مواد مولّد العظم و نسج ملتحمه معده و کبد حادث کرده ولی استحاله شحمی از آن حادث نگردد بر عکس باعث کثرت نموّ انساج مادهٔ شحالیی در حالت اولی موت و در حالت ثانیه بر عکس کثرت دارد و اعمای انساج تحریک شده و بواسطه تجربه را در حیوانات نموده‌اند اما نتایج حاصله از مقادیر قلیله و متوسط فسفر را تجربه نموده‌اند در حالت اولی روزی $\frac{۳}{۱۰۰}$ گندم تا $\frac{۳}{۵۰}$ گندم داده‌اند اما اثرات این مقادیر قلیله در مدت مدید استحکام شوند قبل از همه در سلسلهٔ عظمی ظاهر میگردد که فسفر در غضاریف و اربطه میان عظام طویله باعث تولید نسج عظمی زردرنگی میگردد و این ترکیب

باطراف باعطف طبیعی اختلاف دارد و این اثر را در حیوانات هم در شش عروق
با کمال سهولت ملتفت توان شد و از روی تجربه ثابت شده است
که این اثر فسفر در سلسلهٔ عظمی بواسطهٔ خود فسفر است نه بواسطهٔ محلولات استحاله
آن و چنین نیست که بسبب کثرت فسفات در خون نسج عظمی حاصل
گردد و مقادیر قلیلهٔ فسفر باعث حصول سایر آفات عملیه و تغذیه نگردد
اگر بتدریج مقدار اثر او را کنند مسمومیت حاده حاصل نگردد و لیکن در نسج
ملتحمهٔ کبد و معده تحریک شود و ورم مزمن دست دهد (مثل خون
در جدار معده حاصل شده غشاء مخاطی آن بشدت ضخیم شده و قس علیهذا)
و ورم ملتحمهٔ مزمن کبد و یرقان و انعدام نسج مخصوص کبد حاصل گردد
(صغر یعنی ضمور یا دانه دانه و تشمع عارض گردد) و این آثار را در حیوانات
مشاهده نموده‌اند بکلی مطابق با آثاری است که در محله‌جات کارخانه‌های
کبریت‌سازی مشاهده میشود که بخارات فسفر در این کارخانه‌جات

علاوه بر این بلا واسطه در ضریع عظام اثر کرده باعث ورم ضریع و تهیج و رمیم
شدن عظام فکین گردد و این رمیم شدن عظام فکین همیشه از مجاری دندان
های کرم خورده شروع می‌نماید مسمومیت حاده قریب بزمان مزبور بواسطهٔ مقادیر
کثیرهٔ فسفر حاصل شود اغلب در اثنای صرف داده میشود یا باعانت فسفر کبریت
خواسته‌اند خودکشی بکنند مقدار بسیار قلیل فسفر در بزرگان سبب مرگ
تواند شد و عمل مسمومیت مخصوصاً در صورتی که فسفر بحالت غبار بسیار نرم
باشد سریع تر است و عوارض مسمومیت ظاهر نمیشود مگر پس از چند ساعت
بعد از شرب آن و مرگ اغلب پس از چند روز حاصل شده آثار زودرس
که پس از خوردن فسفر حاصل میشود عبارتست از اوجاع و قی و سطحیه
معده و اوجاع معدیه حاصل شده که بهوع و قی دست داده مواد خارجه بقی در ظلمت
درخشنده و بوی آن شبیه ببوی سیر و گاه خون آلوده‌اند و آثار عمومیه در این اثنا
میشود که لیتیه از آن تسمیه اعضاء مذکور داشتیم حاصل میکنند —

علاج مسمومیت حادّه — در اوائل که در ۲۴ ساعت اول باشد بایست
تنقیه معدی و مقیئات و مسهلات و امالهٔ مجرای هضم را از زهر سمّ مستخلص نمایند
اما از دهن کرچک و مواد دسمه از قبیل شیر و زرده تخم مرغ احتراز جویند
جهت حصول قی کمات کبود بسیار ممدوح است و از ابعاد در قلعه باشند
تریاق بلاواسطه فسفر نیز استعمال مینمایند که تولید فسفور مس کبود بشما
که کم قوی الانحلال است و بنابراین از چند ساعت نارد و نیز عطر طربانطین
را تجویز کرده اند و حال از فایده نیست که هر نیم ساعت که تا ساکن شود آنرا
بدهند (که همه جهت تا مدتی بدهند) علاج آفات مزمنه مسمومیه
بسیار مشکل است ولی وجود اینها باید باشد تدابیر مقوّی رفیه کوشش نمود —
استعمالات علاجیه — فسفر قلیل الاستعمال است ولی چند وقتی است که مجدداً
آنرا در علاج اوجاع عصبانیه خصوصاً در اختناق رحم بکار میبرند و آنرا در
ضعف باه نیز تجویز مینمایند و ممکن است که بسبب کثرت استعمال فسفر بعضی

ولی در اطفال آنرا باید با کمال احتیاط استعمال کرد —
قدر شربت — $\frac{1}{50}$ تا یک عشر گندم و شبانروزی تا نیم گندم توان داد
و آنرا با صمغ عربی حب می نمایند یا در الکل یا اثر و یا در یکی از دهنیات
دسمه حل میکنند —

(۳) ارسنیک

ارسنیک خالص هیچ در علاج معمول نیست این فلز در طبیعت گاهی بحالت
خلوص موجود است (در آن وقت آنرا کوبلت مینامند) وگاه مرکب
با گوگرد (که سولفور زرد ارسنیک یا زرنیخ است که در مشرق زمین آنرا
جزء نوره زیاد بکار میبرند) یا با فلزات است (آهن ارسنیکی و نیکل ارسنیکی)
و یا با اکسیژن مرکب است (اسید ارسنیو [illegible])
و غیره ارسنیک خالص و ترکیبات گوگرددار آن در صورتیکه خالص باشند
بهیچوجه باعث ظهور آفات سمّیه نگردند و اگر بصورت سمیّت شوند

بدان جهت است که اغلب این مواد دارای اسیدهای ارسنیکی اند در علم
علاج اسید ارسنیک و املاح پطاسی و سودی آن فقط مستعمل اند و در جسم انسان
چون قابل الانحلال تر اند اولی است لهذا از جسم اول سمّیتش شدیدتر است
امّا اسید ارسنیک AsO^5 مطلقا اثرش مانند اسید ارسنیو است
ولی قدری ضعیف تر از آن است —

اوّل — اسید ارسنیو

(که عبارت است از سم الفار و آن را اکسید ارسنیو و اکسید سفید
ارسنیک نیز می نامند) در ۱۵ جزء آب جوش و در ۵۰ جزء آب سرد
حلّ شود در الکل تقریبا غیر محلول است و بدون شک این جسم سمّی است
که بسیاری از مردمان بواسطه آن بهلاکت رسیده اند در مغرب زمین
اثر آن در بسیاری از صنایع بکار می برند و در هر سالی چندین هزار خروار از آن
بمصرف میرسد —

اعمال فیزیولوژیه — این جسم از راه جلد عریان و از راه تمام اغشیهٔ
مخاطیه در مجاری دم نفوذ توانند نمود و از غشاء مخاطی معده در حالت
خلوّ معده زودتر مجذوب شود تا در حالت امتلاء آن از اغذیه پس
از مجذوب شدن اسید ارسنیو در گلبولهای دموی میرود نه در سرم خون
و بتدریج در تمام اعضاء منتشر میگردد در قلیلی از ایام با صفراء و فضولات
با بول دفع شود و پس از دخول مقدار قلیلی (چندین مقادیر قلیلیه
($\frac{1}{50}$ تا $\frac{1}{10}$ گندم) آن در یک روز اغلب علامات ذیل حادث
گردد در طول مریء و در معده احساس حرارت شده اشتها زیاد
تحریک شده شدت تمام اعمال بدنیه افزوده شود اعمال دماغ
و قلب و تنفس بلکه اعمال آلات توالدی و آلات مدفوعیه نیز زیاد
گردد و همین مقادیر قلیله را اگر مدت بسیار مدیدی استعمال کنند
سبب آثار شدیده توانند شد از قبیل احساس بضیق دم کشیده گی

عُنُق و حلق و اغشیهٔ مخاطیه و عطش و اوجاع معدیه و تهوّع و قی و اسهال
و درد سر و بیخوابی بلکه حمّی نیز عارض شده بالاخره تشنجات مسمومیت مزمنه
دست دهند ولی اگر بموقع بر حسب اشخاص استعمال ان را ترک نمایند
حالت طبیعی رجوع نماید —

آثار مسمومیت حاده که خطر هلاک در انهاست در بزرگان بواسطهٔ الی خمس
گندم سم الفار حادث توانند شد که گندم ان شخص بزرگ را در چند
ساعت یا چند روز هلاک میکند آثار معدیه یا در سلسلهٔ هضمیه و یا در سلسلهٔ
عصبیه حاصل میکند که پس از خوردن این سم مریض احساس تضییق و
بهم کشیده گی عنق نموده در بعضی اوجاع بسیار شده و در بطن حاصل
شده تهوع و قی های شدید حادث میکند پس از انها اسهال عارض
میشود این علامات اخیره بسیار شبیه اند بعلامات وبا زیرا که
مواد برازیه مانند اب چلاو و گاه خون الود اند و مصاحب

با تشنج و بهم کشیده گی ماهیچه های ساق پا و انقطاع صوت اند صورت
بسیار پریده رنگ نبض بسیار ضعیف بیقاعده و زیاد تشنجات
عسر التنفس و قلق و اضطراب شدید حاصل شده و نیز سبات نوبت
دهد بالاخره مریض فاقد حواس شده بعد ان کنولسیون عارض
و کشته و هلاک میشود که پس از خوردن مقادیر کثیره اسید ارسنیک
آفات معدیه حاصل شوند و در این صورت قبل از مرگ علامات
و عوارض دماغیه حاصل شده سقوط نعشی فوری روی داده کنولسیون
های سخت حاصل میکند که شبیه اند بعلامتیه از مسمومیت حاده
از مخدرات حادث میکند اغلب دیده شده که بثورات جلدیه
اگزمائی حاصل شده و گاه بول بمقادیر قلیله البومینی بلکه خون الوده
تدریجاً از مسمومیت تدریجی و مزمن پس از خوردن مقدار بسیار
کثیر ان حاصل میگردد که بلا فاصله پس از ان هلاکت دست داده باشد

یا پس از آنکه مقادیر قلیلهٔ آنرا مدت مدیدی جهت علاج معمول داشته
باشند و یا آنکه مسمومیت مزمنه در اشخاصی روی دهد که با سم الفار کار
میکنند یا در هوای حامل زندگانی می نمایند (مثل اطاقهائیکه با رنگهای
ارسنیکی رنگ شده باشند یا در آنها فرشها یا پرده‌های گسترده و آویخته باشند
که بواسطه ترکیبات ارسنیکی برنگ سبز یا قرمز ملون شده اند) آثار
این قسم مسمومیت حاصل میشوند زیاد مختلف اند بثورات جلدیه
اگزمائی حادث اجزای چشم متورم آفات عمومیهٔ تغذیه و پریده گی
رنگ جلد و لاغر شدن عارض که صداع و تغییر حالت اخلاق
و سقوط شعر و اظفار و قروحات غشاء مخاطی بینی و مجرای خارج گوش
و ورم شدید حنجره و حلق و سرفه هائیکه موجب اعیا میشوند و تدریجا
آفات استسقائیه دست داده مریض هلاک میشود اثر سم الفار
در انساج و اعضا بهمان طریقه فقر ظاهری که یعنی باعث حصول استحاله

شحمی و نقصان یا فقدان ماده مولد قند کبد میکند اگر مسمومیت
زیاد مدید شده باشد بالاخره بتبع بعض شعبات اعصابی موضعی اشد از سنیک در ادوار
جلد و اغشیه مخاطیه و مخصوصا در مجرای هضمی بمقدار زیاد باعث ظهور آفات کثیر
ابتلاع شده اند با آفات حاصله از آنکه نعش اشخاص مسمومه از سم الفار بسیار
با شکل فاسد که کشف میشوند که یک نوع مومیائی حاصل مینمایند مذکور محفوظ اند
مقادیر قلیله اسید ارسنیو باعث کثرت و ازدیاد تبدیلات تغذیه کلیه که
ولی از زود تکرار و آنتی تا مدتها حالت مخصوص اند این مسئله هنوز به تحقیق نپیوسته است
و نیز مسئله ارسنیک خوردن غیر محقق و غیر معین است علاج مسمومیت حاده
از سم الفار این است که هر قدر زودتر ممکن شود باعانت تلمبه معدی تنقیه معده
از آن سم مستخلص نمایند اگر بلاواسطه دسترسی بتلمبه معدی مقدور نداشته باشند
یا بواسطه دغدغه حلق و تحریک مخاطی قی آورند پس از آن بمریض شیر یا مشروبات
لعابیه نوشانیده بعد از آن مسهلی دهند ضد طریاق اصلح سم الفار را باعث خنثی و میت

وعدم اضرار آن میشود مخلوط مزبور از ازید سولفات دو پراکسید فر و مانیزی
این مخلوط باید تازه ساخته شود و جهت این کار ۶۰ جزء سولفات دو پراکسید
دو فر مایع را با ۱۲۰ جزء آب مخلوط کرده با این مخلوط هفت جزء مانیزی کلسینه
را که پیش با ۱۲۰ جزء آب مخلوط نموده باشند اضافه کنند و بشدت این مخلوط را
حرکت دهند الکل مخلوط متحد الاجزائی بدست آید که رنگ آن تیره قرمز رنگ
و طعم آن تلخ و مرکب است از ازید سولفات دو پراکسید دو فر و سولفات دو مانیزی
و مانیزی کلسینه در هر ۵ دقیقه ۳ تا ۴ قاشق سوپخوری آنرا باید به مریض داد
در معده باعث تولید آرسنیت دو پراکسید دو فر و آرسنیت دو مانیزی شده
که هر دو بدون ضرر و اذیت اند و لیکن بعد از شرب این تریاق باید فوراً
مسهل ملحی دهند (سولفات دو مانیزی یا سولفات دو سود و امثال اینها)
در صورتیکه سم جذب شده باشد اثر ابوالطاهر این تریاق نتوان با آن خوف
و باید در آن صورت در رفع آفات عمومیه (ورم معده و امعاء و عسر النفس و قطع ...

حواس و غیرها) بواسطه مداویر مقتضیه کوشید —

استعمالات علاجیه — در تمام ادویه جات هیچ دوائی نافع تر از آن نیست که
بمقدار آرسنیک آرسینو مختلف فیه باشند بعضی بکلی منکر خاصیت دوائیه آن
و برخی بالعکس با کمال ثبات عقیده آنرا مفید میدانند بهر حال اطبا آنرا در انواع
ذیل و بطرق آتیه معمول میدارند —
(۱) در حمیات دائره — قریب دو قرن است که استعمال اسید آرسنیو
جهت رفع حمیات دائره دائر شده است و شکی نیست که باعث علاج
بسیاری ولی استعمال گنه گنه با اطمینان تر و قلیل الخطرتر است مخصوصاً در حمیات
دائره جدیدة العروض و در نوبه های سخت و شدیده و در حمیات دائره مزمنه
و کثیر العود مخصوصاً در نوبه های ربع عسر البرء و گاهی در بعضی نوائب جدیدة العروض
اند و بواسطه گنه گنه علاج نشده اند بهتر ظاهر میگردد و در این اواخر مجدداً
استعمال آن را در سوء القنیه آجابی تمجید نموده اند —

۲ — سم آلفار را اغلب در امراض عصبانیه که مصاحب با آفات
تشریحیه نباشند زیاد استعمال می‌نمایند در اوجاع عصبانیه دائره که جدید
العروض باشند اول باید کنکنه داد اگر مرض رفع نشد سم آلفار استعمال نمایند
دیگر از امراض عصبانیه است که اسید ارسنیو فی‌الحقیقه در آن فایده کرده است
و آن مرض عبارت است از داء الرقص طفولیت خصوصاً مانع استعمال آن نیست
ولی باید دانست که در تمام مرضهای مبتلی به داء الرقص بواسطه استعمال اسید ارسنیو
نباید بطور یقین چشم علاج داشت و در رعشه اطراف از تزریق تحت
جلدی سم آلفار نیز نتایج نیک دیده شده است —

۳ — اسید ارسنیو در بعضی امراض جلدی و خصوصاً در پسوریازیس و در اگزمای
مزمن نافع است و خصوصاً در پسوریازیس اصلح العروض است که مفید است
ولی اغلب باید از آن منفصل و مصاحب با علاج موضعی نمود خصوصاً اغلب
پس از ۱۵ روز حاصل نمی‌گردد ولی علاج تام اغلب چند هفته مدت

لازم دارد اما اغلب مرض رجعت می‌نماید خصوصاً عود آن زیاد شده ولی درباره بواسطه
استعمال اسید ارسنیو برطرف گردد اما در باب اگزمای مزمن (اگزمای
حاد از این قسم معالجه خارج است) بواسطه استعمال اسید ارسنیو نتیجه نیک
مانند پسوریازیس حاصل نگردد و خصوصاً اگزما را باید در اگزمای مزمنه علی‌الخصوص
در صورتیکه مرض عمومیت حاصل نموده باشد استعمال کرد —

۴ — اسید ارسنیو را در حالت طوبرکولی مزمن استعمال کرده و دیده
شده است که باعث بهبودی تغذیه قوی شده است —

۵ — بالاخره اثر او در سرطان غدد لنفاویه که نمو می‌نماید مشهود شده است
و مولدات جدیده روی به کوچکی گذارده‌اند حال بعضی قواعد کلیه را
در استعمال سم آلفار باید ملحوظ داشت مذکور می‌داریم اشخاصی که بهتر تحمل
آن توانند نمود اشخاص مرآتمی و کلروزی مزاج‌اند اشخاص کثیرالدم خیلی کمتر
تحمل آن توانند نمود اطفال خوب تحمل آن می‌نمایند ولی سم آلفار در

در پیران بسهولت باعث حصول آفات هضمیه تواند شد پس باید در پیران
از آن احتراز جست و نیز در اشخاصی که مبتلا بآفات هضمیه و صاحب امراض ثابت
نباید از آن استعمال نمود بهترین اوقات جهت شرب آن وقتی است که معده
ممتلی از غذا باشد یعنی باید مریض سفارش کرد که از ربع تا نیم ساعت بعد
از غذا خورده اگر مقصود استعمال مدید آن باشد باید ابتدا بمقادیر قلیله
شروع کرد یعنی از آن تدریجاً بالا برد و همین که اولین علامات تحمل
ناپذیری ظاهر شد (که عبارت است از فشار در موضع معده و آفات هضمیه
و احساس بضیق و بهم کشیدگی حلق و ریه) باید استعمال آن را منقطع ساخت
از خارج اسید ارسنیو را خصوصاً مانند مکوی در آفات جلدیه متقیحه
انواع جلدیه اند مثلاً در سرطان بشره که خیلی در قروح خبیثه غانقرانیه
و خصوصاً در قرحه اکال استعمال مینمایند دندان سازان نیز اسید
ارسنیو را جهت کشتن عصب دندان که بواسطه کرم خوردگی عریان شده

زیاد استعمال مینمایند —

قدر شربت و ترکیبات — سم الفار را از داخل دفعه ۱/۵۰ تا یک عشر
گندم (روزی تا خمس گندم) روزی دو دفعه بشکل سفوف یا حب و غیرها
استعمال میکنند جهت کشتن عصب دندان آن را با مرفین و کرازت
منضم مینمایند موافق فورمول ذیل — اسید ارسنیو اسطات دو مرفین
ممد شش گندم کرازت تعداد کافی خمیر رقیقی بسازند پس از آن
در دندان کرم خورده با پنبه اسید ارسنیو یک نیم ساعته یک
تا سه میلیگرام از این خمیر را در جوف ریم دندان گذارده بعد از آن
آن جوف را با مصطکی دندان سازان یا بگاه و چوب پر کنند —

۲ — ارسنیت دو پطاس محلول، محلول فولر

جهت ساختن آن یک جزء سم الفار و کاربونات دو پطاس و آب
مقطر را مخلوط کرده بجوش آورند تا آنکه آن مخلوط صاف و شفاف شود

پس از آن با احتیاط آنقدر باید آب مقطر بآن افزود که ۹۰ جزء محلول
بطور تحقیق دارای یک جزء اسید ارسنیوس باشد (نسخهٔ مذکور موافق دفتر المانیاست)
در دفتر دواخانهٔ فرانسه از روی همین طریق میسازند یک جزء سم الفار
و یک جزء کاربونات دو پطاس خالص را در صد جزء آب مقطر محلول میکنند
و پس از آن بواسطهٔ غلیان محلول کامل بدست آید ۱۰ تا ۳۰ جزء الکحل بآن ترکیب
مرکب بدان اضافه کنند یک گرام یعنی بیست قطره یا ۵ نخود از آن
محلول دارای یک صدم سم الفار است این ترکیب دارای بعضی خواص
عمومیهٔ سم الفار است و از آن خصوصاً در تمام امراض سابق الذکر تجویز مینمایند
دفعهٔ اول پنج قطره و شبانه روزی تا بیست قطره از آن توان داد —
تبصره — در مدت استعلاج با سم الفار با اغذیهٔ سهل الهضم
و خصوصاً گوشت و تخم مرغ بسیار به بیمار داد و از ترشی اجتناب کنند جهت
تدریق تحت جلدی سم الفار در ده یک جزء از این محلول با ... جزء

آب مقطر مخلوط کرده روزی یک دفعه ۵ تا ۲۰ قطره از آن تدریق مینمایند —

فقرهٔ سیم — در بیان انطیمون

آثار عمومیهٔ غیر بلوریهٔ تمام ترکیبات محلوله و قابل الانحلال انطیمون
بسیار با هم شبیه و نیز مشابه با آثار عمومیهٔ ترکیبات زرنیخ و ارسنیک
است از ترکیبات انطیمون اجسام ذیل مستعمل است —

(۱) طرطرات دو انطیمون و دو پطاس [illegible]

از انطیمون مقیئ از لاطینی و طرطر اسطیبیه نیز مینامند
این جسم بشکل دانه‌های متبلور است که در هوای خشک شکفته شده و شفافیت
خود را از دست داده بشکل غبار در آید و سفید و سهل الانحلال
در آب است (یک جزء در ۱۵ جزء آب) قلیائیات و اسید طانیک
بسهولت محلولات مایع آنرا تجزیه کرده باعث حصول رسوب
اکسید دو انطیمون یا طرطرات دو انطیمون میشوند در هر دو غیر سهل الانحلال اند

اعراض فیزیولوژیه — الطیموان مقدار زوراء جلد وتمام اغشیهٔ مخاطیه
در خون نفوذ تواند نمود و اغلب بدون تجزیه و تغییر ولی بسرعت
جذب شود مانع حرکات اسید معده و مایعات قلیهٔ امعاء اثر تجزیه نکنند.
مگر با بطوء کثیر چنین الطیموان مقدار و معده شد مقدار زیادی از آن
بواسطهٔ قی دفع و مقدار قلیلی از آن جذب و مقدار دیگر تجزیه شده
با مواد برازیه خارج گردد طبیب المانی در مدت پانزده روز
الطیموان تفرقه خورده اول ۱/۵۰ ولی از آن یک خمس گندم
استعمال کرد از علامات ذیل در خود یافت نفخ سر گوش ثقیل
اعضاء احساس تمدد و کشش در مفاصل حاصل شد قشعریره عارض
براق بمقدار زیاد ترشح زبان خمیری عطش واحساس حرارت در باطن
در سینه خفقان لب واغی دست داده نوم مصاحب با احلام مزاحمه
نبض سریع و غیر منتظم شد ورم حاصل چشمها کوچک افتاده در حلق

بلغم مجتمع شد عسر البلع حادث گردید و چون قدر شربت به خمس
گندم رسید عوارض آن شدید شده آفات ذیل حادث گشتند
جلد و غثیان حاصل مواد برازیه کثیر مایع و حی طرح صفراوی گردید
مائیه را دفع شده در این عضو احساس با وجاع شدید قولنج وجع نقرس بسیار
شده و دائماً احساس متوقف بر رسوب دم صغیره و ظهور البومین در بول
حاصل شد در مدت این تجربت از وزن بدن بقدر یک من و نیم کاسته
شدت و اشتهاء معدوم نمانده مگر سه روز بعد از انقطاع این تجربت
ولی تمام علامات سمیه برطرف نگردید مگر بعد از دو ماه اگر قدر شربت
زیادتر باشد علامات ورم معده و امعاء وجع شدید بطن و قی کار شدید
و کمی بعد اسهال دست دهد و از خوردن دو گندم آن ضعف بسیار شدید
شده و ممکن است تا گندم عشر برسد نبض رشته شکل و سریع و غیر منتظم
تنفس ظاهر در مریض نمی تواند راست بایستد جلد از عرق سرد مستور و سیانوز

عارض مریض نمیگردد از حد کثیف انظیموان مقیّ ممکن است شخص بزرگ مبتلا
رسد بلکه از مقدار قلیلی نیز مرگ حادث گشته در صورتیکه قوت عملیه
حسب بواسطه سبب ضعیف شده باشد چنین انظیموان مقیّ سمّ و ملاو واسطه
بروی جلد اثرهای دارد باعث ظهور بثورات جلدیه در آن شود ممکن است
سبب قروحات عمیقه گشته در جای آن نشانه‌های فرصه‌ای باقی مانند —
امّا رمقیّه انظیموان بواسطه اینست که از جسم در جدار معدیه و در
نهایات عصبانیه اش ورغش مخاطی معده منتشراً احداث کرده مرتبه
انظیموان چون مدت مدیدی وارد بدن شود مانند فسفور و ارسنیک
باعث استحاله شحمی کبد و عضله قلبیه و غیرها گشته فقدان حواس
یکی از آثار بسیار عمده انظیموان مقیّ است بواسطه ضعف سلسله عصبانیه و نقصان
قوت خون و ضعف بدن حاصل میشود و سبب مرگ تقریباً همیشه فلج قلب است
استعمالات علاجیه — انظیموان مقیّ سابق برای دربسیاری از امراض

بکار میبردند ولیکن کم از شهرت آن کاسته شده و تقریباً در این ایام فقط
از جهت حصول قی استعمال مینمایند و در این خصوص عملش محقق است
ولی چون بسهولت باعث بعضی آفات خطیره معدیه و قلبیه و سبب فقدان حواس
و اغلب بسیار عمده است میشود لهذا احتیاط در آن است در اطفال
و پیران و کلیتاً در اشخاص ضعیف آنرا بکمال احتیاط تجویز نمایند در صورتیکه مسمومیت
کثرت قی عارض گشت اول باید قهوه سیاه با قند و چای تلخ و شربت‌ها
لعابیه و تخم و امثال اینها بدهند و بهترین تریاقات آن عفص تنین است
که حصول آن با جسم را دارا آن باشد بدهند مثلاً مطبوخ قوی مازو یا بلوط
یا پوست گنه‌گنه تجویز نمایند و نیز دواهای شدیده و ثابته سه مرتبه ابقات
ترکیب جوش منجر که دارای ترکیب ثابت رفع کنند (کلرانم دار) —
از جمله امراض حاده عدیده که انظیموان مقیّ سو در آنها سابقاً معمول
میداشتند یک مرض است که این دوا باشد در آن مستعمل است و عبارت است

از ورم حار شعب قصبات الریه در صورتیکه مرض جدید العروض باشد و از اشتداد
نزله مزمنه حادث شده باشد و بسیار نرم و جمعی موجب و از اسکولطاسیون
رال های بی سیلان و زنغلان شنیده شود و هنوز رال های رطوبیه
کریپیکان مسموع شود در آن حالت ابتدا باید انطیموان مقیی به مقدار
مقیی و پس از آن بمقادیر منقسمه کوچک موافق نسخه ذیل انطیموان مقیی
یک تا شش گندم آب مقطر سیب تا چهل مثقال اول هر ده دقیقه
یک تا ۳ مثقال بدهند تا آنکه ۳ چهار دفعه قی عارض شود پس از آن
هر ساعت آن مقدار را بدهند و جهت استعمال آن باید در مریض هیچ
مانعی موجود نباشد اگر ورم شعب ثانوی باشد مثلا عرض از یکی از امراض
قلبیه یا طیفوس و غیرها باشد باید کلیه از استعمال انطیموان مقیی احتراز
جویند در ذات الریه آنرا اغلب استعمال کنند و اکثر از اوقات
نقصان درجه حرارت و سهولت اخراج نفث و سرعت نبض از آن

منتج گردیده است اما باید دانست در ذات الریه بدون ترکیب
اغلب بدون آنکه مدتها استعمال کنند و از آن رفتار نتیجه است
و انطیموان مقیی نه باعث اختصار دوام آن مرض و نه باعث بهبودی
کیفیت مرض موضعی میگردد بلکه اغلب باعث فقدان حواس و ضعف
قلب میشود پس بدین جهت روز بروز استعمال انطیموان مقیی را در
ذات الریه موقوف میدارند و باید در ذات الریه صفراوی مخصوصا در بهار
بقطع وقت از استعمال آن برداشت از خارج این جسم اغلب موجب
حصول تحریک جلدی و در او سموم اعضای باطنه مخصوصا در اورام اغشیه
دماغ و حنجره و قصبة الریه بکار میبرند —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) انطیموان مقیی — از دو حبه بمقدار در
منقسمه دفعه عشر تا نصف گندم هر ساعت یک مرتبه بشکل محلول
میدهند و شبانه روزی بیش از ۲ گندم و نیم نباید استعمال کرد انطیموان

مقیی بسهولت تجزیه پذیر است و باید احتراز کرد که موادی را از شیشهٔ نور

دارند بدان منضم نکنند با آب مقطر فقط نیز انرا باید داد چون انتیموان

مقیی را با شربت میوه جات مخلوط کنند اغلب در محلول تغییر لون میدهد

و انتیموان مقیی کرده شود قدر شربت آن جهت حصول قی نیم تا ۱

گندم است و نسخه را اغلب استعمال میکنند عبارت از نسخه ذیل است —

نسخهٔ انتیموان مقیی یک تا ۲ گندم ایپکا مسحوق ۴۰ تا ۶۰ گندم ۳ قسمت

که هر ربع ساعت یک قسمت ۱ در آب فاتر ریخته بخورند اگر قی شروع

نمود آب نیم گرم داده و خوردن دوا را موقوف دارند —

(۲) شراب انتیموان یا شراب مقیی — از اختلاط ۵ گندم انتیموان

مقیی در ۲۰۰ مثقال شراب قوی حاصل میشود و این مقیی جهت اطفال

کوچک خیلی خوب است هر ده دقیقه یک مثقال انرا باید داد و اغلب

انرا با سکنجبین عنصلی منضم میکنند نسخه — شراب مقیی سکنجبین عنصلی

هر کدام ۳ مثقال هر ده دقیقه یک مثقال انرا بدهند تا در ۳ دفعه

قی حاصل گردد —

(۳) پماد انتیموان مقیی — یک جزء انتیموان مقیی در ۴ جزء

و از این هر دفعه بقدر یک گندم انرا استعمال کنند روزی دو دفعه بمالند —

(۴) گوگرد طلائی انتیموان

(یا پنتاسولفور دانتیموان)

غبار نرمی است زرد یا نارنجی رنگ در آب و الکل غیر محلول بواسطهٔ حرارت به

گوگرد و ترسولفور دانتیموان تجزیه میشود آثار قی بعضی عوارض ان مانند آثار

انتیموان مقیی است اما خیلی ضعیف تر از ان است و در آلمان انرا اغلب

جهت اخراج نفث در نزله شعب قصبه و نزله حنجره قصبه مزمن یا در تب

با زمان دور و دوات الریه گرده بعد از بحران استعمال میکنند و در ایام

حالات دیگر معمول است در شیع مرض ذات الریه و حصبه و اخراج نفث

لیموناد شکل باشد این جسم منضم با کلمل در خنازیر و در حالاتیکه اگزانتمها ر
خنازیری و تهیج غدد موجود باشد مستعمل است این جسم بسهولت تجزیه شود
و باید احتراز کرد آن را با اسیدها و قلیائیات و املاح فلزی استعمال
کلمل مخلوط نموده هر دفعه نصف گندم تا دو گندم هر سه تا چهار ساعت
یک دفعه بشکل سفوف یا حب یا قرص میدهند و سفوف معیر ملوسیر
عبارت است از سفوف ذیل نسخه — کلمل لوکر و طلای انطیموان یک
یک گندم قند سفید کمی از این سفوف ده دوازده نسخه در ده دوازده
پاکت گرفته صبح و عصر یک خوراک بدهند
(۳) بجای جسم مذکور در فرانسه اغلب کرمس معدنی میدهند در همان
امراض و بهمان شرایط بهمان مقدار مستعمل است —

فقرهٔ چهارم — در بیان بیسموت

در طب چندین ترکیب از بیسموت مستعمل است عبارت اند از

ازسونیطرات دو بیسموت و والریانات دو بیسموت همه غیر محلول
در آب اند و از امعاء بدون اینکه مجذوب شوند دفع میگردند باعث
سیاه رنگ شدن مواد برازی میشوند زیرا که در امعاء غلاظ بسبب تولید
سولفور دو بیسموت میشوند و نیز موجب یبوست بسیار خفیفی میگردند —
استعمالهای علاجی — سونیطرات و والریانات دو بیسموت هیچکدام
دارای اثر عمومی نیستند زیرا که مجذوب نمیشوند و بهمین جهت استعمال
آنها فقط منحصر شده است در علاج بعضی علل و آفات مجاری هضم
ابتدا این جسمها در وجع فم معده مستعمل است ولی همیشه باید آنرا
با سایر ادویه جات مسکنه از قبیل مرفین و بلادانه داخل استعمال
داد و در همان وقت باید وضع تغذیه را مناسب نمود و در خصوص
در اوجاع عصبانیه معده اشخاص اختناق رحمی و نیز در اوجاع معده
اشخاصیکه متحمل ریاضات شده اند میشود و وضع تغذیه شان

بد و مزاجشان بکلی مختلف است که در اثنای دخول اغذیه در معده
موجب اوجاع و قی میشود و لی سایر علامات نزله معدی در آنها دیده
نمیشود مجوز است و نیز بعضی اطبا از استعمال آنها در اوجاع معدیه که نتیجه
از آفات تیز که سایر اعضا است و از کشیده شدن وجع معده حاصل شده است
و نیز در اوجاع معدیه زنان آبستن و بالاخره در قرحه و در سرطان
معده نتایج نیک گرفته اند و در فرانسه بیسموت را در علاج اسهال
اطفال بدون حمی شده و در اسهالهای متعاقب انتظارات
با افیون مرکب کرده میدهند و استعمال مینمایند و دفعه نیم تا ده
تا ۵ گرم از آن را بطفل مسلول میدهند و اطبای فرانسه تا ۳ مثقال
از آن میدهند دیگر تزریق سولفات دو بیسموت را در سوزاک مزمن
تمجید نموده است ۳ مثقال آن را در ۲۰۰ مثقال گلاب مخلوط کرده وقت
استعمال بشدت حرکت داده روزی ۳ دفعه استعمال کنند —

فصل ۵ — در بیان سایر شبه فلزات

(۱) گوگرد و ترکیبات طبیه آن —

اغلب اثر فیزیولوژیه که پس از خوردن گوگرد و ترکیبات آن حاصل
میشود بواسطه ایدروژن سولفوره است که از آنها در بدن حاصل
میشود و بدین ملاحظه است که ما اول در ذکر این جسم میپردازیم —

(۱) ایدروژن سولفوره یا سولفور دیدروژن

گازی است بیرنگ که کاغذ آبی طورنسل را قرمز میکند و بهمین ملاحظه
که از اجزاء اسیدها محسوب میدارند و آن را اسید سولفیدریک مینامند
آب ۳ برابر حجم خود از آن جذب و حل مینماید —

اعمال فیزیولوژیه — ایدروژن سولفوره جزء اعظم بادهائی است که
در امعاء غلاظ پس از هضم و مخصوصاً پس از هضم مواد حیوانیه حاصل
میشود و بواسطه همین گاز است که از تخم مرغ گندیده بوی مخصوص

نه تنها استنشاق میشود این جسم بمقدار کثیر در مبال نیز تولید میشود این
بخار از راه جلد واغشیه مخاطیه و هضمیه جذب میشود و علامات
سمیه از آن بظهور رسد و بمقداری از این بخار جهت قتل یک
نفر کافی باشد درست معین نیست ولی اگر در هوا یک دهم
درصد وارا ایدرژن سولفوره باشد بهلاکت رسد و جزء اعظم
سبب آفات سمیه معینه این جسم بواسطه اختناق است که از فساد
خون حاصل میشود و نیز جزئی از آن منسوب باثر مستقیم است که در مراکز
اعصاب دماغ و تنفس حاصل میشود در مواد قلبیه غیر مهلکه
آن هم که از نفوذ این جسم در خون بواسطه کثرت تولید آن در
امعاء حاصل میشود باعث آثار مزمنه که عبارتست از صداع
دوار و پریدگی رنگ صورت و سرعت نبض و ضعف آن
و تب و تهوع و اوجاع بطنیه و اسهال متعاقب و متعفنه آن علاج

موجب تحریک اعصاب معویه و کثرت حدوث حرکات دوریه امعاء
کمتر در انسان و حیوانات خون گرم هلاکتی که از نفوذ مهلکه این جسم
حاصل میشود مسبوق بفقدان حواس و آثار اختناق است —

استعمالات علاجیه — ایدرژن سولفوره فقط در استحمام مستعمل است
و استحمامات ابهای معدنی گوگردی بسیار متداول است از این آبها در
اروپ خصوصا در فرانسه و آلمان غالبا بسیار یافت میشود حمام های
گوگردی در امراض کثیره مستعمل است که عبارتست از امراض ذیل اولا
در آفات مختلفه روماتیسمی مزمنه ثانیا در نقرس و ثالثا در علل
مختلفه جهاز عصبی در همان مواقعی که ابهای کلرور سودی مستعمل است رابعا
در بسیاری از امراض جلدیه مزمنه (اگزمه پسوریازیس اکنه پرورگو
بثورات جلدیه و امثال آنها) خامسا در سیفیلیس بلاواسطه سادسا
در مسمومیت های مزمنه فلزی خصوصا در مسمومیت مزمنه سرب و در سیماب مستعمل است

جهت حمام های گوگردی مصنوعی جسم ذیل را بکار می برند —

(۲) سولفور دو پطاسی یا کبد الکبریت

مخلوطی است از پلی سولفور دو پطاسیوم و سولفات و ایپوسولفیت دو پطاسی سبز زرد رنگ و بسهولت محلول در آب است (یک در سه) از خارج اثر او در تمام مواقع مزبوره استعمال مینمایند جهت حمام بزرگ ده تا چهل مثقال از آن بکار برده گاه قدری جوهر گوگرد نیز بآن اضافه میکنند (در پنجاه جزء سولفور دو پطاسی ۵ جزء) و در این حالت گاز ایدروژن سولفوره متصاعد میشود از آبها و سولفور دو پطاس (یک تا پنج جزء سولفور دو پطاس در ده جزء وازلین) در علاج اکنه رزاسه (کوپ رز) نتایج نیک بخشیده و آن عبارت است از احتقان مزمن دموی بینی و گونه ها و صورت است و گاه مصادف با عظم و تقیح جرابه ها و دسومت و اتساع عروق شعریه جلد است غسول سولفور

دو پطاس را نیز میتوان معمول داشت (۵ تا پانزده در صد) —

(۳) در بیان گوگرد

جسمی است بسیار شکننده است که بدو حالت شناخته میشود یکی گوگرد متبلور که در آب غیر محلول و دیگری گوگرد بی شکل است که محلول در آب است در دواخانه های آلمان انواع ذیل یافت شود —

(۱) گوگرد متصاعد مصفی یا گل گوگرد (۲) گوگرد رسوبی یا احیا شده و یا لبن الکبریت این دو جسم بیشتر از داخل استعمال میشوند —

اثار فیزیولوژیه — مقدار کثیری از گوگردی که وارد معده میشود با مواد برازیه دفع و مقدار قلیلی از آن مبدل بسولفور قلیائی و ایدروژن سولفوره میشود و بدین واسطه است که گوگرد باعث ازدیاد حرکات معویه و اخراج مواد غیر مستعمله میشود و هیچوقت پس از مقادیر بسیار قلیله اثار تحریک یا مسمومیت مشاهده نشود —

استعمالات علاجیه — از داخل گوگرد و سولفورها در مواقع ذیل استعمال می‌نمایند
اولاً جهت تلیین در یبوست مزمنه در اشخاص صاحب بواسیر و در
علل کبدیه که همراه با یبوست است و دائم استعمال از روی کثرت است
و اغلب آن را با املاح مسهله و ریوند چینی ترکیب می‌نمایند و نسخه ذیل
در آلمانیا مدت مدیدی است در مبتلایان به مالیخولیای مراقی و بواسیر استعمال
می‌شود گوگرد رسوبی ده گف ریوند چینی ۱۵ نخود خلال نارنج عنبر
مخلوط کنید یک مثقال طرطرات دو پطاس قند مقطر را از یکی مخلوط
در منقالی روزی سه دفعه یک مثقال بخورند ثانیاً گوگرد را جهت
انواع نفث الدم کهنه و جهت حصول این مقصود سفوف صدری گوگرد را
Dourella استعمال می‌نمایند نسخه ذیل از آن از قرار ذیل است

برگ سنا اصل السوس مقدار ده گف رازیانه گوگرد مصفی از هر کدام
۵ گف قند سفید یک مثقال و نیم اگر مقصود حصول تلیین باشد

این مقدار را بالتمام بروزان بزرگ تجزیه داده در غیر این حالت از اجزاء
قسمت کم چهار دفعه بدهند جهت استعمال خارجی گوگرد در علاج جرب
بسیار ممدوح بهجهت است و در این ایام جب ثانیات در دست است
که بسیار بر آن ترجیح دارند به خصوص بلسان پرو را در حقیقت موجب
قتل حیوانات صغیره جرب می‌کنند —
قدر شربت — گوگرد مصفی سه دفعه در ماده کف و شبانه روزی تا سه
مثقال و گوگرد رسوبی را دفعه یک تا ده گف و شبانه روزی یک تا یک
مثقال و نیم می‌توان داد و مرهم را با یک سفوف به هم زده —

فقره ثانیه — در بیان ید و کلر و برم

کلر و ید و برم (و فلوئور را در طب متعمدنیت) به ملاحظه شباهت بسیار
به هم شبیه‌اند و بین ترکیب آنها نسبت اندر زن بسیار شبیه است تا جهت
اکثر ترکیبات اید ... دارای خواص شبیه‌اند و ترکیبات فلزات آنها

عبارتست از شبه املاح یا ترکیبات درجه ثانیه خصوص کلر از شیمیائیین
قوی‌تر از همه و ید از همه ضعیف‌تر است این سه عنصر را عبارتست اه
از ید و کلر و برم از حیثیت اعمال فیزیولوژیه زیاد و باهم شبیه اند و محل
تو مفعول آنها در آنجا متّحد و اما کلر قوی‌تر و ید ضعیف‌تر است شدت آثار
ترکیبات قلیائیه آنها در بدن بطبع بعکس است یعنی کلورورهای قلیائیه ضعیف‌تر
و یدورهای قلیائیه قوی‌تراند و این معنی مخصوص آنست که کلر چون بشدت
با فلز مرکب است از ترکیب مستخلص نمیشود و حال آنکه برم و ید خصوصاً ید
چون شدت ترکیبشان با فلز کمتر است در خون از او توانند شد
و بعضی در مواد البومینی اثر کنند از ترکیبات این اجسام فقط
کلورور سدیم و کلورور پتاسیوم است که در حالت طبیعی جزو ابدان
حیوانات است و این مسئله را سابقاً مذکور داشته‌ایم چون ترکیبات
این اجسام دارو به آن گونه بسرعت در تمام ترشحات یافت شوند

اگرچه قوت انتشاریه و جذوب شدن آنها مختلف باشد —

(۱) در بیان کلر

کلر در عالم آلی و غیر آلی بسیار وافر است خصوصاً در جزء نمک طعام
بخار است زرد و سبز رنگ قابل تراکم الستی که آب هر قدر درجه حرارت
پست‌تر باشد آنرا بهتر جذب و محلول سازد و تولید مایع سبز
زرد رنگ نماید که موسوم باب کلر یا کلراخانه است (مستعمل
آن بوی خفیف کلر دارد) چون بخار کلر از آن استشمام میشود و در روشنائی
بسرعت تجزیه میشود لهذا آنرا باید در ظلمت محفوظ داشت و در علم
علاج عملی آب کلر است که استعمال میشود —
اعمال فیزیولوژیه — آثار عمده کلر تولد اعمال مبنی بر ترکیب شدن آنست
با ایدروژن چون کلر که با ایدروژن ذرات آلیه را جذب میکند
لهذا باعث تجزیه و تخریب آنها میشود و از عملی راه است که باعث

که آن انساج حیوانیه و الجمله مواد البومینی و خون و مواد زلالی متعفن شوند و نیز
تمام مواد ذی لون حیوانی یا نباتی را در مورد سفید و فاسد می نماید و تمام
مواد آلیه را که باعث حصول و دوام تعفن می شوند بهم زده و بدان
جهت باعث انقطاع تعفن و روایح متعفنه می گردد و بملاحظه عمل
عمل اصیلات را باعث مسمومیت می گردد خون جلد مجاور آن زخم
گردد و در دوران نقطه ها و خشکیده ها از زخم حاصل شود کلر ممکن است
از جلد سالم جذب گردد و در غشاء مخاطی مجاری تنفس باعث دغدغه
بسیار شده و احساس سوزش بسیار موجب گردد و بواسطه عمل
انعکاسی سیلان دمعه و عطسه و سرفه و تشنج مزمار و نفث الدم
و ورم شعب ریه گردد —

چون محلولات رقیقه آن را از داخل استعمال کنند مقدار اسید کلریدریک معده
تولید او سرعت عمل هضم و سمیت قلیله از آن نتیجه گردد بقیه

کلر گویا باعث رفع تعفن املاح شده و مواد مترازیه لون خود را از دست
میدهند و این مسئله هنوز درست تحقیق نشده است و کلر جذب بدن
نمی تواند که ثابت کلر در خون باشد یا نه و با ماندن آن در خون نزدیک تر
به تحقیق است زیرا که در حالات مسمومیت از کلر مشاهده شده است
بر اول مواد رنگین نباتات را سفید می نماید —

استعمال علاجی — آب کلر را سابقاً در حمی التیفوس و در اسهال مصاحب
با اخراج مواد مترازیه عفنه و مخصوصاً در صورت دوسنطاریا و در ابتدای
وبا آنرا استعمال می نمودند و بعقیده من ترک این استعمال خطا است
و باز می توان آنرا بدون هیچ ضرر استعمال کنند مثلاً در ابتدای طیفوس
یا وبا یک مثقال آب کلر را در سه مثقال شربت رکیه هر ساعت
و در وبا هر ده دقیقه با قطعات صغیره یخ بدهند بخورند از خارج
گاهی آن مشهور گرغ آب کلر را در بعضی امراض ملتحمه مخصوصاً در رمد نزله

شُربی و ورم ملتحمهٔ مزمن مصاحب با وجع دانه دانه و ورم ملتحمه و نقرس طبیعی روزی دو سه دفعه هر مرتبه چند قطره استعمال می‌نمایند —

(۲) کلرور دوشو

این جسم اغلب مخلوطی از ایپوکلریت دوشو و کلرور دو کالسیوم است غباری است سفید که بوی کلر از آن استشمام می‌شود فقط جزء قلیلی از آن در آب حل می‌شود چون از اجزای او با اسیدها بنمایند کلر مقدار کثیره از آن متصاعد گردد —

عمل فیزیولوژی آن مرکب است از عمل اثر کلر و از اثرات آهک استعمال طبی آن منحصر باستعمال خارجی و یکی از اجسام رافعة العفونة بسیار معمول است این جسم باعث رفع بوهای بد شده و از آن می‌توان در تمام مواضعی که روایح متعفنه استشمام می‌شود استعمال نمود ولی در اطاق مریض آنرا استعمال نباید کرد مگر اینکه احتیاط مخصوصی در

مریض مبتلا یکی از علل عارضی تنفس باشد تزریق آن را در سوزنک مزمن (۱/۱۰ تا ۱/۵ درصد) و نیز در قروح نواصیر (محلول ۱ در صد) استعمال می‌کنند و نیز در جراحت بندی قروح بطئی الالتیام و دارای ترشحات ردیه آنرا بکار می‌برند جهت رفع عفونت اطاق در ظرفی کلرور دوشو ریخته و در روی آن آب یا اسید ضعیف می‌ریزند —

تبصره — ترکیب دیگری از کلر موجود است ایپوسولفیت آب ژاول یا آب لاباراک که محلولی است از ایپوکلریت دو پطاس و سود آنرا جهت برداشتن لکه‌ها و سفید کردن جامه بکار می‌برند و در این اواخر آن در طب نیز استعمال نموده محلول یک تا ۵ درصد آنرا جهت علاج سوزنک کهنه کثیر الاستعمال بکار می‌برند —

(۳) برم

برم در طبیعت بحالت ترکیب با فلزات و در آب دریا و غیرها موجود است.

مایعیست قرمز سیاه رنگ و در حرارت متعارفی بخار شده در ۶۳ درجه

حرارت بجوش آید و در ۳۰ جزء آب حل شود و الکل و اثیر را بهتر حل نماید

در انسج بدن تولید اسید برمیدریک کند و بنابراین موجب انهدام

جنین در انسج ان ترکیب برم را چون کاوت رقیق استعمال کنند در دفع

و نفع از عضوی کنند و اثر عبارتست از نقصان قوت عملیه شاعر

و نقصان قابلیت تأثر و کرکت و بستی سوم حاصل کند و در این اواخر برم

از خارج مانند ادویه موضعی در دو نقطه استعمال میکنند —

برمور دو پطاسیوم

دانه های متبلور مکعب شکلی است بی رنگ و بی بو است طعم ان ملحی بسیار

شور است و تلخ است و در آب حل شود —

اثرات فیزیولوژیه — چون مدت مدیدیست در طب مستعمل شده است

در این اواخر جهت تعیین اثر فیزیولوژی ان کار بسیار و تفحصات عدیده کرده

و عقیده مجربین در رعایت فیزیولوژیه آن بسیار مختلف است برمور دو پطاسیوم

در انسج حیوانی باعث حصول آثار کیمیکیه موضعیه نگردد محلول این ملح بواسطه

اغشیه مخاطیه جذب گردد و برمورها از جمیع منافذ بترکیب با ملح قلیائی

مخصوصا در بول و در براق و نیز در لبن نسوان یافت شود چون یک ربع از

خوردن ان بگذرد شروع بخروج کند و تا چند روز بیرون از خارج گردد محلول بسیار

رقیق ان باعث هیچگونه اثر موضعی نگردد و بواسطه محلول بسیار غلیظ ان احساس

سوزش در دهان و معده مخصوصا در صورتیکه این عضوها خالی باشند حاصل گردد

و بواسطه این ترکیب موضعی در اول سیلان براق زیاده و قدری درد در عکس

کم گردد مقادیر متوسطه ان (نیم تا یک مثقال) اغلب و نه همیشه باعث

صداع جبهه و احساس ثقل و سنگینی در راس و بواسطه انها خیالات مغشوش

شده و قابلیت تأثر از احساسات خارجیه قدری بهم خورده و در هم

گاهی مشوش شده و حافظه کم شده و پیدا کردن کلمات بموقع خود مشکل گشته لا

احساس باعیاء و سقوط قوی حاصل کنند ولی عقیدهٔ من این است اگر بور
در رباط سیوم مانند مرفین و کلرال ابداً رابطهٔ سیوم بلاواسطه نیست و خوابی
که از آن حاصل میشود بلکه یک نوع احساس برودت راحت و دست و پا
منجر بنوم میشود قابلیت تأثر دماغ کم شده تقسیم آثار خارجیه خوب ثابت
نشده میشود کم کم خواب سبکی حاصل کنند همین قسم در اشخاص
بزرگ پس از خوردن مقادیر متوسطه آن قابلیت تحریک قاعدهٔ زبان
و حلق رخوه و حنجره و گلو کم شده بلکه بالتمام برطرف گردد تقسیم میتوان
اغشیهٔ مخاطیهٔ این مواضع را دغدغه نمود بدون آنکه هیچ حرکت بلع یا تهوع
و یا سرفه عارض گردد اگر قدر شربت را تا در مقدار بلکه بیشتر زیاد کنند
تمام اغشیهٔ مخاطیهٔ بدن مثل غشاء مخاطی مجاری بول و مهبل و نیز قرنیه و ملتحمه
بالتمام قابلیت تأثر و کرک خود را از دست داده و بواسطهٔ چهار استعمال
آن میتوان تمام جلد خارجی بدن را نیز بی حس نمود تنفس همیشه بطیء بود بر سورهٔ در رباط سیوم

بطیء گردد اگر قدر شربت آن کمی است تنفس بالاخره منقطع و آثار ختم تنفس
در مصاحب بضعف قلب است و بطوء انقباضات قلبیه و نزول درجهٔ قوت
قلب نخون و بالاخره آفات دورانی و مسمومیت از اسید کاربونیک
نتیجهٔ این حالات است عارض گردد و چه بسیار اتفاق افتد پس از
استعمال مدید مقادیر مستعمرهٔ آن مثلاً مانند مقادیر که در صرع استعمال
مینمایند تقسیم قوت عضلهٔ قلبیه ضعیف میگردد طبیب مجبور شده
استعمال آن را موقوف دارد در مورد رباط سیوم خوب با عرق نیز دفع میگردد
لهذا باعث حصول بثورات مختلفهٔ جلدیه گردد (اگرچه از التهابات
جلدی اگر نباشد بلکه قروح نیز حاصل شوند) علاوه بر آثار مذکوره داشتم
پس از مسمومیت مزمنه حاصله از آن آفات دیگر نیز روی دهند
نزله شعب شده در مصاحب با نوبات سرفه است و عسر التنفس
و اختلالات هضم (فقدان اشتها عطش شده و اسهال) و انحطاط

عارض کردند —

استعمالات علاجیه — برمور دوپطاسیوم که بایست متعمل و خوب مخصوصاً در
در بعض اوقات سکته عصبانیه ممدوح است اولا در صرع آنرا استعمال
می‌کنند و استعمال این دوا در این مرض از هر دوای دیگری بهتر است ولی
باید دانست که معذلک این دوا هم وقت باعث رفع آن نتوانسته
در رشته قلیلی از حالات بکلی باعث علاج و در عده کثیری باعث بهبودی
مختلفة الدرجات شده در بعضی دیگر مرض مقاومت نموده که اثری نکنند
در طرز استعمال برمور دوپطاسیوم در مرض صرع که ملاحظات آن را باید بخوبی
در آنها اتفاق دارند دانشها عبارت از این است که هر قدر امکان
دارد این دوا را مدت طویل و مقادیر بسیار زیاد بدهند و در بزرگان
روزی از ده گرم شروع کرده تا کم کم مقادیر آنها به هشت و اگر مریض خوب تحمل آن می‌کند
تا روزی شانزده نیز توان رسانید ولی در این صورت همیشه باید از اعراض جنبی

حقیقت که بعینه در این مسئله واضح است که اگر آفات سابق الذکر بروز
ننمایند باید استعمال آنرا موقوف نمود بعضی از اطبا چنین وعده داده‌اند که از برمور
دوپطاسیوم تنها آثاری که مقصود است بنحو کامل حاصل نمی‌گردد الا که خود آنرا
اما برعکس از آنکه که باشند بعضی دواهای دیگر از قبیل اسید زنیک و
عصاره بلادن و اطروپین و اسطرکنین و اکونیطین و برمور دامونیاک
بلکه اسید ارسینو بدان ضمیمه استعمال می‌نمایند —

تنها برمور دوپطاسیوم جهت رفع حملات الکلامسی اطفال کوچک (روزی
نیم تا دو گرم) و نیز در مرض داء الرقص و اختناق رحم و کزاز و طپش عصبانی
قلب و امثال آنها استعمال شده‌است اما در حالت عصبانیه اسهال از آن شهرت حاصل
و در آنهایی که مزاج ضعیف ظاهر شده‌اند استعمال کرده‌اند منفعت نمی‌دهد از آن
باعث دفع و استراحت نفس شده و خواب که تلافی مافات می‌کنند
حاصل کرده ولی اگر مقصود استعمال منظم حقیقی است کلرال و مرفین و امثال

انها را بران باید ترجیح داد بعضی علل کثیره دیگر نیز هست که برومور دوپطاسیوم

در آنها استعمال مینمایند جهت صرع باید و در صداع ثقیل و خفقان و امراض عصبیه

دماغیه و جهت تسکین کردن حلق و حنجره و غیرها استعمال است در این صورت باید

روزی چندین دفعه با اجزای مقصوده محلول غلیظ برومور دوپطاسیوم را بقلم موی

داده یا از داخل یکبار تنفس کنند یک دفعه بدهند این قسم استعمال غالباً جهت

تسکین تهیجات در بعضی اشخاص متبع نشد بواسطه سرفه عارضی میشد ما نیز نفعی داشته

چند دوای دیگر نیز هست که عبارت است از برومور دوسدیم و برومور دامونیاک

که مانند برومور دوپطاسیوم استعمال میشود —

(۳) ید و ترکیبات آن

ید در آب دریا و گیاههای که در بعضی چشمه‌های بحری یافت میشود بشکل دانه‌های

متبلور بزرگ نرم است که رنگ آنها کبود سیاه رنگ و دارای شفافیت

فلزی است یکی از دیگر اقسام این جسم در حرارت متوسطه متصاعد میشود به بخار بنفش

و در حرارت مرتفعه آب میشود نیز مرکب میشود این جسم در آب غیر محلول و در الکل

محلول است (یک در دوازده) در اتر بسیار بسهولت حل شده رنگ محلول

تیره است و نیز در کلروفرم حل میشود محلولات مائیه یدور دوپطاسیوم

نیز از ید مقدار کثیره حل کنند نشاسته بواسطه اثر ید بلون آبی

رنگین در آید —

اعمال فیزیولوژیه آن — ید خالص چون در انساج بدن شد تولید

اسید یدریک کند و انساج در ذره آن انساج بدن را بواسطه خواص آلبومینه

ولی عمل ید از این حیثیت بسیار ضعیف تر از اثر کلر و برم است و این

اجسام اخیره ید را از ترکیبات فلزی آن احیا توانند نمود —

ید را چون مکرر بروی جلد با قلم موی بمالند باعث حصول

خارش شده و جع تیر کشیدنی حاصل و ورم حادث گردد

در عمق نفوذ نکند و بشره جلد بشکل فلس ساقط گردد و جزء از این

ید یا ترکیبات آن را چون بدون واسطه بر جروح و بر اغشیهٔ مخاطیه لمس کنند باعث ورم
در آنها می‌شوند مثلاً رمد و زکام و صداع و ورم حنجره و شعب و اوجاع صدریه حاصل گردند
و در مجاری هضم ید چون بمقادیر رقیقه خورده شود باعث احساس طعم املاحی که
بشدت ملحیت شده و از مقادیر قوی‌تر آن تهوع و قی و اوجاع معدیه و پس
از آن ورم حلق و سیلان براق عارض گردد اگر مقدار شربت بسیار زیاد باشد
ورم سمی در معده و امعا حاصل گردد ید را از داخل چون بمقادیر مکرره تجویز
نمایند و بنقل محمولات بسیار رقیقه بهر خواه کیفیت تعفن و خواه کیفیت
تحویل یدور پطاسیوم بمقدار زمان قلیلی کیفیت یدی یا قربت و لیکن در ایامی
زمان قلیلی هم باعث ظهور آثار مشروحه می‌شود پس از آن ید آزاد نه در معده
نه در خون و نه در ترشحات یافت شود بلکه بشکل کیفیت املاح و را یدیه
(یدور یا یدیدات پطاسیوم) و بدین حالت در معده و خون و ترشحات
دیده شود لیکن بدین ملاحظه می‌توان جهت ید بنفسه آثار عمومیه قائل شد

زیرا که آثار آن بعینها همان آثار املاح آن است که در مبحث یدور پطاسیوم
بذکر آنها خواهیم پرداخت اما اگر ید را مستقیماً در انساج مثلاً در غده زائده
مرضیه بعظم شده باشد یا در تجویف بدن مثلاً در کیسه‌های تخمدان یا در
کیسه‌های ام الطیری یا در قیلهٔ الماء و امثال آنها زرق نمایند آن وقت علاوه
بر اثر موضعی ورم و آثار عمومیه نیز حادث شود ولی از این زرق بسیار از
مرضی بهلاکت رسیده‌اند ولی در اغلب حالات منشأ عوارض ردیه را
باید منسوب بتبذیر رقابت و آفت که بدون احتیاط مجری شده‌اند و در تحقیق
پس از تذریق بلاواسطه عوارض شدیده حاصل گشته که مقدار مائع مزروق
شده بسیار زیاد باشد و یتوانند سبب انجذاب و انعقاد و خفت گشته مثلاً اگر که
سیزده سیر وزن داشته باشد بدون حصول آفات عمده تذریق بلاواسطه
در آنها تزریق کرده‌اند از آن تجربه توانسته‌اند معلوم کنند که هفت و ۳ گرم وزن دوا
می‌توانند بدون حدوث هیچ گونه آفت تزریق ۵ ماده کنند یا خاصیت را در خون

تکمله —

پیدا اگرچه بمقادیر کثیره هم استعمال شود باعث هیچگونه اختلال عصبی و دماغی نگردد
ولی در اعضای دیگر ایران ابتدا، در آن تشنج شرایین دست دهد که ممکن است
سبب انسداد شرایین مجبه شود (در این صورت در مادران موضع ننهند حس
بضربان نبض شود اگرچه قوت و سرعت انقباضات قلبیه زیاد گشته
جلد بیره رنگ و سرد شده اثنای این اختلالات عارض گردد) گاهی
پس از چندین روز استرخاء و ترشح عمومی شرایین محیطیه حاصل رجوع نبض
و حمرت شدید جلد و غیرها دست دهد و در حیوانات از مسمومیت حاله
از مقادیر کثیره پیدا حالتی نیز مشاهده شده است که ترشح ذات الجنب خونی
و تهیج ریه دقیقه منعکه دارای [illegible] اند حادث شده بعد بواسطه کلبولهای
خون قرمز شود —

استعمالات علاجیه — پیدا حالیه در علم علاج یک قطع غیر معمول فریاد گرفته است

اگر بخواهند آنرا از راه دهن استعمال کنند باید یک لیت محلول بدو در روز یک یا سیوم
تجویز نمود آن را باید در قاشق بلورین یا چینی یا چوبی داد از خارج طنطور به
دروغن [illegible] آنرا استعمال میکنند طنطور پیدا را در تجویفات مرضیه زرق میکنند
و نیز در طوریکه جهت حصول ورم الدم [illegible] دالتیام استعمالش منع نمیکنند
زرق طنطور پیدا را در قبیل الماء ذات الجنب و قیح پس از اخراج ماده مترشحه
استعمال کرده و منفعت بخشیده اند ولی در این حالت اخیر باید آنرا چندین روز
پس از بزل استعمال کنند استعمال این تدریق را تقریبا در علاج کیستهای
تخمدان ترک نموده اند زیرا که دیده شده است پس از این زرقات تقیح
و ورم مهلک صفاق دست داده است در علاج کیستهای اما الحیدین کبد
و استسقای کلیه نتایج این تدریق بهتر است و نیز آنرا در غلظ غدة راه
استعمال میکنند در بعضی اختلالات استعمال محلول لوگل بر طنطور پیدا ترجیح
دارد —

و نیز طنطوره ید و روغن یدور سولفور ضمّاد گاه در آفات ورمیه قریب با زمان

یا مزمن اعضای ظاهره طلاء و تدهین می نمایند (مثلاً در خنازیر و مطلق

در ورم غدد لمفاطیک و در ورم ضریع و ورم مفصل و ورم صفاق و امثال اینها)

و نیز دیگر اینها را جهت تحلیل بردن محصولات مرضیه که گاهی پس از اورام

باقی می مانند و هم خود گاه در عظم غدد کالکلیونه و نیز در کیسه های مفاصل

و امثال اینها استعمال می نمایند —

قدر شربت — طنطوره ید — یک جزء ید است و ده جزء الکل

از داخلاً ۳ تا ۴ قطره آن را داخل مشروب لعابی کرده می دهند (و دفعه یک

و شبانه روزی تا ۵ قطره می توان داد) و در استعمال خارجی و در مواردیکه کوشش استعمال

اینها مدیده دارند اکثر یک پیدا شده احتراز جویند با طنطوره ید

یا هموزن خود طنطوره با زو مخلوط نمایند —

محلول ید در لوگل عبارت است از یک جزء ید و دو جزء یدور دو پطاسیوم در سی جزء آب

اقسام — یدور دو پطاسیوم

بشکل دانه های متبلور مکعب با رنگ کدری است و در هفت عشر خود آب

حل شده و در حرارت متعارف در ۱۵ اجزاء الکل محلول است محلول مائی

یدور دو پطاسیوم مقادیر کثیره را حل توانه نمود و اگر یدور را از داخلاً بخواهند

استعمال کنند بدین صورت باید داد —

اعمال فیزیولوژیه — وقتی یدور دو پطاسیوم را بمقادیر کثیره استعمال کنند

علاوه بر آثار ید عنصر پطاسی نیز سبب آثار مسمومیت توان شد و این

مسئله هنوز تحقیق نشده است که یدور دو پطاسیوم در بدن که جسمی متبدل

می گردد در صورتیکه در معده نمک طعام وجود داشته باشد تولید کلرور

دو پطاسیوم و یدور دو سودیوم کرده و در بول یافت شود ولی اگر

کلرور دو سودیوم در معده نباشد یدور دو پطاسیوم چنین وارد معده شده

ید آن آزاد شده و بلا فاصله ترکیب های جدیده از آن تولید آمده

یدید رات باید ترکیب الجوهری مدتی حاصل شود یدور پطاسیوم را
چنین جهت استعلاج کوزه چند دقیقه پس از شرب در تمام محصولات ترشحیه
بسرعت یافت شود و کلیتهٔ تمام ید مجذوب تا ۲۴ ساعت از بدن خارج
گردد و مخصوصاً کلیتین و غدد براق و اثنیین و ربتین اند هر مقدار بسیار
کثیره آن را جذب نموده و دفع می کنند کبد و طحال و غدد و لمف طبیعی و عضلات
مقدار بسیار قلیلی از آن را جذب می کنند و استخوان فقط بسیار قلیلی و دماغ
کمتر از همه جذب یدور پطاسیوم می کنند یدور پطاسیوم چون در روی
جلد ارسال داده شود بهیچوجه باعث تحریک نگردد و جزء بسیار قلیلی از آن
مجذوب شود یدور پطاسیوم از تمام اغشیهٔ مخاطیه جذب گردد و آن را
بدون هیچ اذیتی در غشای مخاطی رحم می توان استعمال کرد ولی بهتر آنکه
همیشه آنرا در آب زیادی داخل کنند عمل عمومی یدور پطاسیوم پس از جذب
شدن عبارتست از آثار ذیل اولاً در جهاز عصبانی موجب تهییج آنست

مشهود نگردد ولی گاه اتفاق افتاده است که در اول استعمال آن طنین و دوار
و اوجاع عصبانی و کثرت ضربانات قلبیه و امثال آنها حاصل گردد ثانیاً در اعضای
تنفس گاهی در حین استعلاج یدی نفث الدم دیده شده است و همه آنرا باید به تأثیر ید
نسبت داد ثالثاً گاهی زکام یدی دیده شده هرگاه مصادف با سیلان
دمعه است و نیز اغلب زکام یدی با وجع جبهه و ترشح کثیر مخاطی ملتهبه
خناق یدی و سیلان بزاق یدی ولی بدون بوی بد دهان و نیز سرفه یدی
و وجع صدری دیده شده رابعاً در جلد گاهی تشوشات لکه و نقطه دار مثل
آنها دیده شده و دقایق نظافت در استعمال حمام می توانند جلوگیری بتدریج
از حصول این تشوشات کنند یا موجب رفع آنها شوند خامساً یدور
پطاسیوم چون مدت مدیدی استعمال کنند حجم لانفلیونهای لمفاطیکی را
کم کنند و سبب اثرات در تغذیهٔ عمومی و در تبدلات آلیه هنوز درست
معین نشده است اغلب می گویند که ید و یدور پطاسیوم باعث هزال

و در بیان نسخ شمس می‌کرده و لیکن تمام این مطالب به تحقیق شده به ثبوت پیوند

استعمالات علاجیه — اگرچه یدور دو پطاسیوم بسیار شایع الاستعمال است
ولی مواقع استعمال آن درست معین نشده و مواقع استعمال حقیقی این جسم
عبارت از مواقع نیست در حالت مرضیه است که می‌توان با
یدور دو پطاسیوم بملاحظه اثر آن دوای دیگر استعمال کرد و عبارت است
از (۱) در سیفیلیس درجه ثالثه و (۲) در حالاتی که در غدد لمفاتیک
مبتلا بکثرت نمو شده باشند در سایر حالات عدیده مرضیه اگر اغلب
یدور دو پطاسیوم را استعمال می‌کنند در هیچکدام اثر آن ثابت نیست
در این ایام یدور دو پطاسیوم را در سیفیلیس در تمام رشته آثار آن
معروف باشد درجه ثالثه آن استعمال می‌کنند و در آفات گوشتی عظام
(در طورهای صمغی عظام و اوجاع لیلیه) مفیدتر است اگر این آفات
جدیدالحدوث‌تر باشند از اثر یدور دو پطاسیوم زودتر رفع شوند

طورهای صمغی کهنه را بالکلیه التیام پذیر عارض آنها شده و محصول مرضی
باروی گشته اند بواسطه آن رفع شده و در برابر آن مقاومت نمی‌نمایند
پس از آن طورهای صمغی سایر اعضا (دماغ کبد) و تصلب گوشتی شحمیه و ورم
گوشتی غشائیه و آفات حنجره و بالاخره اوجاع عصبی گوشتی است که اغلب
یدور دو پطاسیوم در آنها اثر می‌نماید در صورتیکه از زیبق اثری بدست
نیامده باشد اثر یدور دو پطاسیوم در صوری از سیفیلیس که نوع مابین
درجه ثانیه و ثالثه است از قبیل روپیا و گندمهای قرحه و امثال آنها درست
ثابت نیست اما در درجه اول و ثانیه یدور دو پطاسیوم در اعتدال آنها
بدون فایده است ولی اگر علل ثانویه بواسطه عود کرده باشد اگرچه ثابت
معلوم نشده است در اغلب از یدور دو پطاسیوم در صورتیکه مریض زیبق
زیاد استعمال کرده باشد نتیجه نیک حاصل است از نتیجه یدور دو پطاسیوم
کلیه نیز از مقادیر قلیله آن (۵ تا ۱۵ گندم تا یک مثقال) نیز بهتر است

می‌آیند و مقادیر کثیره آن (شیارها و زخمهای منقعر) که طبع رباط‌اند

و بهیچوجه معلوم نیست که یدور دو پطاسیوم بچه طریق باعث رفع آثار کوچکتر

میشود از یدور دو پطاسیوم در صور مختلفه خنازیر بسیار مختلف است و می‌توان

گفت که یدور در اشخاصی که در اینها هیچ اثری از کثرت قابلیت کم یک

مقابلیت حس نیست و بهیچوجه مستعد کثرت سطیون‌ها و امتلای دموی

و رمی نمی‌شوند بهتر نتیجه می‌بخشد و بعضی قسم خنازیر هست که صورت

متقیح و غیر و لب‌های بزرگ و بریده که رنگ و غیرها دال بران است

که یدور دو پطاسیوم در آن بهتر اثر می‌کند و نیز در طومرهای خنازیری

غدد و چیزهای که در صورتیکه هنوز متقیح نشده باشند مفید است ادامه

حالت ازمی خارجی طنطورید را در روی طومر به استعمال داخله

یدور دو پطاسیوم منضم می‌کنند و در سایر اقسام خنازیر (اگر از قسم

اینطیکولو دوس و علل اغشیه خاط و عظام و امثال آنها) اثر یدور دو پطاسیوم

کمتر است و در تمام حالات باید از تدابیر حفظ صحت غفلت نمود —

تبصره — گاهی دیده میشود که بواسطه استعمال یدور دو پطاسیوم قروحات

کهنه در اشخاصی که بهیچوجه آثار خنازیری و سفلیس در آنها موجود نیست

و بواسطه سایر تدابیر علاج نشده‌اند رفع شده‌اند استعمال یدور

دو پطاسیوم از داخل و استعمال خارجی طنطورید ممکن است گاهی در علاج

عظم سایر اعضای غده مثلاً در پستان و انثیین و امثال آنها نتایج جید

بخشد و نیز اثرات در عظم اعضای مختلفه و در عظم‌ها تابع تغییرات مزمن

باشد مثلاً از قبیل ورم رحم و ورم غده و ذی و امثال آنها استعمال می‌نمایند

در علاج اقسام مختلفه روماتیسم یدور دو پطاسیوم را زیاد استعمال کرده‌اند

در روماتیسم مفصلی حاد نفع با اثری ندارد و بعضی قسم است در روماتیسم عضلانی

حاد در حالات مزمنه گاهی حیاتی منظور شده یدور دو پطاسیوم مؤثر است

و در این وقت گاه دیده شده که در روماتیسم عضلانی مبهم بدون تب عموما

اثر می‌نماید اما اغلب هم دیده شده است که بدون اثر باقی مانده و نیز اغلب یدور دو

پطاسیوم را در اورام مزمنهٔ غشاء مخاطی (ذات الجنب ورم صفاق

ورم شغاف و ورم حجب دماغ و امثال اینها) استعمال می‌کنند از ادرار

اوقات در صورتی که مبتلا به امراض حادّه برطرف شده و التهاب رجوع

ننموده باشد اگر چه هنوز ترشح مایع موجود باشد در این صورت مادهٔ مترشحه

زودتر جذب شده اغلب اثرات عمدهٔ مثبت داده می‌توان اوجاع را قدری

ساکن کرد و دواء بطور استعمال منظور دوده از خارج جلد بسوکت نموده و ربط

قدری اعانت بر جذب شدن مایع کنند بالاخره یدور دو پطاسیوم را

در علاج تمام امراض مزمنه (سل و نقرس کثرت یبس اوجاع عصبانیه

و خصوصاً در ضیق النفس شعبی و غیرها) و بعبارت اخری در امراضی که دوا

علاج درستی از انها در دست نداریم استعمال می‌کنند —

عوارض مسمومیت مزمنهٔ یدی کلیتاً بتدریج پس از انقطاع استعمال آن برطرف

می‌شوند و بدین خصوص جهت رفع انها دوا در دست نیست —

قدر شربت — یدور دو پطاسیوم را دفعهٔ نیم تا ۵ نخود و شبانه روز

در سه دفعه بشکل حب یا محلول می‌دهند و همیشه شبانه روزی تا یک مثقال قربت

اگر مریض خوب تحمل آن نمود می‌توان آن را بمقدار زیاد با آب مخلوط کرده می‌دهند

و نیز در این حالات بطور تنقیه هم از پانزده نخود کاربونات دو امونیاک با یک مثقال

یدور دو پطاسیوم تنقیه کرده می‌دهند —

روغن یدور دو پطاسیوم (ده نخود یدور دو پطاسیوم در ۵ نخود آب در سه مثقال دنبه

واز لین) بسهولت تجزیه پذیرفت اغلب در ده مثقال آن نیم نخود ید

مخلوط می‌کنند که عبارت باشد از روغن یدور —

نسخهٔ حمام کبریتی مخصوص خصوصاً در اطفال خنازیری معمول نمک طعام ۲۰۰ گرام

سولفات دو سود صد گرام کلرور دو کالسیوم ۳۰ گرام یدور دو پطاسیوم یک گرام.

برمور دو پطاسیوم نیم گرام (این نسخه جهت یک حمام بزرگان و جهت حمام اطفال)

فقرهٔ چهارم — زغال

(۱) زغال مسحوق چوب را از تکلیس بعضی چوب‌های سبک از قبیل چوب زیرفون و چوب تبریزی بدست می‌آید —

(۲) زغال حیوانی را از تسویه خون یا گوشت یا ثلث وزن خود استخوان ریزه بدست می‌آید —

آثار فیزیولوژیه — وقتی زغال خشک باشد این خاصیت را دارد که گازها و بخارات را در خود جذب و متراکم می‌کند و تا صد برابر حجم خود بخار را توان جذب نمود و همینکه مرطوب شد یا مدت مدیدی در معرض هوا ماند باز این خاصیت آن بسیار کاسته شود زغال قدرت عظیمه جهت جذب بعضی مواد محلوله و مواد ملونه و عناصر مره و روغن‌های اطری و عناصر عفونی دارد و بهمین جهت مواد مختلفة الالوان از قبیل مرکب یا شراب قرمز مخلوط و غیرها را چون از وراء صافی زغال صاف نمایند رنگ خود را از دست میدهند و همچنین عمل

باعث رفع طعم تلخ آب جوشنده و نیز باعث می‌گردد که عرق سیب زمینی و جو بوی سوخته‌گی که دارد از دست دهد و نیز موجب دفع عناصر متعفنه می‌گردد که در امعاء عفونت باعث ظهور بوی گندیده می‌گردد چون زغال را از داخل تجویز کنند مرطوب شده و بنابراین قوت جاذبه آن بسیار کم و معدوم گردد و بدون هیچ تغییری با مواد برازیه خارج گردد و آنرا باید بهیئت غبار بسیار نرم خورانید زیرا که اجزای صغیره آن ممکن است در چینهای طبقات معده و امعاء نفوذ و حرکت کند و سبب ورم گردد زغال حیوانی تخلخلش بیشتر از زغال چوب و بنابراین سطح آن بیشتر از سطح زغال چوب است و بدان واسطه بهتر و بیشتر جذب مواد محلوله و بخارات را میتواند کرد —

استعمالات علاجیه — بواسطه خاصیت جاذبه خود زغال را در عسرهضم نفخی (که در آن موضع معده متشنج شده حموضت موجود و جشاء و نفخ و قراقر و غیرها موجود است) و نیز در این ایام جهت ساختن سنون‌های دندان بکار میبرند از دو خصوص

سفوف بسیار نرم آن را دفعهٔ پنج تا ده گرم روزی سه دفعه میدهند و بسیار خوب است

و آنرا در کاپسول های سرپوشیده دار میدهند —

تبصره — اکسید دو کاربون که در علم علاج مستعمل نیست گازی است که چون بواسطه

استنشاق وارد خون شود اکسیژن آن را خارج نموده و خود قائم مقام او گردد و بدین

واسطه است که عوارض و علامات اختناق دست دهد که ممکن است منجر بهلاکت گردد

فقرهٔ ۵ — ازت

ازت در هوای جو موجود و گازی است بی رنگ و بی بو و بی طعم تراکم و اشتعال ناپذیر

و موجب استدامه اشتعال نیز نتواند شد در بدن بواسطه هوای استنشاق شده

داخل و مقدار قلیلی از آن مجذوب خون گردد در ایام حالت خود این گاز بتنهائی

موجب ظهور هیچگونه پیش آمد نگردد ولی چون از اکسیژن محروم نموده است در حیوانات

خون گرم بسبب بعض آفات مسمومیت گردد (فلج حس بیهوشی بالاخره انقطاع

تام اعمال و مرگ) ازت را در مریضستانها بطور استنشاق در بعضی استعمال میکنند

پروتو اکسید دو ازت (گاز نشئه بخش)

گازی است تراکم پذیر و قلیل الانحلال در آب چون آن را استنشاق کنند

موجب یک نوع مستی و یک قسم بیهوشی میگردد از اینرو بعضی برطرف شدن درد و بواسطه

بی خاصیتی در اعمال جراحی و دندان جهت حصول بیهوشی از آن استعمال

میکنند —

فقرهٔ ششم — ایدروژن

اخف اجسام است بی رنگ و بی بو و سهل الاشتعال است و مطلقاً هیچ اثر

بلاواسطه در بدن حیوانی نمیکند و در طب غیر مستعمل است —

فقرهٔ هفتم — اکسیژن

اکسیژن نیز گازی است بی رنگ و بی بو و بی طعم غیر قابل الاشتعال و اشتعال پذیر

با تمام عناصر باستثنای فلوئور مرکب گردد و این ترکیب را (عبارت است

از اکسیداسیون وقتی که بسیار بسرعت مجری شود مصاحب با ظهور نور است

(شعله) دارای حرارت هم خاصیتش احتراق نیست و هرگاه ترکیب جسم با جسم
مخلوط کرده هوا و نصف قشر خارجی زمین و $\frac{8}{9}$ آب است نوعی از اکسیژن
هم موسوم بازن یا اکسیژن قوی و منور است در مواقع چندی تولید گردد اول
در موقعیکه صاعقه بزند دوم دقیقه که مقدار کثیره آب بسرعت بخار گردد سیم
دقیقه که برقهای الکتریسیته را از درون اکسیژن عبور دهند چهارم دقیقه
آب را بتوسط الکتریسیته تجزیه کنند این جسم بوی مخصوص دارد و مخلوط
یدور دو پطاسیوم و نشاسته را آبی رنگ کند از نشاسته و یدور دو پطاسیوم
موافق تفصیل ذیل جهت تعیین وجود ازن در هوا میزان ازن ساخته
یک ورقه کاغذ صافی را چهار ساعت در مایعی (مرهم نشاسته) که
عبارت است از مخلوط از یک جزء یدور دو پطاسیوم و ده جزء نشاسته
سیب زمینی و دویست جزء آب ترکیب نمایند پس از آن این ورقه را در روی
صفحه شیشه صافی گسترانده در پناه آفتاب و جریان هوا گذاشته بعد

از آن قطعاتی که طول آنها ده سانتیمتر و عرض آنها یک سانتیمتر باشد بریده و در
مکانیکه مهب باد باشد ولی در پناه آفتاب و باران و دور از اصطبل و کثافه
باشد محفوظ بماند آنرا پیاپی هر دوازده ساعت بدوازده ساعت
آنها را عوض کرده و با آب مقطر تر کنند هنوز در معرض هوا ورنیاورده آنرا مقایسه
کنند و رنگ آبی مختلفه که در آنها ظاهر شده است دلالت بر مقدار ازن
محتوی در هوا میکند ازن با بسی عناصر بسیار آسان ترکیب شده
و در حرارت متعارفی عده کثیری از اجسام را اکسیژن دار کند و در درجه حرارت
بالای آن هم مرکب نمی‌شود اکسیدی بدهد —
بدون شک هوای طهران دارای ازن بسیار است و بعد از این معلوم شود ما
مراقبتی وجود ازن در هوا خالی از فایده نیست —
آثار فیزیولوژیه اکسیژن — اکسیژن هم در علم علاج بسیار قلیل الاستعمال است
در بدن دارای عمل عمده ایست که اطبا بمعرفت بدان داشته‌اند و در زمان

و حیوانات اعلا اکسیژن در بدن مخصوصاً بواسطه تنفس از ریتین وارد شده و در خون
می رود یک شخص جوان در ۲۴ ساعت ۵۲۰۶۰۰ سانتیمتر مکعب اکسیژن
(یعنی نه سیر و ۵ مثقال) جذب می نماید و در خون شریانی بطور متوسط از نسبت
حجم ۱۶ تا ۱۷ صدم و در خون وریدی ۶ درصد اکسیژن وجود دارد اکسیژن
بمقدار بسیار قلیله مجذوب میشود و باید دانست که ورود عمده آن بواسطه
ترکیب شیمیائیست و نفوذ اکسیژن در خون بر حسب قانون مجذوب شدن گازها
بواسطه مایعات نیست (قانون دالطن و هنری) که موافق آن قانون
وزن مقدار گازی که مجذوب مایعی میشود متناسب با فشاری است که بر مایع وارد
می آید مقدار اکسیژنی که مجذوب خون میشود با وجود اختلاف فشار تقریباً
در همه وقت یکیست اکسیژن در گلبول های خون می رود و با هموگلوبین
(یعنی ماده ملونه گلبولها) ترکیب میشود و این ترکیب در خارج بدن هم
هموگلوبین متبلور (اکسی هموگلوبین) در دست ما مجری میگردد و این

این ترکیب چه در بدن و چه در خارج آن چندان مستحکم و مستقر نیست زیرا که
می توان بامداد تلمبه تنفس یا باستمداد ارتفاع درجه حرارت و یا [illegible]
استخلاف گاز دیگری مثل گاز اکسید دو کربون تمام اکسیژن مجذوب خون را
از آن اخذ نمایند اکسیژن از جدارهای ریه بلاواسطه در گلبولهای دیوار
داخل نشده بلکه این انتقال بتوسط قسمت سیال خون مجری میگردد و هموگلوبین
اکسیژن را از ریه جذب نموده است اخذ می نماید و جهت اینکه خون
از اکسیژن اشباع شود لازم نیست که با اکسیژن فشار عمده وارد آید زیرا که
قوت انبساطیه اکسیژن در خون وریدی همیشه بسیار پست است (مقدار
این قوت ۲۷ میلیمتر است و حال آنکه فشار هوا ۷۶ سانتیمتر است)
در وی جالب شبکه فشاری که اکسیژن جوی وارد می آید همیشه بسیار بیشتر
از مقدار قوت انبساطیه خون وریدی ریتین است و بدین واسطه جریان
جریان ورود و جذب در تنفس همیشه از جانب هواست به عروق شعریه ریوی

حال میتوان ملتفت شد که چه قسم ممکن است انسان در نقاط مختلفه جو که
بسیار تغییر میپذیرد زندگی کند بدون آنکه هیچ اختلال مشهودی عارض وی شود
مقدار اکسیژنی که در ریتین داخل میشود در حقیقت متناسب با فشاری نیست که
بر آن اکسیژن وارد میاید بلکه مربوط بمقدار همو گلوبین است که در خون موجود است
و اگر دیده شود که مقدار اکسیژن محتوی در خون در اشخاص مختلفه زیاد تغییر میپذیرد
فقط محض این است که مقدار همو گلوبین خون در این اشخاص متفاوت است
مقدار همو گلوبین و اکسیژن خون همیشه با هم متناسب است بدن حیوانات
در روی جاهای بسیار مرتفع همان مقدار اکسیژن جذب میکند که در دشت
های بسیار پست جذب میکند مشروط بر آنکه مقدار همو گلوبین در هر دو جا
یک اندازه و درجه حرارت بدن در هر دو متساوی و انساج در هر دو مکان
یک اندازه اکسیژن بمصرف برسانند پس انسان و سایر حیوانات
بسهولت میتوانند متحمل تغییرات عمده شوند که بسبب اختلاف ارتفاع در نقاط جو

حاصل میکنند ولی باید دانست که این اختلافات دارای حد معینی تحتانی
و فوقانی اند اگر در هوا فشار اکسیژن کمتر از ۰ر۵۳ گردد (مثلاً اگر بواسطه
بالونی انقدر در هوا بلند شوند که تا جائی برسند که فشار جوی ۰ر۵۳ باشد)
آن وقت از حد کفایت روی کمتر است و در این وقت خون نمیتواند اکسیژن
لازم حیات را دریافت کند و بنابر آن بدن بهلاکت رسد اما حد فوقانی
بواسطه تجربیاتی که در حیوانات نموده اند معلوم شده است که اگر حیوانات را در هوائی
بگذارند که استنشاق کنند که درجه فشار آن بسیار زیاد باشد و در وقتی
حد میرسد که خون تقریباً در صد جزء بحسب حجم دارای ۲۸ تا ۳۰ جزء
اکسیژن باشد آن وقت در حیوانات کنولسیون عارض شده و در صورتیکه
حجماً به ۳۵ درصد برسد تلف میکنند اکسیژن کیفیت اکسیژن منتقل
به همو گلوبین ضمیمه میشود در هیچ نقطه از سلسله دوران دم کیفیت ازنی
نیست ولی در انساج اکسیژن اغلب کیفیت ازنی است اما در باب عمل اکسیژن

در خون این فقره معین شده است که تغییرات اکسید اسیون را در خود خون
مجری میشود بسیار قلیل است و مخصوصاً در دوران شعریه است که مقدار زیادی
اکسیژن خون مختفی میشود و تغییرات اکسید اسیون را اختفای اکسیژن و حصول
اسید کاربونیک از آن نتیجه میشود نه این است که در خود خون مجری شود بلکه بواسطه
تغییرات و تبدلات تغذیه در انسج حاصل میکنند اما در باب مقدار
اکسیژنی که بدن دریافت میکند باید دانست که آن مقدار بحسب احتیاجات انسجه است
که انسج از آن بمصرف میرسانند منتظم میشود و گلبول‌های دموی در تنفس
ریوی همیشه تقریباً حامل همقدر از اکسیژن میشوند و هر قدر بواسطه احتراق
به انسجه اکسیژن بیشتر از دست داده اند در ریه بیشتر جذب مینمایند و از
اکسید اسیون‌ها مثلاً بواسطه اعمال عضلات و در حین هضم و بواسطه ازدیاد
حرارت بسیار زیاد میشود و بالعکس پس از نزف الدم‌ها و کثرت درجه حرارت
و اشتغال انقصان می‌یابند پس انتظام شدت ورود و جریان اکسیژن مربوط

بعمل سلولهاست و بهیچ وجه بکثرت وجود اکسیژن در خون و یا قوت
اعصاب تنفسیه متعلقه او رطانی و عمل بدن و تنفس دارد و در این رساله شرح عمل
بسیار عمده را که اکسیژن در بدن انسان دارد مفصلاً ذکر نمی‌توانیم بکنیم
و متعلق باید بمعرفت بعضی حیوانات حیوانی بالاصاله عبارت است از
ترکیب اغلب اجزای بدن با اکسیژن و چیز دیگری نیست اکثر یک عده از اعمال
اکسید اسیون و احتراق را بواسطه آنها ترکیبات کثیر الاجزاء در بدن بیش از
پیش ساده تر شده و بالاخره بشکل بسیار ساده مثلاً آب
و اسید کاربونیک و اسید فسفریک و اسید سولفوریک خارج میکنند و حیوانات
حیوان را می‌توان شبیه بحالت شعله دانست که حافظ شکل است
و حال آنکه اجزای آن علی الاتصال بواسطه اکسید اسیون متغیر و متجدد
میکنند پس حیات آنکه حیوانات متغیر و مشتعل است ناگزیریم از
اتصال دائمی بمواد جدیده غذائیه و وصول غیر منقطع اکسیژن جهت احتراق

آنها فقدان شرط اخیر چند دقیقه موجب هلاک گردد ولی تا چند
روز می توان متحمل عدم وجود فقره اول گشت. اما در باب ازن
در ابدان حیّه باید دانست که هوائی که کثیر الاُزُن باشد مثلاً هوای دریا
لایق صحّت مزاج است زیرا که چنین هوائی باعث اتلاف موجودات
ذره بینی صغیره می شود که باعث تعفّن و امراض عفونیه اند پس ازن
موجب تصفیه هوا می شود و باین دلیل می توان قبول کرد که نسبتی مابین
مقدار ازن هوا و امراض صدریه موجود است —

استعمالات علاجیه — منافع کثیره که در علم علاج گمان کرده بودند از اکسیژن
بدست آورند تا این عصر هیچ کدام نه از استنشاق اکسیژن
خالص و نه استنشاق ازن و نه آبهائی که دارای اکسیژن یا ازن اند
هیچ منفعتی در علاج امراض بدست آمده است و مطلقاً باید دانست که
هوای صاف هیچوقت دارای مخلوطات مضرّه گازیه یا جامده نباشد بطور

تحقیق همان نتایجی را حاصل میکند که از استنشاق اکسیژن بدست می آید —

فصل پنجم

در بیان اسیدهای غیر آلیه و آلیه

آثار فیزیولوژیه اسیدها

اغلب اسیدهای معدنی و اسید کلریدریک و سولفوریک و ازطیک و فسفریک و بعضی
اسیدهای آلیه و مخصوصاً اسید استیک از این حیثیت که تماماً مبیّن ترکیبی شده اند
جهت قلیائیات و مواد البومینی دارند و دارای بسیاری از صفات و خصایص
مشترکه اند که در بیان ملاحظه آنها سهولت می توان در یک سلسله مرتب نمود ابتداء آثار
مشترکه تمام این اسیدها و بعد صفت مخصوص هر یک را مذکور میداریم —

صفات مشترکه — اسیدها را اغلب اوقات بوسایط معتدله مانند بعض اغذیه
هستند جهت علاج کثرت تحریک و جهت تخفیف تب و ورم استعمال میشود
و بجهت ملاحظه بعضی گمان می کنند اسیدها باعث انخفاض درجه حرارت

می‌شوند ولی افسوس که این معنی تحقیق نشده مگر در صورتی که مقادیر معموله بسیار زیاد
و شدیداً فعال باشند و از مقادیر ملایمه و رقیقه آنها این اثر حاصل نگردد —
تمام اسیدها بمقادیر قلیله باعث ظهور اثر مثبت بهتری در هضم معدی می‌کنند و نیز
مانع تولید باکتری و حصول تعفن امعاء که آثار آنها بسیار ضعیف‌تر
از سایر مواد ضد عفونی است اغلب اسیدهای معدنیه چون بمقادیر کثیره
یا خالص استعمال شوند اثر کثیری از آنها حاصل شود مانند اثر قلیائیات
مکویه قوی است و ما به ازاء آثار مقادیر قلیله در رقیقه و ملایمه را از اثر مقادیر
زیاد و شدیده خوب تمیز نمیدهیم —

اعمال مقادیر قلیله رقیقه — ابتداءاً موجب احساس طعم خاصی می‌شوند
که بواسطه عمل مخصوصی است که در اعصاب ذوق می‌نمایند و احساس بعضی
که در تشنگی مثلاً در دهان و زبان حاصل می‌شود بواسطه این است که آب آن
آنچه که افزون می‌نمایند اسید سولفوریک و اسید فسفریک از این جهت

افزونش بسیار شده به ترتیب مقادیر قلیله اسیدها در اولین مجاری هضم
یعنی در دهان و معده و اثنا عشر و در عصیرهای این مجاری بر آن مقدار مواد قلیائیه
را که جهت خنثی شدن خود لازم دارند یافته و مستبدل به املاح می‌کنند اسیدهای
معدنیه قویه می‌توانند قائم‌مقام اسیدهای ضعیفه شده و آنها را احیاناً خارج سازند
مثلاً اسید سولفوریک در کلرورها و فسفاتها و لاکتاتها و امثال آنها اثر نموده
اسیدهای آنها را احیاناً که تولید سولفاتها می‌نماید اکثری از اسیدهای آلیه
از قبیل اسید طرطریک و مالیک بنای شیمیائیشان بواسطه پیچیدن بهم خورده
مستحیل به اسید کربنیک می‌شوند —

اسیدها بمقادیر قلیله باعث اعانت بر هضم معدی نیز توانند شد و این مسئله
معلوم است که اسید کلریدریک آزاد یکی از عناصر اصلیه طبیعیه عصیر معدی است
که از کلرور سدیم خون حاصل شده و از غدد پپسین ترشح می‌کند شیره
معدی در صورتی که خالص و غیر ممزوج با آب دهان و مواد غذائیه باشد

همیشه اثر اسیدی از آن بظهور رسیده در معرفین شیمیائی مانند اسیدها عمل کند
شیرهٔ معدی در آن تا $\frac{۲۵}{۱۰۰}$ درصد دارای اسید کلریدریک آزاد است
که عده‌ای از املاح مواد غذائیه که در آب حل نتوانند شد محلول می‌کنند
و مخصوصاً این اسید امداد می‌کند که مواد البومین مختلفه را محلول گرداند
مگر بواسطه آن اسید حل گشته مستعد به پپتون گردد و وجه این اسید جهت
اینکه پپسین عمل مخصوص خود را ظاهر بسازد لازم است و همچنین جوهر نمک است
که اثر بسیار قوی و عمده در اعمال هضم دارد و بلافاصله پس از اسید کلریدریک
از حیث اهمیت اسید لاکتیک است که از لاکتاتها که از گوشت و شیر
و قند و مواد نشاسته که داخل در معده شده‌اند تولید می‌کند بواسطه اثر
اسید کلریدریک شیره معدی این لاکتاتها مبدل بکلریدرات شده
و اسید لاکتیک انفصال حاصل و آزاد می‌شود پس از اسیدهای مذکوره اسید فورمیک
و طرطریک و اسطیک و بالاخره اسید بیطریک و سولفوریک و اکسالیک است

که عمل آنها تقریباً در هضم هیچ بلکه مضرانه چون مخصوص شیره معدی نادراً
معین زیاد شود قوت هاضمه آن نیز افزوده می‌گردد ولی از آن درجه مخصوص
چون تجاوز کرد هرچه بیشتر شود قوت هاضمه آن رو به انتقاص نهاده بلکه
ممکن است بکلی برطرف گردد و بواسطه همین معنی است که هرگاه استعمال اسید
بسیار متمادی شود اختلالات بسیار واضحه در اشتها و هضم روی داده
بالاخره ممکن است بکلی زایل شود علاوه براین پس از نفوذ و ورود بسیار
مدید اسیدها در راه آن حیثیه قلیائیه که در بدن مرکب با اسیدهای ضعیفه
از قبیل اسید کاربونیک اند با اسیدهای قوی‌تر ترکیب خواهند شد
و بواسطه بول دفع گشته نقصی که نه در همان خون بلکه در تمام بدن
باید نقصان قلیائیات واملاح دست دهد ولی لله الحمد چنانکه
در فصل اول این رساله مذکور داشتیم بدن بشدت قلیائیت خالص را در خون
نگاه می‌دارد پس بدن باید دارای عمل معتدل باشد که بواسطه آن جبران نقصان

تعادل میان اسیدها و بازها برقرار باشد و باین طریقه خون از آن همیشه
در مدت حیوات کیفیت قلیائیت خود باقی است اگرچه اسیدها بمقادیر
بسیار کثیره وارد بدن شوند و فقط پس از مرگ بواسطه مسمومیت حاصله
از اسیدهای غلیظ است که ممکن است خون در معرض اثر اسیدی باشد پس
از حیث مقادیر قلیله اسیدها در بدن نه چندان باید خوف داشت و نه
چندان میتوان مطمئن شد ممکن است اثرات اسیدها در بدن مثلاً پس از
استعمال مداوم اغذیه اسیدی زیاد که داشته باشند عبارت باشند از آثار
ذیل هزال و لاغری و غیره که رنگ و نقصان قلیائیت خون و فشار
گلبولهای قرمز و امثال آنها ولی در همه حالات این آثار حاصل نشوند
مگر پس از آنکه اسیدها بمدت مدیده بطور مستدام استعمال شده باشند
و چون اسیدی بودن خون بلاواسطه هیچوقت در مدت حیوات مشهود
نشده است باید آفات مشروحه فقط باختلالات هضمیه نسبت داد

و در حقیقت از استعمال زیاد از حد اسیدها عارض شده اند اما در باب آثاری که
مقادیر جزئیه رقیقه اسیدها در روی سون دم و درجه حرارت ظاهر میکنند
همین قدر باید اذعان کرد که اسیدها باعث خنکی دهان شده تسکین
عطش می نمایند ولی تا حال ثابت نشده است که اسیدها در انسان و حیوانات
صحیح المزاج باعث تنزل نبض و درجه حرارت میکنند اما در باب اثر اسیدها
در اشخاص مبتلا بامراض محمومه اند بعضی مجربین مدعی بر آن اند که اسیدها
باعث نقصان درجه حرارت میشوند ولی بر فرض قبول باید دانست
این اثر همیشه بسیار ضعیف و غیر معتنی به است —

اثر اسیدهای غلیظ در مقادیر کثیره — این مقادیر باعث حصول آفات
خطیره میشوند که آنها را باید بفقرات ذیل نسبت داد اولاً اسیدها چون
بشدت جاذب الرطوبه اند آب انساج را اخذ کرده انساج نرم و فاسد میشوند
ثانیاً بسیاری از اسیدهای معدنیه (مخصوصاً جوهر گوگرد و تیزاب و جوهر نمک)

این خاصیت سوزاننده مواد البومینی سم نیست که بلکه بمنزله انها را مانند مواد
دسمه بکلی منهدم می نمایند ثانیاً چون بین ترکیب انها جهت بزها زیادت لهذا
ان بزها سوزاننده اسیدها که در ضعیف تر از انها فرض می کنند و این خواص اسیدها
باعث انهدام انساج دره کردن ان جایی میگردند اما بازهای جای ورشده اند
در همین اثر است در موسوم بکلی یا حرق یا زخمها نمودن اعضاءات پس اسیدهای
غلیظ در روی جلد و اغشیه مخاطیه باعث که و از انهدام ان می کنند اما اوجاع
شدیده اند در حالت ضعف عمومی بدن و ضعف خطیر قلب و عسر التنفس شدیده
و قی مواد خونین و امثال انها مقارن اند هلاکت یا بواسطه اختناق است
(در صورتیکه مطبق تهیج شده باشد) و یا بواسطه انثقاب معدی است
در پس ازان ورم صفاق و عوارض در نتیجه ازان انها حاصل میگردند اگر احتراق زیاد
عمیق نباشد مریض در سوختن شعبها یا اسپا رطوبت است و مثلاً ان تا از عمیق
ندبه و امثال ان عارض گردد درجه حرارت در این حالات همیشه نزول میشود

و این فقره را هم باید جزو اثار مذکوره مرتب داشت جهت استعلاج این نوع
سموئیت از اسیدها باید صابون محلول یا گل سفید و یا در صورت دست
تنگی خاکستر و نیز شیر و بیاض البیض داده شود و اگر دست بهیچ چیز نداشته
باشند اب خالص داده شود تا این که اقلاً اسید رقیق گردد طرز یاق حقیقی
اسیدها ما نیز منکلس ست است که تا حدی ازان باید بعضی خود انها را مواد
مدفوعه از قی اثر قلیات نمایند پس ازان باید با جانب وسائط علاجیه
عوارضی را که ازان سموئیت نتیجه شده اند رفع کنند مثلاً اوجاع شدید را
بواسطه تزریق تحت جلدی مرفین و قی سو را باعانت یخ و ضعف عمومی بدن را
بواسطه تزریق تحت جلدی اتر رفع نمایند —

استعمالات علاجیه اسیدها — مواقع استعمال علاجی مشترکه تمام اسیدها
عبارتند از حالات ذیل اولاً جهت تسکین عطش در امراض حمویه
و غیر حمویه ثانیاً در بعض حالات سوء هضم ثالثاً مانند تریاق در مسمومیت القالی

حامضه از قبیل نباتات رابگا مانند ضد حمی خامت در بعضی اوقات قلیه
سادگی مانند قابض و ضد عرق مستعمل اند ولی در این سه مورد اخیر از آن
تسکین تب جهت رفع عطش نباید چنین پنداشت هر اسید که هیچکدام
بر دیگری ترجیحی ندارند بلکه اسید سولفوریک و اسید نیتریک بیشتر کم رفع
عطش میکنند و جهت این مقصود اسیدهای نباتی بیشتر مستعمل اند اسید
فسفریک و اسید استیک و اسید سیتریک و سایر اسیدهای نباتیه ترتیب انسب
نیز زیاد مستعمل است و مخصوصا در حالاتیکه باید استعمال کم هر استعمال
مشروبات ممنوع باشد مثلا در نفث الدم یا در صورتیکه اسهال موجود باشد
و در این صور از مشروبات شیرین باید احتراز جست معمول اند و فقط
یک مانع در استعمال مشروبات اسیده موجود است و آن عبارت از عسر
هضم است و مصاحب تولید کثرت اسید یا در معده باشد بملاحظه اینکه
منفعت اسیدها در بعض حالات سوء هضم بدون شک است و مخصوصا

جوهر لیمو را در این باب استعمال میکنند و شرح آن را در ذکر مخصوص این جسم
تفصیل خواهیم داد و استعمال اسیدها را مانند طریاق در مسمومیت‌های از
قلیات مذکور داشته‌ایم و در هر صورت اسیدها را مانند ضد حمی زیاد
استعمال میکنند اگرچه اثر بسیار ضعیفی در آن حمویه دارد و عوارض حمی
تسکین داده و شدت آن را کم میکنند ولی از استعمال آن هیچ ضرر
حاصل نشود در حالات عفونیه اغلب اطبا چنین می‌پندارند که اسیدها
مخصوصا اسید کلریدریک دارای اثر ضد عفونه در تب و خون اند و نیز
اسیدها را در علاج طپش قلب مخصوصا در اثنای کثرة الدم زیاد استعمال
میکنند منضم با مسهلات و استراحت و تغذیه قلیل التحریک و در
و مخصوصا جوهر گوگرد را در این باب بیشتر استعمال مینمایند و در اثنای
مبتلا بنقرس دائمی بهتر آنست که آن را موقوف دارند اسیدها
چون از داخل مانند قابضات در نزف الدم‌ها عمده استعمال کنند

هیچ اثری ندارند اما در نزف الدم های خفیفه اغلب اسید استطیک یا اسید سولفوریک را
استعمال میکنند و نیز در کثرت عرق مستعمل ولی اثر آن غیر محقق است استعمال خارجی
اسیدها را در شرح مخصوص هر یک بیان خواهیم کرد —

فقرهٔ اول — اسیدهای معدنیه

اول — جوهر گوگرد — اسید سولفوریک

اعمال فیزیولوژیه آن — جوهر گوگرد که یکی از عناصر ثابته بول انسان است و از
سولفاتهای حاصله مشروبات و جزو اغذیه وارد بدن شده اند ولی مخصوصاً از مواد
البومینی تولید میشود گوگرد این مواد در بدن با اکسیژن مرکب گشته تولید جوهر
گوگرد میشود و شصت تا هفتاد جزء از صد جزء گوگرد محتوی در البومین اغذیه
بحالت جوهر گوگرد ملحی با بول دفع شده و شصت جزء از صد جزء سایر ترکیبات
مرکبه اسید سولفوریک را مانند اوره باید از محصولات انتهائیه
تبدیلات مواد ازته دانست و چنانکه ذکر کردیم نباید جوهر گوگرد و

و در اشتها و هضم مفید دانست و اثر آن در قلب و درجه حرارت بسیار قلیل است
استعمال مدید آن باعث قلت اشتها و سبب اختلالات هضمیه و حرقتهای
حامضه و اسهال میشود و سبب آن تولید سولفاتهای قلیائیه است و در اطفال
موجب ظهور اسهال میگردد اسید سولفوریک غلیظ آثار حرقیه ظاهر
میشود بسیار شدید اند —

استعمالات علاجیه — علاوه بر موارد استعمالاتی که در مطالب عمومیه بیان
کردیم باید دانست که اسید سولفوریک را جهت رفع قولنج سرب نیز استعمال کرده اند
و نیز چنین اسید سولفوریک بمقدار زیاده تدریجاً با عرق داخل کرده نموده اند
ممکن است بدان واسطه عارضه با کثار رود القلیات را برطرف نمود
جهت استعمال خارجی معمول که باشد اغلب جوهر شوره را بر آن ترجیح میدهند

قدر ثابت و ترکیبات — جهت استعمال داخلی اسید سولفوریک
مخلوط با آب مقطر میباشند (در این محلول جوهر گوگرد در دواخانه های آلمان یک

اسید سولفوریک مضعف است در ۵۰ جزء آب مقطر و در اماله ها خوراکه یک دو (۱ تا ۹)
دفعه ۵ تا ۲۰ قطره (یک تا ۴ گرم) و شب نزدیک و نیم تا یک مثقال می توان داد
در آب زیادی واحل کرده با شربت ولیمو ممزوج نموده بخورانند جهت استعمال خارجی
جوهر گوگرد متخبر را بکار می برند و جهت استعمال داخل مخلوطا از الکل می دارند
(شربت گوگرد است) از یک جزء جوهر گوگرد خالص است و در ۳ جزء الکل و ترکیب
آن از این ترکیب است که هضم مطهر است دفعه ۵ تا ۲۰ قطره و شب نزدیک ۱۵ تا گرم
مخصوصا در نزف الدم ها و صداع و آنچه و طپش قلب اسهال مستعمل است —

(۲) اسید نیتریک — تیزاب — جوهر شوره

اعمال فیزیولوژیه — از جوهر گوگرد کمتر رفع عطش کرده و از آن بیشتر باعث
اختلال هضم می کند و در صورت غلظت مواد البومینیه منجمد اگر زیاد
باشد حل کرده مایع زردی حاصل کند اثبات قی کار است آن باعث ترک
شده و راغشیه مخاطیه حنجره و شعب کرده —

استعمالات علاجیه — جهت استعمال اسید ها در مواقع فوق سایر اسید ها مناسب تر از
اسید نیتریک و اقرب به احتیاط اند ولی یک نوع از امراض است که در آنها
اسید نیتریک یا مرکب با اسید کلریدریک را زیاد استعمال می نمایند و آنها
عبارتند از بعضی علل کبد این مرکب را اسید نیترو موریاتیک نام (که عبارت است
از تیزاب سلطانی) چون از داخل یا شکل حمام عمومی یا بطور پاشویه یا بعوض
طلا در موضع کبد استعمال کنند در یرقان مزمن و آنچه در صورتیکه بسیار از
سایر ادویه مفید نشده باشد نافع واقع شده است ولی مواقع مخصوصه را که
در آنها تیزاب سلطانی در یرقان بهتر اثر می کند هنوز نیافته اند از خارج تیزاب
منجمد نموده مانند ... بسیار قوی جهت اضمحلال روییده گی های جلدی
و کندیلوم و غدد و نقاط و امثال آنها استعمال میکنند —
قدر شربت — از داخل دفعه ۵ تا ده قطره از او در مشروب لعابی مرقق
از خارج صرف گاهی به غلظ از او اختیار کرده به ... از چوب یا شیشه

اربابی سیدار نه ثانیاً تیزاب سلفنی یک جزء جوهر شوره است در ۳ جزء جوهر
نمک از در خنی مانند اسید نیطریک و جهت حمام عمومی ده تا سی شقق
ومطلا شوند و تا در ازده شقق آن مجوز است —

(۳) اسید کلریدریک (در اثر اسید ادریدکلریک و در اسید موریاتیک
نیز نامند و عبارتست از جوهر نمک) —

جوهر نمک که اضافه در صد جزء دارای ۵ — ۳ جزء جوهر نمک حقیقی است مایع زرد یا زرد
رنگ متغیر در هوا با بوی تند نما —

اثار فیزیولوژیه آن — چنانکه مذکور شد میدانیم که جوهر نمک در معده هضم دارای
اثر و اهمیت بسیار عمده است این جسم گذشته از اغذیه بلکه عظام و غضاریف
داوتا رسا حل کند بدین طرز که املاح آنها سو (که عبارت از ادار کاربونات
و فسفات است) محلول و غیرمحلول و رساب از آن تجزیه کرده باعث نرم خاصیت
ژلاطینی شدن مواد کرشمی سکرده و در صد جزء $\frac{1}{15}$ جوهر نمک کافی است

که تغییری در مواد البومینیه مخصوصاً در البومین عضلانی و پیه بدان واسطه در شیره‌های
معدیه حل شوند و تسمیت یا پپطون گویند جوهر نمک به تنهائی بدون اعانت
پپسین میتواند قسمتی از مواد البومینی را این حالت در آورد ولی در حضور (؟)
پپسین بدان همه دست نشاء این استحاله بسرعت مجری گردد و پپسین در
حضور مواد البومینیه مبدل به پپطون میکند که اسید هم وجود داشته باشد
و هرگاه این اسید موجود نباشد از پپسین تنها اثری ظهور نرسد
اسید همیشه باعث حصول ترکیبات شیمیائیه شود و حال آنکه پپسین
بسیار کم تولید نماید و عمده اثر آن این است که مانند مواد مخمره عمل نماید
و بواسطه انضمام مقادیر جدیده اسید آزاد و پپسین جهت هضم مقادیر جدیده
البومینی قادر میتواند شد با وصف بعد از همان سهولت که ذکر شد قلیائیه
دارا شدن اسیدها نتیجه آن است بسبب فقدان قوت هاضمه
میشود یعنی قسم مقدار بسیار کثیر اسید کلریدریک نیز موجب آن تواند شد

در حالت طبیعی وقتی که مقدار قلیائیات اغذیه در معده زیاد شد ترشح اسید هم
بهمان نسبت افزوده گردد یعنی همیشه حالت طبیعی برقرار و مستدام باقی میماند اما
اگر مثلاً در امراضی پس از عدم ورود نمک طعام در بدن حصول اسید معدی تدریجاً
معدوم شود یا آنکه ورود مقدار بسیار زیادی از قلیائیات سبب خنثی شدن
اسید آزاد معده شده باشد در آنوقت ثابت جوهر نمک بر عمل هضم
اعانت نموده و همینقدر مواظب باشند که مقدار بسیار زیاد آن اسید
استعمال نشود در صورتیکه مقدار بسیار کثیره و در حالت بسیار غلیظ این
اسید وارد معده شده باشد اثر آن بسیار کمتر از اثر اسید سولفوریک و اسید
نیتریک است —

استعمالات علاجیه — جوهر نمک بیشتر از همه در علاج مجاری هضم مستعمل است
و مواقع مخصوصه استعمال آن عبارت است از حالات ذیل (۱) در صورتی
از سوء هضم ها تابع قلت ترشح معدی باشد چنانکه این حالت در اشخاص

تغذیه خوب نگرفته و یا متوقف و دارای ریاضیات لازمه نشده و در همان
حین غذاهای سوء بسیار از طرف میل نموده‌اند مشاهده میشود (۲) در سوء هضم
مبتلایان به آنمی زیرا که عصیر معدی این اشخاص بسیار کم دارای اسید است (۳)
در بعضی حالات ترشح معده در جثه های مختصر و وقتیکه بواسطه تخمیر غیر طبیعی اسیدهای
دیگر بمقدار کثیره در معده ظاهر شده باشند و در این صورت آن را بنا به استعمال
کم دوام و وقتی است که آفات هضمیه تابع آفت عضوی معده نباشند بهتر است
اوقات جهت استعمال آن نیم ساعت قبل از غذا است (۴) جوهر نمک را
در اسهال های مزمن هم زیاد استعمال میکنند خصوصاً در اسهالهائیکه سبب آن بروز تخمر
غیر طبیعی در مجاری هضم باشد علی الخصوص در اسهالهای مخصوص اطفال سبب آن را تخمر
غیر طبیعی شیر میدانند (۵) جوهر نمک را در طاعون خیلی استعمال میکرده و خیلی
مفید دانسته‌اند برای معده در آفات متعدیه از کم و عمق ترشح در حالت فساد
خون وارد (۶) در دوات الفریه صفراوی که در بیمار عارض میشود و دیده

ضعف القلب بوده و در آن ممنوع و مضرت نیز زیاد استعمال نمی‌نمایند (۷) جوهر نمک
فی الحقیقه در سوء هضم قریب به همه مصاحب حالات معوی تقویت معده است
و بواسطه همین خاصیت جوهر نمک است که از استعمال آن در علاج امراض
حاده نتایج بسیار نیک حاصل می‌شود مقدار پپسین شیره معده تحویل خوب
ولی جوهر نمک آنقدر کم است پس جهت این از خواص هضمیه عصیر معده البته
اثنی عشر قرار گرفته بهم جوهر نمک بر آن افزوده از خارج استعمال جوهر
نمک زیاد است —

قدر شربت — از ده قطره ۵ تا ۲۰ قطره (یک تا الی ...) در شبانه روز
تا یک مثقال در مقدار زیادی شربت قند یا در مشروب لعاب ریخته بنوشند —

(۴) اسید فسفریک

در شیمی چهار قسم اسید فسفریک معین شده است (۱) اسید فسفریک ارطو
ارطو یا اسید فسفریک معمولی که سه معادله آب دارد (۲) اسید

پیروفسفریک یا ارطو که دو معادله آب دارد (۳) اسید متافسفریک یا
اسید فسفریک منو که یک معادله آب دارد و آن را اسید فسفریک زجاجی
نیز نامند (۴) اسید فسفریک انیدر یعنی بدون آب. اسید فسفریک ارطو
المانی محلول ثابت ۲۰ درصد و در فرانسه ۴۵ درصد اسید فسفریک متعارف است

آثار فیزیولوژیه — اهمیت اسید فسفریک را از آن حیثیت که از عناصر
ثابته بدن است در مبحث فسفاتهای قلیائیه بیان کردیم چون اسید فسفریک
به مقادیر قلیله و مخلوط با مقدار زیادی آب تجویز شود همان آثار اسیدهای
معدنیه را حاصل کنند ولی بدرجه بسیار ضعیف‌تر طعم آن خیلی مطبوع است
و نیز خواص کاسته آن بسیار ضعیف‌تر از خواص اسید سولفوریک و اسید
ازطیک و جوهر نمک است —

استعمالات علاجیه — علاوه بر مواقع استعمالات عمومیه اسیدها اسید
فسفریک را در علاج عانقرایا دفع و نرمی عظام نیز جهت اصلاح عدم کفایت

این اسید در عطاها این علت سالها نسبت می دهند استعمال میکنند

تا اینکه در حصاة رسوبهای فسفاتی موجود است جهت حل آنها مجوز است —

قدر شربت — دفعه ده تا سی قطره و شبانه روزی تا ده قاشق در آب

یا بصورت حب مینویسند (از یک جزء اسید فسفریک و یک جزء مسحوق

نبات و یک جزء عصاره سی حب کنند) —

اسیدهای دیگر را نیز مذکور می داریم که در علم علاج قلیل الاستعمال اند —

(۵) اسید کرمیک

عمده استعمال آن از خارج و جهت حصول کاستیک است که باعث شیمی و رنگ

اسمر زرد رنگ آن جیسکر می گردد، با آنها می در شکاف است و در این کار آنرا

با همو زن خوراب در قروح و لکه های گوشتی دهان و غیرها زیاد استعمال کنند

این جسم را مانند کرمات و بی کرمات دو پتاس جهت سخت کردن

پارچه های تشریحی بکار میبرند و آنرا خالص جهت که در قروح گوشتی مستعمل مقدار

و بهترین مایعی که جهت حفظ الماس معمول است از این قرار است بی کرمات

آب مقطر	با سولفات دو مرکور	جوهر گوگرد	دو پتاس
۳۰۰	۲ گرام	۲۵	۲۰

(۶) اسید بریک

اسید ضعیفی است از اسید فینیک قلیل التحریک تر بدین واسطه در این ایام

مانند ادویه ضد عفونیه مستعمل است محلول یک در ۱۳۳ آن مانع نمو و تولید

و تکثیر باکتری میگردد این جسم بمقدار سه و نیم در صد محلول است در

رفع متعفن و عفونت در زخم سطحی یا بصورت اماله معمول است و در این حالت

روزی سه دفعه هر دفعه پنج شش قاشق اسید بریک را در ده دوازده

سیر آب حل کرده اماله نمایند و نیز از محلول آن در ورم قلاعی دهان

در اطفال و مسلولین بسیار تمجید نموده اند —

(۷) اسید سولفورو

خود آن در علاج مستعمل نیست ولی سولفیت ها و هیپوسولفیت های قلیائیه

و قلیائیات خاکی خصوصاً ایپوسولفیت دو سود اغلب در این اواخر در امراض
بواسطه تغییرات غیر طبیعیه تجزیه خون حاصل می‌شوند (از قبیل طیفوئیس حمیات
حاده بثوریه و تعفن دم خون) تماماً اینها را مانند ادویه ضد عفونه
از که بدین ملاحظه آنها را و در ابتدای این امراض مانند مواد ضد تخمر
در بدن داخل می‌کنند جهت حصول این مقصود دفعه ده تا سی گرم
ایپوسولفیت می‌دهند و یا در صورتیکه حدوث قی و اسهال هم
مطلوب باشد نمک مشتقه آن را تجویز می‌کنند و نیز این جسم
در حالت انضمام با نصف خود که صد تا دویست گرم ایپوسولفیت
باشد جهت ساختن حمام گوگردی مستعمل است و گاهیکه ۵ دقیقه مریض
در حمام‌ها اضافه می‌کنند —

فقره ثالثه — اسیدهای آلیه

در اینجا اسیدهای آلیه را هم از حیثیت اثر فیزیولوژیه شباهت تامه

با اسیدهای معدنیه دارند و اغلب آنها جزء طبیعی ابدان است ولکن بعضی دارای
اثر موضعی آنها بسیار ضعیف‌تر از اسیدهای غیر آلیه است و باعث
حدوث ورم و حصول نقطه کهنه ولی بهیچوجه موجب انهدام انساج
نتوانند شد بملاحظه این بعضی اسید فنیک و فصل مشترک میان اسیدهای
معدنیه و اسیدهای آلیه است بمقادیر جزئیه بسیار کم مانند اسیدهای
معدنیه در جریان دوره حرارت اثر کنند —
در شیمی جدید آلی جهت اسیدها سلسله‌های معین وضع کرده در ابتدای هر یک
فورمولی قرار داده اند مثلاً بعضی اسیدها هستند منوبازیک و
دوبازیک اند و فورمول آنها $C^n H^{2n} O^2$ است اسید
استیک و اسید بوطیریک و اسید والریک و امثال آنها هم جزء این سلسله
محسوب می‌شوند حالیه از این سلسله اسیدهائی را مذکور می‌داریم که در
طراپوطیک بیشتر معمول اند —

(۱) اسید فرمیک (جوهر مورچه)

این جسم بحالت خلوص در مورچه و در نیش زنبور و امثال آنها موجود است و بحالت ترکیبات یعنی بحالت املاح در روغن و عضلات و طحال و با نمواسی و در خون حیوانات اعم موجود است و در همه جا محصول اشتعال تجزیه های ناقص است و از بدن بحالت اسید فرمیک یا عرق دفع شده یا بحالت اسید کاربونیک محترق میگردد و از جهت تحریک جلد بصورت روح استعمال میکنند (۱) تعفین مورچه ۱ جزء مورچه با ۳ جزء الکل مقطر سحق میزنند اسانس تعفین را بحالت خلوص یا با آب یا الکلات کافور (الکل کافوره) در اوجاع روماتیسمی عضلات با تب و امثال آن استعمال میکنند و شبانروزی ۳ دفعه میمالند و بعضی وقت جسم ذی (۲) الکل فورمی عبارت از الکلی است که در روی مورچه ریخته و تقطیر نموده‌اند —

(۲) اسید استیک — مقطر سرکه — جوهر سرکه

این جسم در حد نهایت نسبتاً اول اسیدهای آلیه واقع است (زیرا که فورمول آن $C^{2}H^{4}O^{2}$ است) این اسید از ترشی و تعفن بطئ مواد آلیه و از تقطیر چوب درست شده و از اکسیده شدن الکل و امثال آنها تولید میشود —

احوال فیزیولوژیکی — اسید استیک در معده و در روده که اغذیه ترش شده خورده باشند یافت میشود لیکن از آن در کبد و بعضی از اعضا و در خون الکل خواران و مبتلایان به لوسمی (که عبارت از مرضی است که در آن گلبول سفید خون زیاد میشود) و در عرق و بول یافت میشود اغلب بحالت املاح و ترکیب غیر ثابت است و مانند اسید فرمیک یکی از محصولات تغییرات آلیه تجزیه های ناقص است که بتدریج دفع الکول در بدن محو میگردد این جسم از دره جلد بسهولت و از اغشیه مخاطیه در بدن نفوذ میکند و در حالت ترکیب با بازها در سیلاب جریان دم وارد شده و لیکن از مدتی مبدل با اسید کاربونیک گردد

محرق میکند اما اگر مقادیر مستعمله آن بسیار زیاد باشند و قلیایی از آن موجود در بدن

یا مرکبات اسیدهای ضعیفتر جهت اشباع آن کافی نباشند آن وقت

اسید استیک آزاد و در بول ظاهر گردد و در این حالت بول حیوانات علفخوار

که در حالت طبیعی قلیائیست اسیده و اسیدیته بول حیوانات گوشتخوار

بیشتر از حالت طبیعی میشود علاوه بر آثار سابقاً در مطالب عمومیه مذکوره از اسیدها

از مقادیر قلیله این اسید آثار دیگر نیز حاصل میکند شرب سرکه رقیق

باعث احساس طعم ترشی و قلت عطش شده عمل هضم بسیار کم تسهیل میشود

در جلد و درجه حرارت اشخاص سالم هیچ تغییری روی نمیدهد و مقدار بول

زیاد شده و چون در جلد سالم آنرا بمالند بواسطه تبخیر آن مایع احساس برودت

شده آن موضع پریده رنگ گردد و بعد ملتهب و در مواقعی که این مایع را اثر

داشته باشد ترشح عرق کم گردد استعمال بسیار وافر و بسیار زیاد اسید استیک

سبب فقدان اشتها و اختلالات هضمیه و اسهال و لاغری و هزال بلکه

گشته اند بسبب طور کول نیز میشود اسید استیک غلیظ باعث غلظت والتها

معده شده منجر بظهور علامات معدیه و استفراغ و عطش بسیار شدید و اوجاع

شدیده و قی و نفخ شکم و حالت اغما و مرگ گردد —

استعمالات علاجیه — استعمال خارجی آن در همان مواقعی است که در

مطالب عمومیه ذکر شد از خارج سرکه را بسیار استعمال میکنند جهت

سد نزف الدمهای خفیفه (نزف الدم شعریه) از قبیل رعاف و نزف

الدمهائیکه از کندن دندان عارض میشوند معمول است غسول آن جهت

تقلیص عروقهای بسیار وافره و اماله آن جهت تسریع حرکات دودیه امعاء

و تقلیل درد والتهاب مستعمل است و در غشی آنرا نیز بکار میبرند و جهت رفع

روایح متعفنه بکار است سرکه فی الحقیقه نافع است اما سبب رفع عفونت

حقیقی نگردد بلکه همینقدر بوی آن در هوا پراکنده شده قائم مقام بوی

نتن میگردد بدون اینکه موجب تصفیه و تنقیه هوا شود چون سرکه که

در طورهای ردیّه جهت اضمحلال غربّالها ازاین طورها تدریق نموده‌اند و آن‌هم

تدبیر بدون خطر نیست —

قدر شربت و ترکیبات — جهت استعمال داخله همان سرکه بهم جهت

کافی است که از آن شربت سرکه و سکنجبین و مشروبات حامضه بسازند چون

سرکه غلیظ را از ۵ تا ۳۰ قطره می‌توانیم داد و قدر شربت اسید استیک

اما از ضعف آن است در دواخانه‌ها آن سرکه مقطر یافت شود که جهت

استنشاق بی‌رات و تبخیر آن در هوای حجره بسیار ترکیب خوبی است —

تبصره — اسید والریانیک هم جزو این سلسله محسوب می‌شود در حالت

خلوص غیر مستعمل ولی در ریشه سنبل‌الطیب و در روغن کبد ماهی در حالت

مستعمله موجود است و نیز از این اسید املاح عدیده از قبیل والریانات

دو چینوت و والریانات دو زنک و والریانات و اطروپین و غیرها

ساخته‌اند —

(۳) اسید لاکتیک (دی‌اطومیک و منوبازیک)

در قسمت اسید لاکتیک متعارفی یا حاصل از تخمیر که بواسطه تخمیر قند شیر و قند انگور

و قند نیشکر دانسته و صمغ تولید می‌کند و با عین بسیار ترش است دیگری اسید

سارکولاکتیک است که در بعضی مواقع از گوشت اخذ می‌باشد —

اهمیت دوائی و فیزیولوژیه — در معده دخیره آن اسید لاکتیک متعارفی از اغذیه

قندی و مواد نشاسته تولید می‌کند اهمیت این جسم در هضم در حالات

طبیعیه مذکور داشته ایم اسید سارکولاکتیک در عضلات و در حین اعمال

آنها و نیز در ابتدای حدوث خشکی و کشیدگی نعش تولید می‌کند که بواسطه انجماد

میوزین سبب ظهور این حالت در نعش می‌گردد در خون اسید لاکتیک وجود ندارد

مگر در حالات مرضیه مثلاً در حمیات عفونیه و در لوسمی و امثال آنها اسید

لاکتیک مجاری هضم کمالت ترکیب قلیائیات دارد خصوصاً با بول در

حالتیکه متصیب به کاربونات های قلیائیه شده است خارج می‌کند و اگر تغذیه زیاد

نشسته و با جهات قلیلی و امثال این شرایط موجود باشد این اسید بدون تغییر از بدن خارج گردد و این مسئله همیشه دال بر انتقاص شدید تغییرات و عمل اکسیداسیون این اسید چنین معتقد در قسمت مقصود وارد و معدل شده معین نیست و نیز خاصیت منومه از آن دیده اند در ثقل و در سمیت کالکات در سابقه مذکور شد مقادیر بسیار کثیره و استعمال مدید آن باعث همان آثار رداءه مرض صادره از سایر اسیدها حاصل میکرده بعلاوه دیر زائل و غلیظ باعث ورم معده و امتلاء شده بول در آن وقت دارای قلیانی میشود —

استعمالات علاجیه — اسید لاکتیک را در حالت سوء هضم استعمال کرده و الکلینه چون هنگامیکه برای ترجیح سید منه از خارج اسید لاکتیک را جهت شستن دهانها را از رسوبات آهکی مستور شده باشد استعمال میکنند زیرا که خاصیت آن این است را ابلاغ خالص و نیز اغذیه کافی به گروب دو نقطه را حل میزاید و جهت این مقصود بنات آن را استنشاق میشود (یک

منقطع در صد منقطع اسید آب آهک) و نیز اسیدهای ذیل را مجملاً مذکور میداریم —

(۱) اسید اکسالیک — (در اطوسیک و بازنیک) در طبیعت در کثیر از نباتات بشکل اکسالات در پطاسیوم در اکسالات‌ها (طائفه ترشک) و بشکل اکسالات کلسیوم و سدیوم در ریوند و لیکن‌ها یافت شده در بول نیز بحالت انحلال بصورت حصاة وجود دارد —

(۲) اسید سوکسینیک — (در اطوسیک دو بازیک) در کهربا و مشتقات آن وجود دارد و در بول پس از استعمال اغذیه‌ها دارای اسید مالیک یافته شده و شوهات اسید ذیل در میوه‌های دارای آنها هستند در بدن مانند اسید طبیعی اثر کنند و آنها عبارت است از اجسام ذیل —

اول — اسید مالیک یا اکسی سوکسینیک (طور اطوسیک و بازنیک) (اسید سیب) بحالت آزاد در میوه‌های سبز نارسیده و در میوه‌های رسیده بحالت ترکیب با قلیایات یافت شده مثلاً در کیلاس مالات

در پطاس بر حوبات —

دوم — اسید طرطریک (طرطاتونیک و یا بازیک) بمقدار زیادی در عصیر انگور یافت شده و در حین تخمیر آن رسوب شده که بی‌لت طرطرات اسید در پطاس مشهور گردد آن را در طب خصوصاً جهت ساختن سفوف‌های جوشی و اشربه استعمال میکنند —

سیم — اسید سیطریک (طرطاآطونیک طرف بازیک) این اسید خصوصاً در لیموی ترش و تقریباً در تمام میوه‌های دیگر که شیرین و ترش مزه‌اند و نیز در چغندر یافت شده جزئی از آن اسید در آنها بی‌لت ارادیت این اسید مثل اسید لیمو جهت ساختن لیموناد و نیز جهت اشباع بکار برده (یک جزء شربت کربونات دو پطاس با یک جزء اسید لیمو یا بیست جزء اسید سیطریک) و می‌توان جهت لیموناد باده جزء اسید سیطریک و صد و بیست جزء قند و یک قطره عطر لیمو سفوف ساخت —

میوه‌ها — خواص عمده کثیری از میوه‌جات به واسطه وجود اسیدهای مذکور شده که بی‌لت ازادی یا مرکب با بازها در آنها موجودند در بعضی میوه‌جات علاوه وجود مقداری قند شده و نیز به واسطه خاصیت غذائیه آنها چندان نیست زیرا مواد آلبومینی و نشاسته بقدر در آنها کم است عطر آنها به واسطه وجود مقادیر بسیار قلیله روغنهای اطری معطره است اثر غذائیه میوه‌جات به واسطه همین اثر اسیدهای آلی و املاح نباتیه از اثر میوه‌جات بعد بار شده و قلیائی می‌کنند (زیرا که اسیدها متبدل بکاربونات های قلیائی می‌شوند) یا آنکه مواد برازیه رقیق میکنند چون بمقادیر بسیار زیاد خورده شوند باعث عسر هضم و اوجاع بطنیه میکنند و در رفع حرارت آن نیز مداخلت در حصول حالات مذکوره دارد میوه‌جات مانند اسیدهای آلی هیچ اثری در درجه حرارت و دوران ام ندارند بلکه مانند اسیدها تسکین عطش داده و از آب شهرها بهتر ...

در رفع عطش و التهاب بکار میرود اسید دیگری در فصل مشترک اسیدها و القلیها واقع
و در اینموقع اثرات مذکوره را دارد —

(۶۴) اسید کاربونیک

گازیست بیرنگ محلول در آب با بوی و طعم ترش و لذیذ —

اهمیت و آثار فیزیولوژیه — از این اسید هم آثار اسیدهای ضعیفه و هم آثار
القلیه محرکه در جوف مانند القلیها ظاهر گردد و یکی از عناصر ثابته بدن است
مقدار قلیلی از آن در بدن از هوا و اغذیه وارد میشود و جزء اعظم آن از انساج
و خون تولید میگردد از آن جزء در اثناء حاصل شده است در خون عروق شعریه
مرده خون شریانی بطور متوسط سه درصد بحجم خون و در وریدی ۳۵ تا چهل
درصد دارای آن است از خون بواسطه ریتین در هوای جوی پراکنده میگردد
و جزئی از آن هم از جلد و اغشیه مخاطیه خارج میشود اسید کاربونیک پس از
مدفوعات است و زندگی مستدام نگردد مگر بشرط آنکه بدن علی الدوام

بواسطه تنفس آنرا از خود خارج نماید و تمام این جسم اثر و اهمیت عمده هم
در بدن دارد و آن این است که مانند عامل محرکی تمام لوازم اعمال تنفس
و جریان دم است اثر مخدره این جسم چنین بواسطه استنشاق وارد بدن شود
تنفس باعث بروز آثار مسمومیت گردد و همینقدر کفایت میکند که
هوای مستنشق در صد جزء یک جزء اسید کاربونیک داشته باشد تا آنکه آثار
معتنی بها ظاهر کند در این وقت عرق و اضطراب و صداع و دوار و
وطنین و یک نوع حالت مستی ظاهر شود پس از آن عسر تنفس و بطوء نبض
و کنوولسیون های عمومیه حاصل شده بالاخره فقدان شعور و سیانوز و
انتقاص ضربانات قلب دست داده بواسطه فلج تنفس (اختناق)
هلاکت عارض گردد و جهت بروز این آثار اخیره بسمومیت کافی است
که هوای جوی در صد جزء دارای ده یا نزده جزء اسید کاربونیک باشد
خالص آنرا حیوان استنشاق نتواند زیرا که بدون تامل باعث تشنج های

شدیده دندانها و حنجره گردد و چنین آبها که دارای اسید کاربونیک است بنوشند
باعث حصول طعم حامض لذیذ و احساس برودت در معده شده و مانند سایر
اسیدهای رقیقه تسکین عطش و تهیه ترشحات بزاقیه و معدیه افزوده
شده حرکات امعا کمی سریع گشته و تحریکات معده بواسطه کثرت بروز
اسید کاربونیک در معده حاصل شده اند با خروج سایر تحریکات متعفنه را بیرون
می آورند و این از اعمال عمده اسید کاربونیک است و نیز مقدار معتدلی زیاد گردد
این طرز استعمال اسید کاربونیک هیچوقت باعث مسمومیت نگردد و در نتیجه
زیادتی این گاز در خون وارد می شود فقط بواسطه تنفس طبیعی
دفع می گردد —

استعمالات علاجیه — اسید کاربونیک محلول در آب در فرنگستان
خیلی مستعمل است اولاً جهت ترو تازه گی و خنکی دهان و رفع عطش
دیگر آنکه در امراض حموضیه آن را جهت تسکین عطش استعمال کرده و نیز

کرده اند اما باید در حالتیکه حالت کثرت سیلان خون در دماغ و ریتین موجود است
و یا آنکه عمل قلب باسانی تحریک پذیر است استعمال آنرا موقوف دارند و نیز از جهت
آنرا جهت رفع عوارض و علامات مختلفه آفات مختلفه معده استعمال میکنند
اولاً منفعت آن بدین ملاحظه است که باعث تسکین تهوع میگردد در بعد
از خوردن غذای بسیار زیاد یا از افراط در الکلیات حاصل میگردد و نیز تقریباً
در تمام اقسام قی مؤثر و نافع است و در علاج نزله مزمنه معدی نیز آن را
مانند واسطه علاجیه استعمال کرده و منفعت کرده اند و از تجربه معلوم شده است
که از آبهای معدنیه قلیائیه و قلیائیه حامضه چنانچه اسیدی در مرض دیسپپسی در اوایل
در صورتیکه دارای اسید کاربونیک باشند مفیدتر است و نیز بسیار عدیده
در صورتیکه اسید کاربونیک آزاد در آنها باشد الکل موجود است
معده بهتر تحمل آنها میکند و بنابراین مؤثرتر اند اسید کاربونیک دارای
از سبب معده در علاج نزله های مزمنه ساده حنجره و شعب قصبه نیز جهت

وبدان واسطه استنشاق بخره آنها را هم دارای اسید کاربونیک باشد در علاج
خناق مزمن • و ورم غدهٔ حنجره تجویز نموده اند از خارج این گاز را بشود بطور استحمام
دنطول در علاج فلج های مزمنه و اوجاع عصبانیه رو بطبیعی مزمنه و مخصوصاً در امراض
اعضای تناسلی نسوان (در حکة القبل و در حبس طمث مزمن • و در حالت عقم زنان
مجهول باشد و اسباب آنها) استعمال میکنند از نطول اسید کاربونیک گاهی در زکام
و نزلهٔ مزمن گوش شفا حاصل شده و جهت این مقصود آبهای معدنیه را هم که دارای
اسید کاربونیک است بکار برده اند (سلطر و شوال هایم و سلطز) و یا محلول
های مصنوعی آن را استعمال میدارند —

فصل ۶ — در بیان
الکل ها و مشتقات آنها

الکل ها و مشتقات آنها در بدن یک نوع باعث حصول مستی و حالت مخمور
شوند و بدین ملاحظه تمام آنها را در یک مبحث مذکور میداریم و تمام این مواد

بدون شک در بدن آثار راجعهٔ شان یک نهج است و بسیار قریب بهمین است
و آثار مسمومیت حاصله از آنها بواسطه یک سنخ تغییرات شیمیائیه هم در مواد
آلبومینیه می دهند حالت مرکب میکنند و مخصوصاً بر پروتاگون (ماده مخصوص مغز)
یا دسومات (لسیطین و کلسطرین) مواد عصبانیه است و این مواد مست
کننده در آنها بیشتر اثر میکنند اختلاف آثار این مواد باختلاف نقطه
غلیان و شدت و ضعف قرابت آن و بطرز ورود آنها در بدن بیشتر
مربوط است تا بر ترکیب اصلی آن چون بواسطه تنفس اقسام بسیار فراره
آنها مثل اطر و کلروفرم و غیرها مجذوب شوند اثر شان بیشتر سریع الزوال
ترست نسبت بآنهائیکه قرار نیست یا از سطح معده و یا از ورای جلد
داخل بدن شده اند و در این مبحث الکل متعارفی و مشروبات الکلیه و کلروفرم
و کلرال ایدراطه و اطر و الدئیت و یا الدئید و نیطریت د امیل و یدوفرم
و بالاخره سولفور دو کاربون را مذکور میداریم —

فقرهٔ اول — الکل مُتعارف

الکل مطلق یا جوهر شراب یا الکل اتیلیک (باصطلاح شیمیائی) یا الکل انیدر
یا خالص مایعی است بیرنگ با بوی مطبوع که در برلن در ۷۸ ° بغلیان آید
و با سهولت میسوزد و میل ترکیبی زیادی با آب دارد و آب هوا را بشدت
جذب مینماید الکل حلال خوبیست جهت رسومات و شقوق دواها و
ید و یدفرم و اشباه آنها —

اعمال فیزیولوژیه — الکل از ورای جلد سالم و از تمام اغشیه مخاطیه نفوذ
در جریان دم توان نمود مقادیر قلیله الکل مشروب در معده اکسید شده
و مبدل باسید استیک میشود اما اغلب آن بدون تغییر در خون و
انساج داخل میشود و نیز مقدار قلیلی از آن بهمان حالت الکلی رود و از
بعد از شرب از ورای ریتین با هوای زفیر و از ورای کلیتین با بول و از
ورای جلد خارج گردد در ۲۴ ساعت $\frac{16}{100}$ الکل مشروب از طرق

مذکوره از بدن خارج میشود جزء بسیار زیاد الکل مجذوب در بدن اکسید میشود
و عضوی که از ابتدا بشدت تمام الکل را در نسج مخصوص خود جذب مینماید
دماغ است یعنی بعد از استعمال الکل این عضو از همه بیشتر دارای الکل میشود
قدری بعد وقتی که دماغ بالنسبه از آن اشباع شد سایر اعضا مخصوصاً ریه
و کلیه و عضلات در نوبت خود از آن اخذ مینمایند عضلات بر خلاف
اشباع میشوند ولیکن جذب نمایند که مقادیر بسیار قلیله بین اعضاء مختلفه
بدن قوت جذب و اشباع شان از الکل متفاوت است و در درجه حرارت
مرتفعه و در قلت فشار هوا مثلاً در طهران بهتر از برلن بدون ضرر میتوان
مقدار زیادی از الکل متحمل شد زیرا که در این شهر الکل زودتر دفع میشود خواص
بسیار عمده و اصلیه الکل که بواسطه انتشار الکل در بدن اثر میکند عبارتست از از
اینکه (۱) الکل دارای این خاصیت است که بامکان سهولت تبخیر میشود اگر
درجه حرارت بیست باشد (۲) میل کثیری بجذب آب دارد و بلکه آب انساج

نیز جذب می‌شود و کبد کمتر تحمیل امر متعین بوده شد (۳) الکل تمام مواد البومینی
و پپطونها و مخاط و ژلاطین را از محلولات خود راسب کند (۴) و سمومات
را حل کند (۵) خواص ضد تعفن و ضد تخمیر دارد —
اختلافات عمده مابین اثر حاد الکل و اثر مزمن آن موجبات را جای ذکر
آنها می‌پردازیم —

مسمومیت حاده الکل (مستی) — در اشخاصی که عادت بشرب الکل نداشته
شرب الکل ابتداءً باعث ظهور آثار موضعیه ذیل که مقادیر قلیله آن
(۵ تا ده گرم) از الکل مطلق با بنی ۰ درصد درجای ملح باعث احساس
حرارت و سوزش در دهان و مری و معده شده ترشح براق و ترشح عصیر
معدی بسیار زیاد شود و از تمام عوامل محرکه الکل در دهان ملاحظه شدت اثر
بیشتر است پس از این تحریک اشتها شود و هضم غذا سهل گردد خصوصاً
هضم دسومات که در الکل بسهولت حل شده حرکات معدیه و نیز حرکات

دودیه امعاء افزوده شود مقادیر کثیره الکل بعکس باعث اختلال هضم
گشته ابتداءً مواد البومینی و پپطونها را منعقد کنند و پس از آن مانع
ترشح شیره معده شده غشاء مخاطی معده را چون کم و عروق شعریه آن را
منقبض کنند استعمال مدام مقادیر کثیره الکل سبب سوء هضم و نزله مزمن
معده و امعاء شده اشتها را کم کنند شرب الکل غلیظ یعنی الکلی که آب
آن کم باشد (الکلهائی بیش از ۵۰ درصد باشند) ابتداءً باعث احساس
بسیار موجعی در مجری هضم و موجب ورم معده و امعاء گشته و نیز سبب
غشاهای مخاطیه و قی و اسهال و خروج مواد مراریه خون آلود شده و این
آفات موضعیه ممکن است بواسطه سکون و تب متغیر بهلاکت کشد —
آثار عمومیه مسمومیت حاده الکل دارای اختلافات کثیره است خصوصاً
مربوط بعادت و سن و نوع مشروبات را استعمال کننده الکل
خالص چون بمقادیر متوسطه مخلوط با مقدار زیادی آب خورده شود اغلب

قطع نظر از اثر جذبیه که در عضلات هضم دارد باعث حصول حالت خوشی
و تنوع و کثرت قوای شعوریه و بدنیه و غیرها میشود اما اگر انتشار سریع النزول البته
اگر مقدار مجذوب زیادتر باشد صورت و ملتحمه قرمز شده چشمها براق و درخشنده
و درخشان و جلد خصوصاً جلد رأس گرمتر شده نبض قوی و سریع که آن وقت
تحریک دماغی دست داده ادراک سریع و شدید گشته میل شدیدی بحرف
زدن و خواندن و جستن حاصل میشود پس از چند ساعت ممکن است این حالات
رفع شده حالت طبیعی عود کند اما اگر جذب الکل متعدد و مستدام شود آن
وقت علامات تحریک کم کم ضعیف شده و از ضعف و خرافت
قائم مقام آنها میشود تکلم مضطرب و حرکات بدون اراده و بدن در حین
راه رفتن باینطرف و آنطرف میرود تمتع و قوه سمع و خواب حاصل شده
بالاخره بخواب میرود پس از بیداری سر سنگین مانده و اغلب نزله معده
و تهوع و قی از آن نتیجه میشود در درجات بسیار ترقی مستی تحریک اولی ممکن است

تا بحالت هذیان و اختلال مشاعر برسد پس از آن شارب بیهوش شده
بحالت شبیه بخواب افتاده در آن حالت هیچ احساس و جواب دیگران نمیکند
و بعینه شبیه به کسی میشود که بکلی فهم و بیهوشی شده باشد اما در باب اثر الکل در بنیه
مدت بنیه معین شده است که مقدار قلیل آن باعث ازدیاد اخراج اسید
کاربونیک و جذب اکسیژن میشود و مقدار کثیر آن سبب کم کردن میشود
در ابتدا باعث کثرت اخراج اسید کاربونیک و جذب اکسیژن شده
اما پس از آن اثر مخالف ظاهر میشود آن وقت شخص به مقدار بسیار کمتری
الکل استعمال میشود و اخراج اوره از بدن آن کم شده است الکیه اسیون تولید
البومین در بدن او کم شده و بالاخره بسیار قوی انفیه و سمین شوند زیرا که
البومین بدن زیادتر شده و وضع تغذیه بدون تغییر مانده است سابقاً
جمیع اطبا عقیده داشتند که الکل باعث احساس شاربین بحرارت در بدن
میشود چنین میپنداشتند که الکل موجب افزایش درجه حرارت بدن

مرگ گردد ولی از تجارب جدیده عدیده این عقیده هنوز بتحقیق نپیوسته است
مقادیر قلیله الکل هیچ اثر اصلی در درجه حرارت ندارد و مقادیر کثیره بالعکس
باعث کمی درجه حرارت شده در آن انتقالی نسبت مستقیم با کثرت مقدار
مشروب دارد اما جهت نزول درجات حرارت حمّیه بسیار ضعیفه
استعمال مدام مقادیر بسیار کثیره لازم است و در حالت بسیار شدیده به مسمومیت
الکلی و مثالهاست که حرارت را تا ۵ درجه نازل کرده است —

مسمومیت مزمنه الکلی — بدن میتواند بمقادیر زیاد الکل بتدریج زیاد شده
تا حدی بسیار که بدون آنکه آفات و عوارض مسمومیه از آن ظاهر گردد
اما از این حد معین است بحسب اشخاص مختلف است چون تجاوز کند یک
رشته آفات خطیره ظاهر که معروف و موسوم است به مسمومیت مزمنه الکلی
بعد از آن شراب (جنون خمری) و را ابتدا عدم اشتها و اختلالات
هضمیه و تغذیه حاصل شده قی های عارض شود گاه اسهال (بواسطه تخمرهای

غیر طبیعیه اغذیه) و گاهی قبضها آنه و بواسطه تغذیه غیر کافیه خون کم مایه شده
جلد پژمرده رنگ و در همان وقت دسومت در تحت جلد و در تجاویف
بدن و در حول قلب جمع شده و یک نوع سمن دست دهد که گاهی چشمها وارد
جلدی رجالی مخصوص شده قرمز رنگ و دستها شروع برعشه مینمایند
و قوای بدنیه و مشاعر خیلی از پیش تدریجاً روی بانحطاط گذارده و یک
نوع حالت غمناکی و وهمی عارض گردد و قوت عقلیه بدن ضعیف گردد
بکم بوضع سریع الزوال پس از استعمال مقادیر کثیره جدیده الکل و انقطاع
استعمال الکل باعث آن میشود که مریض بحالت ضعف و اضمحلال اغلب افتد و از
موجب بروز جنون خمری گردد این حالت جنون اغلب مسبوق بهنگام
مالیخولیا یا با نباتات و شروع آن بهذیان سیون بعضی حالات غیر موجوده
میشود که مریض حیوانات کوچک و بعضی اشکال مدهشه بنظرش میآید
اصوات مختلفه شنیده و در روی جلد خود احساس مانند آنکه از تار عنکبوت

حاصل میشود مریض را پس از آن علامات اختلاط شعور و ضلالات نموده و تنفس خفیف
آثار باصره و نوبه های صرعی و سکته شکل حاصل میکند آخر تنفس کبودی رنگ و ضعف قلب
شده مرگ در حالت نهوکت در رسد در بعضی علامات نزله مزمنه باقی
و قرمزی غشاء مخاطی معده و التهاب شحمی کبد و کلیتین و قلب و عضلات و ورم
مزمن جیب دماغ و خلیج ها المی مغز و مانند اینها —

علاج مسمومیت — در حالات خفیفه مسموم پس از چند ساعت بواسطه نوم عمیق خوب که
برطرف میشود جهت رفع اعیاد و کوفتگی را پس از آن باقی میماند در هوای
خوش گردش کنند جهت رفع تهوع و قی بهتر است که آب سلطز
را خنک کم کم بنوشند و قطعات یخ را بخورانند در علاج نزله معدی را از آن نتیجه
شده است باید مدت سه روز خوب پرهیز ملاحظه دارند در صورتیکه مسموم
بسیار شدید و علامات خطیره ظاهر شده باشد باید اول کاری که لازم
است عارض کنند (و بهتر است پس را حالا جهت حصول این مقصود در دادن است

تدریجی تحت جلدی آپومورفین است) پس از آن اطباء مقتدره باید معده را بشویند
دارند اگر تنفس منقطع شده باشد باید بواسطه رشتن آب سرد و داشتن آن در
سینه ها باید تنفس مصنوعی را در استعمال آن نمایند سبب بقا و در این حالت
فصد میکنند و بنابه تکالیف این تدبیر ساد در صورتیکه حالت نبض و قوت عضله
قلب ضعیف باشند یا در صورتیکه از سایر تدابیر فایده نبرده مأیوس شده باشند
ترک داشت در این حالت آمونیاک مایع نیز تجویز کرده اند —

در بیان مشروبات الکلیه

مشروبات الکلیه را در ممالک خارجه در حالت صحت استعمال میکنند عبارت است
از انواع مختلفه شراب و شمپانی و عرق و لیکورها (شربت های الکل) داشتن آنها حرمت
استعمال آن در نزد اسلامیان مانع از این است که در حین صحت آن ها را
بکار برند اما باید دانست که بجای الکل و مشروبات الکلیه
مانند مواد مغذیه بعنوان مشروبات تقویه استعمال میشود عبارت است

از مطلب ذیل مواد مغذیه بر دو نوع اند اول موادی که عناصر لازمه ترکیب بدن
از آنها بدست می‌آید (که عبارتست از بیاض البیض و گوشت و املاح و آب)
ثانیاً مواد دیگری که فقط محترقه‌اند و تکلیس مواد نوع اول بتعویق انداخته نظر میکنند
یعنی باعث این میشوند که مدت مکث تمام مواد در بدن زیادتر گردد (الکل نیز
و الکل مخصوصاً از این قبیل است) و بهمین جهت است که الکل اگر چه بحد افراط
هم صرف شود باعث ترتب رسوبات میکند و املاح خارجه که در حالت
صحت الکل استعمال میکنند بواسطه حصول آثار مطبوعه و مقویه‌ایست که
از آن در صورتیکه افراط نکنند بظهور میرسد —

شراب

عده بسیار زیاده شراب را بواسطه الکل محتوی در آن دانسته شرابهای ترش
بسهولت باعث اختلالات هضمیه و اسهال و غیرها میگردد و از بسیار شرابها
بیشتر باعث کثرت اخراج بول میشود شرابهائیکه اسید کاربونیک زیاد دارند

مشروب میشوند جامع خواص مزبوره و اسید کاربونیک آنها شرابهای قرمز اغلب
دارای طعمی اند اخراج مواد برازیه را کمی بتعویق اندازند ترکیبات آلیه
محتویه در شراب (اطر انانطیک اطر بوطیریک و اطر اسطیک)
در اثر شرابها هیچ اهمیت مخصوصی ندارند —

استعمالات علاجیه — شراب را اغلب در مواقع ذیل تجویز مینمایند اولاً
جزء لازم رژیم غذائی تغذیه مقویست و بهمین ملاحظه در کلروز و در انمی
پس از نزف الدمهای شدیده و تقیحات طولیة المدة که نیز عارض میشوند
و دوران نقاهت امراض حاده صعبه مستعمل است و در این صورت شرابهای قوی
از قبیل شراب مادیره و شری و شراب هنگری و شرابهای خوب بردو را
تجویز مینمایند در ایران به شرابهای کهنه شیراز و همدان را ترجیح داده‌اند
جهت تحریک شراب را جهت رفع سقوط خطرناک و قریب الوصول قوه عملیه قلب
که از نقصان دفعی و تدریجی قوت ضربانات قلبیه شناخته میشود استعمال میکنند

(که در این حالت نبض صغیر و لیّن و سریع الانقباض و ضربان قلب بصعوبت محسوس
و اصوات قلبیه ضعیف شده اطراف دست و پا سرد و پریده رنگ صورت و برودت اطراف
عارض میگردد) در این حالت شراب که حاوی اسید کاربونیک زیاد دارد
مثل شامپانی تجویز میدهند از شدت و سرعت عمل این نوع شراب بواسطه
این است که اسید کاربونیک باعث سرعت جذب الکل میشود در این باب
آخر شراب را در علاج امراض حادّهٔ عمومیه زیاد استعمال کرده‌اند و لیکن ذکر شد داریم
که جهت نزول درجه حرارت مقادیر بسیار زیادی از آن لازم اند و حال
بعض ادویهٔ ضد حمّی دیگر در دست داریم که اثر آنها بسیار بهتر و محقق است
و فقط شراب در امراض حمّویه باید استعمال کرد که مدت آنها بطول انجامید
و تغذیه بسیار کم شده باشد امّا استعمال آن در امراض حمّویهٔ قصیر المدة از قبیل
ذات الریه و ذات الکلیه و حمره و امثال آنها ممنوع است —
از جمله موانع استعمال خطر حمّی و طلب شراب استعداد و وضع سکته است و در صورتیست

که نبض ساطیون و ماء حرّی محتقن الرئوی باشد و نیز استعداد نزف الدم ریه و علل عضویه
قلب است در اطفال باید خیلی محتاط بود (دفعه ده تا پانزده قطره و شبانه روزی
سه دفعه) قدر شربت شراب بر حسب اشخاص و نوع شراب و عادت بسیار
مختلف میشود از خارج شراب قرمز را گاهی جهت زرق مانند مایه
غیر عامله ظاهر و در سوزنک قریب با زمان و درم استعمال میکنند —

(۲) عرق

چیزی دیگر نیست جز محلول مائی مختلف الدرجه از الکل و دارای بعضی ادهان عطر
نیز هست که بر حسب نوع میوه که در ساختن آن معمول شده است مختلف
میگیرند و اختلاف بوی عرق‌ها بواسطه وجود بعض ادهان فراره است
بنابراین چندین قسم عرق موجود است که عبارتند از عرق سیب زمینی و عرق
حبوبات و عرق آلو و آلوبالو و گیلاس و غیرها گنیاک را از تفل انگور و رم را
از نیشکر و آراک را از برنج اخذ میشود بعضی عرق‌ها است که بواسطه ادویه

مرتب نموده اند و کلیتاً اگر بمقدار قلیله صرف شود خوب تقویت میکنند

عرقی را که دارای مقدار زیادی قند است لیکر (شربت الکل) نامند مثلاً

غیر از عرق خالص همان عمل الکل را دارا و دارای اثر است (و نواقص بعضی

ادویه است که از الکلهای آمیلیک و پروپیلیک که استشمام بو

سوختنی میشوند) که در بدن موجب ظهور آثار مختلفه الکلیسم مزمن و عوارض

شده است در بدن این قسم عرقها که هندیها میشناسند باید منسوب

بآن ادویه دانست اما در باب استعمالات طبی عرق باید دانست که از آنها

استعمال میکنند و جهت تقویت دائم در قسمت است که در دستورهای شراب خالص

عرق خالص در دواخانه‌ها جهت ساختن طنطورها و عصارات الکلیه

دانستنی آنها زیاد مستعمل است —

(۳) آب جو — فقاع

که از آرد جو تخمیر و لبلاب الفقاع میسازند از جمله مشروبات تغذیه است

کتابخانه مجلس شورای ملی ۱۳۰۲

که از خارج زیاد بمصرف میرسد —

(۴) کومیس و کافار

اولی شیر مادیان است که تخمیر شده باشد و دومی شیر تخمیر یافته گاو است که در جسم

در علاج سل زیاد مستعمل اند چونکه خواص مغذیه آنها بسیار است جهت حاملی

این مشروبات باید برشیر قاطری را که از تقلیب میآورند نه جهت حصول الکل آورده

فقره ثانیه — در کلروفرم

$CHCl_3$

کلروفرم یا طری کلرور دو فرمیل مایعی است بیرنگ با بوی اطری مطبوع و در ۶۱ درجه

بغلیان آمده با آب مخلوط شده و در زیر آن قرار گیرد بخارات آن قابل

اشتعال نمیشند در طب همیشه باید کلروفرم خالص را استعمال کرد که از خواص

ذیل خلوص آن شناخته میشود ۱ — بسبب فقد الوان نباتیه نشد مخلوط را اسید

کرمیک و اسید سولفوریک سبز نمیشود و از اسید سولفوریک و پطاس

تیره رنگ نگردد علاوه برآن جهت احتراز از تجزیه کلرفرم که به سبب
در نور آفتاب حاصل میشود باید آنرا همیشه در شیشه آبی بایست محفوظ دارند
امتحان غیر ضروریه — آثار کلرفرم نزدیک با آثار الکل است بسیار سریع
تر حاصل و شدت آنها بیشتر و خفیف زود بر طرف گردد زیرا که این جسم
با کمال سرعت مجذوب و خارج میگردد بیهوشی مختلفه السرعه از آن حاصل
میشود به سبب تغییر درجه حرارت و قوت رجوع مختلف که اگر درجه حرارت
مرتفع و قوت رجوع زیاد باشد سریع تر جذب گردد کلرفرم مانند تمام مواد
فراره از جلد سالم مجذوب شده و موادی که بصورت محلولات باشد بواسطه
جلد مجذوب نمیشود چنانچه در کلرفرم حل شود جذب تواند شد مثلاً
اطروپین را چون در کلرفرم حل کنیم به حیثیت بالغه پس از چند دقیقه
سبب اتساع حدقه گردد کلرفرم از تمام اغشیه مخاطیه بسیار بسهولت
مجذوب تواند گردید —

چون کلرفرم در خون مجذوب شد عمل اصلی آن مخصوصاً در ماده سلولی عصبیه
حاصل گردد مستی کلرفرم مانند مستی حاصل از الکل بود هنگام استنشاق مرتبه تهییج هنگام
تحریک و دیگری هنگام رفع آن به حسب اشخاص بسیار مختلف گردند در اطفال فقط
چند استنشاق جهت حصول بیهوشی کامل کافیست در اشخاص عرق‌خور بسبب تحریک آن
بسیار زیاد با شغل بالکلیه هنگام تحریک اغلب بطول انجامد در ابتدای
استعمال کلرفرم جهت بیهوشی احساس گرمی تام میشود که در تمام بدن منتشر گردد
پس از آن احساس به سبب غلغله و دغدغه و خوارش در اعضا حاصل شود
دست و پاها خدر شده مانند آن است که بخواب رفته باشد پس از آن
خیالات مغشوش در هم شده چشم و گوش گرفته میشوند و شروع به
لوسیناسیون و خطای ابصار و استماع آنها شده پس از آن هذیان به سبب
اشخاص زیاد عارض گردد بعضی آواز میخوانند و برخی گریه و تشنج
میکنند در آن وقت صورت قرمز و جلد گرم و مرطوب نبض و تنفس سریع

شده گاهی نیز عارض میشود مخصوصاً در صورتیکه قبل از بیهوشی غذا خورده باشند و بعد
یا بسرعت بیهوشی تام دست دهد عضلات مسترخی و اعضای شخص بیهوش را
هر قسم گرفته حرکت دهند بدون مقاومت و بطبیعت آ جفنین بسته و شعور
بکلی منتفی و اوجاع حاصله از اعمال جراحی هیچ محسوس نگردد تنفس آرام بطئی گاهی
ضعیف تنفس بطئی و اغلب بخیر نیست بواسطه استرخای حنک رخوامی
حالت عارض شده است پس از زمان قلیلی غیر از ۵ تا ۳۰ دقیقه انتهای
بیهوشی برطرف شده اما اگر استنشاق کلروفرم را استمرار دارند تمام اجزای
بدن رو بانحطاط گذارند و اتساع انعکاسی حدقه و دیگر خاصیتها چون
قرنیه را لمس کنند حرکتی بهم نیابند تنفس و انقباضات قلبیه فقط
علامتها است که دال بر بقای حیوات است ولی این اعمال هم اگر استنشاق
کلروفرم مستمر گردد بیشتر از پیشتر رو بضعف گذارند بالاخره تنفس
رفته شکل غیر منتظم و متعاقب تنفسها بروز علامات مسمومیت اسید کاربونیک

بروز کنند عبارت است از سیانوز و برآمدگی مقله و اتساع حدقه بالجمله
بدو طریقه از کلروفرم مرگ روی تواند داد یا اینکه ضربان قلب دفعةً بواسطه فلج
آلات عضلانیه محرکه آنها منتفی گردد و در این صورت اغلب پس از فقدان بغتةً
نبض چند حرکت تنفسی بظاهر شده و مریض بحالت موت ظاهری
میافتد و یا آنکه تنفس دفعةً بواسطه فلج مرکز تنفس در نخاع دماغ منقطع شده
و انقباض قلب تا قریب بیست ثانیه باقیست قدر مهلک کلروفرم بسیار متفاوت است
و دیده شده که گاهی ده گرم آن جهت هلاکت کافی و بعضی دیگر استنشاق
ده تا شانزده ساعت آنرا متحمل توانستند گاهی مرگ بلافاصله پس از استنشاق
اولیه و گاهی پس از آنکه چند ساعت آنرا استعمال کنند دست دهد
جهت استعلاج این عوارض محرکات (از قبیل تزریق تحت جلدی اتر یا کافور
و اطر و استشمام آنها) و تغطیس در آب سرد و تنفس مصنوعی و الکتریسیته
و تراشه اطومی استعمال میکنند ـــ

استعمالات علاجیه — کلروفرم سابقاً در طب بطور استنشاق یا در جلد
استعمال میکردند استنشاق کلروفرم در امراض ریه متعلق بطب داخله نیز مستعمل است
و جهت رفع حمله‌های سرفه تشنجی و عسر النفس و ضیق النفس تشنجی و نیز در حمله‌های
ضیق النفس عصبانیه و در مبتلایان بنفخه حاد ریه و در انقلاب و کثرت حرکات
دائمیه مبتلایان بداء الرقص و نیز در نوبه‌های صرعی مستمره متجدده و دوام طول
آنها مریض در خطر تهییج ریه است استعمال میشد —

عملاً استعمال کلروفرم جهت بیهوشی است در اعمال جراحیه معمول میدارند
اولاً این فایده را دارد که بواسطه آن مریض احساس با وجاع نمیکند و ثانیاً
آنکه در حالت سکون مریض اجرای عملیات سهل میگردد و ثالثاً از جهت
اجرای بعضی تفحصات و تحقیقات در مریض مخصوصاً در اطفال بکار میرود
و بالاخره جهت رد فتق یا خلع یا کسر عظام مفید است و در بیهوشی عضلات
منبسط و اجزای غدد ایشان ترکیب و از ارتباط طبیعیه معلوم شده است

و در اعمال واجبه که در مریضخانه واحد و بواسطه جراحان معین و با وضع معینه واحد
در مواقع و شرایط متعدده تجربه شده است در صورتیکه کلروفرم استعمال کرده باشند علاوه
مردگان کمتر از وقتی است که استعمال نکرده‌اند موانع عمومیه استعمال کلروفرم عبارت است
از فقرات ذیل اولاً در اطفال کوچک (تا سه ماهه) و در شیرخوارگان
و مسنین ممنوع است زیرا که در اطفال فقط حینه استنشاق جهت بیهوشی کافی
و خطر دوار پیران فلج الآلات عصبانیه مرکزیه یا بکمال سهولت حادث میشود ثانیاً
کلروفرم را در اشخاص کثیر السمن و در مستعدین بکثرت سکته و مالیخولیا و غشی و دوار تشنجی مرکبه
بسیار انتیک انسا بواسطه امراض طولانیه تکلیف رفته و لاغر شده اند یا بیماری
احتیاط استعمال کرده یا هیچ استعمال نکنند ثالثاً از موانع مطلقه استعمال کلروفرم امراض
مزمنه قلب و انوریسم و آفات حاد تنفس است و در این حالات قسمت
از ریه مریض از عمل خود باز مانده است و نیز مسمومیت مزمنه الکل یا
از موانع بیهوشی کردن با کلروفرم است جهت بیهوشی کردن با کلروفرم بعضی

شرایطی است که باید فراهم آورده و نیز باید مواظبت دقیق و تصفیه در حین اجرای
آن داشت اولاً کلرفرم معمول باید بکلی خالص باشد و متصلاً باید مواظب
و ملتفت نبض و تنفس شد و همینکه دیده شد اندک به انقطاعی در آنها
حاصل شد کلرفرم را دور کنند اگر علامات خطرناک بروز کنند تدابیر
لازمه اجرا دارند اولاً هوای صاف را بینی داشته و ثانیاً این تدبیر سود
اگر لازم باشد بکار برند) بهتر و ساده ترین آلات را جهت استعمال کلرفرم
بطور استنشاق ساخته اند آلت اسمارش است لیکن تا به دستمالی که
مبلول بکلرفرم ترجیح دارد زیرا که چنین آلت بسهولت بکار برده در رفع از
هوای خوب همیشه باقی گذارد کلرفرم استنشاق توانند شد در بعضی حالات
در حالت اختناق شروع میکنند رفع عارضه به بیرون کشیدن زبان
در عقب رفته است توان نمود کلرفرم از خارج در حالت خلوی اعضا
باید داشتن آن جهت تسکین درد در طول اوجاع مثلاً در اوجاع عصبیه

خصوصاً در اوجاع عصب سطحیه و در روماتیسم عضلانی داشتن آن نیز مستعمل است
چنانچه کلرفرم را در اوجاع دندانها در کرم خورده آن دندان یا در گوش یا در مغز دندان
(در بهتر است) در سر نسبت اوجاع ساکت توانند شد در جوانان مقداری جهت
حصول بیهوشی کافی است یک یا چهار مثقال است جهت اطفال یا دیگر
جزء آن را در ۵ تا ده جزء جسم دیگر مخلوط باید که از داخل اگر بخواهند
آن را استعمال کنند دفعه‌ای سه تا ده قطره میتوان داد و این تدبیر خصوصاً جهت
رفع قی زنان حامله مفید است —

فقرهٔ ثالثه — کلرال ایدراطه

C_2HCl_3O.

کلرال (که عبارت است از الدئید اطیب طریقی کلرال) از جسم وریت کل
با الدئید یا الکل ... تولید گردد مایعی است بی رنگ با بوی نافذ
و در بدن بکلرفرم و اسید فرمیک تجزیه گردد و عمل اصلی کلرال ایدراطه

نیز همین است و کلرال ایدراطه یا ایدرات دو کلرال از جمع درست کلرال
با آب تولید شود بشکل دانه های متبلور لونی شفاف است و دارای بوئی نافذ
و مطعم و طعمی تلخ و سوزان است بسهولت در آب (یک در دو) و در الکل
واثر حل تواند شد —

اعمال فیزیولوژیه — کلرال ایدراطه که لیبرایش خواص علاجیه آن را
کشف نمود از راه داخل در ادویه طبیه عمومست در مواقع عدیده مستعمل است
بر مرضی و کلروفرم در آن مواقع قائم مقام آن نتوانند شد عمل اصلیه
این جسم مذکور شد و موافق عقیده لیبرایش این جسم در خون قلیائی بکلر
فرم و اسید فرمیک تجزیه میشود جسم اول بسرعت در گانگلیونهای
دماغی پس از آن در گانگلیونهای نخاع و قلب رسیده و باعث حصول حالت
فلج این اجزا می گردد اثر کلی کلرال تنویم است و این اثر در اطفال
و در اشخاص ضعیف و آنمیک شدیدتر است و باید در این حالت بمقادیر

قلیله تجویز نمود و مقادیر زیاد سبب نوم و نیز مقادیر کثیره سبب هلاکت
میشود و عبارت از مقادیر ذیل است —

	مقدار منوم	مقدار مهلک
در اطفال	نیم تا پنج گرم	ده تا پانزده گرم
در جوانان	ده تا بیست گرم	یک تا دو مثقال
در شیبین	یک تا یک مثقال و نیم	دو مثقال

پس از آنکه در جوانان ضعیف و آنمیک و غیر معتادین بمقدار ۵ تا ده گرم
و در جوانان قوی ده تا پانزده گرم از آن تجویز کنند پس از ۵ تا ۱۵ دقیقه
چنان اقتضای نومی روی دهد که تاب نتوان آورد و شخص بخواب میرود
این نوم شبیه بخواب طبیعی است و تا ۵ ساعت اغلب طول میکشد پس از
تنویم باعث تحذرات مخصوصا بواسطه مرفین مشاهده میشود
بواسطه استعمال نیم درهم الی یک درهم از آن خواب اغلب عمیق شده و تا ده ساعت

طول می‌کشد در حین این نوم بدن بدون حس و کسالت طبع است اگر بمقدار زیاده
استعمال شود تشنج و هذیان بسیار زیاد ظاهر شده که بواسطه استرخاء و طبع تام گشته
و بدین جهت هلاکت روی دهد قبول غلط کلرال ایدرات موجب وجع
دوم بلکه موجب حدوث نقطه نیز تواند شد در معده کلرال ایدراته
گاهی سبب حصول نزله کهنه و بنابراین باید آنرا بمقدار کافی و پایدار مایع
خورانید در مستقیم اثر آن کمتر و از آن بسهولت جذب نمی‌تواند شد —

استعمالات علاجیه — کلرال بهترین دوای مسکن منومه است خاصیت
منومه آن بیشتر از افیون و ترکیبات آنست و در همین جهت خاصیت
قائم‌مقام افیون تواند شد و برتری کلرال جهت تنویم عبارت از فقرات
ذیل است از مرضیکه بسیار سریع باعث نوم شده و اثر آن اقوی و محقق‌تر است
و بعد از خواب اثر بد بسیار نادر تواند داشت و بمقدار معینه مدت مدید
میتوان داد بدون اینکه از شدت عمل آن کاسته گردد باعث قلت اشتهاء

نشده و سبب یبوست نگردد و نیز منفعت دیگر آن این است که برای نوزادان
بدون هیچ خطری در اطفال کوچک بکار برد در مرضیکه در این سن خطرناک بود
در اطفال سوء هاضمه بدون اعتبار است لهذا جهت تنویم اطفال قبل از انکه
کلرال منوم محقق در دوست نه فقط بالاخره در جمیع استعمالات افیونیات
بر کلرال تفوق و مزیت دارند و انشاء این است که افیونات نه همان منوم
اند بلکه رافع وجع نیز هستند کلرال تسکین اوجاع نداده مگر بعد از انکه
خواب آورده و در اعصاب حسی محیطیه هیچ اثری ندارد و بعد از خواب اوجاع
با شدت اولیه خود عود نمایند و بدین جهت است که کلرال را در اوجاع
محیطیه مؤثر نمی‌توان دانست لیکن کلرال را غالباً در بیخوابی که از سبب
عوارض شدیده باشد استعمال کنند اولاً در هذیان شرب که بدون هیچ دوای
مانند کلرال مفید نیست اما جهت حصول این مقصود باید به مقادیر
کثیره استعمال کنند (دفعه ۲۰ تا ۴۰ گرین) تا منع از جنون و اختلاط

شیوع ناتانه در مجروحین و در هذیان خمری استعمال افیونیات را از ترس
افزایش حمی و انقباض قوی باید منع کرد اما اگر قوه عملیه قلب ضعیف شده باشد
باید در استعمال کلرال محتاط بود (در طیفوس مثلاً اغلب بهتر از استعمال کلرال است
بمقدار ۴ تا ۷ گرم خواب خوب حاصل میکند) را بعد در آفات تشنجیه مثلاً
در داء الرقص و در ضیق النفس عصبی و در صرع و در اکلامپسی زنان حامله و نفسا
و غیرها کلرال فایده تحقیق دارد و در علاج اوجاع عصبانیه کلرال ثابت تر
از مرفین است و کلرال در علل در ریه معتدلاً ممنوع است و در امراض معده اگر خواهند
باید بطور اماله استعمال کرد و نیز در نقرس و اختناق رحم اغلب باعث ازدیاد
تحریک میشود و در امراض قلبیه ممنوع است —

قدر شربت — از داخل قدر شربت متوسط آن ده تا پانزده گرم است
و در ده مثقال شیر یا در شربت لعاب حل کرده بخورند و استعمال آن بطریق حقنه
بهمان مقدار ارجح و اولی است —

فقرهٔ رابعه — اتر

(اتراطیلیک اتر سولفوریک $C_4H_{10}O$) اتر از تقطیر مخلوط از
الکل اتیلیک و اسید سولفوریک تولید میشود مایعی است بی رنگ شفاف
با بوی نافذ و در سی و پنج درجه بغلیان آمده و در حرارت متعارفی بسرعت
تبخیر میشود اثر فیزیولوژی آن بسیار شبیه باثر کلروفرم است و مانند کلروفرم
چون استنشاق شود اولاً باعث حصول زمان تحریک میشود که بعد از آن
زمان تخدیر و بیهوشی عارض میگردد زمان اول مدیدتر از زمان ثانی و زمان ثانی
بسیار کمتر از بیهوشی با کلروفرم است چون اتر را در روی جلد اسپره وارد نمایند
باعث احداث برودتی گردد تا حد انجماد تواند کشید —

استعمالات علاجیه — قبل از کشف کلروفرم اتر را جهت بیهوشی
استعمال میکردند و حالیه کلروفرم قائم مقام آن است مگر در بیهوشیهٔ موضعی
حصول تخدیر موضعی — چون اتر در روی جلد ارسال شود تبخیر شده باعث

برودت جلد و انسج کت آن نیز مخصوصاً در صورتیکه با مداومت شرکت

اثر الکلی زیست بسیار صغیره در روی جلد ارتباط دارد و از اثر این برودت

در حقیقت بسیار رحمت [?] است در چند ثانیه میتوان قسمتی از جلد را جهت

اجرای بعضی اعمال صغیره بدون حس کرد اطر سو از داخل در علل عدیده بکار میبرند

ابتداء جهت تحریک در غشی و در موت ظاهری و امثال آنها استعمال میشود ثانیاً

در اوجاع عصبانیه مختلفه و در آفات تشنجیه ولی اثر آن در این حالات همیشه

سریع الزوال است ثالثاً جهت رفع اوجاع معده و ضم آن و در قی‌های شدیده

مبتلایان باختناق رحم رابعاً در رعشه حراره و تب صفراوی بطور تعیین

مفید است ولی معلوم نیست از چه قسم عمل میکند —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) اطر — از داخل ۵ تا ۳۰ قطره

(دفعه گندم تا ۵ گوشه شبانروزی یک تا دو مثقال) و دیگر شربت

قند یا بروی یک قطعه قند زده بخورند جهت اماله ۵ تا ده گرم جهت

تزریق ۱ تا ۵ گرم ان مستعمل است (۲) اطر الکلیه (الکل هافمن) مخلوط است

از سه جزو الکل خالص و یک جزو اطر که نزد عوام اطبا انفیه [?] در حالات غشی

و اوجاع معده و در علل مختلفه تشنجیه مانند اطر معمول است (۳) کلدیون

— یک جزو پنبه باروط است که در ۱۸ اجزاء اطر و سه جزو الکل بسیار

مصفی حل شده است کلدیون مایعیست غلیظ که در هر جا چون اثر را

بمالند بروی جلد یک رشته باعث احساس برودت گشته در جای آن

ورقه شبیه بسر جیب [?] قسمت باقی ماند ابتدا بسبب رجحان است دفع رسوب

عمده بروی جلد ادراده عروق را منقبض کرده و تدریجاً منقبض شده بهم

کشیده و چین چین خورده بالاخره لکه و ورقه و فلس ساقط گردد کلدیون

را مانند لصوقات اغلب جهت نگاهداشتن سایر اجزای جراحت

بندی (پنبه و تافته انگلیسی وغیرها) بکار میبرند و نیز جهت ورود

فشار در ورم [?] التهاب ظاهره (حمره سوختگی‌های خفیفه سرمازدگی و ورم

پستان وغیرها) مستعمل است جهت اینکه از بهم کشیدگی و انقباض موضع آن
احتراز جویند اثر آن با روغن کرچک مخلوط می کنند (یک جزء روغن ۴۹
جزء کلدیون) آن وقت اثر کلدیون الاستیک نامند کلدیون را با [illegible]
دیگر نیز جهت سهولت ارسال آن اجزاء ممزوج کرده‌اند و مستعمل‌ترین این ترکیبات
کلدیون دواریست که برای [illegible] آن استعمال میشود —

کلدیون دیگر است موسوم بکلدیون گزنده یا کلدیون مکوی و الکال
(یک جزء و اراسکنه در هشت جزء کلدیون الاستیک) هم جهت کک
ثلول و طوره‌های نعوظی صغیره برای بسیار خوب است و رقعه ضخیمی از آن سد
ارسال داشته و خشک شده حاصل میشود که بعد از چند روز کنده میشود خود
ساقط میشود و در موضع آن داغ زایل نمی‌ماند —

فقره خامسه — یدفرم

یدفرم (طری یدو دو فرمیل CH I3) جسم است متبلور زرد

منشوری شکل با بوی بسیار واضح و مرحام و بوی آن را می توان بواسطه چند
قطره عطر کم نمود یدفرم قابل کسر و سحق ولین الملمس است در حالت جمود
بیطعم و لیکن محلول الکلی یا اطر آن خوش طعم و شیرین مزه است اما طعم آن شبیه
کلرفرم خوب نیست در حرارت متعارفی کمی رشد میشود در ۱۱۵ تا
۱۲۰ درجه حرارت ذوب شود جزئی از آن بدون تجزیه فرار و جزء دیگر
آن بکار برده بدید رنگ و اکره یددار بنفش خوش رنگ از تجزیه آنها باقی ماند
مانند نقطه‌ها سیاه دار اکثره یدفرم را می توان استنشاق کرد و بخارات
آن را در قروح سفلیسی عتیق و غیره زیاد استعمال میکنند یدفرم تقریباً
در آب غیر محلول است زیرا که پانصد جزء آب یک جزء از آن حل توانند نمود و نیز
در اثیر که دقیقاً مانند آب نیز غیر محلول است در ۲۰ جزء الکل مطلق حل میشود
در روغنهای دسمه بیشتر محلول است (یک در بیست) در کلرفرم یک در ۱۵
در اطر یک در ۵ هفت و بهای قسم است در بنزین و در سولفور کاربون

یک درجه رشد شود یدفرم چنین از داخل استعمال شود باعث قلت قوه شهیه
و دماغ و تکلم کمتر و این اثر بواسطه جاذب شدن یدفرم و دوا خارج شده
و در همان حین تولید در سلول های عصبی اثر کرده و اعمال آنها را افعال مختل
بمقدار سمی (۵ تا ده گرم) باعث حصول استسقای شحمی حاد کبد و قلب و کلیتین
شده هلاکت را مسبوق بعلامات فلج عمومی و نزول شده و در جراحات
وجه یدفرم بسهولت جذب شده و در ساعت بعد از شربت آن ید
در بول و براق یافت شود و در شیر دایه گان نیز داخل و با شیر در بول اطفال
شیرخوار ظاهر گردد هرقدر استعمال خارجی این جسم زیاد است استعمال آن
از داخل کم است اثر از داخل در کوفت و خنازیر و سل و نیز در سرطان
احشای باطنه و امثالها اثناء استعمال کرده اند ولی حالیه از آن ظهور
رسیدها از داخل دفعه نیم تا یک گندم ملکه تا یک گرم و بسا زده تا ۲۰
گرم می توان داد و در جراحات موجب حصول تسکین و التیام و رفع تعفن

گردد و جهت التیام جراحات از تمام ادویه خارجیه بهتر و در همان
حین موجب تسکین وجع و رفع عفونت است در این ایام یدفرم در جراحات
بعد ضد عفونی جزء اعظم است در این حالت که بیمار آن را استعمال می کنند
غبار آن را تا آنکه مقطر مقدار زیادی از آن مجذوب نگردد و در تمام قرحات
از هر سببی عارض شده باشند خصوصا در دانه های قرحه سفلیسی و در شانکر
غانغرانائی و در بواسیر متقرح و در زکام ها بکرر و در سوزنک و امثالها مستعمل
از یدفرم با گلیسرین محلولی می سازند و در حین استعمال با شیشه از آن
تکان داد نسخه آن یدفرم نیم تا یک مثقال گلیسرین ده تا شش
مثقال آب مقطر جهت مثقال در مجرای بول جهت زرق کنند
از یدفرم قلمه و شیاف نیز جهت استعمال در مجرای بول و مستقیم و مهبل
نیز می سازند و پماد یدفرم (یک درم ۵ وازلین) در رد نقطه
در قروح قرنیه و ورم ملتحمه قرنیه و امثال آن مستعمل است و در این حالت

عنبر بسیار نرم آن را نیز بکار می برند —

فقره سی و سه — نیتریت و امیل

نیتریت و امیل اطر ایتیک نیتریه به $C^5H^{11}NO^2$ عبارت
از دهنی است ابتداء برنگ زرد چون مدتی بگذرد و سبز زرد رنگ شود و بسیار
فراری است دارای خواص مسکنه و دارای بوی تندی است آثار عمده آن در ملیعه
عروق ظاهر گردد چنین که ۳ تا ۵ قطره از آن استنشاق کنند تا کمتر از
ده دقیقه صورت به شدت قرمز شده و این حمرت صورت تا بدن
هم نازل گردد و این حالت بواسطه اتساع عروق جلدیه حاصل گردد
ولی عروق اعضای باطنه نیز مثلا عروق ام الرقیق نیز متسع گردد
ولی عروق ریه و شبکیه را اتساعی عارض نشود و در این وقت احساس
بضربانات سبب حرارت شدیده در صورت شود و بواسطه این
اتساع محیط فشار دافع خون نازل شود و سرعت ضربانات قلب

افزوده شود اما شدت انقباضات قلبیه را هیچ تغییری عارض نگردد و حدقتین
متسع و اگر استنشاق از آن مستمر دارند ثقل سر و تهوع و ضعف اطراف
و عرق های کثیره و حالت عسر التنفس و بالاخره کنوولسیون و موت
دست دهد —

استعمالات علاجیه — نیتریت و امیل را از روی خواص فیزیولوژیه آن
در حالات خطرناکه منسوب به تشنج عروق و مخصوصاً به تشنج عروق دماغ
مراوده استعمال می کنند مثلا در قسمی از صداع شقیقه ای که رنگ صورت
مصاحب آن پریده و نیز در حمله های صرع که ابتدا و شروع شود در صورت آنکه
مصروع در ابتدای نوبه پریده رنگ شود بکار می برند و بالعکس
در صورتی که صورت قرمز رنگ و کبود و سیانوزی باشد از آن اجتناب
کرد و نیتریت و امیل را مانند طرایق اختناق حاصل از کلروفرم
نیز استعمال کنند و بطور استنشاق ۲ تا ۳ دقیقه قطره از آن صحبت

استنشاق بردن پارچه‌ها که آغشته به کلروفرم نمایند —

فقره سابعه — الدئید و پارالدئید

الدئید (الکلی که قدری از ایدروژن آن اخذ شده باشد C_2H_4O)

اولین حصول الکید اسیون الکل و اطفری است پارالدئید را الدئید دوبل الکل نیز نامند این دو جسم هردو باعث سستی و بیحسی شوند و سبب خواب گشته در این ایام پارالدئید را جهت حصول نوم نیم تا یک مثقال در یک خوراک شب در شربت میدهند —

فقره ثامنه — سولفور دو کاربون

سولفور دو کاربون CS_2 علاوه منافع که در صنایع و غیره دارد در دواجات بسیار در نفعه تولید شوند مایعی است بی‌رنگ بسیار که شعاع‌ها بوی بسیار کریه و طعم تند و سهولت اشتعال بخار غیر محلول در آب و محلول در الکل و اطر و دهنیات و سمه و عطریات است این مایع حلال نیک جهت گوگرد و فسفر

و فسفر و کافور و دسومات و صمغ‌ها و کوتاپرکا و غیرها است اثر آن از داخل در فلج‌ها و از خارج جهت حصول بیحسی موضعی در اوجاع عصبانیه و امثال آن استعمال میکنند —

تبصره — نفت سفید مخلوط است از جمله ایدروکاربورها و نفت‌های سیاه مقدار این اطان‌ها در آنها مختلف است از جمله الکل‌ها میباشد این مواد سوء و رود با طعم غفلت و سر بار زده که داشتن آنها از خارج تجویز نموده اند

فصل هفتم

در بیان ترکیبات سیانوژن

سیانوژن ترکیب است از دو عنصر کاربون و ازت. $CN = Cy = C_2N_2$

اغلب ترکیبات سیانوژن سموم قویه اند و سیانورهای فلزی (از قبیل سیانور دوپطاسیم و سیانور دو امونیوم و دو زنگ و دو مرکور و امثال آنها) مانند اثر سیانیدریک عمل میکنند و از این سلسله جات فقط اسید سیانیدریک است

در ملاحظهٔ اثرات سمی و طرائق تشخیص آنها در ملاحظه مخصوصات —

فقرهٔ اول — اسید سیانیدریک

اسید سیانیدریک . CNH است که از ترکیبات مخصوص از عنصر سیانوژن‌ها را
فلزی بحرارت یکی از اسیدهای قویه حاصل کرده و نیز در هسته میوه و اوراق
بالبوب مختلفه طوایف لوزی و تفاحی مخصوصاً بادام تلخ و برگهای غار گیلاس را
با آب کوفته در معرض حرارت متوسطه درآورند امیگدالین را عبارت
از جسم متبلور تلخی است در این مخصوصات نباتیه موجود است و در مجاورت
آب بواسطه اثر امولسین (که ماده‌ایست آلبومینی) با امیگدالین وجود دارد
و مانند ماده تخمیر اثر می‌کنند) با اسید سیانیدریک و قند و روغن فرار
بادام تلخ تجزیه کرده خواص اسید سیانیدریک بطور بسیار کم است این جسم
در حرارت معمولی تبخیر شده و بخارات آن مهلک است —

اعمال فیزیولوژیه — اسید سیانیدریک سمی است بسیار قوی با کمال سرعت

در بدن نفوذ کند ولی آثار سمیه و مهلکه آن ظاهر نکرده مگر پس از آنکه در
جریان دم داخل شده و باعضای مرکزیه برسد و اثر سمی آن مخصوصاً
مربوط به نقاط عالیه عصبانیت است اگر نوک انگشت را در محلول مائی آن (دو درصد)
فرو برند بزودی پس از آن در انگشت حرارت و عدم حس حاصل گردد
در تمام مدت چهار روز طول کشد از داخل مقدار کمی از محلول این جسم
(یک نیم عشر گندم) در معده باعث احساس حرارت و گرفتگی
سیلان بزاق گردد جمع این مقدار تجدید شود باعث تهوع و قی و صداع
و زحمت تنفس و بطوء ضربان قلب گردد بعد از شرب یک خمس گندم
این عوارض شدید تر شده علاوه بر آن ضعف عضلانی شدید و اتساع
حدقه و بهت و گاهی فقدان تام شعور و تشنج های عمومیه نیز از دیاد حاصل
و بعد از شرب مقدار مهلک آن (از یک گندم به بالا) گذشته
شدید تر شده حالت موت ظاهری بروز کند جلد سرد و مستور از عرق

و سیانور زنجوی و جوز طیب عتیق و بالاخره پس از پنج دقیقه هلاکت دست دهد
و این موت بواسطه اختناق حاصل شده است —

استعمالات علاجیه — بملاحظه تغییرپذیری و معرفت السموم اسید سیانیدریک
در ترکیبات آن بواسطه خواص سمیه شان اهمیت و منفعت عمده دارند
ولی در طب امروز تقریباً بالکل متروک است زیرا که اشتباه بسیار ممکن در اندازه
شربت آن روی داده موجب خطرهای بسیار شده و فقط در المان
عرق بادام تلخ که دارای اسید سیانیدریک است گاهی در مواقع ذیل
استعمال مینمایند اولاً جهت تسکین سرفه در حالات تشنج بسیار قلیل
ولی تحریک دائمی جهت سعال موجود است (سرفه های خشک و تشنجی)
ثانیاً بسیار بندرت در وجع معده بسبب آن افت تسکین معده بسیار
معمول است ولی مسلماً به دوائت در مواقعی ترکیبات اسید سیانیدریک
باز معمول اند از سایر وسائط علاجیه مخصوصاً از مرفین بهتر فایده توان

عرق بادام تلخ — تنها ترکیبی که دارای اسید سیانیدریک و الکنون متروک
شده است عبارت از همین جسم است ما بین اسید سیانیدریک
در هزار جزء یک جزء اسید سیانیدریک دارد هر دفعه ده الی بیست قطره
و شبانه روزی تا یکمثقال و نیم کمتر از آن اکثر نمی‌دهند —
در فرانسه عرق غار گیلاس نیز معمول است در هزار جزء نیم جزء
اسید سیانیدریک دارد —

بادام تلخ که دارای روغن و سم و امیگدالین و امولسین است (امیگدالین
را توان بعد از اخذ روغن از تفل بادام بتوسط الکل استخراج نمود)
چون مقدار زیاد خورده شود متغیر در امعاء بسبب ظهور عوارض مهلکه
تواند شد —

فقره ثالثه — در دهنیات جوهریه خردل

چند قسم اند (از قبیل روغن جوهری آلیل خردل و جوهر بوطالیک آن

و غیرها) و ذکر آنها در این فصل محض اثبات اثر ترکیب طبیعت آن با اسید
سولفوسیانیک مشتمل است —

طرز عمل این مواد در بدن حیوان موجب آن شده است که در علم علاج ذکر
مخصوصی از آنها بشود این مواد را مانند بعضی اسیدهای آلیه دیگر از قبیل
کانثاریدین (که از ذراریح اخذ میشود) که عبارت است از انیدرید
اسید کانثاریدیک مخصوصاً جهت تحریک مستعمل میدارند عمل آنها بواسطه
تحریک جلدی و وضع موضعی و نیز بواسطه اعمال انعکاسیه که در تحریک و تنفس
و درجه حرارت و جریان دم اثر دارد ظاهر میگردد این محرکات خارجیه
دارای اثر عمومی نیز هستند و در حقیقت هر محرک موضعی که در جلد
و اعصاب ظاهر میشود بسبب اختلالات عصبیه که و این اختلالات
واقع است بواسطه اختلاف سبب تحریک هیچ مختلف نمیگردد (مثلاً
فرق نیست در اینکه محرک از قبیل ذراریح یا قطع یا جراحت شده

و یا حرارت مرتفعه یا از الکتریسیته یا از جوهریات خردل و یا از ذراریح
و غیرها حاصل شده باشند) ولی اختلاف شدت اثر این عوامل موجب
اختلاف اختلالات عمومیه حاصله که تحریک ضعیف جلد سبب تنگ
و بهم کشیدگی غده بعضی از شرائین محیطیه گردد و این حالت بواسطه انعکاس
رفلکسی حاصل گشته است و از آن جهت چنانچه پیش از رفع تحریک باز گردد
و در صورتیکه تحریک جلدی بسیار شده و زیاد بوجع باشد از آن حال
عارض میگردد ولی در هنگام ثانوی علامتی ظاهر گشته که تمام مخالف آثار تنفسیه
یعنی عروق جلدیه منبسط شده متسع و پر از خون میشوند و حرکات تنفسیه
بطئ و درجه حرارت واقع قدری نازل و حرارت جلد بالا میرود
و اما در تحریک جلدی اغلب از زمان مختلف بعد از ازاله محرک نیز باقی ماند —
سابقاً چنانچه جسم مذکور داشتیم که بطور شیمیائی در جلد اثر میکنند (از قبیل
قلیائیات محرقه و نمک جهنم و تعفن بدو غیرها) اما در باب استعمال

علاوه تحریکات جلدیه باعانت جوهریات خردل بوده و البته فرقی
در جوهریات خردلیه با ذراریح دارند این است که بعضی زودتر از ذراریح
سبب تحریک می‌گردند پس هرگاه مقصود حصول تحریکات سریعه و موقتی
باشد باید خردلیات داده و در عکس اینصورت نتیجهٔ دیرتر که دوامش زیاد از
تحریک مذکور گردد ترکیبات ذراریح را باید معمول داشت —
اکنون موافق سیوم همیشه که از اینجمله خارجاً استعمال میشوند ذکر میکنیم
اولاً ترکیبات خردلها را (از قبیل شمع خردل) از خارج و قبلاً استعمال میکنند
هرگاه بواسطهٔ عمل انعکاس حرکات باطنی تنفس سریع بهم می‌آورند
مثلاً در غشی و حالات اختناق وغیرها، ثانیاً جهت تحریک عمومی
و بعضی از جلد بدن در موارد ضرورت، شوئیه خردلها استعمال مینمایند و نیز
در اوجاع روماتیسم مبهم غالب ارباب شمع خردل نتیجه نیک بخشیده است
و نیز غش و خفقان و اضطرابی که در آلات تنفس در دوران خون احساس

میشود بواسطهٔ شمع خردل تسکین یابند در مواقعی که شمع ذراریح در بزرگان
استعمال میشود در اطفال شمع خردلها باید تجویز نمود —
عموماً شمع ذراریح را در مواقع ذیل استعمال میکنند —
(۱) در اورام اعضای باطنیه که مخصوص اغشیهٔ سروزیه (از قبیل ورم اغشیهٔ
دماغ و ذات الجنب و ورم شغاف و ورم صفاق) ولی وقتیکه مرض بصورت
حادیت باشد و تب شدید در شمع باید مستعمل هم در مراتب کاملهٔ افراغ دم
(از قبیل فصد و حجامت با شرط) و بعد گاهی وارسیدن آب سرد و نمائیکه منعقد
را به منعقدات ترجیح میدهند از این جهت است که مخصوصاً در هنگام ورم
حدید ذات الجنب مثلاً در هنگامیکه تب قطع شده است جهت تعجیل
نمودن عمل جذب منعقدات منعقده ارباب سداره وقتیکه ترشح هنوز
متصل باشد و جذب طبیعی مقصل شروع نموده است در این صورت ارباب
منعقدات از شمع نتیجه میگیرند و در سایر حالات از آنها چندان تشخیص

و در جمهور تیکه رشح زمین شده است استعمال آنها بکلی بیفایده است و علاوه جهت
رفع اوجاع در زمانها هر روز که کنند استعمال منفطات لازم میشود —
در روماتیسم مفصلی حاد ارباب تذکره منفطات بر روی مفاصل علیل که از معالجات
خصوصی این مرض است و اهم ادویات اساسیلات است و در علم علاج داخلی گفته اند
اهمیت این طریقه قدیم متروک شده و در جمهور قریب بزمان و حالات مزمنه
روماتیسم مفصلی ارباب منفطات پرزه غالبا ملکت فائده وارد و همچنین
در سایر مفصلات ورمیه مزمنه و قریب بزمان ارباب آن را تمجید کرده اند
و در قرحه منبت آنها را در روی نقاط علیل یا نقاطی دور از آنها ارباب داده اند
مثلا در ورم مزمن [illegible] ممکن است در قفا یا خلف اذن ارباب داشت
و تنقیح را بواسطه روغن [illegible] غالبا میتوان مستدام نگاه داشت در [illegible]
نگاهداشتن سطوح تنقیحه یک بات تنقیح جهت حصول اثر تعریف
مذموم است در علاج اوجاع عصابیه خصوص و قتیکه مرض جدید الحدوث باشد

از ارباب منفطات فائده نتیجی بر نمیدهد و باید منفطات را بروی نقاط [illegible]
و چند دفعه ارباب داشت و نگذارند تنقیح حاصل شود وقتیکه سبب اوجاع
عصابی نقرس است یا آنکه نتیجه مسمومیت [illegible] است ارباب منفطات
بیفایده است و نیز در وجع معده و فم آن و در قی های شدید گاهی از
استعمال منفط بجای ضماد خردل و [illegible] و موضع منفطه اوجاع
خیلی روی [illegible] و در فلج ها و نیز [illegible] از اوقات الکتریطیه
قائم مقام منفطات و خردلیات نموده اند در اطفال و شیوخ از استعمال
منفطات باید احتیاط نمود زیرا که در اطفال بسهولت موجب [illegible] و در
شیوخ جراحات حاصله خوب ملتئم نگردد و در [illegible] مزاجان
[illegible] مبتلا بسوء القنیه و امثال آنها جراحت منفطات بسهولت
منقلب بقرحه شده اغلب دیر است و در طیفوس و حمیات [illegible]
حاله و در دیفتریت و تعفن خون و امثال آنها باید بقدر امکان از استعمال

منفعات احترازیت —

(۱) جوهر و منیهای الیه خردل و خردل سیاه

در تخم خردل که بذر گیاهی است از طایفه چلیپائیه جوهر الیه خردل با نقصیت موجود
نیست و در صورت تولیدی که مثلاً خردل سیاه با آب وارد
آن خمیر بشود ابتدا (همان قسم که در باب واردتخ مذکور شد) ماده
مجرد البومنی خاص مسمی به موسوم به میروزین (المیروزین) پس از حصول و ملاقات
بطاس (میرونات دو پطاس) که در خردل موجود است اثر کرده آنرا
تقسیم و تولد ات اسیده پطاس و جوهر الیه خردل تجزیه میشود
این جوهر سیاه را بدین طرز تولیدی که می‌توان بک لبت خلوص از تقطیر
بدست آورد بوی لذاع و طعم سوزان و خاصیت عمده خردل بواسطه
وجه همین جوهر است —

آثار فیزیولوژیه آن — وقتیکه جوهر خردل را بروی جلد ارسال دارند

بعد از چند دقیقه باعث حصول وجع شدید سوزان تحمل ناپذیر که اثر
شمع خردل نیز همانند که بطئی تر ظاهر میشود همین قسم است میک
ورم شده بی المصادف با حمرت دارد و با حرارت موضع است بدون
آنکه در جلد تهیج مشهودی ظاهر گردد و بهر اگر اثر جوهر خردل
طولانی شود یعنی چند ساعت طول بکشد بشره بصورت نقطه حبابه
مرتفع گشته ولی آثار منقطه ان بطئی تر و وجع ناکتر از شعال
ذرات است — ارسال جوهر خردل بروی اغشیه مخاطیه از قبیل بینی
و حلق و مری و معده باعث حصول وجع لذاع سوزانی گردد و متعاقب آن
آن ورام و اسهال سبب ورم شدید میگردد استعمال متعادی قلیله خردل
اشتها را تحریک کند ولی اگر طولانی شود باعث اختلالات
هاضمه میشود و اگر بمقدار زیادت خردل ۲ بخورند بسبب حصول قی
میگردد و آثار عمومیه جوهر خردل چنانچه مشهود است ولی در

حیوانات پس از استعمال طویل آن مسمومیتی حاصل کرده آثار آن شبیه
با آثار سمیه اسید سیانیدریک است —

استعمالات علاجیهٔ آن — از روغن و قشر او نزد اطبای قدیم موجود است استعمال
آن در طب جدید و در جزء توابل ها احتراز نمود و فقط یک نوع است از او
مانند دوا استعمال مینمایند و آن وقتی است که بواسطه مسمومیت مواد
مخدره (از قبیل تریاک و بلادون و غیرها) قابلیت تحریک اعصاب
معدی نقصان یافته باشد و در این صورت بواسطه مقوی های متعارف
قی حاصل نگردد یا آنکه تنبیه معدی یا اپومرفین جهت تزریق
تحت جلدی حاضر نباشد در این صورت می توان بواسطه استعمال مقدار زیاد
خردل قی حاصل نمود —

جهت استعمال خارجی در مواقع اثر مذکور داشتیم چندین قسم ترکیب
از بذر خردل ترتیب میدهند (۱) مشمعات خردلیه — تخم خردل

را تازه صلایه کرده با آب نیم گرم (نه با سرکه) مخلوط کرده خمیر میسازند
آنرا مابین دو پارچهٔ نازک پاک گذارده بروی موضع مقصود ارسال دارند
۱۰ الی ۲۰ دقیقه بگذارند یا آنکه (۲) ورق های مشمع خردلی (رگولو)
در دواخانه ها یافت شود در حین لزوم یکی از آن ورق ها را نیم دقیقه
در آب نیم گرم خیس نموده ۱ الی ۲ دقیقه بروی موضع ارسال دارند (۳) جوهر
خردل الکلی خردل نیز ترتیب میدهند و آن مخلوطی است از یک جزء
جوهر در بیست جزء الکل و اثر آن خیلی سریع است ۱۵ الی ۳۰ قطرهٔ آنرا
در روی پارچه ای تا نموده باشند ریخته مدت ۵ الی ۱۵ دقیقه ارسال دارند
جهت پاشوئیه خردل ده الی بیست مثقال آرد خردل را استعمال
میکنند و جهت ادله مطبوخی از دو الی سه مثقال در چهل مثقال آب
ترتیب میدهند و در حین حمله صرع و غشی و غیره الکل خردل استنشاق
مینمایند —

(۲) جوهر خردل بوطلیک

که متوثر کلیک نه از نباتات و اجد نبات دارای مقدار زیادی املاح

قلیائی نیز هست خواص این جوهر از آلیل کربنات گلهٔ ار بیه

سابقا در مرض اسکوربوت تجویز می نمودند —

(۳) سولفور ردوالیل

این جسم عنصر اصلی سیر است و فقط مواقع استعمال در جهت سیر پیدا میشود

ممکن است در سیر و الیف باشد در ترکیب آن متفرق از ادویه که ماه نمانند —

تبصره — پیاز و ترب بری نیز دارای عناصر از شعبه بعبارهم

مجموعه در خردل ولی بسیار ضعیف تر از آن اند —

فقره ثالثه — در ذراریح

ذراریح (ملکه اسپانی) حیوانات اند از طایفه کلهاپتر با رنگ سبز

طلائی و طول آنها تا سه صد یک متر میرسد که عامه آن کانطاریدین است

هرچند این حیوانات را سمی قیصری در الکل یا اطر یا کلروفرم کنند ماده

مذکوره بعلاوه و همین سبزی بدست آید و در سایر اقسام حیوانات طایفه

مذکور (ملوسیلاریس) و دراسیده ها نیز از شعبه بکانطاریدین

و در چند قسم گیاه یافت میشود (مازریون و انا کاردیوم اکسیدانتال)

نیز یافت میشود خواص اینها شبیه بخواص ذراریح است —

اعمال فیزیولوژیه آن — مقدار بسیار قلیل از کانطاریدین را

(۱/۱۰۰ گندم) چون در روی جلد ارسال دارند کافیست که پس از ربع

ساعت تا ۲۰ دقیقه موجب تنفط شود و بعد از آنکه بعضی آثار از مشمع

ذراریح حاصل شد ۵ تا ۱۰ ساعت مدت لازم است و اگر مشمع

ازیک دقیقه تا ازیک روغن زیتون اندود کنند زودتر اثر مینماید زیرا که

دهن مذکور کانطاریدین را حل میکند حال اگر پس از تنفط مشمع

ذراریح حاصل شود مذکور مرداریم در ۳ ساعت پس از ارسال مشمع در جلد

متورم احساس سوزش و حرارت شدید و حمرت آن زیاد میشود پس از آن
نقطه‌های صغیره ظاهر شده که کم کم و بتدریج بهم پیوسته طاول بزرگی ممتلی از
ماء الدم حاصل کند و این مایع زرد رنگ دارای اثر قلیائی و حاوی کانطاریدین است
پس از آن طاول شکافته و جلد زیر آن بسیار قرمز شده است و محصول آن تشنج
بالاخره بشکل ورقه خشک درآمده و در زیر آن بشره جدیدی تولید گردد
اما اگر مشمع بی‌حفاظ بماند یا آنکه مرهم محرکی بموضع ایراد وارد در جلد
برفعی قرحه حاصل شده و در اشخاص ضعیف ممکن است صدمه وارد گردد
شرب مقدار قلیلی از کانطاریدین در تنتور مشکه با آب زیاد ممزوج
کرده باشند باعث تحریک بسیار شدیدی در مجاری هضم گردد و اگر مقدار
آن قدری زیاد باشد اینز آثار شرب تمام ظاهر شده تشنج و زراق بسیار غدد
زاقیه متبع قولنج‌ها شدید و قی و اسهال دموی عارض گردد و از جذب
شدن کانطاریدین آثار عفونیه نیز حاصل کند و از درون جلد کانطاریدین

بواسطه اریاح منفعلات نیز جذب تواند شد پس همه وقت در ایام مشمع
های بزرگ باید بسیار احتیاط نمود پیک کنده سحوق ذراریح در خرگوش و گرگ و
درسگ و نه کم و ران آن موجب هلاکت تواند شد اگر بجای ذراریح
سحوق کانطاریدین استعمال شود صد یک مقادیر مذکوره کافی است اگر
کانطاریدین در اعضای تناسلی بیشتر از سایر اعضا حاصل شود از آنکه جزء عمده
آن از کلیتین خارج میشود بقسمی که در مجاری آلات بول همان آثار را حاصل کند
که در روی جلد ظاهر میشود —

استعمال یک کنده سحوق ذراریح بطور منتظم باعث نزله و مفصل مثانه و بول
دخون مرد که غشای مخاطی متعدد گردد و احساس بدغدغه در راس حشفه
و وجع سوزان در موضع کلیه و مثانه شده بول اغلب و اما بلا عفن منجمد و اخراج
آن بسیار موجع است —

پس از استعمال مقادیر زیاد آن در حیوانات هم در معرض امتحان در آورده‌اند

فسخ مخصوصی کلیه شود و بعضی این عقیده عمومی را از استعمال داخلی ذراریح قوه
باه را زیاد توان کرد هنوز باقی است ولی مجربین حقیقت این
عقیده را معلوم نموده اند از استعمال آن در راس حشفه احساس بدغدغه
میشود و گاهی سبب نعوظ و تحریک میل مقاربت میگردد ولی این حالت
نعوظ را نیز از جذب کانتاریدین حاصل میشود اگر بجذب آن
مستدام کرده موضع شود باعث التهاب و تقیح و تهییج ادرار و
و سبب بعضی مثانه والتهاب آنها گردد و اگر دست از این برداشته
واثر متروک کنند بهتر اقرب باحتیاط است

استعمالات علاجیه آن — ذراریح از داخل بقطع نزف الدم ... بلکه
بواسطه اثر تحریکیه شدیده ممنوع است باعث که ضد لیبار منظر اند
از خارج بالعکس بصورت مشمعات منفطه در موارد استعمالات آنها
در کیسه ادم لیبار معمول اند —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) ذراریح مسحوق — از داخل اگر بخواهند
بدهند دفعه نخستین تا یک گندم و شبانه روزی تا سه گندم می توان داد بشکل
حب یا سفوف یا منضم با افیون بدهند (۲) تعفین ذراریح — ذراریح
یک جزء الکل مصفی ده جزء با تعریبت تیره زرد رنگ و از داخل دفعه
هر بار ده قطره تا مرکب و شبانه روزی تا ده نخود می توان داد در مطبوخ
لعاب غلیظی بخورند بدهند از خارج اثرا جهت تحریک مالیده و نیز تزریق
اثرا در نواصیر داسیلی انها جهت تحریک بکار برند تعفین ذراریح
را جزء روغنهای نابت شعر مثلا در داء الثعلب و امثال آن زیاد
استعمال میکنند — (۳) مشمع ذراریح معتاد اولی — ذراریح نرم
روغن زیتون یک موم زرد چهار رطل با نطبین یک سنبر سقاز است
و این مشمع نرم جسبنده نیست اثرا با مشمع ملصق یا با نوار دیا بستمال
در روی جلد محکم کرد جهت حصول نقطه هشت تا ده ساعت لازم است

و اگر بخواهند که جراحات آن تنقیح کرده باشند نقطه سه پارچه کهنه را با روغن های
محرکه تمیز نمایند و در عکس اینها باید نقطه سه از کنار فوقانی اخراج کنند
(۴) شمع ذراریح و الی — هر گاه که مدت مدیدی بروی جلد بماند
جز تحریک اثر دیگری از آن دیده نشود و اگر در صورتی بکار برند که مقصود
حدوث تحریک موضعی مدیدی باشد مثلاً در امراض چشم و دندان و در وجع
عصب صورت و امثال اینها در پشت گوش بیندازند ترکیب آن از این
قرار است ذراریح هیجده فرفیون شش راتیانج و موم زرد و مکدینی طرطیر نطفی
سی و هفت سقز کاج بیست و پنج و از این بیست — (۵) پماد ذراریح
(روغن منفط) ذراریح یک روغن زیتون چهار موم دو و این ترکیب جهت
تحریک بشدت اثر کند — (۶) پماد محرک سرکبی ذراریح فرفیون
و راتیانج دارد (۷) کلدیون ذراریحی هر در کلدیون ذکر شد و از اینجا
ذیل نیز ترکیبات منفطه و محرکه ترتیب میدهند اول با بدست دافنه

مرزنیوم (مارزیون) یا ماکوت دافنه گنیدیوم (گاروم) ورتیم با میوه های
آناکاردیوم انسیدانطاله (جوز آکاژو) هر ماده منفطه آن کاردول است
سیم با انواع فرفیونات هر دارای سقزیات منفطه انه چهارم با سقز
طپالیا (هر از طپالیا گارگانگا) افزوده شود

فصل هشتم

در بیان ترکیبات معطره

تمام ترکیبات معطره مشتق از منزل اند یعنی بالعموم و اصح آنها عبارت
از این جسم است و ترکیبات این نوع حاصل میشود که یک یا چند از اتم
از عنصر مفرد یا مرکب قائم مقام یک یا چند اتم ایدروژن منزل میشود
باین جهت است که آنها مشتقات منزل می نامند عملاً خط شیمیائی
این ترکیبات مثل المبدء و المآل از حیث خواص فیزیولوژیا یا دو طرا
پوطبیع کمک شده است و دارند در جزء این سلسله عده زیادی از ادویه

(روغن‌های عطری فرّار از قبیل کامفن و طربانطین) و نیز عدهٔ زیادی از محصولات
نباتی و حیوانات را از قدیم در علم علاج مستعمل اند جزء دیگر از این ترکیبات
محصولات تقطیر چوب‌ها را جهت تدهین التهابات کهنه و تا زمان رایشن
باخ ترکیب طبی آنها مجهول بود —

رایشن باخ در سنهٔ ۱۸۳۲ اسیحر کرئوزت را از قطران اخذ کرد و در سنهٔ ۱۸۳۴
رنگ اسید فنیک را کشف نمود —

ملاحظات عمومیهٔ فیزیولوژیکی — اغلب این ترکیبات عطره مانع حدوث
انقلابات تخمریه و تعفنیه می‌گردند و چون آنها را با مواد آلیه مخلوط نمایند
مانع تخمر و تعفن آنها شده و اگر آن مواد در حالت تخمر و تعفن باشند بواسطت
این ترکیبات انقلابات آنها را منقطع توان کرد از قدیم الایام جهت
حفظ گوشت و تجزیه نشدن آن اثرات دود را بکار می‌بردند و نیز نعش اموات
مدت چند هزار سال بواسطت مواد عطره را با آن مومیا را از انهدام حفظ

و آنچه که آنها محفوظ داشته اند رایشن باخ متفطن شده که کرئوزت او
دارای خواص ضد تخمری و ضد عفونات و بهمین جهت بعدها آنرا به کرئوزت
موسوم کرد (یعنی حافظ اللحم) و این حکیم چنان پنداشت که این خواص
کرئوزت بواسطه ترکیب شدن آن با مواد آلبومینیه است در همین زمان
حکما در باب اسباب تخمر و تعفن خیالات خود را متوجه کرده و خواص
ضد تخمری و ضد عفونی ترکیبات عطره را منسوب بقتل موجودات صغیره نمودند
که سبب انقلابات تخمریه و تعفنیه می‌گردند و مخصوصاً پاستور فرانسوی متفطن
این قانون شد که انقلابات تخمریه بواسطه وجود موجودات حیّه ذرّه‌بینی
باید حاصل گردد عقیده این حکیم بر آن است که انقلابات تخمری و عفونی
بواسطه طرز مخصوص وجود عمدهٔ از موجودات حیّه است که همیشه در مواد
قابل فساد و تخمر از آنچه مواد را که جهت وجود و تولید خود لازم دارند
از آنها اخذ می‌کنند و بهمین جهت این مواد تجزیه می‌شوند و بنابراین

تخمیر و تعفّن می‌کند همین عقیده‌ها در باب امراض سمّی و مُسری

و عفونیه و اسباب آن میخواهند تعمیم دهند در این چند سال اخیر بعض

اجماع و تجارب بدست آمده است که متعیّن بر اثبات این رأیست

که امراض مُسریّه و عفونیّه و نیز اکثری از سایر امراض بواسطه نفوذ

و تولید موجودات ذرّه‌بینی در بدن حاصل میگردند و اطبا چون

اغلب مجبور بر آن اند که بر دشمن ظفر یابند که طبیعت آن درست

معلوم نیست لهذا مدّت مدیدیست بر آن شده‌اند که این ملاحظه

در باب علاج امراض منظور دارند و نتایجی که در باب این ملاحظه

بدست آمده و در ایضاح این مطالب مبیّن و اصلی اند عبارت اند

از قوّات ذی‌حیات و وسایطی که باعث قطع و منع تخمیر و تعفّن

میشوند می‌توانند موافق قانون بسیط علاجات را از تجربه عفونی

و بدن را از تعفّن عمومی حفظ نمایند اگر علاجات قبل از وقت

تجربه عفونی دست داده باشد اثر این عوارض غیر معیّن است اگر علاجات

عفونی در تمام بدن سرایت عفونت شده و عفونت مایعات بدن یا دخول

ریم در دوران یا حرکت دست داده باشد جمیع عوامل ضد عفونیه‌ای که از دوا

استعمال کنند فقط ممکن است باعث حصول آثار ضد عفونیه گردند ولی تا حال

تقریباً از آن وسایط که ما پیدا نشده است که باعث علاج این تغییرات

مرضیه و مهلکه گردد ولی مالاریا بعضی قسم اجسامی است که از این قانون استثنا

منفرد میباشد که بواسطه بعضی از این ادویه میتوان آنرا علاج نمود —

امّا در باب ترکیبات معطّره ثابت شده است که این ترکیبات

دارای خواصّ ضد انقلابیه و ضد عفونیه مشهود و خواصّ عمده در ترکیب و فعل

حیوانات نسبت دارند —

بملاحظه علمی باید دانست که کدام یک از این عوامل خواص ضد انقلابیه

و آثار ضد عفونیت آن بیشتر است ولی تا کنون عقاید مجربین موافق

ومطابق شده است که از مجربین ملاحظه نموده است در حیوانات ذره بینی
یک جنس میتوانند در مایع مغذی معینی زنده بمانند و آن عبارت
از محلول قند نبات در مشتقات طرطرات دامونیاک که بیخ نمک
فسفات دو پطاس در کوه و نیم اسید سیت شفاف و بعضی نباتیها که گرد آمد
آمده از لوحه دیگر معلوم میشود

با کلرور دو مرکور مانع از انتشار و نمو باکتریها میشود محلول یک در بیست هزار

طیمول - - - - - - - - - یک در ۳۰۰۰

بانزات دو سود - - - - - - - - یک در ۴۰۰۰

کرازت

جوهر صعتر - - - - - - - - یک در ۱۰۰۰

کازل

آسید بنزوئیک

اسید سالیسیلیک

الکالیپتول - - - - - - - - یک در ۶۶۶

اسانس دو کاردی - - - - - - یک در ۵۰۰

سالیسیلات دو سود . . . . یک در ۲۵۰

اسید فنیک - - - - - - یک در ۲۰۰

کنه کنه

آسید سولفوریک - - - - - یک در ۱۵۱

سولفات دو کوئیور - - - - - - - یک در ۱۳۳

اسید کلریدریک . . . . یک در ۷۵

سولفات دو زنک

الکل . . . . یک در ۵۰

مخرب و فانا کننده باکتری محلول

کلر	.... یک در	۲۵۰۰۰
ید	.... یک در	۵۰۰۰
برم	.... یک در	۳۴۰۰
اسید سولفورو	.... یک در	۶۶۶
اسید سالیسیلیک	.... یک در	۳۱۲
اسید بنزوئیک	.... یک در	۲۵۰
طیمول	.... یک در	۲۰۰
کاربول		
اسید سولفوریک	.... یک در	۱۶۰
کرئوزت	.... یک در	۱۰۰
اسید فنیک	.... یک در	۲۵
الکل	.... یک در	۵

فقرهٔ اولی — در بنزول و بعض مشتقات بلاواسطهٔ آن

(۱) بنزول (یا بنزین بنزول قطران ذغال سنگ) یا بنزول بمقدار زیاد در قطران حاصل از آنچه چراغ گاز موجود است مایعی است بی رنگ با بوی شبیه ببوی کلروفرم و جوهر یا ایام تلخ غیر محلول در آب و با ... الکل و اتر ترکیب پیدا می کند گوگرد و فسفر و ید و یدوفرم و دسومات و ... و موم و کائوچو و ... و اغلب از آنها جهت برطرف نمودن لکه های چربی البسه و غیره بکار می رود —

در حیوانات پست از قبیل حشرات الارض و کرم های موجوده در گوشت خوک موجب حصول آثار مسمومیت قوی میگردد —

اگر این جسم مدت مدیدی تنفس شود باعث ارتعاشات عضلات و حصول اصوات در دماغ و بالاخره بسبب استرخاء عمومی ... استعمال آن در علاج جمیع جدیت ... و اثر او در قرحه ها ... بسبب آن فاسد و انقلاب مواد غذائی

در معده و جوف مقدار زیادی از آنکه و سواد قسمتی شکل زائد تر شحی دارای

سارسین باشد استعمال میکنند و این حالت اخیره در صورتیست که

بواب تنگ شده باشد (سارسین یک نوع قارچیست که در معده پیدا

شده و بشکل مکعب است و مرکب است از چهار و هشت و شانزده

سلول مکعب و هر یک از سطوح آنها اغلب دارای چهار برآمدگیست)

استعمال منزل در مرض از طریق تنقیه حاصل میشود (از کرم گوشت خوک)

خیلی مدح نموده اند و از خارج آنرا جهت رفع جرب تجویز میکنند ولی

این طریقه علاج با خطر است از داخل هر دفعه از یک نخود و نیم الی ۵ نخود

و شبانه روزی تا یک مثقال از آن در مطبوخ لعابی میتوان داد —

(۲) اسید وانزول یا آنالین — از این جسم رنگهای بسیار قشنگ

میسازند که گاهی اغذیه را با این ترکیبات رنگ میکنند؛

بهیچوجه دارای آنالین آزاد نباشند والا سبب مسمومیت شوند

آنالین در طب معمول نیست —

(۳) نیطرو بنزول یا نیترو بنزین — بوی آن بعینه مثل بوی جوهر

فرار بادام تلخ است و اغلب تقلب که از آن بجای جوهر فرار بادام تلخ یا آنکه

با آن مخلوط که میفروشند این جسم نیز باسم آنالین باعث فلج

سلسله اعصاب مرکزی شده و در طب معمول نیست —

فقرهٔ دویم — فنیل کاربور

فنیل کاربور عبارتست از اسید فنیک و اسید کربولیک میباشد بهیچوجه

دارای خواص اسیدی نیست حتی کاربوناتها نیز تجزیه نتوانند کرد

ولی اسید کاربونیک است از ترکیبات فلزی خفیف خارج که خود قائم مقام

آن میشود — تمیز آن از الکلها این است که فلزاتی دارای خواص

بازیک هستند میتوانند قائم مقام اتم ایدروژن آب آن شوند که در الکل

نمیتوانند —

فنل سوی را می‌توان بمقدار زیاد از روغن‌های وزینهٔ قطران ذغال سنگ بدست
آورد فنل خالص بشکل منشورهای بزرگ بی رنگ یا اندکی قرمز رنگ
متبلور شده و عمدان منجمد است در ۲۵ / ۳۰۰ حرارت در آب
و یک جزء آن در پانزده یعنی ۱۵ جزء آب محلول تواند شد در صورتیکه
از واحد قوی بخواهند استعمال کنند باید خالص باشد —

اعمال فیزیولوژیه آن — (۱) اثر آن در مخمرات و محلولات تخمیریه
و تعفنیه است مخمرات شیمیه از قبیل پپسین (مائه مخمره برانق)
و پپسین و اپولسین (مائه مخمره لبوبات) و مرزین (مائه مخمره
خردل) بعبارت از اثر فنل مانند و ضایع می‌کنند مخمرات
و مواد انقلابیه آلی برخلاف بواسطه محلولات فنل در لوث سابق
الذکر مسطور داشتیم مانند خراب می‌کنند و نیز علاوه بر ذکر است
معلوم شده است که هرگاه صد جزء رطوبت آلیه را با یک جزء فنل مخلوط

کنند مانع از فساد آلیه نمی‌شود که محلول که در صد آن اثر مانع آلیه
برطرف می‌شود بهیچ تازه ترشح که هست از افزودن پنج جزء
فنل به صد جزء آن خواص ممشی برطرف می‌کنند و بواسطه افزودن
دو جزء در صد جزء هیچ وقت تعفن نمی‌شود هر گاه بصد جزء از عفن
ده جزء فنل اضافه نمایند خاصیت سمی آن رفع می‌کنند از افزودن
نیم فنل بصد جزء تخمر الکلی و غیره برطرف میشود تخمر بول بواسطه افزودن
یک در صد و تخمر شیر بواسطه چهار عشر در صد رفع میشود تعفن
البومین و لوکنت و خون و نان و غیره از اضافه نمودن که جزء فنل
بر صد جزء قطع میشود و این امتناع از تعفن تا وقتی است که
فنل بخار نشده باشد همان وقتیکه تعفن بواسطه اثر فنل برطرف
می‌کنند رایحه آن نیز تمام میشود ولی عده زیادی از مواد ذی رایحه مستعفن
را فنل در اثنا از نگذوده و تغییری در آنها نمی‌دهد —

(٢) اثر فنل در بدن انسان ـ فنل از ورای جلد سالم مجذوب تواند شد
و نیز دیده شده است که از ارسال دائمی محلول آن موت حاصل شده از جراحات
و تمام اغشیه مخاطیه می تواند داخل در خون شود ـ

فنل در بدن تبدیل بترکیبات مختلف گردد موسوم اند بمشتقات فنل
یکی از آنها اسید فنل سولفوریک است و قسمتیکه فنل را از دهن بمقدار کم استعمال
نموده باشند با بول بصورت اسید مذکور خارج میشود و اگر بمقدار زیاد استعمال
کرده باشند قدر کثیری از آن بشکل باقیمانده نوعی هنوز شناخته نشده است
خارج میشود و این بواسطه آن است که بمقدار زیاد فنل مستعمله در بدن
سولفات بمقدار کافی نیافته است فنل سولفات تشکیل نمی یابد اگر
در همان زمانیکه فنل استعمال میکنند یکی از سولفاتها مثلاً سولفات
دوسود تجویز کنند این دو جسم در بدن مبدل بترکیبی میشود که ابداً ضرر ندارد
و بهمین ملاحظه سولفاتها در مسمومیت حاده فنل تریاق بسیار نیکی اند

خروج فنل از کلیتین خیلی سریع است و در این صورت رنگ بول تیره
و بعد زیتونی کمرنگ و بالاخره اشقر تیره و خاکستری سیاه میشود و در این
حالات اخیره باید استعمال فنل را ترک کرد سولفاتها بموافق عقیده
سایر محققین سوکرات را تجویز نمایند ـ

اثر موضعی فنل ـ محلول غلیظ فنل یعنی بیشتر از پنج درصد چون بروی
جلد سالم ارسال داده شود باعث حصول لکه سفیده و چنانکه گردد و بعد از
کمی قرمز شده و چند روز بعد مصادف میشود با تقشر سطحی بشره
احساس سوزش چند دقیقه بیشتر طول نمی کشد و عدم حس قائم مقام آن
میگردد بطوریکه ممکن است اگر محلول ۸۵ درصد استعمال شده باشد
تمام انساج جلد موضعی شکافته بدون آنکه احساس بوجع گردد و بنا بر
این تدبیر می توان داخس و دمل و غیره بیمار را با کمال سهولت شکافت و این اثر
مخدره را در صورتی بهتر حاصل میشود اگر از پیش بگذارند آن موضع سرد که ...

باشند اما محلولات فنل در گلیسیرین دارای این خاصیت رافع حس نیستند —
در اغشیهٔ مخاطیه محلولات فنل از پنج درصد تا ده درصد موجب سوزش
دور دهان باعث حصول خشکریشهٔ سفید بسیار نازکی گشته بعد از آن
نیز در مواضع ملاقیه جاری گردد در ورود آن در معده اغلب سبب
حصول تهوع و اگر محلول غلیظ باشد ورم خفیف مخاطی معده و بعد از آن
قولنج شده قی و اسهال عارض گشته اسهال کمتر است که اغلب در این حالت
روی میدهد منسوب بانقطاع عمل انعکاسی انقباضات قلبیه پیدا شده
گاهی در صورتیکه معدهٔ ممتلی بوده است و دیده اند در مقدار زیاد
گشته هم بی اثر مانده اند —
آثار عمومیه — آثار عمومیه بعد از ورود و جذب فنل بسیار سریع
حاصل میگردد عبارت اند از آثار ذیل در بزرگان استعمال گرم فنل
سبب بروز آفات عمومیهٔ شدیده و مقادیر پنج تا ده گرم هم گاهی اذیت

نمیرسانند اما اغلب سبب ظهور علامات عمومیهٔ شدیده عبارت اند
از دوار و طنین و ... و ثقل سمع و احساس بد بجیب غلبه
احساس بضعف بسیار شدید و نیز ترشح وافر عرق و انقباض
سرعت نبض و نزول درجهٔ حرارت تا چند عشر درجه اگر مقدار
مشروب بیک اجبار ... مهلک است بسرعت حالت شدید مسبوق
بحالت سستی و فقدان سریع حواس و ضعف قلب و عدم کفایت
تنفس است و در حالت ان و در سایر حیوانات این مقادیر کثیره سبب
حصول کنوولسیون های کلونیک و تونیک اند و در انسان بالعکس
کنوولسیون مفقود و در صورت فلج مراکز عصبانیه دست میدهد
(تبصره — کنوولسیون های کلونیک عبارت اند از حرکات دائمه
عضلات مخصوصاً در عضلات اطراف این حرکات غیر منتظم و
درهم و شبیه بداء الرقص است کنوولسیون های تونیک آنست که

دائمی و یک نواخت عضلات همراه او و شبیه بگزارات) —

استعمالات علاجی آن — فنل را از داخل در امراض مختلفه استعمال نموده‌اند و نتیجه نیک و ثابتی از آن نیافته‌اند و این امراض مختلفه را در نسخه جات عنقریب مذکور میداریم خواهیم شناخت و فقط در این جا حکم و پرورت عمومی را بلند ذکر می‌کنیم را استعمال فنل در این امراض باعث تسکین خارش شده بلکه سبب علاج گردد —

بعلاوه قانون لیسطر انگلیسی در تدابیر ضد عفونی مذکور داشته‌ایم فنل را از خارج در مواقع و نیز استعمال میکنند اولا در ترشح رحمی و اغشیهٔ مخاطیه که خصوص در آلات تناسل نسوان و شعب قصبة الریه به طور تزریق یا استنشاق استعمال مینمایند تا نیاورغ تقرحات ریوی همانطوری که ظاهر با بخار آن استنشاق میکنند فنل نیز معمول است تا الآن در دیفتریت به طور غرغره و مانند آب آهک معمول کنند (یک تا ۳

تا ۳ در صد) و بطور استنشاق یا مالیدن بلاواسطه مخصوصاً در اطفالی که نمی‌توانند غرغره کنند همان مقدار مذکور در باب آهک حلق مخصوصاً معمول دارند —

استعمال فنل بلاواسطه مانند مکویات چندان اهمیتی ندارد دندان سازان غالباً فنل را جهت تسکین اوجاع دندانهای کرم خورده و یا پاکیزه نمودن جوف آنها قبل از پر کردن استعمال می‌نمایند در این ایام فنل مانند عوامل ضد عفونی زیاد مستعمل است در تدابیر ضد عفونی از آن جهت شستن آلات و ادوات جراحی دوات‌ها و غیره بکار میبرند مبال‌ها و ظروف البسه مواد برازیه مرضای مبتلا بطیفوس و وبا و دیسنطاریا و غیرها را با فنل رفع عفونت می‌کنند —

در مریضستان بخارات فنل را در اطاق مرضی خصوصاً در مریضخانه‌ها

جهت منع انتشار عوامل عفونت استعمال میکنند و بهمین ملاحظه دیوارهای
روغن زده اطاق مریض را بمحلول آن شست و شوی دهند —
قدرت شربت — برای استعمال داخلی بهتر این است که اسید فنیک متبلور را
بطور شربت استعمال کنند و در آلمان مقادیر مخرجه را اضافه آن هر دفعه
یک گرم و شبانه روزی ۳ گرم است ولی میتوان بیشتر از این مقادیر
استعمال کرد هر دفعه یک گرم و نیم و شبانه روزی تا هفت گرم در صورتیکه
مقصود استعمال مقادیر کثیره آن است باید بعد از غذا باشد —
جهت استنشاق محلولات نیم تا دو درصد آنرا تجویز مینمایند و جهت
تعدیل بوی آن عرق نعناع یا گلاب اضافه کنند —
جهت استعمال خارجی محلولات یک و دو و پنج تا ده را تجویز میکنند
موافق عقیده کخ محلولات فنیک و [illegible]
جهت رفع عفونت اسبابها و اشیای آنها فنیک غیر مصفی را در محلول

در محلول ۵ تا ۱۵ درصد یا مخلوط با غبار زغال یا آهک یا سولفات
در فرو اشیای آنها استعمال میکنند —
تبصره — در روزنامه‌های طبی گاهی وصفهای شعرا را از فنیک سولفات
در سود یا پطاسی یا آمونیاک یا منیزی تمجید که فواید شیت
آنرا قلیلی می‌نویسند تزریق محلول فنیک سولفات دو زنک در سوزاک
بسیار مستعمل است (نیم تا یک درصد روزی سه مرتبه تزریق کنند) حالت بر
ترکیبات عطره را ذکر میکنیم قسمتی از آنها از فنیک مشتق و فواید آنها بر
متفاوت است با آن در درجه سمیت اغلب کمتر است —
(۱) پروگالل یا اسید پروگالیک — از اسید تانیک وارده در قیر
تولید کرده از اسید گالیک ۲ در مقدار این اسید کاربونیک از دست
دهند بشکل دانه‌های متبلور بیرنگ درخشان است و بسهولت در آب
حل میشود و در این ایام در فرنگستان از آن اغلب جهت سیاه کردن مو استعمال

می‌زنند —

(۲) طری نیطرو فنیت یا اسید پیکریک — وقتی تولید شده از فنول با جوهر شوره حجی ور کنند جسمی است متبلور با رنگ زرد روشن بسیار واضح

چون با نطرودان حرارت دهند متصاعد گردد ولی چون دفعتاً حرارت ببینند

با شدت و طوفان سیون کنند چه نیطرات در پطاس نیز ساخته‌اند

(۳) طیمیل — چون عطر صعتر را با محلول سرد مخلوط کنند و حرکت دهند

بواسطه جوهر نمک طیمیل رسوب شده ماهیت را در ریزنه بشکل دانه‌های

متبلور بزرگی است در آب کم محلول (یک در هزار) ولی در الکل و اتر

حل گردد مخلوطات در ترکیب طبی آنها درست معین نیست عبارت‌اند

از اجسام ذیل —

(۴) کرازت (حافظ اللحم) — عبارت است از اقید اسید بزیک بیر از آن

زرد و متبلور آن بسیار نافذ در آب کم حل شده (یک در هشتاد) در الکل و اتر

و اسانس‌ها بطور لیت قدر شده و این مایع مخلوط است از گایاکل و کریزل

و کریزل و فنول از فنیر بلوری که اسم آن جنبه شبیه با رفنیت است

چون ترکیب طبی آن جسم درست معلوم نیست و بدین واسطه درست

با اثر آن یا نمی‌توان گفت لهذا باید در تمام مواقع استعمال آن فنیت

بر آن ترجیح داد هم مواقع استعمالات آن عبارت است اولاً در قیء

در همان مواقعی که با فنول استعمال میشد ثانیاً در اقسام مختلفه اسهال

مخصوصاً در اسهالات حیفیه اطفال کوچک ثالثاً در سل ریوی بعضی اطبا

استعمال آن را تمجید کرده‌اند و می‌گویند بعضی حالات و حالات سل

سل محقق بواسطه استعمال کرازت علاج شده‌اند هر چند

هفت روز تا چهار گرم بلکه تا ۵ گرم به مریض اغلب دفعه

تا ۳ قسمت کنند و تا در کنندم و شبانه روز تا گرم در شربت

یا در یکی از لعابیات و یا در کاپسول‌های ژلاتینی معمول

دارند در تمام مواقع مرض تنها از خارج کرازت را بکار می برند حتی فقط
مستعمل است محلول کرازت نیز بسبب حل شدنش در آب باز بخار نیز ها بینند
هر سه جزو کرازت است در چهارصد جزو آب —

(۵) قطران — مایعی است سیاه رنگ و دهنی غلیظ است که با اسید پیرولینیوس
از تقطیر خشک چوب تولید کرده مخصوصاً از چوب طایفه مخروطی الثمر قطران
مخلوطی متفاوت پذیر است از کرازت و دهنی و طلول و اسیدها و جوهرهای که
دائمی اثبات و تعیین است و از جمله مخلوطی ثابت به تنوع آن لهذا آثار ثابته
و یقینی ظاهر گردد قطران فقط از خارج در بعضی امراض جلدیه مستعمل است
و جهت اینکه قطران در این امراض خوب اثر کند باید در صورتی
استعمال شود که رفتار آن امراض مزمن و نیز بطور موضعی باشند اگر مرض جلدی
بواسطه سوء مزاج خاص حاصل باشد قطران بطور اولی و اصلح خوب اثر کند
و در بثورات حاده قطران باعث ازدیاد آثار و سوزش گردد حتی مواقع

مخصوصه که قطران در آنها استعمال شود بیان می کنیم —

(۱) در اگزمای خشک مزمن — که در پیش آثار و ترشح و ظهور حباب
و نمله ها منقطع شده و حباب ها که از آنها رطوبت ترشح می کنند تمام شده
باشند از روغن ضعیف آن (یک در ۴) شروع و بتدریج قوت آن را
زیاد کنند در صورتیکه بواسطه اگزما استیه ها را اجزای تند تکیه و
مخصوصاً عظم و تصلب جلد دست داده باشد اغلب قطران کافی نیست (تصلب)
و بهتر آن است که در این حال محلول الکلی غلیظ قطران (۱ در ۳ یا ۲ در
۵ تا ده) استعمال کنند —

(۲) در پسوریازیس مزمن که بثورات جلدی و قشری آن ریشه دار باشد
و اغلب معالجه داخلی نیز در این نوع لازم است —

(۳) در حکه موضعی (۴) در کچلی و اشپلیکو و روبیا که در آنها چندان
اثر ندارد آب قطران یا محلول قطران (یک در ده) را در این تازه ها

و در سوزنک مثل مرهم استعمال میکنند —

قدر شربت و ترکیبات (۱) قطران متعارفی مایع — از نیم مثقال
یک تا چهار نخود در حب یا کاپسول ژلاتینی میتوان بلعید از خارج در دوائی
با پماد وان معمول یا مشمع انرا (که با سقز و گلاچ و پیه میسازند) استعمال میکنند

قانون هبرا در اگزما و پسوریازیس بسیار معروف و ممدوح است عبارت
از قاعده ذیل است پس از آنکه جلد موضع ماوف به صابون قوی شسته و شستو
گرم خشک گردیده و ورقه های آن برداشته شده با قلم مو ورقه ضخیمی قطران ارسال دارند
پس از ده ساعت خشک شدن و بطور محکم موضع مستور و مانع وصول هوا
گردد خارش در ابتدا بسیار شدید و لا بد و بر طرف گردد پس
از یک یا دو روز آن ورقه قطران بنفسه بلند و ساقط گردد و این
تدبیر را تا وقتی تکرار دارند که جلد حالت طبیعی رجوع نماید در اثنای
کثیرالحس یا بین آن استعمالات چند روز فرصه قرار دهند گاهی از استعمال

قطران اعراض عمومیه دست دهد (از قبیل تهوع و قی و بول تیره رنگ و بول
قطران از آن استشمام میشود و امثال آنها) که اغلب بسرعت رفع
شده خطری ندارند —

(۲) روغن کاد — قطرانیست که از چوب سرو کوهی (عرعر)
اخذ میشود استعمال آن در اطفال ترجیح دارد چه بسهولت خشک شده
و چون جلد به قبل از ارسال آن آغشته مستور کرده باشند و بعد از ارسال دارند
خوب کلیه حسیه و از اخلاط صابون مخلوط یا هموزن خود گلیسرین ارسال دارند

فقره ثالثه — در بیان اسیدهای عطره

فورمول عمومی آنها

اسیدهای عطره نیز چند مشترک شان با نزل است و اکثری از آن عوامل ضد
عفونت اند اما بعضی دیگر از آنها فیث شده از این خاصیت محروم اند
اغلب این اسیدها باعث تنزل درجه حرارت تب میشوند و در آن

و حیوانات عالیه فقط اختلالات مختصری را باعث شود چنانکه چندان اهمیتی
ندارد و حال آنکه در حیوانات پست شدت موجب آثار مسمومیت
میکند ابتدا چنین امیدوار بودند که بوساطت این اسیدها مخصوصاً
با اسید سالیسیلیک همچنانکه در خارج بدن باعث افنای عفونت میگردد
در بدن نیز برعلل عفونیه ظفر یابند ولی افسوس که بقطع از وصال این مطلب
ثابت شده که اغلب این ترکیبات در بدن کمی قبل از آنکه با بول دفع گردند
تغییرات عمده کرده و مستحیل باسید هیپوریک می شوند

(۱) اسید بنزوئیک

فورمول قدیم آن | فورمول جدید

بحالت خلوص یا الکل اطرهای مرکبه با اسید سینامیک (مراد از دارچین است)
در کثیری از نباتات (در حسن لبه و مر تک و بلسان پرو و در انگیر ترکی
و مشک و وانیل و انیسون و قطران رومی و دارچین و امثال آنها) یافت شده در بول

حیوانات علف خوار و در چند بید مشک نیز یافت شده اسید بنزوئیک
تجارتخانه یا مصنوعاً (گلن و ترداد) از تصعید حسن لبه بدست آورده
بشکل دانه های متبلور سفید رنگ است با بوی حسن لبه در ۲۰۰ قسمت جزء
آب سرد و ۲۵ آب جوش و در مقدار قلیلی از الکل و اطر حل میشود

اعمال فیزیولوژیک آن — اسید بنزوئیک دارای خواص بسیار واضح ضد تعفن
و ضد عفونت است چون بمقدار زیاد خورده شود در بدن حرارت شدید احساس
بحرارت شدید و ترشح عرق زیاد و بمقدار زیاد مخاط و بلغم از طریق تنفس
خارج شود در کلیتین تجزیه شده از ترشح ~~عرق~~ و تولید اسید هیپوریک کند
بوی آن شبیه بوی وانیل ولی بسیار شدید تر از آن است طعم آن ابتدا
خوب و عطریست پس از آن احساس سوزش و ترشی شدید در دهان و حلق
شعاع بخارات آن را چون استنشاق کنند محرک سعال و غبار آن
بطور انقضیه شده است —

استعمالات علاجیه — اسید بنزوئیک در مواقع ذیل مستعمل است (۱)
جهت اخراج نفث در نزله های بدون حمی و در اشخاص ضعیف مخصوصاً
مشایخ در وقتی که شعب قصبه از بلغم متحجر که ممتنع الشفا باشند (۲)
در ذات الریه های اشخاص مسن لاغر ضعیف در همان شرایط مذکوره
اگر چه حمی هم موجود است در وقتی که بلاواسطه امتلاء دارند و شعب قصبه
حالت موت ظاهری و علامات اختناق بروز کرده باشد و این حکم
استعمال در طیفوس هم وقتی که علت خطیر در مجاری تنفس باشد
بسیار [illegible] و در این حالات اغلب آن را با کافور یا پولغور
و انطیمون طلائی ضم می کنند (۳) در ادرار (۴) و رسوب مزاج ادراره —
ترکیبات و قدر شربت ان — (۱) اسید بنزوئیک مصعد —
دفعه ۲ حبه تا ۸ کنده شبانه روز تا ۹ گرم در سفوف یا حب (۲)
بنزوات دو سود (املاح دانه های شفاف پذیر است با طعم تند و شیرین مزه

بسهولت محلول در آب) در درجه حرارت تمام را نازل کند و حرارت ساعت
در استعمال ان بسیار روح خصوصاً در نقطه بسیار دقیق از اطفال حادثات
به واسطه اثر ان اغشیه کاذبه را منهدم کند و جهت این مقصود مقدار ان
به ان را از ابتدای مرض و بعد دیر زیاد هر هفته در اطفال کوچک تا هفت
سال هر شبانه روز یک تا دو مثقال دارند هفت ساله بعد دو تا سه مثقال
در شربت و قاشق قاشق هر ساعت اما این دوا را حالت تفرقه ما کرده است —

(۳) اسید سالیسیلیک —

و سالیسیلات دو سود

اسید سالیسیلیک یا ارطواکسی بنزوئیک از گل ملکه چمن اخذ می کنند طایفه
از آن ابتدا [illegible] است ولی در شاخ ان معرق است در حرارت مرتفعه
(در ۱۵۶ درجه) اسید سالیسیلیک به اسید فنیک و اسید کاربونیک
تجزیه بلورهای منشوریات بی رنگ متبلور شعاعی در آب سرد کم محلول (یک در پانصد)

و در آب جوش و الکل و اثر به سهولت و در پنج گلیسیرین حل گردد —

اعمال فیزیولوژیه آن — اسید سالیسیلیک ($C_6H_4(OH).CO_2H$)

یکی از عوامل قویه ضد عفونی و ضد تخمیر است بو و طعم آن خفیف

محسوس نیست و جهت حیوانات بزرگ چندان سمیت ندارد و در بدن

چون به سالیسیلات ها مبدل میشود خواص ضد عفونی آن زایل گشته

ولی خواص اسید و املاح آن خصوصاً سالیسیلات دو سود از وسایط

ضد حموض بسیار نیکو میباشند اسید سالیسیلیک از وراء جلد سالم مجذوب

نمیشود و چون خواص اثراجی و راغشیه مخاطیه میکند موجب ورم گشته و محلول

غلیظ آن بشره و اغشیه مخاطیه را متاثر کرده علاوه بر این چون حمض

آنرا کم استعمال کنند در حلق احساس سوزش میشود اما محلولات رقیقه

آنرا مانند سالیسیلات دو سود خوب تحمل توان نمود اسید سالیسیلیک

اگرچه در حالت انحلال هم باشد سبب عطش و سرفه و تهوع گشته چنانکه از خفیف

مقابله میشود بهمان جهت از اسید سالیسیلیک هنوز تشفی نشده خواص

عمومی اسید سالیسیلیک و سالیسیلات دو سود تقریباً مشابه اند اعمال آنها

در اشخاص سالم باعث بطوء تنفس و نبض و تنزل درجه حرارت خون و گاهی باعث

انخفاض درجه حرارت کمتر در محمومین باستثنای حمیات عفونیه درجه

حرارت همیشه بواسطه آنها تنزل کرده و عرق های وافره حاصل میشود و نیز

گاهی قی و دوار و طنین و حالت انقطاع اعمال میشود و استعمال آنها دوام

بواسطه اعتیاد در بسیار گردیده ممکن است در مرض تنفس و گلو و لسعون عارض

گردد اسید سالیسیلیک پس از شرب در بول و براق و عرق و بلغم و مخاط

یافت میشود جمع نشود لکن قدم از این اسید خورده میشود بعد از نیم ساعت

ظهور آن در بول شروع میشود تا بیست ساعت دوام میکند لیکن اگر مقدار

زیادتر خورده شود دیرتر شروع نماید و در اشخاص مبتلا بمرض مجاری بول دیرتر در بول اشخاص

قلیایی ظاهر میشود قلیامات و نیز آنرا بواسطه استعمال این اسید کم

کردوسالیسیلات دو سود بسهولت محلول در آب و طعم آن شیرین و مطبوع
است دارای خواص ضدی اسید سالیسیلیک است ولی خواص ضد عفونی و تحریک
ندارد —

استعمالات علاجیه — این دوا در علم علاج شرافت خصوصی دارد و موارد
استعمال اسید سالیسیلیک در تحت سه نوع مندرج است (۱) جهت
استعمال خارجی برای ضد عفونی نیکوست (۲) برای ضد حمیات خوب است
(۳) در این سنوات جهت رفع مفاصل حاده برای بیماران نیز مفید است
سالیسیلات دو سود فقط در موارد اخیره با اسید سالیسیلیک شرکت دارد
و کلیه اسید را از ملح سود بهتر می دانند ولی استعمال ملح را ترجیح می دهند
زیرا که مانند اسید تحریک نیست و بعلاوه در یک دفعه چون [illegible] همان خواص
اسید از آن بظهور رسد این دوا را می توان گفت در مفاصل حاده
بالخاصیه اثر دارد نه مشتبه و در رماتیسم مزمن(?) اثر ندارد چنانکه گفت

ولکن که در نوبه از استعمال لایق این دوا اعلامات اصلیه مفاصل حاده برطرف
شده نه همان تب بلکه درد و تهیج ورم مفاصل نیز رفع کنند و این خاصیت
اغلب به سرعت حاصل گردد و موجب حیرت است عوارض شدیده این
مرض گاهی بواسطه استعمال آن ۲۴ ساعت بیشتر طول نکشد و علاج کنند
ولی اغلب تا دو سه شبانه روز رفع کنند و بیمار را در بستر(?) هفت روز
بطول انجامد و حال آنکه قبل از اکتشاف این دوا چند هفته بلکه چند ماه
دوام می کشید هر قدر مرض تازه تر باشد اثر این دوا ارفع تر است و خیلی
بنظر می آید که این ترکیبات بسیار خطیر مفاصل حاده از قبیل ورم انکارزنو(?)
و اغشیه مقلبه(?) نیز بواسطه این دوا رو به بهبودی گذاشته و شفا یابند
اما در مفاصل حاده این دوا را باید موافق قانون ذیل استعمال کرد سالیسیلات
دو سود ساعت بساعت دو تا چهار گرم به بیمار بدهند تا آنکه صمم و ضعف
منتهای قدر شربت آن ده گرم و نیم است در اطفال ۵ تا ده ساله نیم تا یک گرم

بیشتر گشته بعد از شرب دوا تا چهار مثقال آن بهبودی حاصل شود اما
باید باز تا پنج شش روز شبانه روزی ده تا سی گرم به مریض داد اگر معتاد زیاد
در یک دفعه بدهند مثلا شبانه روزی دو دفعه هر مرتبه یک مثقال به مریض
نتایج آن چندان خوب نیست و در بسیاری اوقات هم روماتیسم مکرر می‌شود
عضلانی قریب بازمان و مزمن نیز اسید سالیسیلیک اثر کند اما همیشه
محقق نیست اما قاعده آن است در وقت استعمال آن مریض را
در لحاف گرم بخوابانند علاوه بر این عمل مخصوص این دوا در مفاصل عام
این دوا هم دارای خواص رافع حمای بسیار عالی نیز هست اما جهت
حصول این مقصود باید معتاد و زیاد استعمال شود و در این صورت
از گنه گنه زودتر و سریعتر درجه حمی سه تا نزول کند و تا دو سه
ساعت بعد حمی روی بانتقاص گذارد اگر چه حمی زودتر تخفیف یابد
اما باز مکرر باره زودتر درجه آن ارتفاع یابد بالنسبه زودتر از گنه گنه

استعمال شده باشد مدت خفت در آن طولانی تر است علاوه بر آن
اسید سالیسیلیک شدت قوت عملیه قلب را کم کند و حدوث انقطاع
اعمال قوی و موت ظاهری بعد از استعمال آن دور نیست به جهت بعضی
کلیه از اسید سالیسیلیک آن [illegible] است از آن در اول اسید داشته
بدست آید که حاصل [illegible] است و جهت تخفیف حمی به یک دفعه داد
(از سالیسیلات [illegible] تا [illegible] گرم) و در شب تجویز نمایند اثر
اسید سالیسیلیک در نوبه درست محقق نیست و بعضی قسم در امراض
عفونی اثر می‌کند و بعضی قسم است در دیفتری از جمله امراض
اسید سالیسیلیک در آن تجویز و بسیار مفید واقع شود بعضی اوجاع
عصبانیه است (از [illegible] تا [illegible] گرم در ساعت بدو ساعت به مریض)
و خصوصا در صداع شقیقه و عرق النسا علی الخصوص در صورتیکه بر بوره
بطن سوم منضم شود بسیار نفع کند از خارج در مواقع استعمال اسید فنیک

معمول است —

تبصره — در پوست و اوراق بید، و بعضی سفیدارها جسمی موجود است
معروف به سالیسیلین (جوهر بید) در استخراج شفاف و بشکل سوزن‌ها
درختان متبلور گردد اثر آن تب‌بر رشته‌ای، زیرا اسید سالیسیلیک و لیکن
ضعیف‌تر از آن است در این ایام استعمال پوست بید بکلی متروک
زیرا که پوست کنه‌کنه هیچ نسبتی با آن ندارد سالیسیلین بمقدار یک و نیم
تا دو مثقال درجهٔ حرارت حمی را نازل کند در نوبه اثر آن معلوم نیست

(۳) اسید طانیک یا اسید دی‌گالیک یا طنن

اسید گالیک را بسهولت می‌توان اسید طنی را از روی ترکیب بالزوایدی دانست بنفسه
در اوراق عنب الدب و در مازو موجود است اسید طانیک $C_{14}H_{10}O_{9}$
نیز در مازو موجود است و چنین چیز را جزء اطر و یک جزء الکل سه مجاور آن کنند
این اسید تولید گردد مصنوعاً نیز طنن را می‌توان از گرم کردن اسید گالیک

با الکل کلرور فسفر کربنات معدومیت در درجه اخذ توان نمود اسید طنیک جسمی است
بدون شکل سفید زرد رنگ محلول در آب (یک در ده) و در الکل و اطر
در گلیسرین (یک در ۸) حل شود اثر آن در معرفی مانند اسیدهای بسیار ضعیف است
اسیدهای معدنیه و کثیری از املاح قلیائی محلول طنن را رسوب کنند، املاح
سرب و انطیموان و املاح آهن نیز رسوب دهند (املاح اخیر تولید رنگ
سیاه مایل به آبی نمایند مرکب عبارت از همین است از مرکب)، اغلب الکالوئیدها نیز
رسوب و تولید طنات‌ها نمایند املاحی از غیر محلول کنند، اسید
از محلولات غلیظ طنن بواسطه اثر تدریجی ذره‌بینی هوا در اثنا
نمو می‌کنند اسید گالیک تبدیل ... رسوب گردد —

اعمال فیزیولوژیه — در ماده آلیه طنن موجب انعقاد شده (۱)
مواد زلالی، اسید طانیک مرکب شده و ترکیبات غیر محلوله تولید
نماید. آن جسم دارای زلالی است، اسید طانیک از محلولات آن

اخذ کنند و منضجه بکار برده شود (۲) مواد البومینی از محلولات خود بواسطه
اسید تانیک راسب میشوند (۳) ماده منجمده البومینی و ماده منجمده ژلاتینی
و تمام انساج که ژلاتین یا البومین داشته باشند از قبیل جلد و گوشت
و غیرها را چون از اسید تانیک آلوده و متشرب کنند بکلی از تجزیه عفونی
محفوظ مانند (۴) خاصیت ضد تعفن آن قلیل و از این رو [illegible] چند
عفونی کمتر است (۵) تانن را چون بروی اغشیه مخاطیه جاری سازند
باعث انقباض عضو شده [illegible] کرده و چون در روی زخم دارند سبب
انقباض و حافظ آن از تجزیه عفونی میگردد و در جراحات نزف الدم
مظهر آثار قابضیت بعضی تجربه‌ها نشان داده که تانن [illegible]
[illegible] با محلولات [illegible] آن باعث قلت ترشح میگردد (۶)
از داخل مقدار قلیل آن (تا یک گرم) باعث احساس طعم قابض و خشکی
زبان و احساس قبض و بهم کشیدگی دهان شود و چون چند [illegible]

تکرار شود موجب قلت اشتها و [illegible] و اختلالات هضم گردد و دیگر
پیچیدن معده و در رفع اسهالهایی را که بواسطه تجزیه معدی و تخمیرات حاصل
در [illegible] بواسطه محلولات تجزیه حاصل شود میتوان از تانن علاج کرد
اگر مقدار مشروب بیشتر از ۵ گرم باشد غثیان حاصل شود و غالباً [illegible] زرد
رنگ شود شقاق‌ها در آن نمایان شده سخت شده و در آن وقت
اوجاع معدیه و قی و اسهال حاصل که غالباً منسوب به تحول مواد
برازیه سخت و بطور احتمال منوط به انقباض ترشحات معدیه است
و توقف آن مواد سخت در امعاء غلاظ ممکن است سبب قروح شود
و چون خارج گردد گاه از خون و ریم مستور است جزء از [illegible] شده
با مواد برازیه دفع و با قران متشکل است [illegible] گالیک شده در بول [illegible]
[illegible] یافت شود و چون اسید گالیک از خواص ضد تخمیر و عفونت محروم است
با تغییرات واضحی بول [illegible] آن بمقدار زیاد خارج میشود [illegible] عفونی

استعمالات علاجیه — اثر تانن در امراض مختلفه بطور موضعی استعمال میشود
محقق و بدون شک است ولیکن اثر آن را جذب و داخلی در دوران ناشی اثر آن
مشکوک و غیر معین است از داخل در مواقع ذیل معمول است (۱) در نزف الدم
معده و امعاء در نتیجه قرحه معدیه یا قروح معویه طیفوسی و غیرها شده باشد اثر آن کویا
بر کلوره فریست ولی میتوان آن را بمقدار زیادی استعمال کرد بدون آنکه
خوف از اغتشاش خاطر داشته باشد و نیز اثر آن بنقاط مختلفه بهتر میتواند
رسید (۲) در بعض اسهالها خصوصاً در اسهالهای مزمنه در نتیجه تغییر
قروح باشد مثلاً در اسهالهای مزمنه و در قروحات فلیکولی و در اسهال
مزمنه بطئ السیر اطفال و شاید بهتر آنکه دامنه آنها معتدل است ولی باید
دانست در حین استعمال تانن در تمام حالات اشتها را باید محفوظ
داشته و هضم بحالت طبیعی نگاهداشت و بهمین ملاحظه
مثلاً استعمال آن در اسهالهای مزمنه مسلولین خوب نیست در اینجا حفظ

اشتها مبنای اصلی استعلاج است حتی مانع استعمال تانن در اسهال نیست
در نزلات حاده امعاء و در فرسنطاریای حاد استعمال آن خالی از ضرر نیست
(۳) اغلب در نزف الدمهای کلیه در صورتیکه آثار اولیه ورم برطرف شده
و بول هنوز محتوی خون باشد یا بعد از آن زمان دارای البومین شده باشد معتدل ولی
اثر آن مشکوک است در بیماری اقسام البومینوری تانن اغلب اوقات معمول ولی
اثر آن غیر محقق است (۴) از داخل در اقسام سوزنک مثلاً در نزلات
مثانه و مجاری بول و در سوزنک اناث و غیرها تقریباً بی اثر است (۵)
سابقاً در عرق های غیر طبیعی معمول بود (۶) مانند تریاق از اراده مسمومیت
از افیون و ترکیبات آن و املاح کنین و نیکوتین (در جوهر کوکه و غیرها)
و غیرها استعمال میکنند و بهمین قسم در مسمومیت از ترکیبات انطیموان
و کلیه از ترکیبات فلزی معمول است در این حالات مسمومیت باید حقنه
تانن و یا اجسامی را که محتوی آنها باشد بدهند و اگر چیزی حاضر نباشد

چای و قهوه ممنوع نیست (۷) در این تازگیها در سیاه سرفه استعمال شده است

از خارج طانن را مانند قابض و حابس الدم زیاد استعمال میکنند و خصوصاً

اثرات در نزف الدم‌های شعریه شدیده مثلاً در نزف الدم لثه و با

دهان و غشاء‌های مخاطی انف (رعاف) و در سطوح قروحات و امثال

آن بکار میبرند و غبار آنرا بسیار خوب و نیز در سوزنک و کور

وانات (طمث شدید) و قیء اولین اثر و سریع شده باشد

نافع است بتدریق کم، شیافهای کوچک ترتیب داده معمول دارند

طانن را جهت تخفیف عرق‌های موضعیه و نیز در سرمازدگیها استعمال

میکنند، بالاخره محلولات آن بطور غرغره در خناق لبی از سقوط

اثر و عوارض حالیه لبها مستعمل است —

قدر شربت — از واحد دفعه دو گندم تا دو گرم و شبانه روزی

تا هشت نه گرم بشکل سفوف، حب، محلول و مرهم و با شیافت

لهذا آنرا با موادیکه جمع میدارد آن شوره رسوب میدهند مخصوصاً با املاح

فلزی، ترکیبات نباتیه محتوی قلیائیات آنرا مرکب نکنند

از خارج حقنه‌ها (حب حبس نزف الدم)، محلول آن (که در سوزنک تزریق

میکنند نیم تا دو درصد) و مانند قابضات محلول یک تا ده درصد

آن و نسخه شیافهائیکه از آن ترتیب میدهند این است طانن ده گرم

افیون دو گندم (یک قرم دو گرم) گلیسیرین ۴۵ گرم شیاف ساخته

(از نمره ۵) یک دانه از این شیافها را هر روز در مجرای بعد از دفع

ادرار ۵ تا ۱۰ دقیقه در موضع میگذارند —

در بیان نباتات و محلولات نباتیه محتوی طانن —

عده کثیری از آنها سابقاً در طب معمول بوده و در این عصر هر جا که احتیاج

بطانن خالص افتد استعمال آنها زیاد است اگرچه بات است

در این نباتات علاوه بر طانن اجسام دیگر از قبیل نشاسته و قند و هم هست

اطریه و غیرها دارند هر چند فراموش نشده که اغلب در مواقعی که طبخ معمول استعمال آن متداول
زیادی بلکه بمقدار بیشتر داخل و ذکر مختصری از این ادویه خواهیم نمود

(۱) مازو — زوائد غیر طبیعیه که در برگهای درخت بلوط مخصوصاً در اوراق قسمی از این درخت که موسوم به کوارکوس انفکتوریا است بواسطه لدغ و وضع تخم بعضی حشرات و هوام حاصل میشود در علم علاج دم کرده مازو (۵ تا ۲۵ در صد) در مواقعی که طبخ مستعمل و طبخ خالص قابض نباشد متداولاً در قی الدم و جهت سخت کردن پستان زنان دائی آن مستعمل است مطبوخ مازو (یک در ۵ الکل) از خارج منظم و مطبوخ و به مقدار یک دهم جهت تقلیل تحریک آن مستعمل است —

(۲) پوست درخت بلوط — چون باعث اختلالات هضمیه میشود بهتر آنست از داخل استعمال نکنند —

(۳) بلوط شوری — که در صد جزء ۵ جزء اسید طانیک و چهار جزء نشاسته

و پنج جزء دهنیات و شصت و پنج جزء قند و جسم دیگری که شبیه پیکرالمین است
دم کرده این را در اسهال نیز و در قطع عطش مانند اجسام دیگر معمول است

(۴) برگ درخت گردو و پوست سبز گردو —

(۵) برگ مریم گلی — علاوه بر طعم دارای مخلوطی از عطریات کثیره است دم کرده آن با شراب قرمز سابقاً در عرقهای شبانه معمول بود و در علاج دردهای حلق نزلهٔ مزمن و در آن حل کنند —

(۶) برگ عنب الثعلب — تلخ طعم و در علاج نزلهٔ مزمن مثانه و سوزنک مزمن، دم کرده آن را هفت هر دفعه و شبانه روزی تا دو مثقال مستعمل است —

(۷) ریشهٔ راطانیا — در گیاهی اسم هنوز (۵ تا ده گرم هر دفعه و شبانه روزی تا سه مثقال) دم کرده و مطبوخ آن در اسهالهای مزمنه و در نزف الدم رحم و اسهالهای مزمنهٔ اطفال و نیز عصارهٔ آن

(در تابستان کمتر از هر دفعه) و طنطور را ثانیاً (دفعه پنج تا چهل قطره) مستعمل است
و اغلب با منقبض الاثر دیگر به جهت سفت کردن لثه های ورم شده و به سهولت
خون از آن جاری شود مستعمل است —

(۸) کاشو (کات گامبیر) (لیمن راپن) عصاره های خشک شده چوب
آکاسیا کاطشو است سفوف یا مطبوخ آن دفعه ده تا چهار گرین و شبانه روز
تا دو دفعه مستعمل است و نیز از این قبیل است کینو (که عصیر خشکیده جمعی)
دخون سیاوشان (که عصیر است) و چوب بقم و ریشه اکیا رودا مشابه اینها

فقره چهارم — در عطرها

(اسانس ها) (که عبارت اند از طربنطین ها و کافورها)

عطرها یا دهنیات طیاره را نیز مانند مشتقات بنزل و انت
زوال که بسیار از آن دیگر به شمار اند از نباتات یا از پروپیل بنزیلیک و ازا
از جسم جدیده و دهنیات طیاره اخذ توان نمود طربنطین ها را به بدون اکسیژن اند

چون با یُد گرم کنند و کافوریت را که اکسیژن دار اند اگر با ... سولفور و ارسنیک
حرارت دهند آن جسم بدست آید عطریات تقریباً در تمام نباتات ولی
مخصوصاً در نباتات عطره وجود دارند ولی همیشه بمقادیر قلیله مثلاً سه
چهار جزء از چهار هزار گل سرخ یا بهار نارنج فقط هفت هشت جزء عطر دارند
در گلها و بر روز مخصوصاً بیشتر اند تا در برگ و پوست و چوب و امثال اینها
و عطریات که بحالت الکحول و در شیره سلولها موجود اند کلیةً در یک گیاه
بیشتر از یک عطر یافت نشود اما کلیت ندارد مثلاً در درخت نارنج
بهار نارنج و اوراق و پوست نارنج هر کدام دارای عطر علیحده هستند —

طرز استخراج اینها — بندرت عطریات بصرف فشار بدست آورند
(چنانچه اسپند در لیمو ترش و شیرین و اقسام نارنج معمول است) اما اغلب
مواد سبزی محتوی آن عطر را مانند آب تقطیر می کنند و در جنب وزن
مخصوص خود آن عطریات در سطح محلول تقطیر شده در شده یا در قعر آن

مایع قرار گیرند و مقدار قلیلی کربنات الکلی در آب حل شده و باعث حصول
عطر مخصوص در آن مایعات تقطیریه (عرق‌ها) می‌شوند —

خواص و عناصر عطرها — باستثنای کافور که در نقطه ۱۷۵ درجه
حرارت ذوب گشته این درجه بشکل جسم متبلور مانند سفیدی است تمام عطریات
در حرارت متعارفی مایع و در حرارت پست‌تر جسم جامد متبلوری از آنها
راسب کرده موسوم به اسطه آروپطن و جزء مایع را الئوپطن
مانند عطرهای مختلفه بمقادیر مختلفه دارای این دو عنصرند بعضی از عطریات
از قبیل عطر لیمون و گل سرخ و امثال آنها مقداری اسطه آروپطن
دارند و بواسطه برودت مانند ژلاتین منجمد گردند تمام عطریات
و کافور هم در هوا فرار کنند و بهمین جهت است که آنها را روغنیات فراره
نامند تا از روغنیات دسمه متمایز باشند در آب بمقدار بسیار ضعیف
از آنها حل شده موجب ظهور عطر مخصوص در آن می‌گردد الکل بهر قدر

کم آب‌تر باشد عطریات را بیشتر حل کند و در الکل مطلق بهر مقداری حل
کنند اتر و اسید استیک غلیظ و امثال آنها نیز عطریات را بخوبی حل کنند
سرکه معطری از سرکه کم آب و عطر دارچین یا سعتر یا ترنج یا عطر میخک
و امثال آنها می‌سازند عطریات با روغنیات دسمه و پیه خوک و مغز
استخوان و وازلین و غیرها نیز مخلوط توانند شد (برای ان مخلوطات
روغن‌های بودار) عطریات عده کثیری از سقزها و فسفر و گوگرد و
و امثال آنها را حل کنند و در مجاورت هوا جذب اکسیژن کرده و غلیظ
تر می‌شوند بعضی مبدل بسقزها شده یا تولید اسیدهای معطره می‌نمایند
دائم سقزهای جنس با مقدار کثیری از عطریات مخلوط باشند عبارت
اند از بلسان‌ها سقزها بر ۳ قسم‌اند سقزهای نرم و سخت و
صموغ سقزیه عطریات را بدو قسم عمده منقسم نموده‌اند اول عطریات
بی اکسیژن یا عطرهای بطبن‌ها که کاربوره هیدرژن‌ها هستند و فورمول آنها

H^{16} C^{10} است و در حرارت متعارفی مایع و در نباتات بصورت
طربنطین موجوداند یا از استحالهٔ ترکیبات طربنطینهای طبیعیه حاصل میشوند دوم
عطریات اکسیژن دار یا کافورها ($C^{10}H^{17}OH$) در حرارت
متعارفی جامداند و وزن مخصوص و نقطهٔ غلیان آنها از صنف اول عطریات
مرتفع تر است —

خواص فیزیولوژیه عمومیه — صفات مخصوصهٔ این دو صنف عطریات بسیار
مختلف است و سرسلسلهٔ این دو صنف عطر طربنطین و کافور متعارفی است
دارای خواص ذیل‌اند هر دو در حیوانات خون گرم موجب نزول درجه
حرارت میشوند عطر طربنطین با کمال سرعت قوت تحریک حبلهای
عصبانی و تنفس و دوران را ضعیف و فلج کند کافور بالعکس بشدت دماغ
و نخاع را تحریک کند و لیکن هیچ اثر اصلی در قوت عضلیه قلب نکند از ضد تخمّر
و ضد عفونت عطریات بسیار ضعیف تر از فنلها و اسیدهای معطره است —

(۱) عطر طربنطین را انزرد و دهن طربانطین نیز نامند

از طربانطین اخذ میشود و طربانطین مایعی است چسبنده که از شکافهائیکه در پوست اشجار
مخروطی الثمر میدهند ترشح میکند و آنرا میتوان محلول یک سقزی در جوهر
طربنطین مخلوط با اسیدهای مختلفه دانست طربنطین را چون با آب تقطیر نمایند
عطر آن خارج شده و سقزی را از تقطیر باقیمانده پس از اذابه موسوم به قلفونیا است
جوهر طربنطین در مجاورت هوا بشدت اکسیژن هوا را جذب کند و ازن
میشود عطر طربنطین مصفی مایع بیرنگ است با بوی مخصوص غیر محلول در آب
و بهر مقدار محلول در الکل و اتر —

اعمال فیزیولوژیه — بکثرت عطریت چون خورده شود باعث ظهور آثار ردیه
بیمار شده و در غشای مخاطی معده و امعاء گردد و طعم آن عفص و تلخ و تند است
مقادیر قلیله آن باعث افزایش بزاق گردد (بسبب عمل انعکاسی) اما پس
از استعمال مدتی غشای مخاطی دهان خشک و قرمز شده عطش از آن حاصل گردد

اشتها کم کم روی بنقصان گذارده و حرکات دوریه اش منقطع شوند ترشح بول
بواسطه مقادیر قلیله آن زیاد و بواسطه مقادیر کثیره بسیار کم شده و در این حالت
اخیر در مجرای بول احساس بدغدغه شدید شده میل ببول کردن داده
در هنگام بول دست داده بلکه بول خونین شود از داخل چون بمقادیر قلیله
خورده شود یا بمقادیر کثیره علامات مذکوره حاصل شود در آن وقت ابتداء
صداع و تهوع و تناوب و طنین در گوش و دوار و احساس بقلق و اضطراب
و اشتهای التهاب شده بعد از مقدار کثیر آن (بیست گرم تا یک مثقال) ضعف
و حرارت و تنفس در بالاخره انعدام شعور و سبات و گذار نبض و مرگ
روی دهد —

استعمالات علاجیه — گفته اند داخلاً کم معمول است اگرچه چند نفر
استعمال آن را مذکور نموده اند و در بعضی مواقع و نیز معمول است (۱) در اوجاع
عصبانیه خصوصاً در عرق النساء علی الخصوص در عرق النساء مزمن بسبب آن

غیر معین و موسوم بعرق النساء روماطیسمی اند و همه منفعت کنند (۲)
در بعضی علل ریویه مثلا در نزلات مزمنه شعب قصبه الریه اخراج نفث مشکل
باشد و خصوصاً در ورم مزمن شعب و در ورم شعب که نفث عفن باشد در
غانقرایای ریه مستعمل است حالی و در این مواقع استنشاق بخارات آن را
ترجیح میدهند از فقط با آب از آمیخته و تبخیر کنند یا در صورت امکان
بالات مرشه ارسال دارند بواسطه اثر بخارات آن عفن نفث کم
شده گاهی دیده شده است که حفره های غانقرایائیه باین تدبیر بهبودی یافته و
علاج شده اند و اغلب جهت استنشاق او بخارات زمانها که مریض
محموم نیست اختیار میکنند اما تاب منع استعمال آن نیست زیرا که بواسطه
عطر طیار بطئی در جهاز هم نیز تنزل میکند (۳) و در این اواخر از او در قطور
داده و بسیار تمجید کرده اند و در اطاق مریض از آن نیز بسوزانده اند (۴)
در علاج قولنج های کبدی اگرچه سبب آن حصاة صفراوی باشد و خصوصاً در ضمن

موارد در رانه مخلوطی است از یک جزء عطر طرباطین و ۳ جزء اطرپیا
معمول است (۵) اثر آن جهت ادرار در استسقاء ضعیف و نیز در جامعات
و نزله آن و در سوزنک و امثال آنها بکار می‌برند و نتایج آن در این حالات
مشکوک فیه و محل غیر یقین است (۶) در سمومیت از فسفر تریاق پیدا
نمایست اگر اقلا قبل از یازده ساعت از شرب سم گذشته بکار برند
از خارج بیشتر مستعمل است علاوه بر استنشاق از آن در فلج و عجی و دردهای مسیم
عضلانی و نیز در سرمازدگی و امثال آنها جهت حصول تحریک جلدی
دلک می‌کنند بالاخره دلک آن در انتفاخ بطن با نفخ و استعمال اماله
آن مفید است و در این مواقع با عطر طرباطین و یک دانه زرده تخم مرغ
و مقداری آب لعوقی ساخته معمول دارند —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) عطر طرباطین و عطر مصفای طرباطین
از ده قطره دفعه یک که دفعتی تا ۵ که در شبانه روزی تا تکمیل در حب یا لعوق و یا در کپسول

های طرباطین می‌توان مثلاً جهت استنشاق که دفعات آن یک تا ده جزء آن در یا نصف
جزء آب می‌ریزند جهت استعمال خارجی خالص یا مخلوط آن را با روغنیات و سمه
یا الکل بمقدار (یک در یک تا ۴ جزء) معمول می‌دارند —

(۲) طرباطین — از خارج جهت حصول آثار محرکه سمیه از عطر آن است
مستعمل است و از آن اسپیرادرینه ترکیبات بسیار عدیده از قبیل شمع و ضماد
و مروخات و غیرها می‌سازند موسوم است بمستحضرات یا ضمادها و یا مروخات
محرکه مثلاً اول مرهم باسلیقون نسخه آن روغن زیتون شش طرباطین یک
موم زرد ده را با هم ذوب و ... مرهم می‌سازند —
دویم مرهم مرکب طرباطین (مرهم قمش طرباطین و نیز (اسم شهیری است از
ایلمی) ۳۲ زرده تخم مرغ ۴ عدد ترکیب یک صبر زرد و یک ربع ۸ —
سیم کاغذ ... آن را کاغذ ضد روماتیسمی در رفع القرس نیز نافع است
سیاه شش را با هم ده طرباطین شش موم ۴ در روی کاغذ می‌گسترانند —

چهارم ممزوج طربانطین صابون سبز عطر طربانطین که شش گرام بوده است

در پطاس خالص یک —

تبصره ۲ اکالیپتول که مأخوذ از اوراق درخت موسوم به اکالیپطوس

گلبولوس است درخت بسیار بزرگ و از طایفه مورسیات و نبت آن در استرالیا است

آثار آن بعینها همان آثار طربانطین است و آن جسم عطری الکیتری است

بی رنگ و بسیار کثیر الحرکه در امراض کثیره و خصوصاً در علاج حمیات نسبه

آن داده ولی از گنه‌گنه خیلی پست‌تر است از داخل یک تا چهار پنج گرام از آن

در کاپسول می‌دهند تعفن اکالیپطوس را نیز دفعه ۳ چهار قاشق قهوه‌خوری

در هنگام فترت آن حمیات داده‌اند —

(۳) کافور

عطر جامد شفاف و معطر است بوی آن نافذ است عمده در مملکت ژاپن

آنرا از چوب غار کافوری (لُروس کامفرا) اخذ می‌کنند این جسم بسیار کم

در آب حل میشود (یک در هزار) ولی در الکل و اتر و دهنیات و اسانسهای طیاره

حل میشود با مدد زرده تخم مرغ یا صمغ میتوان لعوقی از آن ترتیب داد

چون آنرا با الکل سحق کنند کوبیده و نرم تواند شد —

اعمال فیزیولوژیه — کافور در تغیرات و اعمال تخمر و تعفن چندان

اثر ندارد در حیوانات خون گرم بواسطه کافور عوارض تشنجیه و اختلاجیه

روی میدهد جهت بروز عوارض آن ۵ تا ده گرم آن کفایت میکند

در معده و امعائی از شرب مقادیر قلیله آن احساس گرما میشود [illegible]

در تمام بدن منتشر شده خدر و نفخ و بعد [illegible] اسهال روی میدهد

مقادیر عمده آن مورث آثار [illegible] و وجع معده و قی آثار عمومیه آن خصوصاً

از دماغ و دنباله مغز است نیز از ده تا ۲۵ گرم آن در شخص جوان یک

نوع اختلال مشاعر و تشنجهای کنوولسیونی بلکه سبات و مرگ داده

و هم چنین مقادیری را که خورده شده باعث خطر جهت دماغ و دنباله مغز

محرک بسیار قوی و شدیدیست در تنفس و از آن اثر مشهود کردد علاوه براین
درجه حرارت ساکن میکند بدون آنکه هیچ درجه سبب اختلال و آفت
اعضائیه و در قوت عملیه قلب بشود کافور بمقادیر جزئیه از اثریه قند باده
نیست —

استعمال علاجیه — سابقاً در مواقع بسیار عدیده آن را استعمال میکردند
بالحاظ موجودیت آن را تجویز میکنند اولاً کافور چون محرکات بسیار
قوی میباشد از جهت حصول تحریک بصورت الکل کافوری یا دهن
کافوری مخصوص از سلاح تذریق تحت جلدی در تمام حالات ضعف
و سقوط قوی در بعض امراض حاده عارض میشود استعمال میشود اعم از آنکه
ضعف و سقوط در بعض مرض تیفوس یا در سنطاریا یا در امراض نفاسیه
و یا در قرحه تعفن مریضی نه و یا در غیر آن حادث کردد چه در کلیه
ضعف عبارت از فقرات و غیرت نبض سریع و تموجات آن سطحیه

و دو بار الانحراف درجه حرارت هیچ تغییر ملحوظ یا دفعةً نازل شود
ضعف عدیده شده مریض دست داده مریض قدرت بر ایستادن و نشستن
ندارد و چون همیشه متعاقب در کرد حوالی آن قروح حاصل شده صورت و لبها
پریده رنگ اطراف سرد و توثب اوتار و هذیانات ملایم و سبات و امثال
آن حاصل کردد چون این علامات ظاهر شود بکافور استعانت جسته
و در همان حین شراب تجویز کنند ثانیاً کافور بسبب جهت انواع نفث
منتظم با اسید بنزوئیک میدهند (و بصحبت اسید بنزوئیک بتوابع مخصوصه
استعمال آن وارد شدها) کافور کاهی در بیهوشی الکلی و تریاکی و بلادونی
و امثال آن مفید است در بسیار امراض آن را استعمال کرده میکنند بعضی
از آن مشکوک است و آن امراض عبارتست از خروسک و فواق
و داء الرقص و کثرت شبق و عشق و امثال آنها و نیز در علاج امراض
ذهنیه استعمال میشود از خارج از آن بصورت محلول در جراحت بندی در

رضّ و کوفتگی و پیچیدگی مفاصل در صورتیکه هیچ اثر ورمی موجود نباشد معمول است بالاخره در عرق آن سه مانند متعارف و بعضی علمای جدیده استعمال میکنند مثلاً قطعهٔ صغیری از آن سه جهت تسکین درد دندان در گوش میگذارند —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) کافور سوده از داخل دفعه ۳/۵ تا شش گندم و شبانه روزی تا ۱۳ گندم بطور سفوف یا لعوق یا حب یا قرص یا محلولات الکحلیه و غیرها می‌توان داد —

(۲) شراب کافوری — نسخهٔ آن کافور الکحل حل یک لعاب صمغ سه شراب ۴۵ از داخل هر دو ساعت یک قاشق قهوه خوری مستعمل و در دوا بیشتر استعمال میشود از خارج در قروح بطئ العلاج و قلیل الرشح اند و ریم رقیق از آنها ترشح میکند معمول است —

(۳) الکحل کافوری — کافور یک الکحل ۷ آب ۱ از داخل دفعهٔ ده تا

۲۵ قطره از خارج مانند شراب کافوری مستعمل است —

(۴) دهن کافوری — کافور یک زیت ۹ مخصوصاً تدلیک جلد از آن هر نیم ساعت تا دو ساعت یک دفعه معمول است —

(۵) کافور منوبرومه یا برومور کافور — که در این ترکیب یک اتم برم قائمقام یک اتم ایدروژن شده است در تمام اقسام اوجاع عصبانیه و دوار طپش عصبانی قلب و اسهال اطفال دفعه نیم گندم و شبانه روزی تا هشت گندم بلکه احتیاطاً مستعمل و ممدوح است —

فصل نهم

در بیان مخلوطات ترکیبات معطره

در مواد نباتیه و حیوانیه

این مواد مخصوصاً در طب قدیم زیاد اند ولی چون از حیثیت شیمیا این مواد خالص و معین نیستند در این ایام روز بروز از استعمالات آنها کاسته میشود

اغلب این مخلوطات از ترکیبات عطره و مخصوصاً از طرف بطنها بوجود آمده
و در هر یک از آنها یک یا چندین ترکیب عطر یافت شود این مواد را
نه بر حسب تقسیمات شیمیائیه و نه بر وفق خاصیت فیزیولوژیه تنویع و توزیع
توان نمود و ما بر حسب همین استعمالات متعارفه این مخلوطات آنها را
منقسم بانواعی کنیم اگرچه اغلب این مواقع استعمالات بدون اطلاع و حساب است
وچون مردم این ادویه متعارفه را از بازار استعمال کنند و هیچوقت متروک
نخواهند داشت لهذا بر طبیب لازم است که از خواص و مضار آنها
اطلاع باشد لهذا در این جا کثیری از مواد ذکر خواهند شد که شرح
و ذکر آنها در طب اروپائیه زیادی و موجب اطناب است —

فقره اولی — مواد خوشبو و عطر

تمام این مواد تقریباً بصورت توابل با اغذیه و مشروبات مخلوطه استعمال
می شوند و مواد عامله اصلیه آنها عطریات دائمیه یا روغنهای طیاره والکالوئیدها و امثال

انها هستند —

اول — مواد عطره حقیقیه

افعال فیزیولوژیه — بوی آنها خوش طعم آنها تند و معطر و اغلب تلخ است
همچنین جزو ده شده باعث کثرت و ازدیاد ترشح عصیر معدی و افزایش اشتها
و بهبودی هضم گشته بعضی از آن و در رفع بعضی اسهالها مستعمل اند اما مقادیر
کثیره آن اغلب سبب اختلال هضم شوند —

استعمالات علاجیه — این صنف اجسام معطره را جهت تسهیل هضم
و اعانت بر اخراج ریاح معویه و تسکین قولنجها اغلب بشکل مستحضرات
مطبخیه استعمال میکنند در صورت جهت تکثیر ترشح معده معمولاً
(۱) در صورتیکه ترشح معدی جهت کفایت حاجت بدن لایق و طبیعی است
لیکن نسبت بکثرت اغذیه ماکوله غیر کافی است در این حالت اغلب در تمول این
روی دهد (۲) وقتیکه ترشح معدی فی الحقیقه قلیل و غیر کافی شود هضم با تمام

علامات خفه ظاهر شده باشد مخصوصاً در اشخاصی که دارای مزاج عصبی هستند

نمی‌شوند و در علل حاده و مزمنه ریه و معده ممنوع است جهت کسر ریاح و اخراج آن را

در صورت استعمال می‌کنند همان نفخ فقط موجب باشد نه در انتفاخ بطنی مثلاً

در طیفوس و ورم صفاق و امثال آنها حاصل میشود و در فرنگستان از کثیر از این

مواد معطره مشروبات جالب شکل درست می‌کنند که همه روزه معمول و

از یک تا سه قطره یک یا چند یک از آن اجسام معطره با یک تا سه

فنجان آب مخلوط میشود (هر فنجان بیست مثقال است) —

اجسام معطره دیگر هم مذکوری داریم —

(۱) انگیر ترکی — ریشه آن (هر دفعه دو تا هشت نخود و شبانروزی تا سه

مثقال دوا کنند) و عطر و عصاره و تنقیص آن معمول است —

(۲) دارچینی — دو قسم است سیلنه و دارچینی تبعه چینی و هر دو در

اسهال‌های مزمنه و سیر اسهال‌ها و در آن ضد کننده مستعمل است (دفعه ۲ تا ۵ نخود)

و شبانروزی تا یک مثقال) —

(۳) کاسکاریلا (پوست درختی است) اغلب در ضعف هضم خصوصاً

در صورتیکه مصادف با اسهال باشد استعمال میشود (دفعه دو تا هشت نخود

و شبانروزی تا سه مثقال و کمتر تجویز نمایند) —

(۴) زیره بستانی — ثمر آن معمول است و دارای عطر مخصوص کاروال است

(و فورمول جسم اخیر عبارت است از $C^{10}H^{11}O$) —

(۵) زنجبیل — ریشه آن مستعمل است —

(۶) میخک —

(۷) بسباسه و جوز بوا — بسباسه جوز بوا را در قولنج اطفال

که مصادف با انتفاخ و قراقر باشد بروی شکم مالیده فایده کند

(نسخه آن روغن جوز بوا شش زیت دو موم زرد یک) و نیز شمع معطر

در وجع معده بزرگان روی معده گذاشتن همراه باشد مفید است —

(۸) نعناع — دو قسم است نعناع و پودنه بوته‌هایشان مستعمل است و دارای
عطر مخصوصی و ماده‌ای است $C^{10}H^{20}O$ (در قلمه‌های خشک بنام منتول از آن
می‌سازند) عرق نعناع بسیار مستعمل است از طرف اغلب اطبا که هم تجویز می‌کنند
قرص نعناع هم خیلی شایع الاستعمال است —

(۹) زعفران —

(۱۰) سعتر (آویشم) علاوه بر عطر تیمول نیز در آن یافت شده —

(۱۱) وانیل — در هندوستان خیلی مستعمل است و سابقاً از جهت
ازدیاد باه تجویز می‌شد قدر شربت از وانیل دفعه یک تا سه گرن
شبانه روزی تا ۱۵ گرن یک قسم شیرینی می‌سازند که از آنها با وانیل معطر
کرده‌اند و می‌توان در ساختن حبوب از آن بکار برد —

(۲) فلفلها

فلفل سیاه و فلفل سفید — اول حبه سبز (نارسیده) خشک شده

بسیار تند و دوم تخم میوه رسیده درخت فلفل است و دارای عطر و بقدر
دالکالوئید مخصوصی هستند الموسوم است به پیپرین فلفل شدیداً در هضم اثر
کند بلکه بمقدار زیاد باعث ورم معده) توانسته جوهر فلفل پیپرین دفعه
تا شش دفعه در شبانه روز هر دفعه یک گرم داده شود در حمیات
نوبه مستعمل است خود فلفل را هم در عرف جهت علاج نوبه می‌خورانند اما
بندرت فایده می‌کند سحوق یا مطبوخ آن در سرفه مستعمل است —

(۳) محصولات معطره

بعض از اینها سه جزء هوا و عطره نیز می‌توان محسوب کرد عده‌ای از اینها
از قبیل پوست نارنج و لیمو و غیرها دارای مواد مره نیز هستند بدان سبب
اغلب جزء ادویه مره محسوب می‌شوند اغلب جوهرهای عطریه این
محصولات در عطر سازی و در طب جهت معطر کردن ادویه جات
مستعمل است مواد مره اینها منفعت مخصوص جهت رفع حالات عسر هضم

مزمن دارد —

(۱) از درخت نارنج مواد ذیل استعمال میشود —

اوّل گل یا بهار نارنج که عرق و شربت ان مستعمل است دوّیم برگ نارنج سیّم نارنج های سبز نرسیده چهارم پوست نارنج که مخصوصاً ناکه ثمره نارنج در ان یافت میشود دارای ماده تلخ و روغن طیاری است مثل از بهار نارنج و از پوست نارنج نیز عطر مخصوص اخذ میکنند پوست نارنج را شبانه روزی چندین دفعه هر مرتبه ۲ تا ده نخود سفوف یا دم کرده اغلب بواسیر جهت دفع یا کاربونات در سوء هضم که معده مهمه ورم دارد انضماماً از پوست نارنج ترکیبات ذیل را میسازند اولاً طفور پوست نارنج قدر شربت دفعه ۵ تا ۱۵ گرم و شبانه روزی تا سه دفعه در شربت قند یا شربت پوست نارنج که از شراب و قند درست نارنج میسازند قاشق قاشق میخورد یا جهت اصلاح طعم سایر ادویه با انها مخلوط میکنند ثالثاً اکسیر مرکب نارنج که علاوه بر جلال نارنج دارچینی و کاسکاریل

و چند دوا مثل سنا ذکر و کلی کاربونات دو طاس نیز دارد و شبانه روزی چندین قاشق قهوه خوری از ان مستعمل دارند که معده ناپیار خوب است —

(۲) از گل سرخ اشیای ذیل استعمال میشود اوّل عطر گل که گلاب به خصوصاً بواسطه عطر استعمال میشود دوّم از این قبیل است عطر لیمو ترنج و بنفشه حسن لبه دکنند و کثیری از عطریات که در طب زیادی از انها استفاده را در ایران بسیار مستعمل است نیز جزو محصولات مذکوره باید مذکور داشت —

(۱) محصولات طبیه

بواسطه عطر مخصوصه و نیز بواسطه این خاصیت که قاتل بعضی حیوانات صغیره طفیلیه معمول اند —

اوّل — بلسان پرو

مایع غلیظ تیره ایست تلخ تند طعم و بوی بسیار مطبوع و دارای عطر مخصوص است رنگ ان را مانند مخلوط نفت در زله و تعب قصبه بشر

صمغ سقوتریه تکوری معروفند — و ماهی خصوصاً از خارج و در علاج جرب
ان تکوری کنند و سم مهلک حیوانات جرب است (اکاروس جرب)
واستعمال آن در این مرض منوط بعضی تدابیر است قبل از آن مریض را از ابدان
مریض بمالند باید مدت نیم ساعت استحمام عمومی با آب گرم کنند پس از
استحمام تمام سطح بدن و خصوصاً اجزائی را که بروز مرض در آنها بیشتر است
(که عبارت است از دست و پا و حبث اثنای مفاصل و قضیب و خصی و سینه)
با آن طلیان بمالند (این مرض در سر تقریباً هیچوقت عارض نگردد) و هر دفعه
مقدار سه مثقال آن کافی است و بندرت محتاج بدلک ثانی یا ثالث شود
ولی از هر روز مجدداً استحمام نمایند و در این هر روز مریض باید لباس
خود را عوض نکنند اما لیکن از حمام باید عوض کنند و تمام ملبوس را باید با بخار
حرارت مرتفعه رفع عفونت کنند طلیان پروسو در شقاق پستان
و دو یه پستان و نیز در قروح مزمنه و در روغن‌ها از موی استعمال می‌کنند

از داخل قدر شربت آن دفعه یک تا چهار پنج گرم شبانه روزی سه چهار دفعه
در حب می‌دهند از طلیان پرو و گلیسرین از سایر عطریات مخلوط و هم طلی
می‌سازند (که آن را بلسان الحیوات نیز نامند) که جهت حصول تحریک
از خارج و داخل از انکاری سینه و از داخل ده تا بیست قطره آن خالص
یا در شراب معمول است و تقیید هم استعمال آن در ورم چشم‌ها در ضعف بصر
بسیط مستعمل است (یک مثقال آن در صد مثقال عرق را زیانه مخلوط کرده
غسول نمایند) —

کرم — میعه سائله

جسمی است نیم مایع حاصل از خارج از انضمام با طلیان پرو و در علاج جرب
در عوض میعه طلیان پرو گران‌بها باشد استعمال می‌کنند (بدین نسخه
میعه سائله شش مثقال زیت هشت مثقال طلیان پرو ده کوچه جرب
هر دفعه کافی است) در روغن جسم مذکور می‌توان طلیان طلو و عطر اسطوخودوس

وعطر الکلین البدیء واشیای اینها به مذکور رواست —

فقرهٔ ثانیه — معطرات مدرّه و معرّقه

(۱) محصولات مدرّه

اجسام معطره منشاء کلیهٔ از قدیم الایام مانند مدرّات استعمال میشوند
و سبب این آثار مدرّه بواسطهٔ تحریک بلاواسطه ایست که در کلیتین حاصل میشود
تمام این اجسام بمقادیر کثیره سبب ورم کلیه والبومینوری و بول الدم میکنند
چنانکه از عطر طربانطین نیز این عوارض حاصل میکند و سبب سنخ ایران
اجسام مدرّه در نزلات مجرای قضیب بواسطهٔ تأثیر مشبه سوزنک حاصل
شده بسیار خوب اثر کنند —

اوّل — کبابهٔ چینی

ثمر شجری است مسمّی به پیپر کوبِبا و در صد جزء تا ۱۵ جزء عطر کبابه و تا ۳۰ جزء
کوبِبِن [illegible] دارای سقز است که مرکب با اسید کوبِبیک

و صمغ است کبابه شیوه در این عصر فقط در سوزنک مجرای بول در همان نزله ایکه
بلسان کپایبو استعمال میشود معمول است از داخلی روزی چند دفعه هر دفعه
چهار تا ده گرم از آن را میدهند و نیز عصاره الطری کبابه را دفعه یک گرم تا نیم
تا ۵ گرم و شبها زورزی تا یک مثقال مخصوصاً در کابسول های ژلاطینی میدهند

ثانیاً — بلسان کپایبو

اوراق ماشی [illegible] بنام کپایبی فرا اخذ شده و مرکب از عطر کپایبو
و سقز مخصوص و اسید کپایبیک است —

اعمال فیزیولوژیه — اگرچه بمقادیر قلیله هم خورده شود (از ۱ تا ۵ گرم)
باز نا ملایم است زیرا که طعم آن نامطبوع و باعث جشاء بلکه سبب تهوع
و قی نیز تواند شد بمقادیر کثیره آن (یک تا دو مثقال) سبب ورم
معده و امعاء و کلیه شده سلس البول و اسهال روی دهد علاوه بر اینها
بثورات جلدیه از جنس نبات الکهربائیه بروز کنند —

اشتعالات علاجیه — خصوصاً در سوزنک مستمر و سفیدیست اغلب اطبا
بر آن متفق‌اند که گیاه هورا اگر در ابتدا به کار برند قبل از آنکه علامات حاده
طرف شده باشد و خصوصاً اغلب سوزنک‌های مزمنه را که از هر قسم تدبیر
علاج نشده‌اند می‌توان به سرعت با لعاب آن گیاه هورا اغلب منضم با کبابه استعمال
کنند علاج نمود از داخل دفعه‌ای تا ده و شش از روزی ۲۰ تا ۶۰ گرم مستعمل است
اغلب کاپسول‌های زیت الطین گیاه هورا هر یک ۳۰ گرم گیاه هورا دارند یا کاپسول‌های
زیت الطین گیاه هورا و کبابه دارند ۲۰ سانتی‌گرم گیاه هورا و ۳۰ سانتی‌گرم کبابه دارند مریض آن را
در حالت خلاء معده باید داد —

سیم — برگ ماطیکو

بعضی فرانسویان خیلی استعمال می‌کنند و چندان لزومی ندارد و دم کرده آن
اوراق را جهت تزریق در مجرای بول نیز استعمال می‌کنند —

چهارم — حبة العرعر

ثمر درخت عرعر و مادهٔ عامله آن اساساً عطر عرعر است مقدار بسیار قلیله است
سهولت هضم شده و یکی از نواحی بسیار عزیز فرنگیان است مقدار به کار
(۵ تا ده گرم) جهت ادرار معمول است ولی در صورت تنگه و ورم حاد یا قرحه
باز مانده در جرم کلیه باشد و خصوصاً در تنگه و ورم کلیه ناشی از مجرای است
باید از آن اجتناب کرد و در استسقاء که ناشی از صغر و بهم کشیده گی کلیه است
یا بواسطه آفات ریه حاصل شده است مفید است و در ترشح جنب نیز فایده می‌کند
اغلب جوشانده ۳ تا ۶ مثقال آن در جهت تا یک شعق آب مانند چای
دم کرده می‌نمایند عصاره عرعره نیز معروف است موسوم به رب العرعر است
و خالص از آن با قاشق قهوه‌خوری روزی چند دفعه داده یا ۳ تا ۵ مثقال
آن را با ترکیبات مدره مخلوط کرده می‌دهند مثلاً چهار مثقال رب العرعر را
با دوم کرده یک مثقال و نیم حبة العرعر در چهار مثقال آب تمر دم کرده
هر ساعت یک قاشق اشخوری می‌دهند —

پنجم — جعفری

بوته و تخم آن در عرف جهت ادرار معمول است —

ششم — ریشهٔ لیوبش

دم کرده یک تا سه مثقال آن در شصت مثقال آب معمول است و همین قسم جوشانده

هفتم — ریشهٔ ارت بف (گاوبند)

هشتم — بنفشهٔ فرنگی بری

در فرنگستان مواد مذکوره اخیره را مخلوط کرده جمیع استعمال می‌کنند

مثلاً حب العرعر ریشهٔ گاوبند (گاوگیر) تخم جعفری ریشهٔ لیوبش مثلاً هر

چهار مثقال تمام را مخلوط کرده دفعهٔ یک تا سه مثقال از آن مخلوط را در

آن شصت مثقال آب دم کرده میدهند —

(۲) محصولات متفرقه

دم کردهٔ آنها در خانه استعمال میشود (یک تا سه مثقال در شصت مثقال آب)

این ادویه دارای دهن فراری است که اثر مخصوص آنها هنوز غیر معین است

در غدد مولده عرق می‌نمایند که بواسطهٔ آن اثر همان قسم است که از آن

آب گرم خورده باشد درجهٔ حرارت مرتفع کرده و بواسطهٔ آن است

که حرارت تشنگی باعث بدن نه همان منحصر بعرق بلکه بول نیز افزوده کرده —

تبصره — اگر بخواهند موضع محدودی از بدن عرق نماید باید پارچه

های گرم و مرطوب سطح جلد آن موضع را مستور نمایند —

(۱) بابونهٔ شیرازی — گل آن استعمال میشود از جملهٔ ادویهٔ خانوادهٔ

فرنگستان است جهت تسکین اوجاع معده و قولنج و جهت تعریق و امثال

آنها بسیار استعمال میشود قرص و حبوبات را نیز با مطبوخ بابونه

سرشته ضماد آنرا در رخ و درد روی شکم منتفخ شده باشد برای سیدان

مطبوخ آن جهت استحمام نیز بسیار معمول است (صد تا دویست مثقال

جهت حمام عمومی ده تا بیست مثقال جهت اطفال) —

تبعرتیه — اسم علمی بوته ایست از شیرازی مطر بکار با کاموسیلات و اثرا
باران طبیعی بوته بلیسی است بوته بروی است بجای پشته کرد —

(۲) بار ربحبویه — برگ آن مانند ادویه مقویه و معرقه استعمال میشود —

(۳) اقطر — گل آن مستعمل است —

(۴) زیرخون — گل آن استعمال میشود —

(۳) مطبوخ دوم کچه چوب است

مقصود چشنیه است که از قدیم الایام در طب معمول است که بواسطه خواص معرقه
آنها از خصوصی در انشا قائل شده اند تا حاکی مجهول و بواسطه آن
در امراض جلدیه و داء الافرنج مفید میدانند — سلسله این ادویه
در فرنگستان عشبه و در ایران چینی است —

(۱) ریشهٔ عشبه — دارای عطری است موسوم به اسمی لاسین $C_{18}H_{30}O_6$
که بواسطه الکل از آن اخذ شده و دیگر بوزن هاری لطیف و لطیف بر من است

آنرا در آب سرد و غیر محلول است و در آب گرم و در الکل و اطر سهولت حل میشود
علاوه بر این عطر ماهیه دیگری در عشبه موجود است که تند مزه است
مدت لیپارته بیست که عشبه در مرض کوفت و بعضی امراض جلدیه
مزمن بطئ العلاج (از قبیل اگزما و لپوره پاریس ولیه و امثال آنها)
استعمال میکنند و این مسئله محقق است که استعمال آن را در داء الافرنج
اغلب باعث نتایج عمده کرده ولی در علاج این مرض تاثیر علاجی را
بنابراین همان منی معین عشبه که حروا از آنا مانند ادویه رنیقیه شده گرداننده
و انت عشبه اولا در عوارض بسیطه در درجه دوم استعمال میشود خفا زیری دوطو
کولی و اسکو بونا مستعمل است که در انغار رنیق کلیه منضر است ثانیا
در سفلیس کثیر العود و مزمن . اشخاص که حتی درجه مرتبه ادویه رنیقیه
استعمال که حرو وقایه نبرده باشند و نیز در عوارض ثانویه که بسیار
بطئ العلاج و کثیر العود باشند و در عوارض درجه سوم مستعمل است که با ادویه

مُدِرّ ادرار و مُنضج کننده و رشد نمو سخت مفید است بلکه ممنوع و در علل عظمیه

سفلیسی و نیز در تمام حالاتیکه مقصود حصول آثار رسوبیه باشد (ازقبیل ورم گوشت

عینیه سفلیسی و امراض و علل عظمیه) فائده ندارد عشبه در صورتیکه ثانویه

ربیعی بدون اثر و نفع نیست و در آلمان عشبه را بصورت ادویه اضافه

میدهند و عبارت اند از مستحضرات ذیل اوّل مطبوخ مرکب قوی

عشبه صد جزء ریشه عشبه را در ۲۶۰۰ جزء آب ۲۴ ساعت

جوش میدهند زاج کوبیده قند سفید نمک شش جزء انیسون رازیانه

نمک چهار برگ سنا جهت و چهار راصل السوس ۱۲ جزء اضافه کنند

مقدار مجموع مایع آخر الامر باید ۲۵۰۰ جزء باشد و فشرده صاف نمایند

دوم مطبوخ مرکب متوسط عشبه — پنجاه جزء عشبه را سه ساعت با

۲۶۰۰ آب جوش میدهند و در آخر پوست لیمو و دارچینی هیل اصل السوس نمک

سه جزء بایعنی که آخر الامر باید ۲۵۰۰ جزء باشد از مطبوخ اوّل

اوّل ششصد تا هشتصد مثقال گرم گرم صبح ناشتا و قبل از خواب همان قدر

سرد و در مدت روز صد تا صد و پنجاه مثقال از مطبوخ دوم بدهند بعد

از شرب مقدار صبح باید لباس را پوشیده یا در زیر لحاف رفته دو ساعت

عرق کنند پس از آن خود را خشک کرده و لباس را عوض کنند درجه

حرارت اطاق باید از بیست تا بیست و پنج باشد به پرهیز شدید نگاهداشته

غذاهای ساده معتاد و کافی بدهند (آب گوشت کم از گوشتهای سفید

نان شیر تخم مرغ نیم برشت و اشباه آنها بدهند) در صورت یبوست

زراج غبار کلمل و سنا بدهند مدت انجام استعمال باید سه چهار هفته باشد

تا آنکه علامات مرضی بکلی برطرف شده باشد بعضی ترکیبات دیگر

از عشبه هست که مستعمل اند و در فرانسه شربت لافکتور هست که بسیار

معروف و گران بها و کثیر الاجزاست و بجای آن می‌توان ترکیب ذیل را

ساخت —

شربت مرکب عنّبه — ثعلب ۲۴ گاپاک و ساسافراس و خیزران ۱۳
پوست گندنه هشت انیسون سه قند ۱۲۰ آب در بیست و پنج بهمان
قواعد مسطوره یک تا سه مثقال آنرا در روده در انتهای سیراب بدهند —

(۲) ریشهٔ اجیر — مطبوخ یک تا سه مثقال آن معمول است —

(۳) چوب ساسافراس — (۴) چوب گاپاک (شجر الانبیاء) —

فقرهٔ ثالثه — در بیان محصولات معطّره بابت

سهولت اخراج بلغم شعب قصبه می شوند

اغلب این محصولات مانند سایر محصولات معطّره در اشتهاء و هضم ترشحات
معدویه و امعای آنها مؤثر اند و بعضی از آنها در اواخر نزله های شعبیه مخصوصاً
در نزلات خفیفه حنجره و شعب مخرج نفث و باعث سهولت اخراج
محصولات ترشحیه می گردند که در شعب مجتمع شده اند با قی و دیگر بالعکس
جهت اخراج نفث در هنگام اخر او سعم در همان مواقع و بهمان نظر

در سنگاذر بیشتر معمول اند ادویه دیگر از جنس اول اند —

(۱) انیسون — وان دو قسم است انیسون متعارفی و بادیان خطائی —

(۲) رازیانج یا بادیان — در مخصوصه در معالجه اطفال مانند کاسر الریاح استعمال شود
و نیز جهت رفع حبّ و تهوّع و قولنج و امثال آنها بکار میروند و اغلب جهت
منع حدوث قولنج آنها را منضم بمسهلات می کنند —

(۳) مخلوط مخرج نفث — ریشهٔ خطمی هشت اصل السوس سه برگ
طوسیلاژ چهار ریشهٔ ایرسا فلور النی یک گل ترقیه البنفشه و بادیان
خطائی از دو دفعه یک تا سه مثقال این مخلوط را در حبّ تا شصت مثقال
آب دم کرده میدهند گاهی تمر خرنوب و انجیر نیز بر آن اضافه
می کنند ادویه دیگر از جنس دوم اند —

(۱) اشق — صمغ سقزی درختیست موسوم به دوریما امونیاکم از دا حب
دفعهٔ یک تا ۵ گندم و شبانه روزی تا یک مثقال بشکل حب با لعوق معمول است

(۳) مرمکی — صمغ رزینی است که از بالسامودندرون میرا اخذ میشود از دو دسی گرام تا ۵ گرام بشکل حب و سفوف و اشکال آنها استعمال میشود مطبوخ آن را جهت شستن زخمها و مایعات جراحت بندی استعمال کرده و در دندان سنونها نیز داخل میشود —

فقرهٔ رابعه — محصولات معطره دارای

اسیدهای مرکبه و خواص مسهله اند

اسید کاطارطیک (که از سنا گرفته است) و ژالاپین (که از جلب اخذ میشود) و پودوفیلین و الوئین (از صبر) و کولوسینتین (که از تخم حنظل است) و اسید رئیک (از ریوند) و اسید ریسینولئیک (از روغن کرچک است) و اسید کروطونولئیک (که از دند است) و امثال آنها و این قسم محصولات معطره محسوب میشوند که آنها را در این عصر بحالت خلوص استخراج کرده شروع در استعمال آنها نموده اند تمام این اسیدها

موجب حصول آثار مسهله شوند و سبب عمدهٔ این آثار افزایش قوت و سرعت حرکات دودیهٔ امعاء است مسهلات بهیچ وجه سبب ترشح رطوبتها مورث ازدیاد ترشح طبیعی امعاء نگردیده ولی جمیع باعث سرعت حرکات دودیهٔ امعاء میشوند بواسطهٔ آن مواد محتویه در اجزای فوقانیه امعاء مجذوب نگردیده و مواد اسهالیه را حاصل میشوند کلیتاً از مجرای مایع و رقیق امعاء تولید شده و اجزای جامده آن مجرای امعاء بشکل متعدیه چسبیده و خارج نمیشوند و بواسطه همین سبب است که خروج مواد برازیه جامده با وجود آن که مسهلات قویه استعمال شده باشد بسیار کم است مسهلات بطرق مختلفه باعث سرعت حرکات دودیهٔ امعاء گشته بعضی را در اعصاب معدیه تحریک احداث کنند بواسطه عمل انعکاسی در گانگلیون های معدیه عصب سمپاتیک عظیم نیز مورث تحریک گردیده بدان واسطه حرکات دودیه امعاء روی بازدیاد گذارند بعضی مسهلها مسهلی هستند از قبیل روغن حب السلاطین که در عصب

ریه و معدی عنق ... قطع کنند دیگر هیچ باعث اسهال نگردد پس این مسهلات
بلاواسطه در امعاء اثر نمی‌کنند بلکه عمل آنها بواسطهٔ اکسیون رفلکس است بعضی دیگر
باعث اسهال نگردد مگر بواسطهٔ تحریک مستقیمی که در سطوح امعاء و غدد بعمل
مشترکاً ایجاد حالت میشود (?) اوجاع بطنیه را مقارن عمل اغلب مسهلات است
بواسطهٔ انقباضات تشنجیه امعاء حاصل میشود مسهلات شدیده را عموماً
آنها را در معالجات مسهلات قویه نامند (دراستیک) سبب سقوط
اشتها و ضعف هضم شوند و سبب کثرت ترشح صفراوی شوند پس
از استعمال مدید مسهلات مائیه و عناصر ملحیه خون بواسطهٔ قلت جذب
مایعات معدیه کم شوند و جمیع این اجزاء از خون کم شد از انسجه و اجزاء
بدن مائیت را جذب کند و معین برای تجدید ترشحات مزمنه بعضی
و نیز پس از استعمال مدید مسهلات حالتی در بدن ظاهر گردد که شبیه بحالت
کسانی است که مدت مدیدی غذا نخورده باشند —

استعمالات علاجیه — ذکر تمام مواقع استعمالات عمومیه مسهلات
متعذر است حال بذکر مواقعی که استعمال این مسهلات بر سایر ادویه
که دارای این خاصیت اند ترجیح دارد اکتفا میکنیم اولاً بعضی اقسام
یبوست است از قبیل یبوستی که موسوم است به یبوست عادی که بواسطهٔ
ضعف و عدم اعتنا و امعاء غلاظ حاصل میشود عدم اخراج براز در زمان
عادی سهواً یا عمداً چون مدید گردد سبب قلت حساسیت غشاء مخاطی روده
شده و بدان جهت امعاء غلاظ در انقباضات خود کاهل شده و بهمین جهت
سبب یبوست عادی گردد در حالات دیگر انقباضاتی که حاصل میشوند
جهت دفع براز بطرف مستقیم و مقعده کافی نیستند در این حالات
از استعمال مسهلات قویه با انضمام وضع تغذیهٔ مناسبه و مالش بطنی نتایج
نیک حاصل شده و این تدابیر بر استعمال مسهلات ملحیه ترجیح دارد
مسهلات قویه هم در علاج یبوستی که بواسطهٔ فتق و دخول روده در روده

دیگر داشتن التهاب حاد شده باشد نیز استعمال میکنند و با آنچه در سوء القنیه مایل
احتباس را منظور دارند و نیز چون تب را با مقارن علل مزمنه دماغ و نخاع باشد
بواسطه مسهلات قویه علاج توان کرد بالاخره در نوبات حاصله از عفونت
سر با بسیار مفیداند و نیز در علل ورمیه دماغ و نخاع معمول و چون تب را از رعاف
با این امراض تب اغلب با کمک سهولت بواسطه استعمال مسهلات قویه
رفع کرده و در کثرت سطحیون دماغ و نزف الدم ان نیز معمول اند مسهلات
قویه را هر چند ان شده نیست نید از قبیل سنا مکی در هنگام اول ورم حاد
کلیه و ورم نفاس صفاق استعمال میکنند در علل ورمیه آلات تنفس
مسهلات ملحیه و کلمل یا روغن کرچک را ترجیح میدهند و در بعضی اقسام اسهال
روغن کرچک و ریوند چینی و کلمل بلکه مسهلات ملحیه نیز استعمال میکنند
بسیاری از اوقات مسهلات قویه یا مسهلات ملحیه جهت اخذ
رطوبت از بدن منضم کرده مثلا در استسقاء و در ورم مزمن کلیه جهت

انجذاب ترشحات استعمال میکنند توقعی از مسهلات قویه و در اطفال کم استعمال
شده بلکه ممنوع اند عبارت از مواقع ذیل اند (۱) در تمام علل ورمیه
مجاری هضم (۲) در هنگام طمث و کلیه در اوقاتیکه استعداد نزف الدم
رحمی موجود باشد (۳) در حمل (۴) در صورتیکه دانه های بواسیر موجب
باشند که بسهولت خون از آنها ترشح کنند (۵) در ضعف و در تب
بسیار شدید (۶) در صورتیکه استعداد به سهال موجود باشند —

(۱) در بیان مسهلاتیکه دارای اسید کاتارطیک اند

اول — برگ سنا

ماده عامله بسیار عمده سنا اسید کاتارطیک است که فورمول شیمیائی ان عبارت
است از

این جسم در اوراق و غلاف این گیاه بشکل ملح خصوصی و آزاد و بمقدار زیادی بحالت
ترکیب با کالسیوم و منیزیوم وجود دارد و با کمک سهولت قابل تجزیه است

اگر مواد قلیائیه منتجفرات سنا افزایند قوت مسهله آنها کم گردد و بالعکس
مواد اسیدیه باعث قوت عمل آنها شوند در برگهای سنا بعضی مواد علکیه دیگر
نیز از قبیل کلرفیل و مواد صمغیه و املاح معدنیه نیز یافت شود از جمله منتجفرات
سنا الکلی آثار آن بهتر معروف است دوم که اثر آن است بیش از
هزار سال است در جهت حصول اسهال مستعمل است برگ سنا چون بمقدار
بیش از دو کف و نیم خورده شود موجب بروز آثار تشنج گردد و بمقدار دو
کف تولید قراقر شده پس از ۵ ساعت مواد برازیه رقیقه خارج
شوند ولی از دو مثقال آن در ۳ ساعت بعد از شرب اقتضای یا خروج
برازی حاصل گردد و در اغلب مصادف با قولنجهای شدید است و در
ساعات بعد اخراج براز تجدید گردد و در ایام مدت انتها کم است
مقادیر بیش زیادتر از دو مثقال باعث ازدیاد نزف الدم های بواسیر
و طمث گردد برگ سنا اغلب بطور حتم عمل کند ولی از اسهال مانند بعضی

مسهلات سبب تقویت شود —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) برگ سنا — هرگاه مقصود فقط همان
اخراج براز باشد دو تا هفت کف و اگر بخواهند اسهال آورد و نیم تا یک مثقال
سایده شده بشکل سفوف یا دم کرده اغلب منضم باب سایر مسهلات از قبیل
شن (ترنجبین شیرخشت مدخشت) و ریوند و غیرها تجویز می‌کنند (۲)
برگ سنا مغسول بالکل اوجاع بطنیه در آنها کمتر است (۳) مخلوط
مسهله از اجزای شن برابر آنها نیز مانند برگ سنا مغسول بالکل شش
گل اقطی ده افسنتین و رازیانج ۵ پطریطات در پطاس خالص ۳
یک تا سه مثقال از این مخلوط و در یک فنجان آب (چایی مدقوق و
کمی) به هم زنند (۴) سفوف سوسی مرکب یا سفوف صدری گوره‌لا
سنا اصل السوس تکه در رازیانه گوگرد مصفی ملابس قند سفید
شش مسهلات بسیار معمول مخصوصاً در اطفال و غیره نیم تا یک تا دو مثقال

(۵) معجون سنا یا معجون ملین برگ سنا، ده شربت سالم جهت
تمر کرات پنج دفعه یک الی سه مثقال و شبانه روزی تا ده مثقال از ان در فرنگستان
بسیار مستعمل است (۶) دم کرده مرکب سنا هم از اسباب مزلق و سینه
نیز باشد برگ سنا یک ۵ آب جوش ۱۰۰ جزء دم کرده طرطرات در ۵
احدیطاس ۵ تین ده افرقه باطفال یک الی سه مثقال به کوپایان تا
ده مثقال به دفعه می توان داد —

دوازدهم — ریشه ریوند چینی

مالیه عامله ریوند اسید کاتارطیک است که مسهل است علاوه بر آن
اسید ایک یا اسید کریزوفانیک که در علاج پسوریازیس یک جزء
از ادویه جزء است و از این استعمال میکنند و بعضی مواد مسهله دیگر
نیز دارد یک ماده عمده دیگر آن اسید ریو تانیک است که
قابض است ریوند چینی معتاد در قلیل از یک تا دو گندم خورده شود

اما اسید اخیر علیحده که در درجه سوم خفیف عارض میکند و بدان واسطه اشتها
نیک کند معتاد ریشتر (۱۰ تا ۵۰ گرن) در دفعه یا از قلیله سه چهار دفعه
خورده شود یا یک دفعه ۵ تا ۱۵ اگر از ان را بگیرند بیشتر اما اسید
کاتارطیک ظاهر کند مسهلی از ان سبوت حاصل شود اسید کریزوفانیک
در جریان دم نیز نفوذ کند و در ترشحات بدنیه رنگین کند عرق
پیراهن و امثال آن زرد کند بول شبیه بول یرقانی بلکه در زمان
شیر ممکن است بواسطه آن زرد رنگ شود و جمیع مواد برازیه را رنگین
میکند سبب قابل بودن آن اخته بود هم ریوند موجب کثرت ترشح صفرا
میشود —

استعمالات علاجیه — ریوند چینی معتاد در قلیله اغلب تهییج هضم
و در بعضی حالات جهت رفع اسهال مستعمل است چون ریوند در هضم
اثر نیکی دارد و بدان واسطه جهت تغذیه خوب است اثر او در اطفال

خنازیری و اطفال مبتلا بنرمی و اعوجاج عظام و مبتلا بنوبه هضم هم باشند استعمال
می‌کنند و در اسهال حاد آن را هیچ استعمال نمیکنند همان در اسهال مزمن که
مرض از نزله امعا حاصل شده باشد یا وقتی اسهال مصادف خنازیر یا
نرمی و اعوجاج عظام باشد استعمال میشود مقادیر کثیره ریوند را هم جهت
تنبیه اشتها و هم مخصوصاً در علاج یبوست عادی مبتلایان بمالیخولیا و مراق
و نیز در یرقان سالها مستعمل است —

قدر شربت و مستحضرات آن — (۱) ریشه ریوند مقادیر قلیله آن
دفعه نیم گندم تا دو گندم است و جهت حصول اسهال دفعه ۴ گندم تا
یک مثقال سفوف یا حب یا دم کرده میدهند (۲) عصاره ریوند
عنابی تیره سیاه رنگ است جهت حدوث اسهال دفعه نیم تا دو گندم
با ریوند مسحوق حب کرده میدهند (۳) عصاره مرکب ریوند
عصاره ریوند سه جزء صبر زرد یک صابون جلب یک مسحوق نموده میدهند

عصاره است سیاه رنگ و تیره جهت حصول اسهال تا ۵ گندم استعمال
میشود (۴) تنقیع مائی ریوند — نسخه آن ریشه ریوند صد کاربونات
دو پطاس ده بوره مسحوق ده آب ۸۵۰ دم کرده ۹۰ جزء الکل
افزوده پس از یک ساعت صاف کرده ۱۵۰ جزء عرق دارچین افزایند
مایعی است قرمز تیره گون باطفال دفعه ده تا پانزده قطره و بکبار آن
دفعه یک تا دو مثقال جهت تقویت معده مستعمل است (۵) تنقیع خمری
ریوند را از شراب ریوند نیز گویند — ریوند چینی هشت
پوست نارنج دو هیل یک قند سفید ۱۲ شراب سفید خوب صد
اجزاء را هشت روز در شراب گذارند از مقویات بسیار نیک
معده است باطفال دفعه ده تا بیست قطره و بکبار آن دفعه یک
تا دو مثقال شبانه روزی سه چهار دفعه میدهند (۶) شربت ریوند از
ریوند ده دارچین دو کاربونات دو پطاس یک آب صد قند بمقدار —

کافی است تا ده مثقال آن در اطفال مسهل است (۷) سفوف مانیزی
در ریوند — ایدروکاربونات دو مانیزی هشت ریوند پانزده قند
روغن رازیانکی ۴۰ جهت رفع ترشی که از غذا در اطفال است تا چهار
نخود کم کم بدهند —

سیم — پودر دوورن را از دیوپ بدرتر نیز نامند

در بواسیر دوم که هر سه چهار مثقال آن در شش عدد مثقال آب یک دفعه
صبح و یک دفعه عصر بسیار معمول است و اغلب آنرا با سولفات دو سود منضم
می‌کنند —

چهارم — میوهٔ یا حبهٔ زهرچیردن

ده با آن شربت زهرچیردن میسازند در علاج اطفال دفعه تا ده نخود
و تا یک مثقال مانند مسهل بسیار مستعمل است —

تبصره — پودر فیلیم را سقز ریشه پودر فیلیم بیطاطوم است مانند

اسید کاتارتیک سبب اسهال گردد و در یبوست عادتی و در حصاة مراره
مستعمل است دفعه نیم تا یک گرم اغلب با همان مقدار عصارهٔ بزرالبنج
حب یا سفوف کرده می‌دهند —

(۲) در بیان مسهلاتیکه دارای کنولولین و ژالاپین اند —

اول — ریشهٔ جلب

بواسطهٔ الکل از این ریشه سقز جلب اخذ میشود که دارای کنولولین است
که فورمول آن $C^{31}H^{50}O^{16}$ و جسمیست بشدت مسهل
و نیز دارای ژالاپین است فورمولش $C^{34}H^{56}O^{16}$ مسهلیست
آن از جسم فوق کمتر است کنولولین خالص بمقدار دو گندم هم خورده شود
اسهال آورد و جلب سه چهار نخود و در یبوست عادتی استعمال کنند چون بعد از اسهال
یبوست متعاقب آن نشود داد از آن اگر چه مدت مدید داده شود
باز ظاهر گردد —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) ریشه حلب مسحوق ان از دفعه
۵ تا ده گرم و اوه میوه انگلیسی اغلب انرا با کلمل منضم کرده میدهند
وجمع محرک است باید انرا در حالات ورشیه امعا استعمال کرد —
(۲) شربت حلب یک تا دو گرم و نیم بفاصله های قلیله روزی سه دفعه مسحوق
یا حب کرده میدهند —
(۳) صابون حلب — نسخه ان صابون طبی ۴ شربت حلب ۴
الکل ۸ تا حد غلظت حب تبخیر نمایند حب را اغانه حلب
از سه جزو صابون حلب و یک جزو ریشه ان مرکب نموده جهت استعمال
مدهد دفعه سه تا شش حب مستعمل است —

دویم — ریشه ریوند

شیره نبات گارسینیا مورل است در علم علاج ترجیحی بر انسان خفیف دارد
سابقا در استسقا استعمال میکردند ولی امروز متروک است دفعه ...

نمی کنند دو سه بار روزی تا چهار گرم از حب کرده میدهند —

سیم — ریشه سقمونیا و سقز آن

سقز آن دفعه نیم تا یک گرم و نیم و اوه میوه ها غاریقون سفید هم جزو
این مسهلات است (دفعه سه گرم تا چهار گرم) و معتادین قلیله
در عرق های شبانه استعمال میشود —

(۳) مسهلات دارای الوئین

دکلوسین لین اند

اول صبر زرد

شیره غلیظ شده اوراق لحمیه اشجار مختلفه طایفه صبر است و دارای
سقز مخصوص و الوئین است $C_{17}H_{18}O_{7}$
مسهل بسیار مقتدر اوایست باعث اغتشاش هضم شده بلکه معتادین
قلیله معین بران است و مدت مدیدی میتوان انرا داد بدون انکه

مقدار اثرا بالاتر برد مخصوصاً در یبوست مزمن بسیط آثار نیک بخشد
در صورتیکه تکمه های بواسیری موجود باشد بسهولت خون از آنها روان شود
و در وقت امتلای و موری شدت خون وجود داشته باشد و در زمان طمث
و در علل رحمیه مزمنه که مصادف با نزف الدم باشد و نیز در مقام
حمل استعمال آن ممنوع است —

قدر شربت و ترکیبات (۱) صبر زرد و دفعه یک تا ۵ نخود از آن
حب کرده بخورند (۲) عصاره صبر زرد و دفعه از نخود تا گندم تا
یک نخود و نیم شبانه روزی سه دفعه (۳) تعفین صبر زرد ۵ تا ۲۰ قطره
آن جهت هضم خوب و مقوی معده است —

دوم — حنظل

ماده مؤثره آن کلوسنتین است [illegible]
شحم حنظل مسهل است بسیار قوی و در صورتی استعمال میشود که از صبر زرد و از [illegible]

نشده باشد اغلب اثرات سمیه که گاهی بارثت رو به مرگ میکشند در
علاج انواع استسقاها مخصوصاً در استسقاء زقی مستعمل است —

قدر شربت و ترکیبات (۱) ثمر حنظل و دفعه خمس تا سه خمس نخش کنند
و شبانه روزی تا ۴ نخود لعاب صفوف با حب شهد است و اغلب اثرات
احتراز از حدوث اوجاع بطنیه با یکی از مخدرات مرکب میکنند —
(۲) ثمر حنظل مخلوط ۵ جزء شحم حنظل و یک جزء صمغ عربی است
بالمکث سهولت سحق پذیر و قدر شربت آن مانند حب سابق است
(۳) عصاره حنظل دفعه عشر تا یک گندم شبانه روزی تا یک نخود
از آن می توان داد —
(۴) تعفین حنظل جهت حصول اسهال دادار دفعه ۵ تا ده، ۲۰
قطره و شبانه روزی تا ده نخود از آن استعمال میشود —

چهارم — روغن کرچک دهن خروع

(۱) روغن کرچک — از حبة الخروع مستعار فرا اخذ می‌شود و در الکل بالمره
و اطر حل می‌شود ماده عامله آن اسید ریسینیک است
دانه کرچک از روغن اتم قوی‌تر است روغن کرچک بدون حصول آثار
تحریک و اوجاع بطنیه اسهال آورد و در صورتیکه حالت ورمی در مجرای معوی باشد
یا نزف الدم رحم و یا ورم آن یا ورم کلیه و التهابات آنها موجود باشد و خواهند مسهل
استعمال کنند روغن کرچک بر همه ترجیح دارد و نیز در صورتیکه مواد غذائیه
غیر منهضمه یا جسم خارجی در روده مانده و سبب اسهال شده باشد و در [illegible]
و طیفوس بطنی و در مسمومیت سامه زمان آبستنی و زنانها در حین وضع حمل او
این روغن را استعمال می‌کنند و جمیع این و هم بسهولت بسبب اضطرار [illegible]
نباید آنرا در موقعی که خواهند مدت استعمال کنند معمول داشت اما له
آن نیز سبب اسهال گردد روغن کرچک خالصا یا با ربع وزن خود صمغ عربی
لعوق کرده یا در کاپسول های ژلاتینی بسته مقدار از هشت جزء روغن کرچک و نیم جزء

مغز بسته نهنگ و المه ترتیب بسته هر یک بسیار مستعمل است و از آنها که
پیچیده یا در لای نان نهاده بسته بهتر از خارج روغن کرچک است تا هم
در امامه و اخذ کرده یا با تعفین حنظل مرکب کرده بروی شکم می‌مالند
مثلا موافق این نسخه روغن کرچک شش مثقال تعفین حنظل دو مثقال
مخلوط کرده روزی دو دفعه هر دفعه یک مثقال آنرا بزیر شکم مالند روغن
کرچک جهت تقویت و نمو موی لیت ترکیبات و دهنیات فراوان
بسیار مستعمل است —

(۲) روغن دنه — از حب ضرع هندی که آن را حب السلاطین نیز
اخذ می‌کنند (کرچک مستعار فی و شبیه بی جهت از طایفه فرفیونیات است)
این روغن بغلظت روغن بادام و بواسطه اسید کروتونیک که در آن است
بشدت در جلد و مجرای معوی تحریک کند اثر آن در روی جلد شبیه بآثار [illegible]
مقرحت و مجاری هضم آن باندازه روغن دنه چون تا یک قطره خورده شود

در هر ساعت بعد از شرب در بطن قراقر و اوجاع خاصی شده شش مرتبه
اخراج براز خاصی که معتاد بر کثیره آن (۱۰ تا ۱۵ قطره) باعث قی و اسهال
شدید می شود و ممکن است بر حسب حالت دوائی که مریض بسبب آن مبتلی است
در امعاء ورم حادث کند روغن دونه را نباید استعمال نمود در صورتیکه
بخواهند اسهال سریع و شدید حاصل شود با انسدادات حسن العمل
معویه بسا رفع نمایند در امراض دماغیه ذکی عصبی بواسطه سهولت
رفع یبوست مشکله است آنرا تجویز کنند و چون اثر این دوا بمقادیر
بسیار قلیله با غذا خوراند استعمال آن در حمی نفس بر سهولت
ترجیح دارد دفعه ربع تا یک قطره و شب از روز تا ... کندم جب
با صب صمغ با اغلب با روغن مخلوط کرده میدهند مثلا بدین نسخه
روغن دونه یک کندم روغن بادام ۵ مثقال در هر ساعت یکمثقال
از آن داده میشد از خارج روغن دونه در مواقع استعمال الطمیوان

استعمال کرده بسطح جلد ۵ تا ده قطره از این را مالند روزی سه دفعه
میتوان آنرا مالید ولی با دست نمالند —

ضمیمه

(۱) تمر — گوشت و گوشت مصفای این میوه معمول است مردار دار
اسیدهای نباتیه و املاح میوه جات دقند و صمغ از قسم اخیر را صفه
تلیین شفوی و در حمیات بعد میدهند ۵ تا ۱۰ از ده مثقال آن و
خالص یا با آب بعد میدهند شیر بره بیه مری نیز معمول است مهر بر
شیره بره یک جزء گوشت مصفای تمر اضافه کرده بعد میدهند و تلیین
آن از شیر بره بیه خالص بیشتر است و در روزی شش هفت تا ده
دو از ده سیر آن را داده در قواعد معموله در استعمال شیره بره بیه
مدعی دارند —

(۲) فلوس — مغز آن مستعمل است —

(۳) سن (ترکیبی نیترخفت و پنج خفت) شیره ایست تیره ترشح از
درخت فراکزینوس ارنوس که در صد جزء ۷۰ جزء شکر قند یا مانیت
وارد و فرمول آن $C^6H^{14}O^6$ است بسبب تیبین ملین گردد

فقره ۵ — اجسام معطره کرم کش

اول — درمنه

غنچه ایست که دارای عطر مخصوص و سنطونین است که ماده عامله است
و بعلت بسیار استعمال میکنند سنطونین
در آب سرد غیر محلول ولی در آب گرم مختصر میشود (یک در پنجصد)
در الکل و اطر بسیار محلول است مقادیر قلیله آن جهت قتل حیات
جبران هضم کافی ولی در تریاق مرکزم مثلا در ... و الکل وجب
القیء بسیار کم اثر کند حیات را بلد و اطر کشد زیرا که چون
در مجرای معدی معوی وارد شد کمی از آن بعلت املاح معدی محلول

جذب جزء اعظم کیلت خود با مواد برازنه دفع گردد جزء مجذوب
شده ببدن بول زرد و سبز رنگ کنند جمع نامه قلیلا بران افزاینده
قدر مزار غواها گردد و این سنطونین مجذوب شده در سلسله عصبانیه
نیز اثر کند مخصوصاً در حس بصر اثر نماید در اطفال از یک تا ده
گندم و در جوانان از ۶ تا ده گندم آن حالت تخطئة الالوان
حاصل گردد در ابتدا لون غالب آبی است بقسمی که جسم را به رنگ
آن کمی تیره باشد آبی رنگ می بینند چنانچه بعد این درجه رفع شده
و لون غالب زرد و بنفش (زرد و بنفش) تمام اشیاء زرد و بنفش آمده
و هر رنگ منعکس از زرد و بنفش آبی باشد محو و تمام میشود در درجات
رفیع تر این سمومیت تشخیص الوان غیر ممکن است و نیز مواد
مقادیر کثیره مهلک است اما تشنج و کنوولسیون های شبیه کنوولسیون
های صرع حاصل شده تنفس با زحمت و ممکن است فلج عارض آن شود

و با قوت عملیه قلب اقیماء و بهمین ملاحظات است که تجویز مقدار
کثیر سنطونین ممنوع است اغلب آنرا در قرص های کوچک که جهت
اطفال کوچک تا شش ساله تهیه کنند و جهت اطفال بزرگتر هر کدام
یک گندم دارند استعمال میکنند و نیز بصورت حب و سفوف استعمال
اطفال توان داد و پس از خوردن آن باید مسهل بفاصله که تا چهار ساعت
بدهند (و اغلب روغن کرچک معمول است) و در روز یکدفعه بیشتر
نباید سنطونین را تجویز کرد و در حب القرع اثر مفیدی نیز مشاهده است —

(۲) پوست درخت انار و مخصوصاً
(پوست ریشه آن)

دارای مقدار زیادی طنن است و ماده عامله آن پله تیرین است
که در حب القرع بسیار مؤثر است طرز استعمال پله تیرین از این
قرار است روز پیش از استعمال غذای مریض را منحصر بشیر کرده صبح بعد

در یک دفعه محلول سولفات دو پله تیرین (۸ تا ده گندم در ۳۰
مثقال آب) یا طنات دو پله تیرین (۴ تا پنج نخود در ۳۰ مثقال
آب) داده یک ربع ساعت بعد دم کرده ای تا چهار مثقال سنا
در ۲۰ مثقال آب بدهند پوست انار را دم کرده شش تا ده مثقال
آن در ۲۰۰ مثقال آب معمول است و باید پوست تازه باشد و دو
سه ساعت آنرا در آب دم کنند روز پیش از استعمال غذای
بیمار نمکین خورده صبح بعد ناشتا در یک ساعت دم کرده پوست
انار سه مرتبه که تمام بدهند و پس از دو ساعت روغن کرچک
تجویز نمایند —

(۳) ریشه سرخس نر

مسحوق دو دم کرده آنرا و در مخلوط در حین استعمال باید حرکت
داد و باید در معجون سفید مثل قدر شربت آن یک مثقال شب در روز ۳

چهار دفعه بفاصلهٔ نیم تا یک ساعت عصارهٔ اطراف سر شاخهٔ نگار از درخت

آن بهتر است در کپسول های ژلاتین هر یک که گوشه دارند میدهند

و در اطفال نیم تا یک مثقال با جوانی در سه مثقال —

(۴) گل کوسو

(درخت آن در حبشه می روید)

ماده عامله آن کسوسین است

طرز استعمال — یک تا دو مثقال سحوق آن را با آب مخلوط کرده

و آب لیمو یا رم یا قند روغن کرچک افزوده در دو دفعه این مقدار را میدهند —

(۵) کامالا (گرد غبار درخت

رتلرا فلیپینیک طوریا است)

بمقدار درسته مثقال ناشتا روزی دو دفعه با شربت مسهل کرده میدهند —

فقره شصت و سه — در بیان معمولات که در رحم اثر میکنند

(۱) ارگوت جو (سقیلم) آن را سکل ارگوطه و سکاله کرنوطوم مینامند

بعضی اوقات مخصوصاً در سالهای بارانی در سنبلهٔ سکل قارچهای قرمز

پیدا میشود که یک جسم آن کج و دانه طور سیاهی و دو سه ثلث طول

آن از یک تا چهار سانتیمتر است و ارگوت سکل طبی عبارت از آن است

چندین ماده عامله دارد که با تحقیقات خوب شناخته نشده اند

(و عبارت انه از ارگوطین و اسید اسکلروطیک و اسکلرو مسین و امثال

انها) —

اعمال فیزیولوژیه — در انسان خواه یکدفعه مقدار زیاد سکل ارگوطه

داده شود (یک مثقال و نیم تا دو مثقال) و خواه معتاد و قلیل آن

چند روز یا در پا استعمال کنند آثار عمومیه در روی دهن ظاهر

ثقل یا حس ضعف شده احساس به سبب تملّه و ورم دهان

سبب انگشتان دست و پا و اوجاع مختلفه و حرکات تشنجیه ممکن است

بقدری شدید شود که به تشنج تام منجر گشته گردد و مصاحب با

انقباضات و تحتی جلد حاصل گردد و حالات مذکوره علامات مسمومیت

تشنجی سکل ارگوطه است و با آنکه در وسط اوجاع شدید و در چند یا دو ریک

از اطراف انتفاخ حمره شکل نمایان گردد و پس از آن منجر به قانقرایا

می گردد و این قسم مسمومیت غانقرایای حاصله از سکل ارگوطه است

و این هر دو قسم در بعضی حالات همراه مسمومیت و با شدت است و داده

اما در مخصوصه سکل ارگوطه بواسطه انقباض الیاف لیفیه حاصل میشود

و در الیاف لیفیه رحم نیز حاصل می گردد در زمان وضع حمل چهار

پنج تخفیف آن جهت حصول انقباضات رحمیه بفاصله ربع ساعت

کافی است —

استعمالات علاجیه — جهت استعمال عمل رحم و رتق و تسکیه انقباضات

رحمیه که در اوجاع حملی کافی نباشند بهترین وسایط است و لی

و لی بعد از خروج مابقیت و پس از آن که عنق رحم بسته باشد از ارگوطه بخوف

و از جمله شرایط و میزان است هر رحم حملی بوضع لاحق آنست در نزف الدم رحم

و در سایر نزف الدم ها خصوصا در نفث الدم و قی الدم از ارگوطه

میکنند در حالات اخیره بطریق تحت جلد آن مستعملست در بواسیر

نزف الدمی نیز از آن تجربه نموده اند بالاخره سکل ارگوطه را در بعضی

فلج های اطراف سافله که تابع فلجهای نخاعیه باشند و نیز در فلج مثانه

استعمال میکنند —

قدر شربت و ترکیبات — (۱) ارگوطه سکل — جهت حصول

انقباضات رحمیه در حین وضع حمل ۳ تا ۵ دفعه هر دفعه چهار پنج تخفیف

از انفصال ده پانزده دقیقه سفوف کرده بدهند جهت استعمال

مدیه آن روزی چند بار دفعه دفعه تام از تخفیف اثر از سفوف یا حب

یا دوم کرده بدهند —

(۲) عصارهٔ سیگل ارگوطه — از ارگوطین نیز ناسه ارسیگل ارگوطه قوی‌تر و مستعمل‌تر است مخصوصاً در استعمال بدنی از داخل دفعه یک تا دو نخود از آن شبانه روزی تا چهار دفعه حب یا محلول که به آن جهت تزریق تحت جلدی نسخه ذیل معمول است عصارهٔ سیگل ارگوطه ده نخود آب مقطر گلیسیرین خالص یک درم مثقال روزی دو سه دفعه دفعه یک آبدزدک از آن تزریق کنند —

(۳) طنطور سیگل ارگوطه — در یک جزء سیگل ارگوطه است در ده جزء الکل دفعه ده بیست تا سی قطره شبانه روزی سه تا ۵ دفعه مستعمل است —

تبصره — جهت ادرار طمث از ادویهٔ آتیه نیز مستعمل اند —

(۲) شاخه‌های کوچک ابهل

از داخل دفعه یک و نیم تا ۵ نخود شبانه روزی تا ۵ دفعه از آن سفوف یا دم کرده می‌دهند از خارج سحوق آن در علاج کهنه زخم‌های خاصه در نتیجهٔ

سوزنک اند) یا بیماران با سوزاک خصوصیه نیز نافع است —

فقره کلاس ثالثه — محصولات معطره در حالات

عصبانیه استعمال می‌شوند

(۱) مأخوذه از نباتات

این محصولات مخصوصاً در اختناق رحم نسوان و رجال و نیز در اوجاع و حالات عصبانیه و گاهی در صرع و وجع معده و کلیه در اوجاع احشاء و امعاء استعمال می‌شوند —

اول — ریشهٔ سنبل الطیب

اغلب دم کردهٔ آن معمول است (ریشه چهار مثقال آب) و جهت اماله نیز بکار می‌برند و طنطور سنبل الطیب نیز جهت بیست سی قطره از آن در کمی شربت ریشه تجویز می‌کنند و طنطور اثری آن نیز همین قسم است —

دویم — ریشهٔ سنبل خطائی

۱۵ نخود تا دو مثقال آن را در صد جزو آب دم کرده بدهند —

سیم — گل و ریشهٔ ارنیکا

دم کرده نیم تا یک مثقال آنها در صد جزو آب مستعمل است طلای ارنیکا
در جراحات و کوفتگیها و ضربها و خونمردگی مفید است
و در این حالات طنطور ارنیکا نیز خالص یا مخلوط با آب استعمال
شدنش معمول است —

چهارم — انقوزه

(صمغ متعفن فرولا اسکرودوسماست)

از دانه نیم تا چهار پنج نخود آن معمول و بهتر آن است حب کرده بدهند
جهت اماله چهار پنج نخود آن را با زردهٔ تخم مرغ لعوق کرده
معمول دارند —

(۲) محصولات مأخوذه از حیوانات

این مواد بسیار کمتر از الکالوئیدها رفیقه بلوریه آنها چندان مشخص
و محقق نیست عطر فراری دارند هنوز از استخراج و تجزیهٔ معطله

اول — مشک

از غدهٔ مردوکیسهٔ صغیر که در زیر شکم (در میان ناف و اعضای تناسل
ذکوری) غزال المسک است تهیه میشود از اعظم ادویهٔ قوی مسد انفند و
از کافور و شراب و امثال اینها بهتر نیست در علل تشنجیه علی الخصوص
در اثناء اختناق رحم و در تشنج نزع و انقطاع الصوت و در حصبه و سکته و امثال
آنها هنوز معمول است در این حالات سبب علاج شدنش و اسباب
تخفیف حملهای تشنجیه میشود جهت تحریک در جوانان دفعه کمتر
از یک نخود تا دو نخود و نیم تا به داده و در اطفال بر حسب سن دفعه خمس
تا یک تا چهار گندم شبانه روزی سه چهار دفعه بدهند —

دوم — جندبیدستر

ترشح غلفه رنگ آن ثابت و در علاج اختناق رحم زنها از آن تجمیم می‌کنند
جندبیدستر را از سیبری می‌آورند گران قیمت است و آنرا از جندکانادا هم ارزان
تر است بهتر می‌دانند از خارج دفعه یک تا دو تا چهار گنج شبانه‌روز
سه چهار دفعه می‌توان داد —

فقرهٔ ثانیه — در بیان معمولات

معطره که سبب تهییج مستی می‌شوند —

اول — شاهدانج

مادهٔ عاملهٔ آن هنوز مجهول و آثار آن نیز بسیار مختلف است زیرا که مقدار
عوامل مشوشهٔ آن بر حسب تهیئات و اقلیم بسیار اختلاف پذیرد بدون
آنکه اختلافات شبیههٔ اشیائی را که استعمال می‌کنند منظور داریم همین
قدر محقق است مستحضرات شاهدانج در خیلی اشخاص باعث حس

اشیاء غیر موجوده در خارج و حصول ثبات و سبک‌کننده و حدوث
حرکات عضلانیه بسیار شده که بعد از آن جسم مقطوع غیر از اثر
تریاک است در بدن اختلال انعدام شعور بسبب بستن شکلات
آن هضم کمتر است و سبب یبوست نشده بول را زیاد کند و خواب
را از آن حاصل شود بعد از هنگام که مدت استعمال عادی و مزمن
آن سبب اختلالات تغذیه و تغییرات خطیره قوای نفسانیه شود
در هندوستان این جسم معمول است مخصوصاً از دستی که لال صاحب
سیوم پیدا کرده از بهترین ترکیبات شاهدانج عصارهٔ آن است
را دفعه یک تا دو گرام دو شبانه‌روز تا ده گرام بدهند —

دوم — کاهوی بدبو

شیرهٔ آنرا لاکتوکاریوم می‌نامند و از شیرهٔ آن عصاره نیز می‌سازند
تمام این ترکیبات در طب زیاد غیر مستعمل اند —

سیم — لوپولین (عنبر لبلاب القعاع)

مسحوق عنده سقزیه ایست که در گل لبلاب القعاع یافت شده دارای رایحه
عطری مخصوصی و مایه عامله تلخ است آنرا لرشکره و منسوبه است چون
بواسطه عناصر لبلابی داشته که در ساختن آن معمول شده است در شود
هضم لوپولین را در ضمن قعاع که مواد لبلابیه آن زیاد است میتوان
داد و نیز اغلب این جسم را جهت رفع کثرت قابلیت تحریک آلات
تولید و مخصوصاً در صورت نعوظ و احتلامات زیاد از قدر روزی دو
استعمال مینمایند دفعه یک گرم و نیم تا دو گرم و نیم و شبانه روزی
تا دو مثقال آنرا بسفوف یا حب کرده میدهند —

تبصره — بعضی محصولات معطره دیگر است که جنس چسبناک آنها
جهت ساختن شمع یا مومیا معمول اند و عبارت اند از سقزهای
ذیل (۱) سقز کاج که از زفت بورگنی و زفت زرد بر آمده

(۲) بارکه سقز درخت است موسوم به فرو لالی طبی (۳) سقز المی
(۴) سقز مصطکی (که عبارت است از مصطکی) —

فصل دوم — در بیان الکالوئیدها
و گلوکوزیدها و ترکیبات آنها —

مبحث اول — الکالوئیدها

مایه سمیت اغلب نباتات سمی دارای یک یا چندین جسم قلیائی است
که با اسیدها مرکب و موسوم هستند به بازهای نباتیه یا الکالوئیدها تمام
این مواد ازت دارند و با اسیدها تولید املاح کنند و عده قلیلی از آنها
که دارای اکسیژن نیستند مایع و فرار اند ما بقی که اکسیژن دارند قابل
تبلور و غیر فرار اند اغلب الکالوئیدها در حالت خلوص غیر محلول در آب
ولی در الکل و اتر و کلروفرم حل شوند بعضی از آنها در معرفین شیمیاوی
قلیائی طعم آنها تلخ و اغلب در اسید حل شوند نباتاتیه از حیث نظر کیمیاوی

شناسیده شد به اینکه دارای مقادیر بسیار مختلفه از الکالوئیدها هستند

و سبب این اختلاف آب و هوا و خاک مناسبت انهاست —

الکالوئیدها محصولات مخصوص نباتات اند و در بدن آثار بسیار

شدیده که سموم مهلکه در اعضای بسیار مؤثره از انهاست و اغلب

سبب بروز آثار عمومیه نقطه به آثار موضعیه عمل اصلی آنها در نسج آلی

عبارت است از فساد شیمیاوی که در ذرات البومین حاصل میشود

و جمع این فساد در درون سلول های حیه رو میدهد اعمال احتراق

بلکه حیوات سلول ضعیف شده یا بکلی منقطع میگردد اغلب

الکالوئیدها در مجموع عصبانیه و در مواضع مختلفه این مجموعه اثر کنند و هر

الکالوئیدی سمت ترکیبی مخصوصی با عضو معینی دارد در حالی از آن

از اشباع آن عضو فارغ شد بسایر اعضای پردازد و بهمین ملاحظه

به مقدار قلیلی از الکالوئیدها جهت حصول آثار بسیار زیاد آن اغلب

کفایت میکند —

فقرهٔ اول — در بیان الکالوئیدهائیکه از پوست گنه گنه اخذ میشوند

اقسام پوست گنه گنه از انواع مختلفه درخت شن کونا (روبیاس)

در موطن اصلی آن ینگی دنیای جنوبی است بدست آید جهت اخذ

الکالوئیدها پوست گنه گنه سوده نرم کرده جوهر نمک بسیار رقیق در روی

مسحوق ریخته صاف کرده بواسطه سود محلول رسوب میدهند و باعث

الکل جوش الکالوئیدها از رسوب اخذ مینمایند الکالوئیدهای

گنه گنه عبارت اند از اجسام ذیل —

اول کینین که فرمول آن این است

دوم سنکونین

سیم کینودین

چهارم سینکونیدین و سینکونین یعنی پنجم شدیدترین

علاوه بر اجسام مذکوره چندین اشیاء دیگر و مخصوصاً اسید کینوطانیک

(یک تا سه درصد) در پوست گنه گنه یافت شده‌اند تمام الکالوئیدهای

پوست گنه گنه سمی هستند ولی اثر کنین از همه بیشتر است و کنین در

معالجه از تمام سایر الکالوئیدهای پوست گنه گنه و از خود پوست آن نیز

در اسید کینوطانیک آن ممکن است سبب اختلالات هضمیه گردد مستغنی

می‌سازد و کنین را مفصلاً مذکور می‌داریم — و فقط

کنین

خالص آن نظر به صعوبت در آب حل شده و در علم علاج سولفات

دو کنین یا کلریدرات دو کنین را خیلی از آن بهتر است ترجیح میدهند

بی‌کلریدرات بیشتر از سولفات است (هشت تا نه درصد بیشتر است)

و بنا بر این از آن قویتر و در آب محلول‌تر و بهتر جذب شده و با شکال

فاسد شدن —

اعمال فیزیولوژیه آن — کنین از جلد سالم مجذوب نگردد و از جدار

و از تمام اغشیه مخاطیه و از طریق تحت جلدی مجذوب تواند کنین مجذوب

با تمام ترشحات بدنیه و مخصوصاً با بول خارج گردد و اجزاء عمده از آن

در این مایع بحالت اصلی یافت شود طعم کنین بسیار تلخ است مقادیر

قلیله آن (تا دو گندم) اثری در معده نکرده سبب ازدیاد اشتها

و هضم نگردد بالعکس گاهی موجب تهوع شود و مقادیر بیشتر آن اگر

تخفیف دهیم (تا نه گندم) مخصوصاً از سولفات آن اغلب سبب تهوع

و قی شود آثار عمومیه عمده این جسم در بدن عبارت اند از آثار

ذیل در شخص سالم درجه حرارت بواسطه استعمال کنین تغییر مشهود

پیدا نشود ولی در اکثر از حالات محمومه حرارت ضد حموی بسیار

شدید است نزول درجه حرارت را بواسطه کنین مخصوصاً با نسبت

با آثار مسطوره آن که در اعضای تولید حرارت حاصل می‌شود و دولت
و شایع هست که نزول درجه حرارت در مبتلایان تحمل آثار بسیار نیک
حاصل کنند چنانکه سرعت نبض کم شده و نبض و در ضعف احساس به هیچ‌جا...
کم شده و متلذذ در اشخاص مبتلایان به طیفوس شاخ ظاهر شده و اشتهای کم
تحریک شده و اسهال این نتایج حاصل کند اما ارکینی و در مجموع عصب
عبارت است از آثار روحی (در صحبت اشخاص بیمار اختلاف بروز) بعد
۴ تا ده گرم سبب طنین در گوش و ثقل رأس شده اغتشاش خیالات
و صداع و دوار و استماع اصوات غیر موجوده در خارج و احساس
نقص بینایی شده به سبب دیمی لیتو و نفس و انتهای آن اغماء عارض گردد
(و این حالت را سستی لذت کنه نامند) و چون استعمال کنین را موقوف
دارند تمام این آثار تا بعضی از چند ساعت رفع نکند بعد از مقادیر متعدده
تا بعضی از استعمال ۲۰ گرم آن در یک دفعه بعد از ساعتی اغلب مبتدل

کری شده و دیده شده است که تا چند روز بعد کوری و عدم قدرت
بر تکلم دست داده است و گاهی از مقادیر زیادتر باشند کری و اختلال
بصریه ممکن است تا چند سال نیز دوام کند گاهی از مقادیر بسیار
زیاد باشند ممکن است هلاکت عارض شود که قبل از آن کنوولسیون
یا حالت فلج عمومی و مرکز ظاهری و دفعی روی می‌دهد اغلب کنین
بواسطه اثر خود در مجموع عصب معین نزول درجه حرارت نیز گردد
و گاه دیده شده است که این اثر اصلی هیچ ظاهر نشده است اگر
کنین در بدن محموم وارد شود علاوه بر اثر ضد حمی که از اعصاب حاصل
شده است و عمل بلاواسطه آن در سلول‌ها اثر تامّلش ظاهر می‌کند
آن عبارت است از بطء کردن اسباب حمی و خصوصاً تا که مشهور است اجاب
را رفع می‌کند اعم از آنکه سبب مسمیت اجسام موجود در ذره
حیّه بدانیم که در اوقات مخصوصه تازه به تازه بوجود آمده از محلی ملوّن

وتفرّج خوف (اعضای رئیسه مثل قلب و طحال) خارج شده سبب ظهور
آثار وخیمه نوبه می‌گردد، اگرچه آن سبب عبارت از سمّی و انیمی است که بواسطه
این موجودات ذره بینی حاصل شده و بطور شیمیائی قدح شده و در اوقات
مخصوصه سبب تحلیل بسیار سریع و ازدیاد درجه حرارت بدن گردد
کنین باعث تقویت بدن نگردد و مگر بطریق مع الواسطه در بعضی از
حالات دموی تقویت بلا واسطه سبب تقویت نگردد زیرا که تقریبا
بدون هیچ تجزیه و ترکیب از بدن عبور می‌کند و تقویت حقیقی حاصل نتواند
شد مگر بواسطه تجزیه مواد غذائیه یا ادویه در بدن در مردمان صحیح
المزاج هم مع الواسطه سبب تقویت نگردد و اشتها و هضم را اعانت
نکرده بلکه بالعکس باعث اختلال آن گردد و مقدار اغذیه جذب شده
کم می‌کند لکن باعث تقلیل تبدلات آلیه گردد و لا در مرض کنین
فی الحقیقه قوه زیادی محفوظ می‌کند زیرا که هیچ درجه تحمل نازل شده

و در مرض سبب غذا به زیاد شده اشتها نیکو گردد علاوه بر این در
امراض مختلفه چون التهاب البریتون و تحللات الیه تخفیف میدهد
سبب تعویق و بطوء تحلل و حدوث هزال شده و مدت حیات
مستدام تر دارد —

استعمالات علاجیه — اولاً کنین سه حد استعمال دارد —

اول — کنین در مسمومیت آجامی خواص مخصوصه و ممتازه دارد

دوم در اغلب امراض حموی به منزله ادویه ضد حمی اثر کند —

سیم در همین حالات مذکوره مقویت کنین در حمیات متواطنه
و غیرها بهتر اثر کرده و در نوائب ربع اثر آن قسم محقق نیست
از کنین چون بطور تزریق تحت جلدی استعمال شود در حمیات نائبه
روبه بواسطه وقف علامات عصبانیه شده و عوارض و اشکال
و اشتداد آنها بشده شاید بسیار زیاد نیز باشد تا آنکه نوبه هر قدر جدید الحدوث

تر باشد اثر کنین در آن بیشتر است در رفع تب علاج کرده از دیاد حجم
کبد و طحال در صورتیکه عوض از جمله های نوبه آمده و تازه حادث شده
باشد اغلب بواسطه کنین رفع شود و نیز در استسقای حاره را بدون
البومین ادرار و بعضی از حمیات تا به عارضی مثل نسیار خوب است اگر
خصوص در حمیات خفیفه را در عرق النسا و نوبهٔ دزده می‌گویند
دارد خصوصاً در اوجاع دماغی عصبیه و امراض (درد چشم) زکام
اسهال ذات الجنب کثیر سطوباریه) و امثال آنها استعمال کنین از لوازم
مستحضرات پوست گنه گنه در سابقاً معمول بعد منسوخ گردید و بر همه
ترجیح دارد ولی وضع استعمال آن اثر عمده در تأثیر آن دارد در نوبه
مواظبه یا غب خالص و متوسط الشده باشد بهتر آنست که مقدار
زیاد (۱ تا ۵ نخود) کلرهیدرات کنین را بدهند یا به جهت احتیاط دو دفعه
بدهند و یا به دو دفعه شش ساعت قبل از موعد نوبه اثر آن کبیر کنند

اگر مجبور بدان باشند پوست گنه گنه بدهند با به رفع تب بدهند روزهای
بعد هم با به گنه گنه بدهند و مقدار در کمتر اگرچه انقطاع نوبه رفع شده باشد
وقتی که نوبه کهنه شده باشد یا اینکه مریض بیوسته در معرض سموم آجامی
باشد باید تا چند روز همان مقدار اول را بدهند لکن در مرض حالت
و حادث شود با به یکی افیون منضم کنند در نوبه‌ها اینکه زمان
مدت فترت بسیار کم است بواسطه پس از نوبه با به گنه گنه بدهند
دور تمام این حالات استعمال کنین در آن اولی وارجح است و در
نوائب روزیه این طرز استعمال واجب است و با به در ۳ برابر مقدار
تحت جلد تزریق کنند اما اطفال تدبیر شیافی را قبل از کبر بکنند
مسهل و امثال آن استعمال کنند مفید است در صورتیکه امتلاء و
اختلالات معویه بسیار واضح وجود داشته باشد اینکه تواند دم کردن
پوست گنه گنه را بدهند ولی در این ایام آن را الکالوئیدهای کنین

استعمال میکنند این تدبیر سودمند است بقاعده ممدوح بوده چنانکه اطبای مجرب میداده اند

در تواتر عرق اشتها ... وجود ندارد و خوب است علاوه بر گنه گنه

مشروب مقوی نیز تجویز کنند و جمیع گنین در حمیات اجامیه

را مفید است خوانده اند در حملات حمیات بدرجات دائره اند

و مثلاً در تقیحات عمیقه (دمل کبد و کلیه و غیرها) و در ترشحات ریه

نفاسیه و استسقای انصباب) و در علل تعفن رحمی و در تقیحات و ترشحات

الجنب و در تبهای دائمه آنها نیز آنرا استعمال کرده فایده برده اثر آن در حالات

مذکوره محقق نیست و اغلب معتقدند که آن هم در این حملات بدون فائده

مانده اند تا در این عصر گنین از لوازم ادویه جهت نزول درجه حرارت

مستعمل ترین بود و در حمیات دائمه و در تمام امراض که درجه حرارت

از سی و نه درجه در تب ... جهت بالا رفتن داده و آنرا بهترین ادویه را نیشته

و نتایج نیک از آن بدست آمده ولی اکنون کاربردی ... از نظر ...

اطبای ایران تفوق یافته اند وقتیکه خواهند مزاج ناقه از مرض خطرناک

تقویت کنند بنا به مستحضرات گنه گنه با و کونسانند بلکه از شراب

دقیق و شیر و تخم مرغ و گوشت خوب و امثال آنها تقویت مزاج کنند

پس از خیال این که گنه گنه مقوی است باید اقلاً علاوه بر این اگر

هم جهت تقویت استعمال میکردند مقادیر قلیله میدادند که کمتر بود

گنین بیشتر در این اواخر مقادیر زیاد و در فروشگاه استعمال و تمجید

نموده اند در حسب شدت مرض و شدت مرض ها از نیم تا ۵

گرم میدهند —

قدر شربت و ترکیبات — از الکالوئیدهای پوست گنه گنه

در اول درجه کل ملحقات گنین داخل است که ملح الکل سوزنهای

سفید متبلور میشود که در حیات ... است که در چهار جزء الکل حل شود

و در صد جزء ۶ر۸۳ جزء آب دارد و چون آنکه سولفات گنین

فقط ۳ و ۴ و ۷ دارد —

(۲) بی سولفات دو کنین در ده اندازه برابر آب حل میشود و بسهولت
محلول آن فاسد و متکدر میشود —

(۳) سولفات دو کنین — تقریباً در ۱۵۰ اجزاء آب حل میشود —

(۴) طنات دو کنین — در آب حل نمیشود —

(۵) جهت تقویت اغلب سیطرات دوفر و دو کنین میدهند
۱/۲ از واحد دفعه نیم تا دو گرم و نیم تا ۵ گرم شبانه روزی دو سه دفعه
میدهند و در فرنگستان تمام الکالوئیدهای دیگر پوست گنه گنه را
ارزان تر انها نیز استعمال کرده و لکن اثر آنها ضعیف است —
پوست گنه گنه — همیشه دم کرده او را از ده تا ۲۵ درصد بیست اثقال
میدهند و نیز عصاره پوست گنه گنه از واحد دفعه را تا ده گرم بشکل
حب یا مخلوط مستعمل است —

تعفین پوست گنه گنه — (یک تا ۵ در ده جزء الکل) دفعه
۵ تا بیست گرم اثر او را میتوان داد —

تعفین مرکب پوست گنه گنه — نسخه آن پوست گنه گنه ۶ جزء پوست
جنطیانا و پوست نارنج و دارچینی یک و نیم ۹۰ جزء الکل رقیق
بخیسانند و جهت تقویت معده دفعه ۲۵ گرم تا یک مثقال
در روزی چند دفعه به هیئه بسیار مستعمل است —

شراب پوست گنه گنه — یک جزء تعفین پوست گنه گنه یک جزء
گلیسرین سه جزء شراب از واحد دفعه تا شش مثقال چند
دفعه در شب و روز به هیئه —

ضمیمهٔ فقرهٔ اولی

انطیپرین

در این ایام با جهت ثابت شده او را لا حصول عده کثیری از امراض در ایران

حیوانات و نیز در نباتات بواسطه نفوذ و تکوین بعضی موجودات
ذره بینی صغیره است و تا بنا گردد ترکیبات معطره ای بمنزله دارای خواص
ضد تخمیر و ضد عفونی بسیار واضح اند و قوت تخریبیه در این موجودات
ذره بینی دارند که بالاخره تا اندازه ای کیفیت اثر خصوصی در حمیات دارد
و خاصیت ضد حموی بسیار عمده دارد و در اثنای شروع که عصاره ها عملی
این عوامل علاجیه مرکبات است اوره یه علمای شیمی باین مقصود
رسیده و چندین نوع ترکیبات ساخته اند اولا کینین با قلیائیه
مرکب کرده و نتایج ترکیبیه بمنزله مرکب مخصوص اند و بدین واسطه
طرائق معین و در اثنا بواسطه طایفه کینولین ها (که عبارت اند از
کینولین دار و روشینون و کاپرین و امثال آنها) و طایفه بمنزله
الکالین های عمده آنها را از روی صنعت ترقی کرده و تفوق جسته است
و تمام این ترکیبات در حمیات امراض حمویه بهتر از کینین اثر کرده

و ملازم آنها باعث آثار ثانویه از قبیل حالت موت ظاهری و اغمائی
آن شوند و هرگاه از خطر خفقیه و نیز درجه حرارت اغلب تجدد یابد پس
از چند ساعت مرتفع شده و مصادف با تشعریره های حمویه مختلفه
الدرجات است و تقریباً تمام مساوی است ترکیب دیگری از آن که سلسله
آنها هست آورده اند که خواص اول را دارد و شدت موجب
حصول آفات بعدیه ثانویه کمتر و آن جسم انطی پیرین است (که ترجمه
تحت اللفظ آن ضد حمی است) و باصطلاح شیمیا عبارت است از دی مطیل
اکسی کینولین و عبارت است سفید متبلور بشکل بسیار محلول در آب
(یک در ۵) و طعم آن چندان نامطبوع نیست خاصیت ضد حمی
آن بسیار قوی و در این ایام آثار اول دوای ضد حمی و آن گفته اند بهتر
دانسته سرعت و شدت آثار آن از کینین بیشتر است قدر شربت
مقدار دوز آن در شبانه روز ۵ تا شش گرام است (یک مثقال تا یک مثقال و ۲۰ نخود)

درسته قسمت کنیم بفاصله یک ساعت یک ساعت بدهند خوراک
اول هر کدام ۹ نخود خوراک ثالث ۵ یا ۹ نخود است (۹×۹+۵
یا ۹+۹+۹) بر حسب آنکه آثار حاصله از دو خوراک اول زیاد یا کم
باشد در اطفال هر ساعتی بر حسب عده سالهای سن دو گندم یا چهار
یا شش یا هشت گندم بدهند اگر از ضد حمی مقصود است نباید
بیش از هر خوراک دو گندم یا اضعاف آنرا بیفزایند در مردمان
ضعیف باید قدر شربت را کم تر کنیم و با احتیاط رفتار نمایند آنطی پیرین
را می‌توان بصورت محلول با شفوف داد و طعم آنرا با عرق بهارنارنج
و امثال آن و یا با شراب اصلاح کنند آنطی پیرین را از طریق مقعد
نیز استعمال کنند خوب است ولی قدر شربت آن دو برابر باشد
استعمال کرد از ضد حمی آن از طریق تحت جلدی اثر سریع دائم خوب است
ولی باید چهار تا شش ساعت بعد زود اثر آن در درجه حرارت از این قرار است

هنوز یک ساعت از شرب خوراک اول نگذرد درجه حرارت
باطنی نیم درجه نازل گردد و از خوراکهای دیگر تا چهار ساعت بعد
از خوراک اول نزول حرارت منتهی درجه بسیار است دو درجه بلکه
بیشتر نازل شود اثر ضد حمی بطور متوسط هفت تا نه ساعت
باید و ممکن است تا هفده و بیست ساعت برسد و سقوط حمی مصادف
با عرقهای ملائمه یا کثیره است و حمی هر بار که درجه حرارت رو به بالا
گذارد قشعریره عارض نگردد آنطی پیرین را در امراض ذوات حمی
گفته اند ذات الریه حاد و طیفوس ذات الجنب شدیده و ورم
شغاف حمرت محملکه ورم جنب دماغ حمیات نفاسیه و امثال آنها
در بعضی حالات دیده شده است بعد از استعمال آنطی پیرین بثورات جلدیه
بروز کند مثل لکه‌های بسته بره و گاه متقارب هم اند گاهی بالاصاله
سریع الزوال بعضی بدون هیچ عائله صبح روز بعد را ای گفته اند —

فقرهٔ ثانیه — افیون و آلکالوئیدهای آن

افیون شیرهٔ تغلیظ شده ایست که از تیغ زدن پوست سبز کوکنار بدست آید
و مواد عامله آن آلکالوئیدهای عدیده است که معروف‌ترین آنها مرفین
و کدئین و نارسئین و نارکوتین و غیرها است و تمام آن موجب
حصول آثار مخدره بسیار واضحه میکنند —

مرفین

از تبلور محلول الکلی افیون بدست آید بشکل منشورهای صغیره سفید است
که در هزار برابر آب سرد حل شده و در اتر و اسانسها غیر محلول و در الکل
بسهولت محلول است املاح آن بسهولت حل شوند کلرهیدرات مرفین
در ۲۵ و استات و سولفات در بیست جزء آب حل میکنند در
اقسام مختلفه تریاک از ۵ تا ۲۰ درصد مرفین وجود دارد —

اعمال فیزیولوژیه — مرفین عمده‌ترین آلکالوئیدهای تریاک است
و در تریاک مقدار آن از سایر آلکالوئیدها بیشتر و سمی‌ترین آن
مواد است و در آن اغلب اثرات بسیار خطرناک است در
اطفال کمتر از ۵ سنه و کمتر است استعمال آن خطرناک است در مردمان
ضعیف و عصبانی آثار مخدره آن بالنسبه بآثار مخدره بیشتر ظاهر
کنند و مقدار مهلک آن در غیر معتادین از یک تا شش گندم است
و بملاحظه این اختلافات است که همیشه بمقادیر قلیله شروع کرده
و مقدار آنرا زیاد میکنند و با کمال احتیاط تا آنکه اثر مقصود
بدست آید از طبیعت و نیز اختلاف عدیده رخ دهد اثر سموم آن
در شب بیشتر از روز است و در زیر جلد چون تزریق شود ۵ تا ده دقیقه
بعد شروع بعمل نموده و از طریق معده اغلب نیم تا یک ساعت بعد
اثر کند چون در امعا استعمال شود جذب شده و آثار عمومیه نیز از آن

حاصل کند از مقادیر قلیله آن (خمس گندم) ابتداءً آثار تحریک و پس از
آن صداع خفیف و اختلاط مشاعر نعاس و خواب غیر طبیعی روی دهد بعد
از مقدار متوسط آن تا ثلث گندم هنگام تحریک بیمار قصیر شده حالت
حرارت و خواب عرق و تب و هم اغلب مصادف میشود با تهوع و قی
مقادیر کثیره خطیره آن (از یک گندم ببالا) شخص بخواب عمیق و حالت
سبات تام در آمده حدقه تنگ تنفس بطئی و زحمت و غیر منتظم شده
انقباضات قلب بطئی و غیر منظم و نبض ضعیف کند و عضلات کاملاً
منبسط. بالاخره نبض و نفس بیش از پیش ضعیف و بطئی شده شخص
مسموم بحالت موت ظاهری درآید و در بین کنوولسیون ها که بواسطه
وجود اسید کاربونیک در خون حاصل شده است هلاک گردد مرفین
اول دماغ را تحریک کند پس از آن قابلیت تحریکیه آنرا کم کند آخر
الامر آنرا فالج کند نخاع بعد از دماغ متأثر شود اگر مقدار

مرفین کم باشد اثر آن در نخاع منحصر باثار تحریک است و جهت فالج
کردن نخاع مقدار مرفین بایستی خیلی بیشتر از مقداری باشد که سبب
فلج دماغ میکند اعصاب حسیه محیطیه و شعب قصبه در ابتدا بواسطه
اثر مخدر مرفین متأثر شده و بهمین جهت است که از آن
سبب رفع تحریک شده سرفه کم شود —

استعمالات علاجیه — روز بروز در مریضخانه‌ها این الکالوئید
بیشتر از تریاک استعمال میکنند زیرا که تمام خواص تریاک را داشته و اثر
آن محقق و مطمئن تر است علاوه بر این قدر شربت معین جهت
آن میتوان بطور تحقیق معین نمود و بندرت اتفاق افتد که تریاک بر آن
رجحان یابد معظم استعمالات مرفین بطور کلی در اداراتی است که مقصود
تعقیب قوت تحریک دماغ و نخاع و اعصاب محیطیه باشد و بالعکس
مواقعی هست که استعمال آن جهت حصول این مقصود ممنوع است

موارد استعمال و موانع آن در حالات مخصوصه از این قرار است —

اول — در بیخوابی — مرفین بطرق مختلفه خواب آور و مسکّن
اوجاع موضعیه یا عمومیه داده و نیز مستقیماً در دماغ اثر کند مقدار آن
جهت تنویم بسیار مربوط با شخص است و کلیةً در این اوان کلرال و
بجای آن استعمال کنند از استعمال مدید آن باید بتدریج مقدار آن
زیاد کنند (یعنی مزاج عادی بآن نمی‌شود) در اشخاص عصبانی مرفین
اغلب بدون اثر مانده دوران [illegible] سموم [illegible] داده در امراض
[illegible] در هذیان خمری کلرال با مرفین مرکب کرده [illegible] دهند
(۵ تا ده گرم کلرال عشر تا خمس گرم مرفین) در هذیان [illegible] که در امراض
حاده ریه و سینه و از ارتفاع شده درجه حرارت حاصل شده است
از استعمال مرفین باید اجتناب کرد —

دویم — در اوجاع و دردهای عصبانیه — مرفین [illegible] بسیار

شود و اغلب کلیةً در اوجاع خاص اوجاع و مخصوصاً اوجاع عصبانیه است
و شرافت این دوا مخصوصاً از وقتی است که تزریق تحت جلدی معمول شده است
بسیار بروز و ترقی کرده است و استعمال تزریق نه همان در موضع عصب
مأوف در اوجاع عصبانیه مفید است بلکه در محاذات نقاطی از
فقار در دهای شوکی (نقاط والی) نیز منفعت کند و قاعده بر آن است
که مرجع الالم را [illegible] این تدبیر معمول ندارند بلکه گاه‌گاه با [illegible] استعمال آنرا
منقطع دارند قواعد استعمال مرفین در اوجاع عصبیه تابع عللی است که حالیه باشند
از استقرار کلیه در هنگام حال عموم این جسم از استعمال احتراز کنند و این قاعده
کلیه بعض استثناها دارد طبیب اغلب عموم بر آن [illegible] در حالت
عموم تشخیص کنند [illegible] استعمال مرفین لایق یا ممنوع است در طفولیت مخصوصاً
در عارضه [illegible] مستوجب استعمال افیونیات است از اول اسهال شدید
دویم — در بیخوابی [illegible] صاحب [illegible] بلکه مرض [illegible] ها [illegible] کلیة

جهت علاج اسهال کو چوله باطنی و یا بر قابضات ۹ استعمال میکنند
ولی اگر شدت اسهال کمتر باشد از خطر جان در آن باشد تا آنکه
با اسهال نزف الدم معوی یا ورم صفاق وجود داشته باشد بنابراین از استعمال
افیونیات خوف داشت در سنجواب داشتن آن اگر کم شده صورت
قرمز و متهیج شراینی کشیده و صداع موجود باشد همیشه از استعمال مرفین
اجتناب کنند ولی در صورتیکه بالعکس اغلب در اواخر مرض تم
دیر ترم جلادی لازم است و درجه حرارت چندان مرتفع نیست و مریض
پریده رنگ و آشفته و ضعیف و نبض سریع و قوت عمل قلب ضعیف باشد
و در همین حین کریک شده و نمو و هذیان موجود باشد از استعمال
مرفین بمقدار متوسطه و کونیزاب و تغذیه مقوی نتایج بسیار نیک
حاصل آید ولی هیچ وقت غفلت نباید کرد از اثر مرفین در اشخاص
آشفته بسیار شده است در علل حاله ریه و مخصوصاً در ذات الریه

و ذات الجنب مرکب با ذات الریه جهت رفع اوجاع و سرفه و
عسر النفس گاهی مرفین استعمال میکنند هذیان معاودت با سنجواب
در صورتیکه مصاحب تختار شده ابصر و تابع مسمومیت مزمنه الکلی
نباشد و در مرض قوی البنیه و نبض متمدد باشد گاهی مرفین آن وقت
بعد تدبیر ضد التهاب معمول داشت (اخراج موضعی خون از
عرق بارده و نیز ارسال ... و طلاهای سرد و غیرها) در مرفین استعمال
نکنند در اشخاص آشفته و ضعیف بحتمیت تدبیر ضد التهابی لازم نمایند
معمول در صورتیکه سنجواب دائم و کریک بسیار شده بجهت سرفه
و اوجاع شده وجود داشته باشد مرفین معین در ورم
حاد صفاق مرفین اغلب جهت تسکین اوجاع شده تنها تدبیر است
در تغییرات و آفات قریب با زمان که حماتی وقوع وجود داشته باشد
مرفین کلیة نافع است و مخصوصاً در صورتیکه کریک عصبانی شده

و بیخوابی دائمی موجود باشد —

سیم — در علل جهاز تنفس — علاوه بر علل درنیه حاده و مزمنه سرفه
و موجب ضعف عمده از آفات مزمنه است مرفین در آنها مستعمل است و استعمال
آن موقوف ببعض شرایط است اگر سبب سرفه ترشح کثیر باشد
باید از آن اجتناب کرد زیرا که کاری نکند مگر آنکه قوت تحریکیه
اعصاب حساسه کم و قوت های اخراج نفث سرفه را کم و معطل است
سبب آنکه در داخل جهاز اجتماع خطیر محصولات ترشحیه کرده و در صورتیکه
ترشح هم چندان زیاد نباشد و اخراج نفث بواسطه ضعف عضلات
محرکه نفث ناقص شده باشد ضرر آن بیشتر است و در صورتیکه شدت
قوای محرکه نفث ناقص نشده باشد سرفه علت طبیعی آن ترشح قلیل دیگر
جهت سعی دائمی وجود داشته باشد تابع کثرت حس نهایات عصبیه
حساسه باشد چنانکه این حالت اغلب در علل حنجره و نزلات بسیطه شعب

در ضیق النفس تشنجی و در رشتی مسلول و مشابه آنها غالباً تخفیف استعمال
آن جایز است در خروسک مرفین بسیار نفع کند و تا هر قدر موانع
آن در طفل ملتفت که خروسک بیشتر باشد کمتر باید در استعمال آن کوشید
در نفث الدم خفیف (که چندان شدت نداشته باشد) مراهم
آن بواسطه سرفه دائم باشد مرفین بهترین مداوا است و منفعت آن
از تمام قابضات بیشتر است در نفث الدم شدید هم تزریق
تحت جلدی مرفین اغلب موقتاً مفید اتفاق افتد —

چهارم در امراض قلبیه — اثر مرفین در علل عضویه قلب نظر به اینکه ثابت است
و استعمال آن در صورتیکه توقف عمده در جمع دوران موجود و بسیار شایع
شده باشد مضر است بلکه در صورتی نفع کند که مریض بواسطه تنگی نفس خسته شده
پریده رنگ و انمیک بیمه و خون آنها اشباع کاربونیک داشته باشد
و این حالت اخیر اغلب در عدم کفایت و سام آورطی روی دهد —

پنجم در تشنج — مخصوصاً در کزاز مرفین بهترین ادویه است در اوجاع
تشنجیه در زمان حمل حادث شود و مخصوصاً در کزاز رحمی بسیار معمول است
ششم در قی — مرفین اغلب باعث تسکین تهوع و قی های شدید است
در علامات یکی از علل خطیره معدیه (از قبیل ورم و قرحه و سرطان و وجع
عصبانی معده) —
هفتم در اسهال — در همه آفات معویه که مصاحب با اسهال است افیون یا
بر مرفین ترجیح می دهند و در این حالت تریاک معتادی را در حواشی و نشوع
غیر مشوشه از او بهتر از کوچک در حالتی که اگر کسی خواهند مرفین بدهند و همان
نتایج ثابت است باید مقادیر بسیار زیاد داد و در اسهالهائی که از صاحب
حتی اند تریاک را بنا به معمول داشت که با کمال احتیاط و در اسهال
حادیکه بواسطه تخمه حادث شده باشد از آن اجتناب کنند و جهت احتراز
از تقلیل اشتها اغلب از العرق نعناع تنته می دهند تفوق تریاک بر

ادویه جاذبه اسهال این است در تسکین اوجاع بطنیه نیز دهند این
حالات از مقدار زیاد آن و اگر لازم باشد شش تا هشت ساعت بعد
اثرات کبدیه کنند و همیشه باید ملتفت سن و اوضاع شخصیه مریض باشند
در دیسنطاریا در صورتیکه این مرض شدید باشد در زمان آخر مرض
فایده بخشد ولی در صورتیکه دیسنطاریای وبائی اثر استعمال نکنند
در دیسنطاریا و در سایر اقسام اسهال تریاک نباید داد مگر پس از
آنکه مواد جامده معویه بالتمام دفع شده باشد از خارج تریاک را
در اماله در صورتیکه خواهند از ضرر آن در هضم احتراز جویند
می دهند و جمیع از این طریق استعمال شود بالسهولت تمام آثار عمومیه
را از خوردن آن بدست آید حاصل کنند و نیز جهت تسکین اوجاع
قروح مزمنه و سوزنک و اقسام رمد بسیار مستعمل است و در این حالات
اخیره اثر طرطور تریاک نه همان در اوجاع است بلکه در ترشحات

مرفینه نیز خاصیت کهف —

قدر شربت و ترکیبات — املاح مرفین از قبیل کلریدرات و استات
و سولفات مرفین را همه روزه استعمال میکنند قدر شربت لازم
بیک اندازه است هر دفعه ۳/۵ گندم و شبانه روزی تا ده گندم بشکل
حب یا سفوف یا قطره یا اشیاف انها به حقنه و اغلب در صورتیکه شرب
ان ممنوع باشد (مثلاً در ضیق مری و قیهای شدیده و استسقای انها) یا در
حالتیکه خواهند هم اثر موضعی داشته باشند و هم اثار عمومیه از ان بدست آید (مثلاً
در اوجاع و دردهای عصبانیه و استسقای انها) و نیز در وقتیکه خواهند حتی
الامکان اثران سریع باشد (مثلاً در اوجاع تشنجیه و هذیان شاربین
دخانها) تزریق تحت جلدی انرا استعمال میکنند کلریدرات مرفین را
در اب سرد یک در ۳۵ و در اب گرم بسیار سهلتر حل توان نمود
تشخصات متعلقه تریاک انرا تفصیل ذکر است —

(۱) افیون خالص — از واحد دفعه تا ۳ گندم و شبانه روزی تا ده گندم بشکل
سفوف یا حب کمتر می دهند —

(۲) عصاره افیون — عمل ان منظم تر از تریاک است و خوب تحمل توان نمود هر
دفعه تا دو گندم شبانه روزی تا ده گندم می توان داد —

(۳) سفوف افیون ایپکا — مرکب از پودر ده درم و زنانه نسخه قدیم ان
ریشه ایپکا و افیون مسحوق ملکه یک سولفات دو پطاس هشت جزء نسخه
جدید که بجای ملح اخیر هشت جزء قند شیر دارد و ده جزء از این سفوف
همیشه یک جزء تریاک دارد —

(۴) تعفین ساده تریاک — ده جزء ان یک جزء افیون دارد و پنج گندم
یا ۲۰ قطره ان دارای یک گندم تریاک است و در انها از حب نوع اسهال
دفعه ۵ تا ده تا ۱۵ تا ۲۰ قطره یکمرتبه تا هفت هشت گندم و شبانه روز
تا یک مثقال استعمال میکنند —

۵) تعفین زعفرانی افیون — نسخه آن — تریاک ۳۰ زعفران ۱۰
میخک ۲ دارچین کله ۲ الکل آب دار و آب مقطر کله ۱۵ اسقدار
تریاک دران مانند تعفین بسیط می‌شود و مقدار شربت آن نیز
همان اندازه است —

۶) طنطور بنزوئیک افیون و الاکسیر مسکن آن — نسخه آن افیون یک
اسید بنزوئیک چهار کافور دو عطر انیسون یک الکل رقیق ۱۹۲
جزو در بیست جزو آن یک جزو تریاک دارد و کلیتاً از آن در معالجه
اطفال جهت اوجاع نفث در نزلات مزمنه شعب و در سن ۵ تا ۲۰
قطره در اطفال و شیخی تا ۵۰ قطره در شبان مستعمل است —

فقرهٔ ثالثه — آپومرفین و امطین و ریشه ایپکا

اول — آپومرفین فرمول آن این است
$C_{17}H_{17}NO_2$

غبار سفیدیست محلول در آب و در الکل و اگر چون مرفین را با جوهر
نمک غلیظ در صد و بیست درجه حرارت گرم کنند یک ملکول آب
خارج شده و این جسم تولید گردد —

دوم — امطین

این جسم الکالوئید ایپکا است سفید و غیر متبلور و قلیل الانحلال در
آب است و در الکل بسهولت حل می‌شود و در صد جزو ریشه ایپکا یک تا سه
جزو از این جسم وجود دارد و این الکالوئید هم در معده مقی است و اثرات چندی
در سلسلهٔ اعصاب مرکزی و در قلب و عضلات مخطط نیز دارد و شروع اثر آن
بطئ است و در مواقع استعمالات ریشه ایپکا معمول دارند —

۳) ریشه ایپکا کوانا — این ریشه دارای امطین و اسید ایپکا
کوانیک و داشتن امطین جهت حصول قی از ایپکا و شربت
استعمالی که در بزرگان اغلب از آن با انطیموان مقی مینمایند و در اطفال

وبیران و کلیه در مردمان ضعیف با مسهل و مفرداً معمول داشت و بمقادیر
قلیله در حالات دیگر مستعمل است —

اول — در نزلات شعبی حاده که مصاحب اند با تب و نفث قلیل و چسبناک است
و نیز در نزله های ثانویه در صورتیکه ترشح کم و چسبناک باشد در ابتدا
بفواصل قریبه یعنی ساعت بساعت میدهند چندین روز گذشته هر دو
یا سه ساعت یکبار میدهند و در سل ریوی نیز ایپکا گاهی فایده کند
در صورتیکه سرفه زیاد و با زحمت و اخراج نفث قلیل باشد وقت در آن و
آن با مرفین یا بلادون ترکیب کرده میدهند —

دویم — در نزله های مزمنه امعا که مصاحب با قولنج و مفصل است استعمال
میشود و دوا را در این صورت با پودر دوور میدهند —

سیم — سابقاً در علاج اسهال با اثر امعا در زمانهای بسیار استعمال میکنند —

قدر شربت و ترکیبات — اول — کلر ییدرات و اپو مرفین —

جهت حصول قی دهند اما اثر آن محقق و سریع است هر ربع ساعت
نخس گندم از آن تا ۵ دفعه میدهند و بهمین مقدار بیرون از زیر جلد
تزریق میکنند جهت اخراج نفث دفعه یک خمس عشر تا یک عشر سانتیگرام روزی
تا یک گندم از آن میدهند —

دویم — امیتین خالص هنوز استعمال نشده است —

سیم — رنگ ایپکا — جهت حصول قی اغلب از آن با انطموان مقرون
میدهند (ایپکا مسحوق ۵ گندم انطموان مقرون یک گندم) هر ده تا
پانزده دقیقه اغلب ۳ دفعه از آن مقدار مذکور کفایت میکند
در اطفال غالباً رنگ ایپکا را منفرداً از ۱ تا ۵ گندم در ۳ دفعه در
ده تا پانزده دقیقه میدهند بمقادیر منقسمه دفعه خمس تا یک گندم
دم کرده آن (از ۱ تا ۵ گندم در ۳ تا ۵ مثقال آب) هر دو ساعت
یک قاشق میدهند سفوف و حب آن کمتر معمول است —

تبصره — و یوبلین سه (در عبارت از الکالوئید ریشه بنفشه است)
نیز دارای خواص امطین و اپومرفین میدانند ده یا نزده کوفه این ریشه
سبب قی شود —

فقره رابعه — در الکالوئید های نباتات طایفه

سلانه اطروپا بلادونا (بلادانه) بزر البنج

داتوره (داطورا استرامونیوم)

الکالوئید های بلادون (اطروپین)

و بزر البنج (هیوسیامین)

و داتوره (داطورین و مثل اطروپین است) با هم بعض شباهت های مخصوص
دارند هم از حیث نظر شیمیائی و ترکیب طبی و هم بملاحظه آثار و خواص
فیزیولوژیه ان در حدقه و قلب و غدد براق و غدد مولده عرق
تمام مواد مذکوره حدقه را متسع کرده اعمال اصلاحیه چشم را و نیز آلات

محرکه قلبیه و اعصاب را و ترشح براق و عرق را خیلی ناقص میکنند چون
بلادون یا اطروپین و امثال آن بمقادیر سمیه خورده شود در هنگام اول
تحریک و هذیان با اضطراب و احساس با شیای غیر موجوده و رعشه
عضلات و در هنگام دوم ضعف و خمود و بیحسی و سبات و امثال آن
دیده میشود اتساع حدقه بواسطه فلج نهایات عصب محرک عام مقله
حاصل گردد و بواسطه آن با مقادیر زیادی از اشعه نور داخل چشم شود و ضعف
شدید و سبب خیره گی آن گم شدن اصلاح و استواء عین و احساس از
این اتساع حدقه عارض میگردد منسوب بفلج شعب انتهائیه عصب
محرک مقله است —

استعمالات علاجیه — اطروپین بجهت حصول اتساع حدقه
در مواقع ورم نافع و ناگزیر است اول بجهت تسهیل امتحان با آلتیه
چشم از حلولات بسیار رقیقه آن استعمال میشود دوم بجهت حصول

علاج ورم التهابی چشم معمول است و آنرا در اورام مختلفه چشم خصوصاً در
ورم قرنیه و ورم عنبیه جهت تسکین آلام و عوارض ورشیه اوجاع
دیدن با حرکت کردن درون چشم جهت انقطاع حرکات عنبیه و عضله
اهداب استعمال میشود علاوه براین اطروپین اغلب آلام رنیک کنند در مرور
هر کجا هند عرق ها شده را کشف فی هند مثلاً در مسلولین بعد
در این حالات از تاموم تا اسیرین جهت رفع عرق معمول است بهتر و انفع
در حالت دفع اطروپین، بلادن را جهت تسکین کثرت قابلیت
تحریک اعصاب حسیه محیطیه استعمال میکنند اعم از آنکه این اشتداد
قابلیت تحریک بلاواسطه باعث حصول وجع شود یا آنکه بسبب عمل
انعکاسی متاثر گشته و بسبب آلام کثرت تحریکیه گردد و در آن حالات
از این قرار اند وجع معده و کلیه اوجاع عصبانیه علی الخصوص اوجاع
عصب ثلاثه روجی و در صرع و داء الرقص و در جملات شدیده سرفه

و در نزله شعب مزمن و در سل و ورم مزمن حنجره و در خروسک ضیق
النفس عصبی و شقاق مقعد و انقباض تشنجی عضله مدوره مقعده
و عرق جسم استعمال میکنند و در این حالات اخیره حقنه و

بلادن داروی دهنه —

قدر شربت و ترکیبات — اول — سولفات داطروپین جهت
رفع عرق قبل از خواب یک حب خمس عشر گندم از آن بدهند و جهت
معمول است حقنه زیر جلد یک قطره از محلول یک نار گندم در ده مثقال
آب مقطر کنند ترکیب دوم — عصاره بلادن از داخل دفعه خمس
گندم و شبانه روزی تا ده گندم کوفه سفوف یا حب کرده بدهند جهت
استعمال خارجی یک جزء آنرا با نه جزء وازلین مخلوط سازند مرهم
بلادن نیز ساخته اند مرکب از رب بلادن ساده (یک جزء) رب
جزء ثلثه مشمع از مرهم مخصوصاً مواد دنی استعمال میشود —

سیم عصارهٔ بذرالبنج مخصوصاً در امراض سینه از داخل دفعه خمس تا
یک گره و شبانه روزی تا چهار پنج گره حب یا محلول کنند
چهارم روغن بذرالبنج (چهار جزء از این لیاب خواه برگ یا بذر آن
باشد در سه جزء الکل حل نموده با چهل جزء روغن زیتون تقویه سازند)
جهت استعمال خارجی در اوجاع موضعی نیز برای قطوره در گوش جهت
تسکین اوجاع مستعمل است از تاتوره نیز در مستحضرات ذیل
استعمال میکنند یکم عصارهٔ تاتوره از داخل دفعه خمس گندم تا یک
گندم و شبانه روزی تا دو گندم دهند دوم برگ تاتوره سیگارت
هم میسازند و مخصوصاً طرز ساختن این سیگارتهای ضد تنگی نفس و ضیق
النفس عصبانی استعمال و تجربه نموده است (یک جزء برگ تاتوره و دو جزء
توتون است) —

فقرهٔ خامسه — در بیان الکالوئیدهای قلوی کالابار

و اوسون تزابوراندی —

این الکالوئیدها از حیثیت آثار فیزیولوژیه نقطهٔ مقابل الکالوئیدهای
اند که در فقرهٔ سابقه ذکر شد اجزاء و اعضاء را که این الکالوئیدهای
اخیره (اطروپین وغیرها) فالج میکنند بواسطهٔ این الکالوئیدها تحریک
در تحت تحریک حاصل گردد و حدقه منقبض گردد حرکات انقباضات
قلبیه بطئیه بسبب انقطاع حرکات قلبیه میکنند و نیز بسبب کثرت سیلان
براق و حصول عرق و اسهال ایجاد میکنند و بواسطهٔ این تضاد و تقابل آثار
فیزیولوژیه است که میتوان آنها را بعضی از الکالوئیدهای فقرهٔ رابعه
حاصل میشود یا اعانت این الکالوئیدها رفع نمود —

اول از این‌ها فیزوستیگمین

این الکالوئید قلوی کالابار است

باقلای کالابار که حبه‌های رسیده نباتات موسوم به فیزوستیگما وِنِنُزه

نوشتن باید عامله آن از زیر است

که از احفظ در کی‌ها در مواقع ذیل استعمال میکنند (۱) جهت رفع اتساع

حدقه که بواسطه اتروپین حاصل شده باشد (۲) جهت رفع فلج اصلاح

و استواء چشم که از صدمه خارجیه و یا از دیفتری حاصل شده باشد (۳) جهت

علاج التصاق بست قلبیه عنبیه معمول است (و اغلب در این صورت قطور از زبان

و اطروپین یک درمیان استعمال میکنند (۴) در نواسیر قرنیه که از فتق

عنبیه حادث شده باشد (۵) محلول استعمال شده آن در تعلیق [illegible]

و درون مقله است خصوصا در علاج آب سبز در صورتیکه عمل ایریدکتومی

مجری نتوانسته باشد یا آنکه فایده نکرده باشد و نیز در باب قوه چشم

و در قرحه غائره قرنیه که مصاحب با ازدیاد فشار درون مقله است

استعمال میشود و اغلب سالیسیلات در زیر را استعمال میکنند موافق

این نسخه سالیسیلات در زیر یک گندم آب مقطر ده گرم [illegible]

مکد یک مثقال ده قطره از این محلول $\frac{1}{50}$ گندم سالیسیلات در زیر

دارد —

چهارم — پیلوکارپین یا الکالوئید

اوراق ژابوراندی است —

نبات آن موسوم است به پیلوکارپوس پیناتیفولیوس کلریدرات در پیلوکارپین

معمول است که در امراض خصوصا آب محلول است جهت تحصیل ترشح بزاق

و عرق استعمال میکنند و خصوصا در علاج استسقاها علی الخصوص در صورتیکه

تابع آفات کلیه باشد استعمال میشود تنها یا با علاج قلبیه و نیز در حالات

بسیار نادره که ترشح بزاق و برودت و ... و نیز در دیفتری مستعمل است

در کودکان نیز شفقت کنند قدر شربت کلریدرات در پیلوکارپین

از واحد در اطفال هر ساعت یک مثقال و در بزرگان هر ساعت سه

مثقال از محلول سه خمس گندم تا یک گندم آن است در هر مثقال آب

در سفلیس ثانوی تریاق یک جلد آن را از جمیع معالجات مخصوصه در اول علامات درجه ثانیه مفید است هر روز یک الی دو یک جلد از محلول یک گرم آن در ۵۰۰ مثقال آب تجویز است —

فقره ششم — الکالوئیدهائی که از آورنده

آلکالوئیدهای کچوله (از حبه نباتات موسوم با سطرکنوس نوکس وُمیکا)

(که عبارت اند از استرکنین

و بروسین)

در طب این افیون سبب آثار کزازیه که در ده بدون امکنه علاوه اطراف فلج شوع کنند در طب الوپاتی فقط از طبات استرکنین معمول است کمتر مقدار از آن سبب موت گردد در یک کیلوگرام آن (ده سانتی گرام شعیر تقریباً) هشت یک هزارم گندم است —
طعم استرکنین شدت تلخ و غیر مطبوع است مقادیر قلیله آن (یک سه

به نخاع یک گندم) چون شبانه روزی سه دفعه داده شود اشتها و هضم خوب کنند و با استعمال مدید آن، لذات سبب اختلال اشتها و کثرت سبب بول داده و دایم قابلیت تحریک اعضای حسیه مخصوصاً سمع و بصر شدت به واسطه این حالات ملایم گردد از مقادیر متوسطه آن (عشر الی خمس گندم) به تدریج یا ابتداً یک دفعه کثرت حساسیت قوه لمس و احساس بد جیب نمله دست و هم بعد از آن کثرت حس شکیه و اختلالات تشنج و بعد از آن غثیان و اضطراب حاصل شده بالاخره شروع آن شود در عضلات تشنج کند حرکات مخصوصاً حرکات سینه و بلع مشکل کنند و این حالات بعد از آن به تدریج در دفعه کثیر آن عضلات حاصل شده و حالت کزازی آخر الامر ظاهر کنند به واسطه اثر مقادیر کثیره (ثمن گندم) انطباق فکین که از خلف تشنج و وضع و کشیده شدن اطراف و تشنج عضلات تنفسیه ظاهر کنند

مخلوط شده و سپید زیاد بجمیع جاهای کهف و مشرع عشر سال تا منتهی
این عوارض چند روز باشند و اغلب راجع بسلامت که مقدار
$\frac{3}{5}$ گندم ببالا شروع بمقادیر مهلکه میشوند عوارض مسمومیت سه
دقیقه پس از خوردن ۵ شروع کند و بعد از ۵ دقیقه تا ۵ ساعت منتهی
بهلاکت که عند خواهد رسانید در بعضی اشخاص در اول وهله مانند صاعقه
زده اغلب چیزها عظیمی که اشتداد در جمله شده کرازی واقع که
ده اها تشنجی بهم منطبق شده ستون فقرات شدت بخلف
منحنی شده عضلات اطراف و صدر و بطن مشنج خشک شده
تنفس بکلی ممتنع گشته چشمها بشدت از حدقه بیرون آمده
و حدقه تشنج کرده و این حمله که از چند ثانیه تا چند دقیقه
طول کشد و کاملیت که بعد انعکاس شدت با قیمانده و تکرار
بسیار ضعیف اگرچه آواز با صدای سر خفیف امراضی سبب حدوث حمله

جدیده توانند شد و ان نا اب سه چهار حمله بیش نپاید در دو بهلاکت
در رسد و بعلت اختناق در پی یکی از این حملات یا بواسطه فلج
عمومی آخر الامر بعد از این عوارض ممکن است زردی دهد و در گذرد
اسطریکنین اثر بلاواسطه در عضو عصبانیه انعکاسیه نخاع وارد
مرات رجا حاصله از اجتماع اسید کاربونیک در خون نشره این منظم نکند
جهت استعلاج مسمومیت این مرض شرط عمده است اولاً هر قدر زود
ممکن شود با معده را بواسطه مقیئات از آن سم متخلص کنند
و ثانیاً آثار سموم را بعد حاصل شوند بواسطه اسید طانیک یا
بواسطه طنطور ودیه رفع نمایند و این دوای اخیر تجدید بمقطعه ها
(اما از ابتدای هر ده دقیقه ده بیست قطره از آن را در آب
ریخته تا یک دو ساعت بدهند) بعد از آن مسهلات مخصوصه
مسهلات دهنیه از قبیل روغن کرچک و دهن ده بدهند

جهت استعلاج عوارض کزازیه ضعیفه ارسال کوستان ثابت

الکتریسیته در روی ستون فقرات نمایند و در صورت شدت

تراوش سه مثقال برومور پطاسیوم و استعمال ایدرات کلرال

کلرال این رابطه را منضم کرده یک دفعه بدهند و در سه از ده ساعت

بعد شش مثقال دیگر برومور پطاسیوم مقادیر منقسمه بدهند

جهت رفع حملات کزازیه به کلرفرم را بطور استنشاق و کلرال

این رابطه را از طریق اماله استعمال نمایند —

استعمالات علاجیه — سابقاً استریکنین را در اقسام فلج زیاد

استعمال میکردند ولی بعد دانسته شد آثار علاجیه آن بسیار

ضعیف است و الکتریسیته در این امراض بطور تحقیق نتایج نیک

بخشیده و هیچ ضرری مانند استریکنین که مع الخصوص گاه

کمون مجتمع شده و یک دفعه بروز کند ندارد و در طاس دردی البتین

همین قسم است بالعکس در اغلب اقسام ضعیفه آب سیاه که تابع اختلالات

جرم عصب باصره نباشند و در کوری دخانی شبکیه استریکنین گاه

نتایج خوب بخشیده در این حالات استریکنین را در نزدیک چشم بطرف

بزیر جلد تزریق میکنند و مقدار استریکنین در هر تزریق باید ابتدا یک

تا یک بانصدم تا یک صدم گندم برسد و شبانه روزی یکدفعه زرق

کنند اگرچه بعضی در روزی هیچ فایده از این تزریقات نبرده باید آنرا

متروک دارند ترکیبات گوله را در حالات سوء هضم و در

اسهال مخصوصاً در نزله های مزمنه معویه که مصادف با اخراج مواد

رقیق و کثیر است زیاد استعمال میکنند بالاخره از محلول عصاره تا

گوله (که یک گندم آن یک نخود و ده مثقال آب است) با لعاب بسیار کوچک

در شبانه روزی سه قطره و به بچه های بزرگتر شش تا دوازده قطره بدهند)

در سقوط و خروج مقعده و نیز جهت رفع عدم قدرت بر امساک بول

بسبب آن ضعف نسج عضلات مثانه زیاد تجربه شده است —

قند رشت و ترکیبات — (۱) شربات و سولفات استرکنین

بصورت سفوف و حب استعمال شده شبانه روزی دو دفعه ۱/۵۰ … گندم

(۲) کچوله یا آذاراقی — مقدار استرکنین در اقسام آن بسیار مختلف

گردد و بهتر آنست که آنرا استعمال نکنند از دو الی دفعه ۳/۵ تا یک و نیم

گندم و شبانه روزی تا ده گندم می توان داد —

(۳) عصاره های کچوله — دفعه ۲/۵ تا ۲ گندم شبانه روزی تا ده گندم —

(۴) عصاره الکحلی کچوله حب و سفوف و محلول آن استعمال است از دو الی دفعه

۱/۵۰ گندم تا ۳/۵ و شبانه روزی تا ده گندم ترکیب خوب است —

(۵) طنطور کچوله — دفعه ده تا ده و شبانه روزی تا سی قطره در اسهال

صنع اعلی نسخه دیگر … طنطور کچوله و لواتم مایع … کوف

شراب ریوند … مخلوط که هر سه ساعت سی قطره بدهند

الکالوئیدهای عمده دیگر است … استعمال غیر معمول است

معروفترین آنها از این قرار است —

(۱) وراطرین — از ریشه گندش

وراطرین از ریشه سفید … و از بذر نباتی موسوم به … دیلات طبیعی

اخذ میشود وراطرین اثر بسیار زیادی در جمیع عضلات تنظیط دارد و

آن عبارت است از … باعث استطاله زیاد … انقباض

این نوع عضلات میگردد استعمال آن از داخل بعلت زیادی خطرات است

از خارج جهت تسکین اوجاع عصبی مفید است (مرهم واژلین آن ۴% استعمال کنند

یک گرین در یک … وازلین) و باید احتیاط کنند که در چشم نرسد

غبار ریشه گندش معطس شدید است … دیلات طبیعی جهت

قتل قمل رأس استعمال است … شود

معمول دارند ولی باید احتیاط کنند که در مواضعی از جلد که خراش داشته باشد نرسد

(۲) کُلخیسین — از نبات موسوم به خانق

الکلب جریفی اخذ میشود ترکیبات این نبات مثلاً مطبوخ و شراب

و سرکه آن از اسبابها در رفع وجع مفاصل زیاد استعمال میکرده و اصحاب نقرس

مانند ترکیبات جسم ذی تروک اند —

(۳) خانق النمر را اقونیطون نیز نامند و اقونیطین از آن اخذ میشود

و فورمول [illegible] است —

(۴) پاپاورهای که اجزاء پاپاورین نیز نامند — الکالوئید کالیکا

پاپاورات دارای جسم ها بعث حتی و هضم البومین کرده و در این ایام

اجزاء حب حتی کهن اغشیه کافیه و نفطی استعمال میکنند (در کشیدم اجزا

در ده که از حتی کهنه قسم موارد دارند) —

(۵) نیکوطین — الکالوئید تنباکو است

(در صد جزء این نبات از ۲ تا چهار تا هشت جزء وجود دارد) مقدار

قلیلی از این الکالوئید (تا سه نیم یک گندم) جهت حصول سمیت

در این کفایت میکند وجوه این نوع بواسطه عادت به دخان تنباکو دار

بسیاری تنباکو کشیده و آن را نه عادتی دارد از این جهت تنبیهی ذکر کنند

آفات مختلفه روی و هضم اشتها کم شده نزله های مزمنه حلق و حنجره

و ریه مزمن و دوار طپش قلب و رعشه اطراف بلکه ضعف بصر را منجر

ها به سینه کرده و حالت [illegible] موانع کشیدن تنباکو از این قرار اند علل

نزله دوری حاد یا مزمن و دهان و حلق حالت سوء هضم و نزلات معده

(در این صورت خصوصاً از کشیدن سیگارت ها به اجتناب کرد)

اقسام [illegible] و سایر اورام [illegible] بالاخره علل ریه و قلب استعمالات

علاجیه تنباکو کلیه ناقص اند —

(۶) در اوراق و حبوب قهوه و در چای چین داشت آن یک الکالوئید

واحد یافت شده از [illegible] کافئین نامند در حبوب کاکائو الکالوئید

طبی او مربی و دوا و سوق کلی گیاهان یافت میشود و تمام این
محصولات نباتیه بیشتر بهتر الکوی و از اغذیه تقویتیه میباشند و چنین هم
خوب و مجمعی عصبانیت تولید مینمایند خوابی کمی که از آنها و اغذیه عصبیه نیز
نامند بدون هیچ ضرری اثنا و در تمام مدت حیوانات استعمال توان نمود

کافئین — خواص و ترکیب

قلیل الاستعمال است مخصوصاً در صداع شقیقه شهرت دارد و در دفعه درست
کنند آن در شبانه روز چندین دفعه سیاه شده دم کرده و مطبوخ قهوه
بسیار مستعمل است مقدار کافئین در صد جزء حبوب قهوه از یک تا
سه و چهار نگر است علاوه بر این جسم در قهوه مواد عامه علاوه
یافت شود لگومین ۱۵ قند صمغ و اسید ان ۵ و دهن و سم و اسانس
قرار ۱۳ تانن و اسید کافئیک ۵ عناصر خاکستری و غیرها ۱۲
ترکیب ادویه خشک جای چای از این قرار است کافئین (ناطه)

۸ ر ۱ البومین ۷ ر ۲ و کسلین ۸ ر ۹ اسید تانیک ۱۰ مواد
عصاره ۲۸ عناصر خاکستری ۵ ر ۱۰ (از املاح آهن و کالسیوم و منیزیوم
سارا جزء آنها محسوب است) موم و کلروفیل (ماده ملونه چای) و صمغ
و عطر نیز دارد — اسید تانیک در چای بحالت ترکیب با کافئین است
دیده میشود بهمین جهت مضر هضم نیست اختلاف رنگ الوان چای بواسطه
اختلاف اوضاع خشکاندن آن است مقدار کافئین در چای سیاه
و سبز یک اندازه است و عطر چای سیاه از چای سبز کمتر است
استعمال قهوه و چای مانند الکل و تنباکو در حفظ صحت لزومی ندارد
ولی چنانچه اندازه خورده شوند و بعضی افراط مانع استعمال آنها نباشد
جزء مشروبات تقویتیه بطور خوب که گفتیم در سلسله عصبانی تحریک کنند
بواسطه آنکه تحریکات ذهنی و دماغی سریع میشود ولی در بعضی مواقع
در آنها بهیجان و ملایمت استعمال کرد و بهیچ اثر استعمال نکنند عادت

از حالات ذبحه (۱) در اطفال آسن ده (۲) در حالت عصبانی
یا در علل عصبانیه (صرع و اختناق رحم و امثال آنها) (۳) در آفات قلبیه
(طپش عصبانی و نوبات عظم بطن چپ و امثال آنها) (۴) در استلاء
شرائین دماغیه (کثرت سطبون دماغ رعاف و امثال آنها) (۵) گاهی
در امراض مزمنه معده قهوه سیاه غلیظ را در حالات اغما و غشی قهوه
با رُم یا کنیاک یا امثال آنها و نیز در نعاس شدید و سُبات را از
تحریک مواد مخدره از قبیل تریاک حاصل شده باشد و نیز در رفع
مستی استعمال میکنند و نیز در کثرت قی معمول است و در اسهال
های مزمنه آنرا مانند مشروب معمول میدارند —

طیوبرین — از کاکائو اخذ میشود و خاصیت
آن مانند کافئین است —

کوکائین — سبب بی‌حسی موضع اطلاق آن

بدن کرده در فرنگستان در اعمال جراحی چشم و در امراض چشم و امراض
جلدیه موضعه از قبیل سوختگی و نیز در امراض فرج و امثال آن استعمال
کرده و از آن منفعت می‌برند —

مبحث دویم

در بیان گلوکوزیدها

گلوکوزیدها اجسامی هستند که بواسطه اثر مواد مخمره یا اسیدهای معدنی
تولید گلوکز (از قند انگور است) مینمایند —

فقره اولی — در بیان گلوکوزیدها

دیژیتال ارغوانی و بیان عنصر (جوهر مؤثر)

دنوگیه

این نباتات در قلب اثر کنند نبض را بطی و قوت نبض را زیاد کنند
باعث فلج عضلات مخططه شده بواسطه انقطاع انقباضات قلبیه

سبب هلاکت گردد و بهمین جهت است که اثر سمومات قلبیه
کو هند در شاعر هیچ اثری نکرده و سبب حدوث کنود و سمون نگردند —

اولاً باید دیژیتال را ذکر کرد که دارای سه ماده عامله است که از سمومات

قلبیه اند دیژیتالین — و دیژیتالین

و دیژیتالکسین — که اثر آن از همه قوی‌تر است

دیژیتالین غیر محلول در آب است و چندان استعمال بمقادیر قلیله آن جهت
حصول آثار علاجی جزئی نیست زیراکه تعداد جذب آن بسیار مختلف است

دیژیتالین و دیژیتالئین را هنوز بحالت خلوص بدست نیاورده اند
و تجربه آنها اغلب ترکیبات بسیار مختلف اند که استعمال آنها جایز نیست و بهتر

آن است که خود گیاه دیژیتال را استعمال کنند —

استعمالات علاجیه — دیژیتال که این همه معروف است در بعضی
علل قلبیه هیچ چیز دیگری قائم مقام آن نتواند شد و کلیه مواقع استعمال آن

وقتی است که بخواهند در علاج آفت عضله قلب و عللی که نتیجه از آن است کوشش
کنند و این نوع مخصوصاً در آفات و سامات خاص است و در این حالت
دیژیتال را بمقادیر قلیله میدهند (دفعه‌ئی [illegible] ترک کنند هر [illegible] ساعت
یک دفعه میدهند) دیژیتال را میتوان در سایر حالات که بواسطه سبب غیر از
آفات و سامات مثلاً بواسطه آفت مزمنه ریه یا کلیه و امثال آنها
است و عظم بطین چپ یا هر دو بطین و عدم کفایت عمل قلب دست
داده باشد نیز استعمال کرد و نیز جهت ادرار و اسهال آن را از راه استعمال میکنند
ولی اثری نکند مگر در صورتی که استسقاء نتیجه ضعف قوت عملیه قلب
و مخصوصاً از آفات و سامات خاص شده باشد ولی در صورتیکه استسقاء
لحمی در مبتلایان بمنزله‌های مزمنه و عظم تاموری بطین است حادث شده
باشد نیز کمال استعمال مشروعا در تمام این حالات باید دیژیتال را
بمقادیر زیادتر استعمال دیژیتال باشند ضد گمی در علاج علل حاده

جمونیه تقریباً در این عصر بکلی متروک شده است و همین قسم است دیژیتوکسین

دانستان ان دیژیتال از جمله ادویه ایست که اثرشان کمولاتیف است یعنی

در صورت مواظبت اثرات آن جمع شده و در بیماران آثار عدم تحمل آن

(از قبیل بطء نبض و عدم انتظام انقباضات قلبیه و تهوع و قی و اسهال الخ)

ظاهر گشته لهذا باید استعمال آنرا مقطوع نمود و اگر مقصود دوام اثر باشد مدت

مدیدی بتوان آنرا استعمال کنند چنانکه در استعلاج علل مزمنه قلب

این حالت روی میدهد احتیاط آنست در گاهگاهی مدت چند روز

استعمال آنرا موقوف دارند —

قدر شربت و ترکیبات — استعمال الکالوئیدهای دیژیتال خوب

نیست و بهتر آنست که ترکیبات مسطوره در ذیل بکار برند

(۱) برگ دیژیتال — در مقادیر قلیله از نیم تا یک گندم است

و مقادیر کثیره ان از ۲ تا ۵ گندم است و در شبانه روز تا چهار پنج گندم

و بهتر آنست سفوف باشد که آنرا هر هفته تجدید نمایند —

(۲) عصاره دیژیتال — از واحد دفعه نیم تا دو گندم و شبانه روز

تا سه گندم آنرا حب یا محلول کرده بهتر است از خارج نیز در ورم استسقائی

و ورم غدد بطریق مرهم استعمال شود (یک جزو آن در ۵ تا ده جزو) —

(۳) تنطور دیژیتال — دفعه ده تا سی قطره و تا هشتاد گندم

شبانه روز تا یکمثقال —

(۴) سرکه دیژیتال — ترکیب خوبی است و خوبی آن از این

جهت است که بسیار کم باعث اختلال هضم گردد دفعه ده تا سی قطره

شبانه روزی سه چهار دفعه بدهند —

دوم — پیاز عنصل

پیاز عنصل دارای اسیلیتین است و ترکیبهای آن اختلاف

مزیت است علاوه بر آن مقدار زیادی اکسالات دوشو و قند و ماده لعابی

دارد از آن جمله مانند دیژیتال است که معده خوب تحمل آن نمیکند

در علاج استسقاء نیز مانند دیژیتال آنرا استعمال میکنند

که از تجربه ثابت شده است که اثر این دوا را از ادرار سبب اسهال گردد

آثار مدره از آن ظاهر شود عنصر سمی جهت اخراج نفث در مواقع

ایپکا نیز استعمال میکنند بالاخره جهت حصول که اثرات شراب

الطبیون منضم کرده مخصوصاً در اطفال استعمال میکنند —

قدر شربت در ترکیبات — اول بیان عنصر از واحد دفعه نیم

تا سه چهار گندم و شبانه روزی تا چهار پنج گندم آن دم کرده یا جوشانیده

و یا جهت تصفیه بهتر و سفوف آن خوب نیست —

دوم — سکنجبین عنصر — ده گرم تا سه مثقال از واحد استعمال میشود

نسخه مقی برای اطفال کوچک بسیار مستعمل است از این قرار است شربت

الطبیون سکنجبین عنصر ملکه ۳ مثقال مخلوط کرده هر ده دقیقه یک مثقال

به بچه‌ها و یا توان داد تا ۵ گرم ایپکا مسحوق با آن افزوده —

سیم — طنطور عنصر — ده بیست قطره —

چهارم — عصاره عنصر — دفعه نیم تا چهار گندم و شبانه روزی تا چهار پنج گرم

سیم — ملوکه (گل ثاقب الثلج)

دارای کنین والالارنین است که اثر کنین والالارنین نیز مانند دیژیتال است در این ادوا آنرا

در علاج امراض تنفسیه قلب بسیار استعمال کرده و فرنگی‌ها از آن مشهور است

کنین والالارنین را از واحد دفعه عشر تا نیم گندم استعمال کرده و شبانه روز

دو دفعه هر دفعه $\frac{1}{50}$ گندم تا $\frac{1}{3}$ گندم آنرا تزریق تحت جلدی

میکنند عصاره ملوکه را نیز دفعه دو گرم تا شبانه روزی هفت گرم میدهند

فقره ثالثه — در بیان گل گورزنه

ریشه پلی گالا سنیگا —

این ریشه دارای گل گورزنه است موسوم به ساپونین

و به سبب سعال شدید ترشح فی ما دبلاغم شعب قصبة الریه را زیاد کند
ریشهٔ سنیگا تلخ و تند است مقدار قلیله یک نخود دو سه تا دو نخود چون
در هر ساعت داده شود سبب رفع امتلاء نفث گردد و مقدار کثیره
چهار پنج نخود در هر ساعت سبب ترشح براق و تهوع و قی و اسهال
نبض رقیق گردد —

استعمالات علاجیه — سنیگا جهت اخراج نفث در هنگام ورم
ورم شعب و ذات الریه در صورتیکه بدون حمّی باشد و نیز در نزله
مزمن شعب و در تمام حالاتیکه در شعب محصولات ترشحیه مخاطی بسیار
مجتمع شده و از اسکولطاسیون رال های مرطوب مسموع شود استعمال
می‌شود دیگر از شرایط استعمال این دوا آن است که اعمال هضمیه
بحالت طبیعی باشد —

قدر شربت و ترکیبات (۱) ریشهٔ آن — از داخل دفعه یک نخود تا دو نخود

تا هفت نخود و هم کم با جوشانده به نسبت نیم و نیم بسیار مستعمل است دوم
که ریشهٔ سنیگا (از ده مثقال) سی مثقال لیکن آنچنانکه اکنون دار
یک مثقال شربت اپیکا و ده مثقال مخلوط که هر یک از ساعت یک
قاشق اتراب بدهند (۲) عصارهٔ سنیگا دفعه یک تا دو نخود در شبانه روز
تا یک مثقال استراحت که به بدهند (۳) شربت سنیگا — دفعه
یک تا ده مثقال شنفر دانا یا با مشروبات محرکه نفث بدهند —

مبحث ششم

ترکیبات مُرّه

کثیری از نباتات دارای مواد عامله فعال مسلوبی اند که هیچکدام دارای
اثرات مخصوصه و ترکیب کیمیاوی آنها درست معلوم نیست و آثار آنها در بدن
چندان محسوس نیست و این نباتات را ترکیبات مُرّه نامند به سبب
ترشح براق و افزایش ترشح عصیر معدی و تحریک اشتهاء و سرعت هضم اغذیه

و لکن کلیة این آثار چندان زیاد نیست —

استعمالات علاجیه — ترکیبات تره را در علاج سوء هضم های صفراوی گاه
در سوء هضم هائیکه بر صاحب آنها عارض شده یا ضعیف اشتها زیادی دهند
و نیز اطبای تره در قلت اشتهائی که عارض مبتلایان بکلوروز میشود
(و در این صورت اغلب آنها با جدیدیات ترکیب میکنند) و در
اشتهی که بواسطه افراطات یا بسبب اعمال شاقه و طولانی شاعر ضعیف
و لاغر شده باشند و نیز در سوء هضم مزمن بشارین که در این حال
با مواد محرکه کلی محرک شده ترکیب میشوند معمول است وضع استعمال آنها
در اثر علاجی آنها اثر عمده دارد بهترین اوضاع آن است که با آنها نقوع
بسازند که ۲۴ ساعت و بیشتر طول آن کشد بعد بهتر است که از آن
عصاره ها و بعد از آنها طنطورهای الکلی که از تره ساخته است که در آن خوب
نیست و از همه بهتر سفوف آنها است —

(۱) ریشه جنطیانا

اغلب دم کرده یا نقوع آنرا میدهند ۵ تا ده در دویست عصاره آنرا
دفعه ۱ گرم تا ۲ گرم شبانه روز چهار پنج مرتبه حب یا محلول کرده بهتر
طنطور آن دفعه چهار تا ۱۵ گرم شبانه روز چند دفعه بهتر طنطور
تلخی نیز دارند که از ریشه جنطیانا و قشور پوست صغیر ملکه ۳ خلال نارنج
الکلی شاه پسند ساخته دفعه چهار تا ده گرم آنرا داده از مقویات
معده است —

(۲) برگ مینیانث

۵ گرم تا یک مثقال آن در بیست مثقال آب معمول است عصاره آنرا
دفعه از ۱ تا ده گرم میدهند

(۳) چوب کاسیا آمارا

یک تا دو مثقال آنرا در چهل مثقال آب دم کرده بهتر عصاره آنرا از

پخش کنند تا درست کوفته حب یا محلول کمی کوچکتر ادویهٔ مُرّه دیگر

دیگر که اغلب علاج متداول اند از قبیل قنطوریون صغیر و افسنتین

و خرس الدبه (ریشه شقورد) بفرانسه جنتیان لوتیه و سایر انها ما مانند

ریشه رون بری و امثال آنها علاوه بر مرات مذکوره جهت تقویت اعصاب

در فصل بهار استعمال میکنند و ادویهٔ حاصله از این عصیرها عمده

بواسطه کثرت املاح قلیائی و سودی آنهاست که مخصوصاً در

هنگام بهار بیشتر است چونکه مواد مُره در تر از این فصل

در آن نباتات وجود دارد جهت این مقصود شیره آنها و شیره

آب و هزار برگ و گل لیدرا یا دگرنس و امثال آنها را استعمال میکنند —

در اهالی فرنگستان این ادویه مره را در حالات آتیه استعمال کنند

و فایده میبرند در سوء تغذیه مزمن و نتایج مختلفه آن و در امراض

اشخاص قلیل الحرکه که غذاهای خوب زیاد استعمال میکنند و در

حالات سوء هضم خفیف نیز وجود داشته باشد شوالغا اثر آنها

بمنزله معدی و انشت نیست بلکه فقط تابع ضعف عصبانی اعمال هضمیه است

ادویه مره و نیز سوء هضم در بعضی امراض استعمال میشوند مخصوصاً

مذکور میداریم —

(۱) ریشهٔ کُلمُب

ما مانند سایر دواهای تلخ در اختلالات هضم و مخصوصاً در مواردیکه

این آفات مصادف با اسهال سابقه مزمن باشد علی الخصوص در اطفال

آنرا استعمال میکنند و در اسهالهائیکه بعد از حصبه یا ... دوام پیدا میکنند

و نیز در اسهالهای سابقه مسلولین تجویز است دستورات شقاق ریشه کلمبو

در حدود شش گرم آب دم کرده یا مقدار عصاره آنرا از ۵ تا ۲ هفت گرم

روزی چندین دفعه حب یا محلول نمک استعمال نمایند —

(۲) لیکن ایسلانه

و در استعلاج نزلهٔ مزمن و در ورم مزمن سوزاکی شعب قصبه از ضعف

هضم باشد شهوت تمام دارد و دم کردهٔ آن از ۵ نخود در روز ۳

مثقال آب میدهند —

---

(۳) پوست ریشهٔ گل دورانگ

پوست آن را در علاج استحالات سرطانیهٔ معده استعمال

میکنند ۳ مثقال آن در شش مثقال آب دوازده ساعت

خیس کنند پس از آن بجوشانند تا به سه مثقال رسد در روز

۳ دفعه هر دفعه یک قاشق بدهند —

تمام شد کتاب طراپوتیک تقریرات الی قانی

دکتر البو در مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون تقریر نموده و نگارنده تقریرات الی قانی

آلمانی میرزا خلیل خان دکتر ترجمه و مستنسخ در تاریخ ۱۲ شهر شعبان المعظم ۱۳۰۴

و بعد بهت زمان تکرار و تکثیر این مبادرت شد فی ذی الحجه الحرام ۱۳۰۹

در بیان سوختگی‌ها

سوختگی عبارت از مجموع آفات است که بواسطهٔ اثر شدید و سریع یا از ضعیف
و متمادی حرارت یکی از مکونات در جزء از بدن حاصل گردد [illegible]
تشعشعی که درجهٔ حرارت آن از ۴۵ تا ۵۰ باشد و مستقیماً بر جزء مکشوف
از بدن بتابند باعث حصول سرخی (اریتم) یا قرمزی التهابی و تشنج
یا آفتاب خوردگی موضعی میکنند —

(تبصره) — اثر آفتاب سوزان در روی سر موجب گرفتگی یا
دلالت مدت آن آفت مختلفه اشد تأثیر روی دماغ عبارت از شمس

حقیقی یا آفتاب‌زدگی است آن آفت در طهران بسیار روی داده
که جمیع نقاط اغلب اطباء قدیم ایران معرفت بدان ندارند لازم است
در این موقع ذکری از آن بمیان آید که بواسطه آفتاب‌زدگی احتقان
دماغ و املای نیز احتقان یک علامت [illegible] قبل از حصول آن شمس
شهیق‌های سریعه و طپش قلب علامت شدیدی و تشنج از ادعای شدیده
[illegible] مصاحب کیمی و هذیان است [illegible] بلکه
فقدان شعور است [illegible] حمله عمومی در زمان حرارت آن اغلب
چندین ساعت تا چندین روز است عارض [illegible] بعد ورم حجب
دماغیه بلکه فلج عمومی و تشنج تام و حرکات ارتعاشیه [illegible] در
اطفال [illegible] این علامات بسرعت و گاه بغتتاً عارض
[illegible] اغلب در ایام [illegible] نوبه غشی شبیه [illegible] علاج آنها
متفاوت است در خطا و خطر افتند تشمس [illegible] نقصد از د

وارید حروقات اطراف سافله و آب سرد بر روی سر و قلب بریزند و
ضد التهاب به معالجه شود (و نباید گذاشت که استعداد به هیجان) و نیز سایر عوارض
منتجه از این درجه باشند (تا شصت) بواسطه اختلاط تام عروق و ترشح خارج
عضلات عرق بسبب رطوبت موضعی شوند و اغلب این حروقات نقطهای شفاف
یا به هر گاه شعله یا جسمی را در حالت احتراق با ضربت آشنا یا بعضی از درجه
حرارت آن بیش از شصت یا هشتاد درجه که البته کار آنها باشد با سایر
مکونات را بلافاصله ملاقی جزئی از بدن نمایند سبب اجزاء شده و تنقط یا سبب
حدوث خشکریشه انساج گردد و این اجزاء نیز بواسطه التهاب عروق انساج
حاصل شده و همه وقت اگر اجزاء مذکور سریع الحصول باشد رقت جلد
عرقیه نیز دست داده پس از آن رطوبت بعضا از عروق ترشح نموده
مایع مصلی در انساج تحت جلدی زیر بشره نفوذ نموده بشره مرتفع و تولید
حبابهای مختلف الحجم نموده ممتلی از سرم ماء و مایعی شبکه جلدی باشد

وطبقه

وطبقه قرنیه بشره واقع است این مایع مصلی همه وقت شفاف است و هیچوقت
ندیده ام که رنگ آن قرمز گردد الا آنکه هرگاه سوخته باشد اگر بلافاصله پس از اثر حرارت ترشح
مایع مصلی دست دهد حباب منفجر گردد و اگر اثر محرق دوام پیدا کند
خون و انساج مادون منجمد شده و بعد بواسطه فساد و متشقق العمق روی داد
اولا از حیثیت عمق و ثانیا از حیثیت وسعت و طبیعت آفات موضعیه
شش درجه سوختگی قائل شده اند (۱) ورم سطحی اریتم جلد احمرت
انساج جلدیه) (۲) تنقط (عبارت است از ورم با حدوث نفاطات
صغار یا کبار) (۳) خشکریشه شدن طبقات سطحیه جلد (فساد سطحی
(۴) فساد مجموع جلد و نسج زنبوری تحت آن (۵) فساد تمام اجزاء
لینه تا عظام (۶) تفحم تمام اجزای محترقه هر گاه بعضی از موضعی
فقط در حالت تموماسه خفیفه مذکور شده یا صعوبت ... و مانند
سیر خون با اریتم یا التهاب است این سرخی در بعضی نقاط حرارت

اگر تخم خیلی شدید است و سفیدرنگ که در نمو خود بیشتر شود اطراف
آن بطور تمایز محدود و منتهی نشود چنانکه در قوبای با اسپیزه حقیقی است
بلکه در حدود اجزای سالمه اجزای متوسطه واقع است این قسم خون نقص
همچو است منبسط نشده و در همانجا که هر یک حلقه است محدود مانده نمیدهند
سه چهار روز دوام کند که گاهی فقط پس از چند ساعت رفع گردد
قوبای جلدی صاحب با درجات است بواسطه لمس و حرکت شدت نموده
و سبب ... کم کند گاهی چند بواسطه مس خون با بواسطه ترشح مصنع
قلیلی در آن ... منتفخ است اگر ... چندان دوام نکند در آخر
تغییری در اجزای ما دفعه ... شود اگر چند روز دوام نماید طبقه
قرنیه بشره بشکل صفحات صغار یا فلس‌های کوچک سطح شده از دور
این تقشیر ها منقشف بیان شده با بواسطه که هر یک سلول‌های شبکه
باشد بسرعت مجدداً تولید شده این معنی دلالت بر آن کند که هر یک

عارض اودیما نیز شده و ورم خفیفی در شبکه مذکوره دست داده در حقیقت
ابتدای درجه دویم و برزخ ما بین آن و درجه اول است تنفط نیز در حباب
با اوجاع شدیده است و گرچه سریعاً منشرح باشد و بطیئاً تا قرار از ده ساعت بعد
از احتراق حاصل گردد و سعت نقطه‌های آب رقیق مختلف است اگر حباب
شق کند بشره بشکل قطعات پاره پاره اجزای سالمه چسبیده و اودیمه بسیار قرمز
و ... گاهی کم رطوبت است و به هم وقت حباب‌ها ...
بدون آنکه بشره ... برداره باز کنند بخلاف که پس از این عمل اوجاع
کم کند پس از آن در یک مدت یک تا دو هفته بشره جدیده به شکل
شده چیزی قرمز رنگ باقی ماند گاهی طبقه قرنیه چند دفعه منقشر
کند پس در کیفیت تنفط هیچ جزء فاسد نشده و بسبب خون و ترشح دست
داده است و بواسطه ماده ترشحیه بشره بلند شده است طبقه قرنیه
بشره از بینالرشته ... بواسطه کثرت سلول‌های طبقه ...

[stamp]

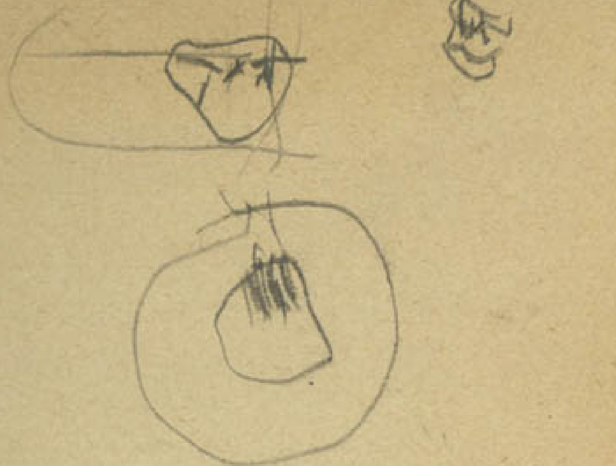

۲۴ ـ ماروس ۱۳۴۹